

# آل عمران

۳

سوره:

۴ - ۳

جزء:

۲۰۰

آیات:



### سیمای سوره‌ی آل عمران

سوره آل عمران دارای دویست آیه است و آیات آن از یک نظام و هماهنگی خاصی برخوردارند. این سوره در مدینه نازل شد و نزول آن زمانی بود که ندای دعوت اسلام در جهان آن روز بلند و دشمنان حساس و گوش به زنگ شده بودند. چنانکه در تفسیر المیزان آمده است، عده‌ای از مسیحیان منطقه‌ی نجران، برای شنیدن سخنان پیامبر به مدینه آمدند که هشتاد و چند آیه اول این سوره برای توضیح معارف اسلام به آنان یکجا نازل گردید و با ماجرای مباحثه به انجام رسید.

همچنین ماجرای جنگ احد و دعوت مسلمانان به صبر و پایداری، در این سوره مطرح شده است. نام این سوره بر اساس آیات ۳۳ و ۳۵ آن می‌باشد که ماجرای تولد مریم فرزند عمران را بیان می‌دارد. لذا مراد از آل عمران در این سوره، حضرت مریم علیها السلام و حضرت عیسی علیه السلام می‌باشند، گرچه نام پدر حضرت موسی نیز، عمران بوده است.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

﴿ اَلَمْ ﴾

الف لام میم.

### نکته‌ها:

□ در جلد اول تفسیر نور، درباره‌ی آیه‌ی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ گفته شد که آن از جایگاه خاصی برخوردار و خود آیه‌ای مستقل است. گفتن آن در اول هر کار سفارش شده و تکرار آن در ابتدای هر سوره، نشانه‌ی اهمیت آن است. ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ مخصوص اسلام نیست و بعضی از پیامبران دیگر نیز این آیه را با همین عبارت بکار برده‌اند. این‌که ﴿بِسْمِ اللَّهِ﴾ با حرف «باء» شروع شده که به معنای استمداد و کمک‌خواهی است، نشانه‌ی آن است که بدون خواست و اراده او هیچ‌کاری صورت نمی‌گیرد.

استعانت از خدا، یعنی کمک گرفتن از تمام صفات او. خداوند رحمن و رحیم است و چشم امید ما به رحمت اوست، رحمتی گسترده و عمومی برای این جهان و آن جهان. آری! دیگران یا رحم ندارند و یا رحمشان محدود به افراد خاص و یا زمان و مکان خاصی است و هدفشان از رحم کردن، بازگشت سود آن به خودشان است، نظیر علفی که به حیوان یا دانه‌ای که به مرغ می‌دهند تا از او بهره‌مند شوند. رحمتی گسترده و ابدی برای همه بدون قصد بازگشت مخصوص خداوند است. پس از چنین خدای رحمن و رحیمی استمداد کنیم و بگوییم: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

□ چنانکه در سوره‌ی بقره ذکر شد ﴿اَلَمْ﴾ از حروف مقطعه است. شاید مشهورترین و بهترین

نظر درباره حروف مقطعه همین باشد که بگوییم رمزی است میان خدا و پیامبرش. امام صادق علیه السلام فرمودند: «الم» در اول سوره آل عمران، رمز این جمله است: «أنا الله المجید» یعنی منم خدای مجید.<sup>(۱)</sup> و یا اعلام این موضوع باشد که قرآن، کلام الهی نیز از همین حروف الفبا تألیف یافته، ولی با این حال معجزه است. اگر شما هم می‌توانید از همین حروف، کتابی همچون قرآن بیاورید. همان‌گونه که قدرت الهی از خاک، انسان می‌آفریند ولی بشر از خاک، سفال و آجر و کوزه می‌سازد. این تفاوت قدرت الهی با قدرت بشری است.

□ حروف مقطعه ﴿الم﴾ در ابتدای شش سوره بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان و سجده آمده است.

### ﴿۲﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

خدا که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است.

#### نکته‌ها:

- «قَیُّوم» به کسی گفته می‌شود که خود به دیگری تکیه نداشته باشد، ولی دیگران به او تکیه دارند و یا قوام‌بخش همه چیز است.
- خداوند در آفریدن، تدبیر و تسلط کامل دارد. عوامل و اسباب مادی وسیله‌ی پیدایش می‌شوند، ولی مستقل نیستند و سبب بودنشان از خودشان نیست.
- موجودات دیگر، علم، حیات و قدرت مستقلی ندارند. تنها او زنده‌ای است که زندگی هر موجود زنده وابسته به اوست.
- در دعای جوشن‌کبیر می‌خوانیم: او قبل از هر زنده‌ای زنده و بعد از هر زنده‌ای زنده است. هیچ زنده‌ای شریک او نیست و به کسی نیاز ندارد. جان همه‌ی زنده‌ها و رزق آنها به دست اوست. او زنده‌ای است که زنده بودن خود را از کسی به ارث نبرده است.

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۹.

## پیام‌ها:

- ۱- توحید، سرلوحه‌ی کتب آسمانی است. ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾
- ۲- شرط معبود شدن، داشتن کمالات ذاتی است و تنها خداوند است که قائم به ذات خویش و بی‌نیاز مطلق است. ﴿الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾

﴿ ۳ ﴾ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ  
التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

او کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کرد، که تصدیق کننده کتاب‌های پیشین است و (او است که) تورات و انجیل را فرو فرستاد.

## نکته‌ها:

- کلمه‌ی «تورات»، در زبان عبری به معنای شریعت و قانون است. تورات کنونی دارای پنج بخش به نام‌های: ۱. سفر پیدایش ۲. سفر خروج ۳. سفر لاویان ۴. سفر اعداد ۵. سفر تثنیه می‌باشد. از آنجایی که در تورات شرح وفات و دفن حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ مطرح شده، معلوم می‌شود که این مطالب بعد از حضرت موسی جمع آوری شده است.
- کلمه‌ی «انجیل»، ریشه‌ی یونانی دارد و به معنای بشارت است. انجیل نام کتاب مسیحیان است و قرآن هر کجا از آن نام برده، به صورت مفرد بیان کرده است، ولی امروزه در میان مسیحیان انجیل‌های متعددی وجود دارد که همه پس از حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و به دست یاران و پیروان او نوشته شده و به نام خود آنان معروف است، عبارتند از: ۱. انجیل متی. ۲. انجیل مرقس. ۳. انجیل لوقا. ۴. انجیل یوحنا.

## پیام‌ها:

- ۱- فرو فرستادن کتب آسمانی، جلوه‌ای از قیومیت خداوند است. ﴿الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ﴾
- ۲- قرآن از هرگونه باطلی مصونیت داشته و منطبق با حقیقت است. ﴿بِالْحَقِّ﴾

- ۳- کتاب‌های آسمانی انبیا، مؤید یکدیگرند. ﴿مصدقاً لما بین یدیه﴾
- ۴- تصدیق کتب آسمانی پیشین، عاملی برای وحدت خداپرستان و یکی از شیوه‌های دعوت دیگران است. ﴿مصدقاً﴾
- ۵- تصدیق تورات و انجیل واقعی توسط قرآن، حقی بزرگ بر ادیان گذشته است، و گرنه با خرافاتی که در تورات و انجیل وجود دارد، آسمانی بودن آنها به کلی فراموش می‌شد. ﴿مصدقاً﴾
- ۶- با آنکه مراحل تربیت الهی و ابزار و دستورالعمل‌های آن در هر زمان و شرایطی متفاوت بوده‌اند، ولی از آهنگ تکاملی و وحدت در هدف برخوردارند. ﴿مصدقاً﴾

﴿ ۴ ﴾ مِنْ قَبْلِ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ  
 اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

او (تورات و انجیل را) پیش از این (قرآن) برای هدایت مردم (فرو فرستاد) و اینک فرقان را (که وسیله‌ی تمییز حق از باطل است) نازل کرد، البته برای کسانی که به آیات الهی کفر ورزند، عذاب شدیدی است و خداوند شکست‌ناپذیر صاحب انتقام است.

**نکته‌ها:**

- یکی از نام‌های قرآن، فرقان است. فرقان، یعنی آنچه مایه‌ی افتراق، جدایی و فرق گذاشتن است. از آنجا که قرآن راه تشخیص حق از باطل می‌باشد، لذا به آن فرقان گفته شده است.
- عذاب شدید مخصوص آخرت نیست. در این آیه نفرموده که عذاب کفار مربوط به آخرت است، زیرا گاهی سرگرمی و حرص بر اندوختن مال و غفلت از خداوند و معنویات، خود نوعی عذاب است. در آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی توبه می‌فرماید: خداوند به گروهی مال و اولاد می‌دهد تا به وسیله آنها عذابشان کند.
- امام صادق علیه السلام درباره‌ی ﴿أنزل الفرقان﴾ فرمودند: «هر امر محکم، فرقان است و کتاب در

﴿أنزل الكتاب﴾، مجموع قرآن است.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- هدایت مردم، یک سنت همیشگی الهی بوده است. ﴿من قبل هدی﴾
- ۲- مخاطب کتب آسمانی، عموم مردم هستند، نه قبیله و نژادی خاص. ﴿للنّاس﴾
- ۳- هرکجا میان سلیقه‌ها، افکار و عقاید به هر نحو دچار تحیر شدیم، حرف آخر از آن قرآن است. (حتی اگر در میان روایات نیز دچار حیرت شدیم، باید به حدیثی توجه کنیم که مطابق با قرآن باشد). ﴿الفرقان﴾
- ۴- عذاب الهی، پس از اتمام حجّت بر مردم است. ﴿هدی للنّاس... الذّین کفروا... لهم عذاب شدید﴾
- ۵- این آیه مایه‌ی دلگرمی و تسلی خاطر پیامبر و مؤمنان است که خداوند به حساب کفّار سرسخت می‌رسد. ﴿عزیز ذوانتقام﴾
- ۶- سرچشمه کیفر و انتقام خدا، عملکرد ماست و گرنه او عزیزی است که هیچ کمبودی ندارد. ﴿عزیز ذوانتقام﴾
- ۷- نافرمانی و کفر مردم در خداوند اثری ندارد. ﴿کفروا، والله عزیز﴾

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾

همانا هیچ چیز، (نه) در زمین و نه در آسمان، بر خداوند پوشیده نمی‌ماند.

### نکته‌ها:

- در چند آیه‌ی قبل، سخن از قیوم بودن خداوند بود. در این آیه، آشکار بودن همه چیز برای او مطرح شده که جلوه‌ای از قیومیت اوست.

۱. تفسیر عبّاشی، ج ۱، ص ۱۶۲.

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند بر همه چیز آگاه است. ما وهمه‌ی هستی هر لحظه در محضر خدا هستیم، در محضر او گناه نکنیم. با توجه به آیه‌ی قبل، استفاده می‌شود که کفر و معصیت هیچ کس بر خدا پوشیده نیست. ﴿کفروا... لایخفی علیه شیء﴾
- ۲- تعدّد افراد، تعدّد اعمال، تعدّد مکان‌ها و زمان‌ها هیچ کدام مسأله‌ای را بر خداوند پنهان نمی‌سازد. ﴿لایخفی علیه شیء فی الارض و لا فی السماء﴾

﴿ ۶ ﴾ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

او کسی است که شما را آنگونه که می‌خواهد در رحم‌ها صورت‌گیری می‌کند. جز او که قادر شکست‌ناپذیر و حکیم است، معبودی نیست.

## نکته‌ها:

- شکل‌گیری جنین در رحم، نشانه‌ی دیگری از قیوم بودن خداوند است که در آیات قبل خواندیم.
- موضوع صورت‌گیری انسان در رحم مادر، در میان دو آیه‌ی نزول کتاب آمده است، شاید رمز این باشد که خدایی که در رحم مادر به شما سر و سامان می‌دهد، با تشریح قوانین الهی و ارسال کتب آسمانی، به رشد آینده و ابدی شما نیز سامان می‌بخشد.
- تأثیر هریک از عوامل وراثتی، بهداشتی، غذایی و روانی در شکل‌گیری صورت و جسم افراد نیز از سنّت‌های الهی و در مدار قدرت و تدبیر و حکمت اوست.

## پیام‌ها:

- ۱- منشأ تکوین و تشریح یکی است. آن کسی که برای هدایت شما کتاب فرستاد، همان است که شما را آفریده است. ﴿هدی للنّاس... یصوّرکم﴾
- ۲- صورت‌گیری انسان در رحم مادر، تنها بدست اوست. ﴿هو الَّذی یصوّرکم﴾



- ۳- اکنون که صورت بندی ها به دست خداست، یکدیگر را به خاطر شکل و قیافه سرزنش نکنیم. ﴿هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ﴾
- ۴- تفکر در آفرینش خود، عامل ایمان به خداوند است. ﴿يَصَوِّرُكُمْ... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾
- ۵- گرچه خداوند به هر کاری قادر است؛ ﴿كَيْفَ يَشَاءُ﴾ ولی کاری بر خلاف حکمت نمی کند. ﴿هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾
- ۶- صورت های گوناگون افراد بشر، نشانه‌ی قدرت و حکمت اوست. ﴿يَصَوِّرُكُمْ... الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

﴿۷﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد. بخشی از آن، آیات محکم (روشن و صریح) است که اصل و اساس این کتاب را تشکیل می‌دهد. (و هرگونه ابهامی در آیات دیگر، با مراجعه به این محکمت روشن می‌شود) و بخشی از آن، آیات متشابه است (که احتمالات مختلفی در معنای آیه می‌رود، ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن می‌شود). اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، به جهت ایجاد فتنه (و گمراه کردن مردم) و نیز به جهت تفسیر آیه به دلخواه خود، به سراغ آیات متشابه می‌روند، در حالی که تفسیر این آیات را جز خداوند و راسخان در علم نمی‌دانند. آنان که می‌گویند: ما به آن ایمان آورده‌ایم همه‌ی آیات از طرف پروردگار ماست (خواه محکم باشد یا متشابه) و جز خردمندان پند نگیرند.

## نکته‌ها:

□ در این آیه، چند سؤال مطرح است:

سؤال: قرآن در یکجا همه‌ی آیات خود را محکم دانسته و فرموده: ﴿کتابُ اُحکمت آیاتهُ﴾<sup>(۱)</sup> و در جای دیگر همه را متشابه دانسته و فرموده: ﴿کتاباً متشابهاً﴾<sup>(۲)</sup> و در این آیه بعضی را محکم و بعضی را متشابه معرّفی نموده است؟

پاسخ: آنجا که قرآن فرمود: تمام آیات قرآن محکم است، یعنی سخن سست و بی‌اساس در هیچ آیه‌ای نیست و آنجا که فرمود: همه‌ی آیات متشابه هستند، یعنی سیستم و آهنگ آیات قرآن، هماهنگ، یکنواخت و شبیه بهم است.

اما با این حال، از نظر فهم مردم همه‌ی آیات یکسان نیستند، بعضی صریح و روشن و همه کس فهم، ولی بعضی دارای معانی بلند و پیچیده‌اند که همین امر موجب شبهه و اشتباه آنان می‌گردد.

سؤال: چرا در قرآن آیات متشابه به کار رفته است؟

پاسخ: اولاً: وجود آیه‌های متشابه زمینه‌ی فکر و تدبیر در آیات قرآن است. ثانیاً: موجب رجوع مردم به رهبران آسمانی می‌شود. آری، اگر همه‌ی درس آسان باشد، شاگرد نیازی به استاد احساس نمی‌کند.

ثالثاً: متشابهات وسیله‌ی آزمایش مردم است. گروهی کژاندیش، از لابلای آنها به سراغ اهداف شوم خود می‌روند و گروهی اندیشمند، به فرموده امام رضا علیه السلام با مراجعه به محکّمات، معنای صحیح آیات را کشف می‌نمایند. «من ردّ متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقیم»<sup>(۳)</sup>

سؤال: نمونه‌ای از آیات متشابه را در قرآن بیان کنید؟

پاسخ: در قرآن می‌خوانیم: ﴿الی رَبِّها ناظرة﴾<sup>(۴)</sup> در قیامت، چشم‌ها به پروردگارشان می‌نگرند. چون عقل سلیم، جسم بودن را برای خداوند محال می‌داند و در آیات دیگر قرآن نیز

۱. هود، ۱.

۲. زمر، ۲۳.

۳. بحار، ج ۲، ص ۱۸۵.

۴. قیامت، ۲۳.

می خوانیم: «لاتدرکه الابصار»<sup>(۱)</sup> چشمها او را درک نمی کنند، لذا می فهمیم که مراد از نگاه به پروردگار، نگاه به لطف و پاداش او در قیامت است. همچنین مراد از «دست خدا» در آیه ی «یدالله فوق ایدیهم»<sup>(۲)</sup> قدرت اوست، چنانکه در فارسی نیز می گوئیم: فلانی در فلان شهر یا اداره دست دارد، یعنی قدرت دارد. وگرنه خداوند که جسم نیست تا دست و پا داشته باشد. قرآن نیز می فرماید: «لیس کمثله شیء»<sup>(۳)</sup> او همانندی ندارد.

این گونه آیات، سبب انحراف ساده اندیشانی شده که به آیات دیگر توجه ندارند و از مفسران واقعی یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ جدا افتاده اند و شاید به جهت همین خطرات باشد که قرآن، خود به ما سفارش نموده است هنگام قرائت قرآن از شرّ شیطان به خداوند پناه ببرید. «فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم»<sup>(۴)</sup>

سؤال: تأویل قرآن به چه معناست؟

پاسخ: شاید مراد از تأویل، اهداف و معارف و اسرار پشت پرده ای باشد که بعد روشن می شود. نظیر تعبیر خوابی که حضرت یوسف دید و بعد روشن شد و یا اسراری که در شکستن کشتی توسط خضر و موسی بود که بعد روشن شد.

□ در روایات می خوانیم: آیات ناسخ، از محکّمات و آیات منسوخ از متشابهات قرآن است و ائمه معصومین ﷺ مصداق بارز راسخون در علم هستند.<sup>(۵)</sup>

□ حضرت علی ؑ در نهج البلاغه<sup>(۶)</sup> از راسخان در علم ستایش می کند. آنان که به عجز علمی خود نسبت به علومی که مخصوص خداست اعتراف دارند و از تعمق در چیزی که ضرورتی ندارد دست باز می دارند.

۱. انعام، ۱۰۳. ۲. فتح، ۱۰. ۳. شوری، ۱۱.  
۴. نحل، ۹۸. ۵. تفسیر نورالثقلین. ۶. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

## پیام‌ها:

- ۱- هرکس همه‌ی آیات را نمی‌فهمد. ﴿وَأُخْرَ مِثَابَهُات﴾
- ۲- قلب‌های منحرف، منشأ فساد و فتنه است. ﴿فِي قُلُوبِهِم زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾
- ۳- فتنه، تنها آشوب نظامی و فیزیکی نیست، تفسیر به رأی و تحریف فرهنگ و معانی آیات نیز فتنه است. ﴿ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾
- ۴- گاهی حق و حقیقت نیز دستاویز باطل می‌شود. ﴿ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ﴾
- ۵- هدف نهایی و مقصد اعلای آیات الهی را تنها خدا و راسخان در علم می‌دانند. ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾
- ۶- نام راسخان در علم در کنار نام مقدس خداوند آمده و مقامشان بعد از مقام الهی است. ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾
- ۷- علم، درجاتی دارد که بالاترین آن آشنا شدن به تأویل و رسیدن به هدف نهایی است. ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾
- ۸- عالمان واقعی بی‌تکبرند. ﴿وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ﴾
- ۹- گرایش به باطل، مانع از رسیدن به درجات بالای علم است. ﴿الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ در برابر ﴿فِي قُلُوبِهِم زَيْغٌ﴾ قرار داده شده است.
- ۱۰- هر چه را نمی‌فهمیم انکار نکنیم. ﴿كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾
- ۱۱- نزول آیات محکم و متشابه، در مسیر تربیت است. ﴿كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾

﴿ ۸ ﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً  
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

(راسخان در علم می‌گویند: پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی، دل‌های ما را به باطل مایل مگردان و از سوی خود ما را رحمتی ببخش. به راستی که تو خود بسیار بخشنده‌ای.)

### پیام‌ها:

- ۱- به علم و دانش خود مغرور نشویم و از خداوند هدایت بخواهیم. ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا...﴾
- ۲- نشانه‌ی علم واقعی و رسوخ در علم، توجه به خدا و استمداد از اوست. ﴿الْأَلَّا الراسخون فی العلم... رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا﴾
- ۳- محور هدایت و گمراهی، قلب و افکار انسانی است. ﴿لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا﴾
- ۴- در خط قرار گرفتن خیلی مهم نیست، از خط خارج نشدن بسیار اهمیت دارد. ﴿بعد اذ هدیتنا...﴾
- ۵- هدیه و هبه‌ی حقیقی، مخصوص اوست. ﴿إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾

﴿ ۹ ﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ  
الْمِيعَادَ

(راسخان علم در ادامه دعا گویند: پروردگارا! همانا تو مردم را برای روزی که در آن شکی نیست گرد آوری. همانا خداوند وعده‌ی خود را تخلف نمی‌کند.)

### نکته‌ها:

- کسی که به قیامت ایمان دارد؛ ﴿لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ نگران عاقبت و سرنوشت خود می‌شود و از خداوند استمداد می‌کند.

□ منشأ خُلف وعده، غفلت، عجز، ترس، جهل و یا پشیمانی است که هیچ کدام از اینها در ذات مقدّس الهی راه ندارد. ﴿لَا يَخْلِفُ الْمِعَادَ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- راسخان در علم، به آینده و قیامت چشم دوخته‌اند. ﴿انك جامع النَّاسِ لِيَوْمٍ...﴾
- ۲- توجّه به حالات روحی در دنیا؛ ﴿لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا﴾ و پاس‌خگویی به اعمال در آخرت، نشانه‌ی دانشمندان واقعی است. ﴿لِيَوْمٍ لَّارِيبَ فِيهِ﴾
- ۳- روز قیامت، هم روز جمع است که مردم یکجا برای حسابرسی جمع می‌شوند؛ ﴿جامع النَّاسِ﴾ و هم روز فصل است که بعد از محاکمه، هر یک جداگانه به جایگاه خود می‌روند. ﴿انَّ يَوْمَ الْفِصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾<sup>(۱)</sup>
- ۴- راسخان در علم به قیامت یقین دارند، ﴿لَارِيبَ فِيهِ﴾ چون به وفای خداوند یقین دارند. ﴿لَا يَخْلِفُ الْمِعَادَ﴾

﴿ ۱۰ ﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ

همانا کسانی که کفر ورزیدند، نه اموالشان و نه فرزندانشان در برابر (عذاب) خدا (در قیامت) هیچ به کارشان نمی‌آید و آنان خود هیزم و سوخت آتش‌اند.

### نکته‌ها:

- «وقود» به معنای ماده‌ی سوختنی است. وسیله‌ی آتش‌زایی دوزخ دو چیز است: سنگ‌ها و انسان‌ها؛ ﴿وقودها النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ﴾<sup>(۲)</sup> آری؛ خصلت‌ها و افکار و اعمال، هویت انسان را دگرگون می‌کند و انسان به سوخت آتش تبدیل و خود عامل سوختن خود می‌شود.
- غیر از خداوند هیچ‌کس، نه در دنیا و نه در آخرت، نمی‌تواند نیازهای واقعی انسان را تأمین کند و انسان در هر حال به او نیازمند است.

۱. نبأ، ۱۷.

۲. بقره، ۲۴.

## پیام‌ها:

- ۱- گرچه آیه مخصوص کافران است ولی باید پند گرفت و به مال و فرزند مغرور نشد. دل‌بستگی به غیر خدا هر چه باشد، بی‌ثمر و محکوم است. ﴿لَنْ تَغْنَىٰ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَولَادُهُمْ﴾
- ۲- کفر، انسان را از مدار انسانیت خارج و در حدّ اشیای مادی و طبیعی پایین می‌آورد. ﴿أولئك هم وقود النار﴾

﴿ ۱۱ ﴾ كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ

اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

(شیوهی کفار) مانند روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند، آیات ما را تکذیب کردند، پس خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان بگرفت. و خدا سخت کیفر است.

## پیام‌ها:

- ۱- بعد از بیان کلیات، بیان نمونه‌ها لازم است. ﴿کفروا... کذاب آل فرعون﴾
- ۲- تاریخ و تجربه‌ی گذشتگان، بهترین درس است. ﴿کذاب آل فرعون...﴾
- فرعون و آل فرعون که نماد قدرت و زور بودند، در برابر قهر خداوند لحظه‌ای نتوانستند مقاومت کنند، شما به این مال و قدرت اندک خود ننازید.
- ۳- گاهی نقش اطرافیان طاغوت از خود طاغوت کمتر نیست. ﴿کذاب آل فرعون﴾
- ۴- گناه بد است، ولی بدتر از آن عادت به گناه و روحیه‌ی گناه است. ﴿کذاب آل فرعون و...﴾
- ۵- خصلت‌ها، شیوه‌ها و اعمال و گناهان مشابه، جزا و پاداش مشابه دارد. ﴿کذاب آل فرعون﴾
- ۶- عامل هلاکت امت‌ها، گناهان آنان بوده است. ﴿فأخذهم الله بذنوبهم﴾
- ۷- آنجا که گناه جزو روحیه و عادت شد، عقوبت پروردگار سخت است.

﴿كدأب... شديد العقاب﴾

﴿۱۲﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتُّغْلِبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ

الْمِهَادُ

به کسانی که کافر شدند بگو: به زودی شکست می‌خورید و به سوی جهنم رانده می‌شوید و چه بد جایگاهی است.

### نکته‌ها:

□ چنانکه در تفاسیر، مجمع‌البیان و کبیر و مراغی آمده است وقتی مسلمانان در سال دوم هجری در جنگ بدر پیروز شدند، گروهی از یهود گفتند: این پیروزی نشانه‌ی صداقت محمد ﷺ است، چون در تورات آمده است، او کسی است که بر دشمنانش پیروز می‌شود. گروهی دیگر از یهود گفتند: عجله نکنید! شاید در جنگ‌های دیگر شکست بخورد. وقتی در سال سوم، جنگ احد پیش آمد و مسلمانان شکست خوردند، این گروه از یهودیان خوشحال شدند.

آیه نازل شد که زود قضاوت نکنید، در آینده‌ی نزدیک شما شکست می‌خورید. طولی نکشید که مسلمانان، یهود بنی قریظه و بنی‌نضیر مدینه را درهم شکستند و در فتح مکه نیز مشرکان را از بین بردند؛ شاید آیه اشاره به شکست تمام کفار جهان یا ظهور حضرت مهدی باشد.

### پیام‌ها:

۱- دلداری مؤمنان و تهدید کفار، نشانه رهبری صحیح و ایمان به هدف است.

﴿قل للذين كفروا ستغلبون﴾

۲- یکی از معجزات قرآن، پیشگویی‌های صادق آن است. ﴿ستغلبون﴾

۳- حق، پیروز و کفر، محکوم به شکست است. ﴿ستغلبون﴾

۴- با شایعات و تبلیغات دشمن، مقابله کنید. ﴿ستغلبون﴾



۵ - از شکست‌هایی نگران باشید که به جهنم منتهی می‌شود، و الا در هر جنگی احتمال شکست وجود دارد. «ستغلبون وتحشرون الی جهنم»

﴿ ۱۳ ﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

به یقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبرو شدند، برای شما نشانه (و درس عبرتی) بود. گروهی در راه خدا نبرد می‌کردند و گروه دیگر که کافر بودند (در راه شیطان و هوس خود). کفار به چشم خود مسلمانان را دو برابر می‌دیدند (و این عاملی برای ترس آنان می‌شد) و خداوند هر کس را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند. همانا در این امر برای اهل بینش، پند و عبرت است.

#### نکته‌ها:

□ این آیه مربوط به جنگ بدر است که دو گروه مسلمانان و کفار در برابر یکدیگر قرار گرفتند. در این نبرد تعداد مسلمانان سیصد و سیزده نفر بود که هفتاد و هفت نفر آنها از مهاجران و دویست و سی و شش نفر از انصار بودند. پرچمدار مهاجران حضرت علی ع و پرچمدار انصار سعد بن عباده بود. مسلمانان هفتاد شتر، دو اسب، شش زره و هشت شمشیر داشتند، ولی لشکر کفر بیش از هزار رزمنده و صد اسب‌سوار داشت. مسلمانان در آن جنگ با دادن بیست و دو شهید - چهارده نفر از مهاجران و هشت نفر از انصار - بر دشمن کافر که هفتاد کشته و هفتاد اسیر داده بود، پیروز شدند.

□ جنگ بدر با پیش‌بینی قبلی انجام نشد. هدف، مصادره اموال کفار به تلافی مصادره‌ی اموال مسلمانان مهاجر از مکه بود که به جنگ و برخورد نظامی انجامید. «فی فئتين التقتا»  
 □ سؤال: در این آیه می‌خوانیم که کفار، مسلمانان را دو برابر دیدند؛ «یرونهم مثلیهم» در حالی که در آیه‌ی ۴۴ سوره انفال می‌خوانیم: مسلمانان در چشم کفار کم جلوه کردند؛

﴿يَقْلَلِكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ﴾ چگونه چنین چیزی ممکن است؟

پاسخ: ممکن است چنین گفته شود: در آغاز جنگ، مسلمانان را کم دیدند تا جرأت هجوم پیدا کنند و از کفار مکه کمک نخواهند، ولی در هنگام جنگ، آنان را زیاد دیدند و خود را باختند. بنابراین کم دیدن و زیاد دیدن در دو مرحله و دو زمان بود، لذا تناقضی وجود ندارد.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- هدف جنگ باید برای خدا و دین خدا باشد. ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾
- ۲- رزمندگان مسلمان دارای یک هدف هستند. ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾
- ۳- آنجا که خدا بخواهد دیده‌ها، برداشت‌ها و افکار عوض می‌شود. با همین چشم همین جمعیت را دو برابر می‌بیند. ﴿يُرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ﴾
- ۴- یکی از امدادهای غیبی، ایجاد رعب در دل دشمنان است. ﴿يُرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ... وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ﴾
- ۵- جنگ بدر نشان داد که اراده خداوند بر اراده خلق غالب و تنها امکانات مادی، عامل پیروزی نیست. ﴿يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾
- ۶- گرچه خداوند هر کس را بخواهد یاری می‌کند؛ ﴿مَنْ يَشَاءُ﴾ ولی شرط یاری آن است که مردم در مقام یاری دین او بپاخیزند. ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ در جای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ﴾<sup>(۲)</sup>
- ۷- هدف از بیان تاریخ باید عبرت و پندگیری باشد. ﴿لَعِبْرَةٌ﴾
- ۸- گرچه حوادث برای همه مایه‌ی پند و عبرت است؛ ﴿كَانَ لَكُمْ آيَةٌ﴾ ولی درس گرفتن از نشانه‌ها، بصیرت و بینش می‌خواهد. ﴿لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾
- ۹- کسانی که از جنگ بدر درس نگیرند، صاحب بصیرت نیستند. ﴿لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾

۱. تفسیر صافی.

۲. محمد، ۷.

﴿ ۱۴ ﴾ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ  
الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَ  
الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَالِ

عشق و علاقه به زنان و فرزندان و اموال زیاد از طلا و نقره و اسبان ممتاز و چهارپایان و کشتزارها که همه از شهوات و خواسته‌های نفسانی است، در نظر مردم جلوه یافته است، (در حالی که) اینها بهره‌ای گذرا از زندگانی دنیاست و سرانجام نیکو تنها نزد خداوند است.

### نکته‌ها:

- «قناطر» جمع «قنطار» به معنای مال زیاد است و آمدن کلمه‌ی «مُقَنْطَرَة» به دنبال آن، برای تأکید بیشتر است. نظیر این که بگوییم: آلف و ألوف، هزاران هزار.
- «خَیْل» به معنای اسب و اسب سوار، هردو آمده است و «مُسَوَّمَة» یعنی نشاندار. اسب‌هایی که به خاطر زیبایی اندام و یا تعلیمی که می‌دیدند، دارای برجستگی‌های خاصی می‌شدند، به آنها «خَیْل مُسَوَّمَة» می‌گفتند.
- جلوه‌کردن دنیا در نظر انسان، گاهی از طریق خیالات شخصی و گاهی از سوی شیطان و گاهی از جانب اطرافیان متملق صورت می‌گیرد. از طریق اوهام شخصی: «يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»<sup>(۱)</sup> و «فَرَّاهَ حَسَنًا»<sup>(۲)</sup> و از سوی شیطان: «زُيِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ»<sup>(۳)</sup> و از طرف اطرافیان متملق «زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ»<sup>(۴)</sup>
- مصادیق جلوه‌های دنیا که در آیه ذکر شده، با توجه به زمان نزول آیه است و می‌تواند در هر زمانی مصادیق جدیدی داشته باشد. طلا و نقره، کنایه از ثروت اندوزی، و اسب کنایه از مرکب و وسیله‌ی نقلیه است.
- سؤال: با این که خداوند زینت بودن مال و فرزند را پذیرفته است؛ «المال و البنون زينة الحياة

۳. انفال، ۴۸.

۲. فاطر، ۸.

۱. کهف، ۱۰۴.

۴. غافر، ۳۷.

الدنيا ﴿<sup>(۱)</sup>﴾ پس چرا این آیه در مقام انتقاد است؟  
 پاسخ: زینت بودن چیزی، غیر از دل بستگی به آن است. در این آیه انتقاد از دل بستگی شدید است که از آن به ﴿حَبِّ الشَّهَوَاتِ﴾ تعبیر می‌کند.  
 □ کلمه‌ی «بَنین» شامل دختران نیز می‌شود، نظیر این که می‌گوییم: عابران محترم از پیاده‌رو حرکت کنند که شامل زنان عابر نیز می‌شود.  
 □ امام صادق علیه السلام با استناد به ﴿حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ...﴾ فرمودند: مردم در دنیا و آخرت از چیزی بیشتر از زنان لذت نمی‌برند... اهل بهشت نیز بیش از هر چیز به نکاح تمایل دارند تا خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها. <sup>(۲)</sup>  
 این روایت حکمت تقدّم «النِّسَاءِ» را بر دیگر موارد بیان می‌کند.

### پیام‌ها:

- ۱- علاقه‌ی طبیعی به مادّیات، در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت‌ها و جلوه‌های آن و عدم کنترل دل بستگی‌هاست. ﴿زُیِّنَ لِلنَّاسِ...﴾
- ۲- جلوه‌ی دنیا برای مردم عادی است، نه افراد فرزانه. ﴿زُیِّنَ لِلنَّاسِ﴾ چنانکه در نظر همسر فرعون که فرزانه‌ی تاریخ است، کاخ و طلای او بی‌ارزش است. ﴿نَجَّیْیَ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ﴾ <sup>(۳)</sup>
- ۳- علاقه‌ی بیش از حدّ به زن و فرزند، بیش از هر چیز مایه‌ی دل بستگی انسان به دنیا می‌گردد. ﴿حَبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنینِ﴾
- ۴- مراقب باشیم که زینت‌ها و جلوه‌های دنیا، مقدمه‌ی غفلت از آخرت است. ﴿زُیِّنَ لِلنَّاسِ... وَ اللّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ﴾
- ۵- یکی از عوامل بد عاقبت شدن، شیفتگی و دل بستگی به دنیا است. زیرا عاقبت نیکو تنها نزد خداست. ﴿زُیِّنَ لِلنَّاسِ... وَ اللّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ﴾

۱. کشف، ۴۶. ۲. کافی، ج ۵، ص ۳۲۱. ۳. تحریم، ۱۱.

- ۶- یکی از شیوه‌های تربیتی، تحقیر مادیات و بیان عظمت معنویات است. ﴿ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ﴾  
 ۷- بهترین راه برای کنترل علائق مخرب، مقایسه آن با الطاف جاودانه‌ی الهی است. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ﴾

﴿۱۵﴾ قُلْ أَوْ نَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكَمُ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

بگو: آیا شمارا به بهتر از اینها (که محبوب شماست) خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا داشته باشند، نزد پروردگارشان باغهایی (بهشتی) است که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است. برای همیشه در آنجا (بهره‌مند) هستند و همسرانی پاک (خواهند داشت) و رضا و خشنودی خداوند (شامل حالشان می‌شود) و خداوند به حال بندگان بیناست.

#### نکته‌ها:

□ در آخرین جمله از آیه‌ی قبل خواندیم که عاقبت نیک نزد خداوند است؛ ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ﴾ این آیه، سیمایی از بهشت نیکوکاران را ترسیم می‌کند.

#### پیام‌ها:

- ۱- در دعوت مردم به حق، آنان را به مقایسه‌ی دنیا و آخرت دعوت کنیم. ﴿قُلْ أَوْ نَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ...﴾
- ۲- دوام و ثبات بهشت و رضایت خداوند کجا و لذت موقت و ناپایدار دنیا کجا؟ ﴿ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... قُلْ أَوْ نَبِّئُكُمْ﴾
- ۳- افراد با تقوا، شیفته‌ی زرق و برق دنیا نمی‌شوند. ﴿لِلَّذِينَ اتَّقَوْا﴾ در این آیه، در مقابل ﴿لِلنَّاسِ﴾ در آیه‌ی قبل بکار رفته است.

- ۴- ملاک رسیدن به نعمت‌های آخرت، تقواست. ﴿لِلَّذِينَ اتَّقَوْا﴾  
 ۵- تشویق باید هماهنگ با خواسته‌های طبیعی و فطری باشد. ﴿أَنْهَارٍ، أَزْوَاجٍ، خَالِدِينَ﴾  
 ۶- پاکدامنی و پاکیزگی، برترین ارزش است. ﴿أَزْوَاجٍ مُّطَهَّرَةٍ﴾  
 ۷- لذت‌های متّین تنها محدود به لذایذ مادی نیست، رضایت الهی بالاترین لذت معنوی است. ﴿رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ﴾  
 ۸- تقوا تنها در ادعا نباشد، خداوند بصیر و داناست. ﴿وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾

### ﴿۱۶﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ

(پرهیزگاران) کسانی‌اند که می‌گویند: پروردگارا! براستی که ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را ببخشای و ما را از عذاب آتش حفظ فرما.

#### پیام‌ها:

- ۱- متّین، همواره در انابه و دعا هستند. ﴿يَقُولُونَ﴾
- ۲- ایمان، زمینه‌ی عفو الهی است. ﴿أَمْنَا فَاغْفِرْنَا﴾
- ۳- عفو، از شئون ربوبیت و لازمه‌ی تربیت است. ﴿رَبَّنَا... فَاغْفِرْنَا﴾
- ۴- ترس از قهر و عذاب خداوند، از نشانه‌های تقواست. ﴿قِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
- ۵- به کارهای خوبتان اعتماد نکنید. با آنکه اهل تقوا هستید، باز هم از قهر الهی باید ترسید. ﴿قِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

### ﴿۱۷﴾ الصّٰبِرِينَ وَ الصّٰدِقِينَ وَ الْقٰنِتِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ

#### الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

(پرهیزگاران، همان) صابران و راستگویان و فرمان برداران فروتن و انفاق‌کنندگان و استغفار‌کنندگان در سحرها هستند.

## نکته‌ها:

- افراد با تقوا خصوصیات و ویژگی‌هایی دارند؛ از جمله:
۱. صبر در برابر مشکلات، صبر بر ترک گناهان و صبر بر انجام واجبات.
  ۲. صداقت در گفتار و رفتار.
  ۳. خضوع و فروتنی در انجام دستورات، دوری از غرور و خود برتر بینی.
  ۴. انفاق از هر چه خداوند به آنان روزی کرده است.
  ۵. مناجات سحر و آمرزش‌خواهی از خداوند. آری! سحر مناسب‌ترین زمان برای دعاست.
- امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از استغفار در سحر، نماز در آن وقت است.<sup>(۱)</sup>
- در برخی روایات آمده است: اگر کسی یکسال به طور مداوم، در قنوت نماز شب هفتاد مرتبه استغفار کند، مشمول این آیه می‌شود.<sup>(۲)</sup>
- ابی بصیر از امام صادق علیه السلام درباره‌ی «المستغفرین بالأسحار» پرسید، حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز وتر هفتاد مرتبه استغفار می‌کرد.<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- هم رسیدگی به خلق، هم عبادت خالق. «والمستغفرین بالأسحار»
- ۲- تقوا به معنای انزوا، بی‌خبری و گوشه‌گیری نیست، متقی باید جامع کمالات باشد. «الصابرین والصادقین...»

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. تفسیر اطیب‌البیان؛ من لایحضر، ج ۱، ص ۳۰۹.

۳. تهذیب‌الاحکام، ج ۲، ص ۱۲۰.

﴿ ۱۸ ﴾ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا  
بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خدایی که همواره به عدل و قسط قیام دارد، گواهی داده که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (نیز به یگانگی او گواهی داده‌اند) جز او که مقتدر حکیم است، معبودی نیست.

### نکته‌ها:

- خداوند با ایجاد نظام واحد در هستی، بر یگانگی ذات خود گواهی می‌دهد، یعنی هماهنگی و نظم موجود در آفرینش، همه گواه بر حاکمیت قدرتی یگانه بر هستی است، چنانکه در دعای صباح می‌خوانیم: «یا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ»
- آفتاب آمد دلیل آفتاب      گر دلالت باید از وی رُخ متاب
- امام باقر (ع) فرمودند: «مراد از «اولوا العلم» در آیه، انبیا و اوصیا هستند».<sup>(۱)</sup>
- هر کجا تعدّد هست، محدودیت نیز هست. خانه‌ی بی‌حدّ نمی‌تواند بیش از یکی باشد. اگر گفتیم: فلان چراغ، نور بی‌نهایت دارد، جایی برای چراغ دوم باقی نمی‌ماند. خدا بی‌نهایت است، زیرا اگر نهایت داشته باشد به نیستی برمی‌خورد و هیچ بی‌نهایتی قابل تعدّد نیست، لذا خداوند قابل تعدّد نیست و او یکتاست.

### پیام‌ها:

- ۱- شهادت عملی از بهترین نوع شهادت است. هماهنگی در میان آفریده‌ها، بهترین نمونه‌ی گواهی بر یکتایی خداست. «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»
- ۲- راه ایمان به خدا، علم است و علم واقعی، انسان را با سرچشمه هستی آشنا می‌کند. «وَأُولُوا الْعِلْمِ»
- ۳- دانشمندان، در کنار فرشتگان قرار می‌گیرند. «وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ»

۱. تفسیر نورالثقلین.



۴- عدل الهی، در کنار توحید مطرح است. بر خلاف دیگر قدرتمندان که هر کجا احساس یکتایی و نداشتن رقیب و شریک کنند، زور می‌گویند، او یکتایی است که به پا دارنده‌ی عدل است. ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... قَائماً بِالْقِسْطِ﴾

﴿۱۹﴾ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

همانا دین (مورد پذیرش) نزد خداوند، اسلام (و تسلیم بودن در برابر فرمان خداوند) است و اهل کتاب اختلافی نکردند، مگر بعد از آنکه علم (به حقایق اسلام) برایشان حاصل شد، (این اختلاف) از روی حسادت و دشمنی میان آنان بود و هرکس به آیات خداوند کفر ورزد، پس (بداند که) همانا خداوند حسابگری سریع است.

### پیام‌ها:

- ۱- ایمان به یگانگی، عدالت، عزت و حکمت خداوند (که در آیه‌ی قبل بود)، زمینه‌ی تسلیم شدن انسان است. ﴿ان الدین عند الله الاسلام﴾
- ۲- لازمه‌ی تسلیم بودن در برابر خداوند، پذیرش اسلام به عنوان آخرین دین الهی است. ﴿ان الدین عند الله الاسلام﴾
- ۳- تجاوز از مرزهای حق، سبب بروز اختلاف است. ﴿وما اختلف الذين... بغياً﴾
- ۴- سرچشمه‌ی بعضی از اختلافات مذهبی، حسادت‌ها و ظلم‌هاست؛ نه جهل و بی‌خبری. ﴿من بعد ما جائهم العلم﴾
- ۵- حسد، زمینه‌ی کفر است. ﴿بغياً... و من كفر﴾
- ۶- کتاب و علم، به تنهایی سبب نجات نمی‌گردند. ﴿وتوا الكتاب، جائهم العلم، من يكفر﴾
- ۷- کسانی که آگاهانه ایجاد اختلاف می‌کنند، بزودی سبلی می‌خورند. ﴿سريع الحساب﴾

﴿۲۰﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ  
 أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ  
 تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

(از این رو) پس اگر با تو به گفتگو و ستیز و محاجّه برخاستند، (با آنها مجادله مکن  
 و) بگو: من و پیروانم روی به خدا تسلیم کرده‌ایم. و به اهل کتاب (یهود و نصاری)  
 و اُمّیین (مشرکان بی‌سواد مگه) بگو: آیا شما هم (در برابر خدا) تسلیم شده‌اید،  
 پس اگر تسلیم شدند و اسلام آوردند همانا هدایت یافته‌اند و اگر سرپیچی کردند  
 (نگران مباش، زیرا) وظیفه‌ی تو فقط رساندن دعوت الهی است، (نه اجبار و اکراه) و  
 خداوند به حال و عمل بندگان بیناست.

### نکته‌ها:

- این‌که می‌گویند: سخن کز دل برآید، لاجرم بر دل نشیند، قانون کلی نیست؛ زیرا سخن پیامبر از دل بود، ولی بر دل کفّار نمی‌نشست.
- با آنکه حضرت از عمق دل می‌فرمود: ﴿أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ﴾ من با تمام وجود تسلیم خدا هستم، اما گروهی اعراض می‌کردند؛ ﴿وَأَنْ تَوَلَّوْا﴾
- محور اصلی دین، تسلیم حقّ بودن است که در آیه‌ی قبل و این آیه چهار بار مطرح شده است. «الاسلام، أسلمت، أسلمتم، أسلموا»

### پیام‌ها:

- ۱- جدال و محاجّه، از خصلت‌های مخالفان انبیاست. ﴿فَانِ حَاجُّوكَ﴾
- ۲- ابلاغ رسالت و استدلال آری، ولی ستیز با افراد لجوج ممنوع. ﴿فَانِ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ﴾
- ۳- به مجادلات بی‌نتیجه و بیهوده، پایان دهید. ﴿فَانِ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ﴾
- ۴- در گفتگوها، موضع خود و یاران خود را صریح اعلام کنیم. ﴿فَانِ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ... وَمَنِ اتَّبَعَنِ﴾

- ۵- پیروان واقعی پیامبر، کسانی هستند که تسلیم خدا باشند. ﴿أَسْلَمْتُ وَجْهِي وَمَنِ اتَّبَعَن﴾
- ۶- آنچه انسان را در برابر گفتگوهای مغرضانه حفظ می‌کند، اتصال به خداوند است. ﴿أَسْلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ﴾
- ۷- انبیا با تمام وجود و با عشق و نشاط به خدا دل بسته‌اند. ﴿وَجْهِي لِلَّهِ﴾
- ۸- توجّه رهبر، باید هم به افراد با فرهنگ باشد و هم به عوام مردم. ﴿أَوْتُوا الْكُتَابَ وَالْأَمِّيِّينَ﴾
- ۹- کتاب‌های آسمانی، یک سند فرهنگی ارزشمند برای جوامع بشری است. در آیه مردم به دو دسته تقسیم شده‌اند؛ فرهنگیان و عوام. ﴿أَوْتُوا الْكُتَابَ وَالْأَمِّيِّينَ﴾
- ۱۰- هدایت واقعی، در سایه‌ی تسلیم بودن در برابر خداوند است. ﴿فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا﴾
- ۱۱- انسان در انتخاب راه آزاد است، نه مجبور. ﴿فَإِنْ أَسْلَمُوا... وَان تَوَلَّوْا...﴾
- ۱۲- علم و کتاب به تنهایی کافی نیست، چه بسا علم باشد، ولی تسلیم نباشد. ﴿أَوْتُوا الْكُتَابَ... وَان تَوَلَّوْا﴾
- ۱۳- ما مأمور انجام وظیفه‌ایم، نه ضامن نتیجه. ﴿إِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ﴾
- ۱۴- خداوند از طریق پیامبران، با مردم اتمام حجت می‌کند. ﴿فَأَمَّا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ﴾

﴿۲۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ

يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

براستی کسانی که به آیات خداوند کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و کسانی از مردم را که فرمان به عدالت می‌دهند می‌کشند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده.

#### نکته‌ها:

□ در تفاسیر کبیر و مجمع‌البیان و قرطبی می‌خوانیم: بنی اسرائیل در اول روز آنهم در یک

ساعت، چهل و سه نفر از پیامبران الهی و یکصد و دوازده نفر از آمران به معروف را به درجه‌ی شهادت رساندند.

البته ناگفته پیداست که در زمان پیامبر اسلام ﷺ گروهی که انبیا را شهید کنند نبودند، ولی چون زنده‌ها به کار گذشتگان و نیاکان خود راضی بودند، خداوند در این آیه، کسانی را که به خاطر رضایت قلبی، شریک جرم نیاکان هستند، با خطاب «بشّرهم» مورد انتقاد و تهدید قرار داده است.

□ سؤال: از شرایط و جوب امر به معروف و نهی از منکر آن است که خطری در کار نباشد، ولی در این آیه از کسانی که برای نهی از منکر تا پای جان ایستاده‌اند، ستایش شده است، علت چیست؟

پاسخ: اولاً: شرایط افراد و نوع معروف و منکر تفاوت می‌کند؛ گاهی منکر، حکومت یزید است که امام حسین علیه السلام برای نهی از آن به کربلا می‌رود و شهید می‌شود، می‌فرماید: هدف من از این حرکت و قیام، امر به معروف و نهی از منکر است، اما گاهی منکر در این حد نیست، بلکه گناهی است که باید میان خطر و مفسده‌ی گناه و از دست‌دادن مال و جان و آبرو مقایسه و با توجه به اهمیت و اولویت عمل کرد.

ثانیاً: شاید مراد از کسانی که در این آیه مورد ستایش قرار گرفته‌اند آنهایی باشند که خود پیش‌بینی شهادت نمی‌کردند، ولی ستمکاران آنان را به شهادت رساندند.

### پیام‌ها:

- ۱- از اعتقادات انحرافی و کفرآمیز، اعمال خطرناکی همانند قتل و کشتار انبیا سر می‌زند. ﴿يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ...﴾
- ۲- در شرایطی، اظهار حق لازم است؛ اگرچه به قیمت شهادت انبیا و اولیا باشد.
- ۳- دشمنان برای مقابله با حق، دست به کشتن پیامبران می‌زنند. ﴿يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ﴾
- ۴- گاهی طاغوت‌ها برای کشتن فرزندگان با تبلیغات و شایعات و توجیهاات، کار خود را حق جلوه می‌دهند. ﴿بَغِيرِ حَقٍّ﴾
- ۵- نام کسانی که به عدالت دعوت می‌کنند و آمرین به معروف و ناهیان از منکر،

در ردیف انبیا برده شده است. لذا کیفر قاتلان آنان نیز همچون قاتلان پیامبران است. ﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

﴿۲۲﴾ **أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ**

آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و هیچ یاورى برای آنها نیست.

### پیام‌ها:

- ۱- گاهی یک انحراف، تمام اعمال شخص را تباه می‌کند. ﴿حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ﴾
- ۲- برای گناهانی همچون پیامبرکشی، شفاعتی در کار نیست. ﴿مَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ﴾

﴿۲۳﴾ **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ**

آیا ندیدی کسانی را که از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) بهره‌ای داده شدند، چون به کتاب الهی دعوت می‌شوند تا میانشان حکم کند، (و به اختلافات پایان دهد) گروهی از آنان (باعلم و آگاهی) از روی اعراض روی بر می‌گردانند؟

### نکته‌ها:

- در تفاسیر آمده است که زن و مردی از یهود، با داشتن همسر مرتکب زنا شدند. آنان می‌بایست طبق قانون تورات سنگسار می‌شدند، ولی چون از اشراف بودند سعی بر این داشتند تا از اجرای دستور تورات بگریزند. آنها نزد پیامبر اسلام آمدند تا ایشان حکم کنند، آن حضرت نیز فرمان سنگسار داده و فرمودند: حکم اسلام نیز همانند حکم تورات است. آنها منکر حکم تورات شدند.
- ابن صوری که از علمای یهود بود، از فدک به مدینه فراخوانده شد تا تورات را بخواند. ابن

صورتی چون از ماجرا با خبر بود، هنگام خواندن آیات تورات، دستش را روی جملاتی می‌گذاشت تا آیه‌ی سنگسار دیده نشود. عبدالله بن سلام که در آن روز از علمای یهود بود و در آن جلسه حضور داشت، ماجرا را فهمید و موضوع را بر ملا کرد.<sup>(۱)</sup>

□ این آیه هشدار می‌دهد به مسلمانان است که مبدا شما هم مثل یهود به هنگام اجرای قانون قرآن، از دستور الهی رویگردان باشید و میان مردم تبعیض قائل شوید.

### پیام‌ها:

- ۱- کتاب قانون و داوری و قضاوت، کتاب آسمانی است. ﴿يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ﴾
- ۲- اسلام، دین انصاف و احترام به دیگران است. از علمای دیگر ادیان دعوت می‌کند تا کتاب خودشان را داور قرار دهند. ﴿يُدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ﴾
- ۳- همه‌ی علمای اهل کتاب بد نبودند. ﴿يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ﴾
- ۴- خطرناک‌تر از روی گردانی، قصد اعراض و لجاجت است. ﴿يَتَوَلَّى... مَعْرُضُونَ﴾
- ۵- قانون باید در مورد همه‌ی افراد، مساوی اجرا شود. (با توجه به شأن نزول)

﴿ ۲۴ ﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ

فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

این (روی گردانی از حکم خدا) برای آن بود که اهل کتاب گفتند: هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نمی‌رسد. و این افتراها (و خیالبافی‌ها) آنان را در دینشان فریفته ساخت.

### نکته‌ها:

□ در قرآن، بارها شعارهای پوچ و خیال‌های باطل یهود نقل شده است. آنها می‌گفتند: ما نژاد برتر و محبوب خداییم و در قیامت جز آن چهل روزی که اجداد ما گوساله‌پرست بودند،

۱. حکم اعدام و سنگسار زناکار، در سفر تثنیه باب ۲۲ و سفر لاویان باب ۲۰ آمده است.

عذابی به ما نخواهد رسید. و همین خیالها سبب غرور و انحراف آنها شد. اسرائیل امروز نیز برتری نژادی خود را باور داشته، برای رسیدن به آن، از هیچ ظلمی خودداری نمی‌کند.

### پیام‌ها:

- ۱- سرچشمه اعراض، عقائد خرافی و بی‌اساس است. ﴿هم معرضون ذلك بأنهم...﴾
- ۲- خودبرتربینی، چه بر اساس دین باطل و چه بر اساس نژاد، ممنوع و محکوم است. ﴿لن تمسنا النار﴾
- ۳- احساس امنیّت و مصونیّت در برابر کیفر، مایه‌ی گمراهی است. ﴿لن تمسنا النار﴾
- ۴- یهود، قیامت و دوزخ را قبول و به گناهکاری خود اقرار داشتند. ﴿لن تمسنا النار الاّ اياماً معدودة﴾
- ۵- همه‌ی مردم در دادگاه الهی یکسان هستند. ﴿لن تمسنا النار... غرهم فی دینهم﴾

﴿ ۲۵ ﴾ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا

كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

پس (کسانی که گمان می‌کنند از قهر خداوند دورند)، چگونه خواهد بود حالشان، آنگاه که آنان را در روزی که شکی در آن نیست، گرد آوریم و به هر کس در برابر آنچه تحصیل کرده، پاداش یا کیفر داده شود و به آنان ستم نخواهد شد.

### پیام‌ها:

- ۱- یاد قیامت باشید و خرافات را کنار بگذارید. ﴿لن تمسنا النار... فكيف اذا جمعنا﴾
- ۲- کیفر و پاداش بر اساس عمل است، نه آرزو و گمان. ﴿لن تمسنا النار... وفيت كل نفس ما كسبت﴾
- ۳- هیچ عملی محو و نابود نمی‌شود، بلکه به صاحبش برگردانده می‌شود. ﴿وفيت... ما كسبت﴾

۴- دادگاه الهی بر اساس عدالت تشکیل می شود و هر کس به جزای خود می رسد.  
﴿وَفِيَتْ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ... هُمْ لَا يَظْلَمُونَ﴾

﴿۲۶﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ  
مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِإِذْنِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: خداوند! تو صاحب فرمان و سلطنتی. به هر کس (طبق مصلحت و حکمت خود) بخواهی حکومت می دهی و از هر کس بخواهی حکومت را می گیری و هر که را بخواهی عزت می بخشی و هر که را بخواهی ذلیل می نمایی، همه خیرها تنها به دست توست. همانا تو بر هر چیز توانایی.

### نکته ها:

□ در تفاسیر می خوانیم که پیامبر اسلام ﷺ پس از آنکه مکه را فتح کرد، وعده می فتح ایران و روم را به مسلمانان داد. در آن موقع منافقان با تعجب به یکدیگر نگاه می کردند که این آیه نازل شد. گروهی از مفسران، نزول آیه را در موقع حفر خندق دانسته اند. آن زمان که پیامبر ﷺ کنگ را بر سنگ زد و از آن جرقه ای برخاست، فرمود: من در این جرقه ها فتح کاخ های مدائن و یمن را از جبرئیل دریافت کردم. منافقان با شنیدن این سخن، لبخند تمسخر می زدند که این آیه نازل شد.

□ آنچه در این آیه در مورد اعطای عزت و ذلت از جانب خداوند آمده، طبق قوانین و سنت اوست و بدون جهت و دلیل خداوند کسی عزیز یا ذلیل نمی سازد. مثلاً در روایات می خوانیم: هر کس برای خداوند تواضع و فروتنی کند، خداوند او را عزیز می کند و هر کس تکبر نماید، خدا او را ذلیل می گرداند.<sup>(۱)</sup>

قرآن از کسانی که از غیر خدا عزت می خواهند به شدت انتقاد کرده و می فرماید: ﴿أَيُّبِتَعُونَ

۱. بحار، ج ۱۶، ص ۲۶۵.



عندهم العزة فان العزة لله جميعاً<sup>(۱)</sup>

بنابراین عزت و ذلت از خداست، ولی ایجاد زمینه‌های آن به دست خود ماست.

### پیام‌ها:

- ۱- مالک واقعی تمامی حکومت‌ها خداست. مُلک برای غیر خدا، موقّتی و محدود است. ﴿مالك الملك﴾
- ۲- اکنون که مالک اوست پس دیگران امانتداری بیش نیستند و باید طبق رضای مالک اصلی عمل کنند. ﴿مالك الملك﴾
- ۳- اگر انسان مالک مُلک نیست چرا با داشتن آن مغرور و با از دست دادنش مأیوس شود! ﴿مالك الملك﴾
- ۴- خداوند به هر کس که شایسته و لایق باشد، حکومت می‌دهد. همان گونه که به سلیمان، یوسف، طالوت و ذوالقرنین عطا نمود. ﴿تؤتی الملك من تشاء﴾
- ۵- حکومت و حاکمیت، دلبستگی آور است. ﴿تنزع الملك﴾ «نزع» به معنای کندن است و نشانه یک نوع دلبستگی است.
- ۶- عزّت و ذلت به دست خداست، از دیگران توقّع عزّت نداشته باشیم. ﴿تعزّ من تشاء و تذللّ من تشاء﴾
- ۷- توحید در دعا و عبادت یک ضرورت است. ﴿بيدك الخير﴾ در مناجات شعبانیه می‌خوانیم: «الهی بیدک لایبید غیرک زیادتی و نقصی».
- ۸- آنچه از اوست، چه دادن‌ها و گرفتن‌ها، همه خیر است، گرچه در قضاوت‌های عجولانه‌ی ما فلسفه‌ی آن را ندانیم. ﴿بيدك الخير﴾
- ۹- سرچشمه‌ی بدی‌ها عجز و ناتوانی است. از کسی که بر هر کاری قدرت دارد چیزی جز خیر سر نمی‌زند. ﴿بيدك الخير انك على كل شيء قدير﴾

﴿۲۷﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ نَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

(خداوند!) تو شب را به روز و روز را به شب درآوری و زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آوری و هر که را خواهی بی‌شمار روزی می‌دهی.

### نکته‌ها:

- این آیه و آیه‌ی قبل، دوازده مرتبه از نشانه‌های قدرت خدا نام برده است تا روح توحید را در انسان شکوفا کند.
- مراد از داخل کردن شب در روز و یا روز در شب، یا کم و زیاد شدن طول ساعات شب و روز در فصل‌های مختلف است و یا غروب و طلوع تدریجی. البته معنای اول روشن‌تر است.
- نمونه قدرت‌نمایی خداوند در بیرون آوردن زنده از مرده، آفریدن سلول زنده از مواد غذایی بی‌جان است.
- گاهی از کافران مرده دل، فرزندان مؤمن و زنده دل و از مؤمنان زنده دل، فرزندان کافر و مرده دل ظاهر می‌شود<sup>(۱)</sup> که این یکی از مصادیق آیه است.
- مراد از رزق بی‌حساب، رزق فراوان و بی‌شمار است، نه آنکه حسابش از دست او خارج باشد. و ممکن است مراد آن باشد که رزق او خارج از محاسبات شماسست، و او از راهی که گمان نمی‌برید رزق می‌دهد.
- تفاوت مردم در رزق، یکی از حکمت‌های الهی است، تا مردم به یکدیگر نیازمند نبوده و زندگی اجتماعی تشکیل دهند و صفات سخاوت و ایثار و صبر و قناعت در آنان شکوفا شود. زیرا در صورت یکسان بودن، این صفات شکوفا نمی‌شود. اما اگر کسی نعمتی داشت و دیگری کمتر یا نعمتی دیگر داشت، مردم برای جبران کمبودها دور هم جمع می‌شوند و صفات تعاون و سخاوت از طرف دارنده نعمت و صفات قناعت و عفت و صبر از سوی نادار شکوفا می‌شود.

۱. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۷۲۸.

## پیام‌ها:

- ۱- تغییرات شب و روز و پیدایش فصل‌ها یکی از برکات و الطاف الهی است.  
﴿بیدك الخیر... توج الیل فی النهار﴾
- ۲- علاوه بر آفرینش، هرگونه تغییر و تدبیر به دست اوست. ﴿توج الیل فی النهار﴾
- ۳- قدرت خداوند محدود نیست. او از مرده، زنده و از زنده، مرده خارج می‌سازد. ﴿تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی﴾
- ۴- سرچشمه لطف الهی بی‌انتهاست. رزق بی‌حساب، یعنی برای سرچشمه رزق محدودیتی نیست. ﴿ترزق من تشاء بغير حساب﴾

﴿ ۲۸ ﴾ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَ يُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

نباید اهل ایمان، بجای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود برگزینند و هر کس چنین کند نزد خدا هیچ ارزشی ندارد، مگر آنکه از کفار پروا و تقیه کنید (وبه خاطر هدف‌های مهم‌تر، موقتاً با آنها مدارا کنید) و خداوند شما را از (نافرمانی) خود هشدار می‌دهد و بازگشت (همه) به سوی خداوند است.

## نکته‌ها:

- با توجه به قدرت بی‌انتهای الهی در آیات قبل، جایی برای پذیرفتن سلطه کفار نیست.  
﴿بیدك الخیر، توج الیل، لا يتخذ...﴾
- در این آیه سیمای سیاست خارجی، شیوهی برخورد با کفار، شرایط تقیه و جلوگیری از سوء استفاده از تقیه بیان شده است.
- تقیه، به معنای کتمان عقیده‌ی حق از ترس آزار مخالفان و ترک مبارزه با آنان به جهت دوری از ضرر یا خطر مهم‌تر است. تقیه، گاهی واجب و گاهی حرام است. قرآن در آیه ۱۰۶ سوره نحل، درباره‌ی تقیه سخنی گفته که شأن نزول آن عمار یاسر است.

## پیام‌ها:

- ۱- پذیرش ولایت کفار از سوی مؤمنان، ممنوع است. ﴿لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ﴾ (اگر مسلمانان جهان تنها به این آیه عمل می‌کردند الآن وضع کشورهای اسلامی این چنین نبود.)
- ۲- در جامعه اسلامی، ایمان شرط اصلی مدیریت و سرپرستی است. ﴿لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ﴾
- ۳- ارتباط سیاسی نباید منجر به سلطه‌پذیری یا پیوند قلبی با کفار شود. ﴿لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ﴾
- ۴- ارتباط یا قطع رابطه باید بر اساس فکر و عقیده باشد، نه بر اساس پیوندهای فامیلی، قومی و نژادی. ﴿الْمُؤْمِنُونَ، الْكَافِرِينَ﴾
- ۵- هرکس به سراغ کفار برود، خداوند او را به حال خود رها و از امدادهای غیبی خود محروم می‌سازد. ﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فليس من الله في شيء﴾
- ۶- ارتباط ظاهری با کفار برای رسیدن به اهداف والاتر، در مواردی جایز است. ﴿إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً﴾
- ۷- تقیه، برای حفظ دین است. مبادا به بهانه‌ی تقیه، جذب کفار شوید و از نام تقیه سوء استفاده کنید. ﴿يَحْذَرُكَ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾
- ۸- در مواردی که اصل دین در خطر باشد، باید همه چیز را فدا کرد و فقط باید از خدا ترسید. ﴿يَحْذَرُكَ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾
- ۹- یاد معاد، بهترین عامل تقواست. ﴿يَحْذَرُكَ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾
- ۱۰- مبادا به خاطر کامیابی و رفاه چند روزه‌ی دنیا، سلطه‌ی کفار را بپذیرید که بازگشت همه‌ی شما به سوی اوست. ﴿وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾

﴿ ۲۹ ﴾ قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمَ مَا

فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو: اگر آنچه در سینه‌ها دارید پنهان سازید یا آشکارش نمایید، خداوند آن را می‌داند و (نیز) آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند و خدا بر هر چیز تواناست.

#### نکته‌ها:

□ آمدن این آیه به دنبال آیه‌ی تَقِيَّة، شاید اشاره به این باشد که مبدا به اسم تَقِيَّة، با کَفَّار پیوند پنهانی برقرار نمایید، بلکه بدانید خدا بر افکار و نیت‌ها شما آگاه است.

#### پیام‌ها:

- ۱- به کسانی که به اسم تَقِيَّة در صدد ارتباط با کَفَّار هستند، هشدار دهید. ﴿قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ﴾
- ۲- سینه‌ی انسان، صندوق اسرار اوست. ﴿تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ﴾
- ۳- علم خداوند به آشکار و پنهان، به زمین و آسمان، یکسان است. ﴿تَخْفَوْنَ... تَبْدُوا... يَعْلَمَهُ اللَّهُ﴾
- ۴- تَوَجُّه به علم خداوند، مایه‌ی زنده شدن وجدان مذهبی و مانع گناه و توجیه آن است. ﴿يَعْلَمَهُ اللَّهُ﴾
- ۵- از خدایی که به اسرار تمام آسمان‌ها آگاه است، چه چیز را می‌توان پنهان کرد؟ ﴿يَعْلَمَ مَا فِي السَّمَوَاتِ﴾
- ۶- قدرت مطلق خداوند، پشتوانه تهدید او نسبت به مخالفان است. ﴿إِنْ تَخْفَوْنَ... وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

﴿ ۳۰ ﴾ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ

سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ

وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

روزی که هر کس، هر کار نیکی انجام داده حاضر بیابد و هرچه بدی کرده، آرزو می‌کند، ای کاش! بین آن عمل و او فاصله‌ای دور می‌بود. و خداوند شما را از (مخالفت امرش) بر حذر می‌دارد و (در عین حال) خداوند به بندگان مهربان است.

### نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل، سخن از علم و قدرت خداوند بود، این آیه نمونه‌ای از علم و قدرت الهی را بیان می‌کند. این آیه شبیه آیه ۴۹ سوره‌ی کهف است که می‌فرماید: در روز قیامت مردم تمام اعمال خود را در برابر خویش حاضر می‌یابند. در تفسیر برهان آمده است که امام سجّاد علیه السلام در هر جمعه در مسجد النبی هنگام موعظه، این آیه را برای مردم تلاوت می‌فرمود.

### پیام‌ها:

- ۱- اعمال انسان محو و نابود نمی‌شود و در قیامت در برابر او حاضر می‌گردد. ﴿محضرا﴾
- ۲- اعتقاد به حضور عمل در قیامت، مانع گناه است. ﴿محضرا﴾
- ۳- گنهکاران، در قیامت از اعمال خود شرمندeh‌اند، اما چه سود؟ ﴿تودّ لو انّ بینها﴾
- ۴- بسیاری از اعمالی که در دنیا مورد علاقه انسان است، در قیامت مورد تنفر او قرار خواهد گرفت. ﴿تودّ لو انّ بینها و بینها امداً بعيداً﴾
- ۵- در روز قیامت، پشیمانی سودی ندارد و آرزوها نشدنی است. کلمه (لو) در مورد آرزوهای نشدنی بکار می‌رود. ﴿لو انّ بینها و بینها امداً بعيداً﴾
- ۶- پرهیزکاری و خدا پروایی، مانع گناه است. ﴿یحذّركم الله﴾
- ۷- سرچشمه‌ی هشدارهای الهی، محبت و رأفت اوست. ﴿یحذّركم الله نفسه والله رؤف بالعباد﴾
- ۸- بیم و امید در کنار هم نقش تربیتی دارند. امید، به تنهایی سبب غرور، و بیم از تنهایی، سبب یأس می‌شود. ﴿یحذّركم الله نفسه... والله رؤف بالعباد﴾

۹- لطف و رأفت خداوند شامل حال همه‌ی بندگان است. ﴿رَوْفٌ بِالْعِبَادِ﴾

﴿۳۱﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ  
ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

(ای پیامبر!) بگو: اگر خداوند را دوست می‌دارید، پس مرا پیروی کنید، تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را بر شما ببخشد و خداوند بسیار بخشنده و مهربان است.

### نکته‌ها:

□ درباره جایگاه پیامبر ولزوم اطاعت از او، در قرآن می‌خوانیم: ﴿مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اطاع اللَّهَ﴾<sup>(۱)</sup> هرکس از پیامبر پیروی کند، قطعاً از خدا پیروی کرده است. در جای دیگر می‌خوانیم: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَبِيعُونَكَ أَمَّا يَبِيعُونَ اللَّهَ﴾<sup>(۲)</sup> بیعت با تو بیعت با خداست.

□ شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: جانم فدایت، ما فرزندان خود را به نام‌های شما و پدرانتان می‌نامیم، آیا برای ما مفید است؟ حضرت فرمودند: مگر دین غیر از محبت است، خداوند فرموده است: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- هر ادعایی با عمل ثابت می‌شود. ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾  
کار با سعی است نی با ادعا لیس للانسان الا ما سعی
- ۲- لازمه‌ی ایمان به خدا، پیروی از اولیای خداست. ﴿فَاتَّبِعُونِي﴾ (آری، اسلام منهای روحانیت واقعی، محکوم است).
- ۳- هر کس در عمل سست است، در حقیقت پایه‌ی محبت او سست است.  
﴿تُحِبُّونَ... فَاتَّبِعُونِي﴾
- ۴- در راه اصلاح جامعه، از عواطف کمک بگیریم. ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ﴾

۱. نساء، ۸۰.

۲. فتح، ۱۰.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۷.

- ۵- عمل، سخن و سکوت رسول خدا، حجت و قابل پیروی است. ﴿فاتبعونی﴾
- ۶- پیامبر معصوم است، زیرا فرمان پیروی عام و بی چون و چرا برای غیر معصوم، حکیمانه نیست. ﴿قل... فاتبعونی﴾
- ۷- اگر می خواهید خداوند شما را دوست بدارد، باید از رسول الله پیروی کنید. ﴿فاتبعونی یحببکم الله﴾
- ۸- انسان می تواند به جایی برسد که رضای او، رضای خدا و پیروی از او، پیروی از خدا باشد. ﴿فاتبعونی یحببکم الله﴾
- ۹- امتیاز دین الهی بر قوانین بشری، وجود عنصر محبت، الگوی عملی و صلاحیت قانون گزار است. ﴿تحبون... فاتبعونی یحببکم الله﴾
- ۱۰- بهترین پاداش ها، پاداش معنوی است. محبوبیت نزد خدا و دریافت مغفرت، بهترین پاداش برای مؤمنان است. ﴿یحببکم الله﴾
- ۱۱- نشانه ی دوستی، سرپوش گذاردن روی بدی ها و برخورد با عفو و رحمت است. ﴿یحببکم... یغفر لکم﴾
- ۱۲- کارهای نیک، مایه ی آمرزش گناهان است. ﴿فاتبعونی... یغفر لکم ذنوبکم﴾
- ۱۳- اطاعت و پیروی از پیامبر، موجب دریافت عفو الهی است. ﴿فاتبعونی... یغفر لکم﴾

﴿۳۲﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

بگو: خدا و رسول را اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی کردند، (بدانید که) همانا خداوند کافران را دوست نمی دارد.

#### نکته ها:

□ پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر آیات الهی، دستورات دیگری نیز داشت. دستوراتی که به تناسب زمان و مکان و افراد و شرایط تغییر می کرد. البته آنها نیز در پرتو وحی الهی بود، ولی در قرآن مطرح نگردیده بود و معنای اطاعت از رسول در کنار اطاعت خداوند، عمل به همان



دستورات نبوی است.

### پیام‌ها:

- ۱- رفتار و گفتار و کردار پیامبر حجّت است. ﴿اطيعوا الله و الرسول﴾
- ۲- محبوب شدن یا منفور شدن در نزد پروردگار، به دست خود انسان است. ﴿فان تولّوا فانّ الله لا يحبّ الكافرين﴾
- ۳- گاهی سرپیچی از فرمان پیامبر، برابر با کفر است. ﴿انّ الله لا يحبّ الكافرين﴾

﴿۳۳﴾ **انّ الله اصطفى ادم و نوحاً و آل ابراهيم و آل عمران**

### عَلَى الْعَالَمِينَ

براستی که خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید.

### نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل، دستور اطاعت از رسول صادر شد، این آیه، دلیل آن را گزینش خداوند حکیم می‌داند که بر اساس برتری آنان بر دیگر مردم است.
- انتخاب و برگزیدگی انبیا، از طریق وحی، علم، ایمان و عصمت آنان است.<sup>(۱)</sup>
- امام باقر علیه السلام در باره‌ی آیه ﴿انّ الله اصطفى... ذریة...﴾ فرمودند: «ما از آن برگزیدگان و باقیمانده‌ی آن عترت هستیم».<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- انسان‌ها همه در یک سطح نیستند و خدای حکیم، بعضی را برگزیده است تا مسئولیت سنگین رسالت را بر دوش آنان بگذارد. ﴿انّ الله اصطفى﴾
- ۲- اولین انسان، پیامبر خدا بوده تا بشر هیچ‌گاه بدون هدایت نماند. ﴿اصطفى آدم﴾

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۱۷. ۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

- ۳- جریان بعثت، در طول تاریخ بشر استمرار داشته است. ﴿اصطفی آدم و نوحاً و...﴾  
 ۴- رسالت بعضی از انبیا، جهانی بوده است. ﴿علی العالمین﴾

### ﴿۳۴﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

فرزندانی که بعضی از آنان از (نسل) بعضی دیگرند (از پدران برگزیده زاده شده و در پاکی همانند یکدیگرند) و خداوند شنوای داناست.

#### پیام‌ها:

- ۱- در طول تاریخ، دودمان نبوت از نسل پاکان بوده است. ﴿اصطفی... علی العالمین ذریه...﴾
- ۲- بعضی از ویژگی‌ها و کمالات از طریق وراثت منتقل می‌شود. ﴿بعضها من بعض﴾
- ۳- خدا حتی بر گفتار و رفتار برگزیدگان خود نظارت دارد. ﴿اصطفی... سمیع علیم﴾

### ﴿۳۵﴾ اِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا

### فَتَقَبَّلَ مِنِّي اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

(بیاد آور) هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! همانا من نذر کرده‌ام آنچه را در رحم دارم، برای تو آزاد باشد (و هیچ‌گونه مسئولیتی به او نسپارم تا تمام وقت خود را صرف خدمت در بیت‌المقدس کند)، پس از من قبول فرما، که براستی تو شنوای دانایی.

#### نکته‌ها:

□ چنانکه در تفاسیر و کتب روایی آمده است: دو خواهر به نام‌های «حَنَه» و «اشباع»، که اولی همسر «عمران» از شخصیت‌های برجسته بنی‌اسرائیل و دومی همسر زکریای پیامبر بود، بچه‌دار نمی‌شدند. روزی «حَنَه» زیر درختی نشسته بود، پرنده‌ای را دید که به جوجه‌هایش غذا می‌دهد. محبت مادرانه، آتش عشق به فرزند را در وجود او شعله‌ور ساخت، در همان حال دعا کرد و مستجاب شد. از سوی دیگر به شوهرش الهام شد که فرزندش از

اولیای خدا خواهد بود و بیماران را شفا و مردگان را زنده خواهد کرد. وقتی «حَنَّة» حامله شد، تصوّر کرد آن فرزندى که قرار است کارهای خارق العاده انجام دهد، پسر خواهد بود، لذا نذر کرد که فرزندش خدمتکار بیت المقدس شود. اما چون نوزاد به دنیا آمد، دیدند دختر است. آنها فهمیدند که آن الهام الهی در مورد خود مریم نبوده است، بلکه درباره فرزند او خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- رشد معنوی زن تا آنجا بالا می‌رود که بعد از سالها انتظار، فرزند خود را نذر خدمت خانه خدا می‌کند. ﴿قالت امرأت عمران ربّ انی نذرت لك﴾
- ۲- افراد دورانديش، قبل از تولّد فرزند به فکر مسير خدمات او نیز هستند. ﴿نذرت لك ما في بطنی محرراً﴾
- ۳- نذر باید خالصانه باشد. ﴿نذرتُ لك﴾
- ۴- خدمت در مسجد به قدری ارزشمند است که اولیای خدا عزیزان خود را قبل از تولّد نذر آن می‌کنند. ﴿نذرت لك...﴾
- ۵- موضوع نذر، تاریخی بس طولانی در ادیان الهی دارد. ﴿ربّ انی نذرت﴾
- ۶- مادر، نوعی ولایت بر فرزند دارد. ﴿نذرت لك ما في بطنی﴾
- ۷- میان گذشت از فرزند و برگزیدگی خداوند رابطه است. ﴿اصطفی... آل عمران... نذرت لك ما في بطنی محرراً﴾
- ۸- کسانی در خدمات دینی موفق‌ترند که تمام وجود خود را صرف خدمت نمایند، نه بخشی از وقت را. ﴿محرراً﴾
- ۹- خدمت فرزند به مادر، حقّ طبیعی مادر و قابل گذشت است. ﴿محرراً﴾
- ۱۰- اگر عزیزترین و محبوب‌ترین چیزها را می‌دهید، به فکر قبولی آن نیز باشید. ﴿فتقبّل﴾

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۳۵.

﴿۳۶﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا  
 وَضَعْتُ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا  
 بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پس چون فرزند را به دنیا آورد گفت: پروردگارا! من دختر زاده‌ام - در حالی که خداوند به آنچه او زاده دانتر است و پسر مانند دختر نیست - و من نامش را مریم نامیدم و من او و فرزندانش را از (شر) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.

### نکته‌ها:

□ مادر انتظار داشت فرزندش پسر باشد، تا بتواند خدمتکار بیت‌المقدس شود، لذا چون نوزاد دختر به دنیا آمد، با حسرت گفت: پروردگارا! فرزند دختری زاده‌ام حال چگونه به ندرم عمل کنم؟ اما خداوند برای تسلی خاطر این مادر می‌فرماید: آن پسری که انتظارش را داشتی به خوبی این دختر نیست، زیرا این دختر دارای کمالاتی است و مادر پسری می‌شود که او نیز مایه‌ی برکت خواهد بود، پس بهره‌ی تو از نسل مبارک چندان برابر خواهد شد.  
 □ «مَرِيْمَ» به معنای «عابده» و «خادمه» است و این نام ۳۴ مرتبه در قرآن آمده است.

### پیام‌ها:

- ۱- تمایلات انسان مهم نیست، مصلحت و خواست خداوند مهم است. ﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ﴾
- ۲- گاهی دختر در پاکی و پاکدامنی، به جایی می‌رسد که هرگز پسر به آن نمی‌رسد. ﴿لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ﴾
- ۳- حضرت مریم مقام والایی دارد. ﴿لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ﴾ مراد از «الأنثى» زن خاصی است.
- ۴- برای فرزندان خود، نام نیکو انتخاب کنید. ﴿إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ﴾
- ۵- مادر، حق نامگذاری فرزند خود را دارد. ﴿إِنِّي سَمَّيْتُهَا﴾
- ۶- تغییرات جزئی، شما را از خدا و اهداف عالی دور نکند. با این‌که فرزند بر

خلاف تصوّر دختر شد، اما نام او را مریم که به معنای خادمه است گذاشت.

﴿سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ﴾

۷- قبل از هر چیز، به فکر سلامتی فرزند از شرّ شیطان باشید. ﴿اعیذها﴾

۸- تنها فرزندان بلافصل را در نظر بگیرید و با دوراندیشی، نسل های بعدی را نیز

در نظر داشته باشید. ﴿اعیذها بك و ذریتها﴾

۹- برای تأمین سعادت فرزند، تنها به تربیت خود متکی نباشیم، او را به خدا

بسپاریم که توانایی های ما محدود و عوامل انحراف زیاد است. ﴿اعیذها بك﴾

۱۰- مادر مریم، جایگاهی خاص دارد. از بیان نذر او، اخلاص او، نام گذاری او و

استعاذه او این برداشت استفاده می شود. ﴿نذرت لك، سَمَّيْتُهَا، اَعِيذُهَا بِكَ﴾

۱۱- شیطان، دشمن دیرینه نسل بشر است. ﴿اعیذها... من الشیطان الرجیم﴾

﴿۳۷﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا

كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى

لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند

و سرپرستی او را به زکریّا سپرد. هرگاه زکریّا در محراب عبادت بر مریم

وارد می شد، خوراکی (شگفت آوری) نزد او می یافت. می پرسید: ای مریم

این (غدا و خوراک تو) از کجاست؟! مریم در پاسخ می گفت: آن از نزد

خداست. همانا خداوند به هرکس که بخواهد بی شمار روزی می دهد.

### نکته ها:

□ کسی که در راه خدا گام بر دارد، دنیای او نیز تأمین می شود. مادر مریم فرزندش را برای

خدا نذر کرد، خداوند در این آیه می فرماید: هم جسم او را رشد دادیم و هم سرپرستی مانند

زکریّا برای او قرار دادیم و هم مائده آسمانی بر او نازل کردیم.

□ رزق بی حساب، به معنای نداشتن حساب نیست، بلکه به معنای خارج بودن از محاسبات

عمومی است. ﴿یرزق من یشاء بغير حساب﴾

□ حضرت مریم از نظر ظاهری و جسمی، رشد کامل و خوبی داشت. ﴿وأنبتنا نباتاً حسناً﴾  
 □ مادری همانند مریم، محل تربیتی مثل مسجد و سرپرستی همچون زکریای پیامبر و با  
 تغذیه‌ای بهشتی، محصولش فرزندی چون عیسی می‌شود.

عوامل مؤثر در تربیت عبارتند از:

روح پاک مادر. ﴿تقبّلها ربّها بقبول حسن﴾

جسم سالم. ﴿نباتاً حسناً﴾

تعلیم و تربیت الهی. ﴿کفلها زکریّا﴾

تغذیه پاک. ﴿وجد عندها رزقاً﴾

□ زمانی قحطی مدینه را فراگرفت، روزی حضرت فاطمه علیها السلام مقداری نان و گوشت خدمت  
 پیامبر آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: در زمان قحطی این غذا کجا بوده است؟ حضرت فرمود: «هو  
 من عند الله» پیامبر فرمود: خدا را شکر که تورا مانند مریم قرارداد.  
 آنگاه پیامبر، حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را جمع کرد و همگی از آن غذا  
 خوردند و به همسایگان نیز دادند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- پذیرش دعا، جلوه‌ای از ربوبیت الهی است. ﴿تقبّلها ربّها﴾
- ۲- قبولی خداوند درجاتی دارد. خداوند نذر مادر مریم را به بهترین وجه پذیرفت. ﴿بقبول حسن﴾
- ۳- کسی که با اخلاص است، خداوند کارش را به نیکی می‌پذیرد. ﴿بقبول حسن﴾
- ۴- مادر مریم نذر کرد کودکش خادم خانه‌ی خدا شود، خداوند در پاسخ، پیامبرش را خادم و متکفل این کودک قرار داد. ﴿کفلها زکریّا﴾
- ۵- هر که تحت تکفل انبیا درآید، از شیطان دور می‌شود. ﴿اعیذها... من الشیطان

۱. تفسیر روح البیان، ج ۲، ص ۲۹.

الرَّجِيم... وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ﴿

- ۶- عبادت، نباید موسمی و مقطعی باشد. ﴿كَلَّمَا دَخَلَ﴾  
 ۷- شرط تکفل، نظارت و تفحص است. ﴿كَفَّلَهَا... دَخَلَ عَلَيْهَا... أَنِّي لَكَ هَذَا﴾  
 ۸- عبادت، جنگ با شیطان و محلّ عبادت، محراب یعنی محلّ نبرد است. ﴿دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ﴾  
 ۹- رزق پاک در سایه‌ی عبادت است. ﴿الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾  
 ۱۰- زن می‌تواند به مقامی برسد که پیامبر خدا را به شگفتی وادارد. ﴿أَنِّي لَكَ هَذَا﴾  
 ۱۱- نعمت‌ها را از او بدانید، نه از تلاش خود. ﴿هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾  
 ۱۲- خداوند می‌تواند خارج از اسباب مادی روزی بدهد. ﴿هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾  
 ۱۳- در شرایط و محیطی سالم، زن و مرد می‌توانند با هم سخن بگویند. ﴿أَنِّي لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾

﴿ ۳۸ ﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً  
 إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

در این هنگام زکریّا (که این همه کرامت و مائده آسمانی را دید) پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خود نسلی پاک و پسندیده به من عطا کن که همانا تو شنونده دعائی.

#### نکته‌ها:

- چنانکه قبلاً ذکر شد، مادر مریم با همسر زکریّا خواهر بودند و هر دو عقیم و نازا. مادر مریم با دیدن صحنه‌ی غذا دادن پرنده به جوجه‌هایش منقلب شد و به درگاه خدا دعا کرد، خداوند نیز به او مریم را عطا کرد. در اینجا هم وقتی حضرت زکریّا مقام و مرتبه‌ی مریم را دید، از خداوند طلب فرزند کرد.

## پیام‌ها:

- ۱- حالات انسان وساعات دعا، در استجابات آن مؤثر است. ﴿هنالك دعا زكريا﴾
- ۲- غبطه خوردن کمال، ولی حسد ورزیدن نقص است. زكريا ؑ با دیدن مقام مریم ؑ شیفته شد و غبطه خورد و دست به دعا برداشت. ﴿هنالك دعا﴾
- ۳- زن می‌تواند پیامبر خدا را تحت تأثیر قرار دهد. ﴿هنالك دعا زكريا﴾
- ۴- مشاهده‌ی کمالات دیگران، زمینه‌ی درخواست کمالات و توجه انسان به خداوند است. ﴿هنالك دعا زكريا﴾
- ۵- درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست. ﴿هب لی... ذریة طيبة﴾
- ۶- ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آنهاست. ﴿ذریة طيبة﴾
- ۷- در دعا باید از خداوند تجلیل کرد. ﴿انك سمیع الدعاء﴾

﴿۳۹﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا  
مِّنَ الصَّالِحِينَ

پس درحالی که زکریا در محراب به نماز ایستاده بود، فرشتگان او را ندا دادند که خداوند تو را به (فرزندی به نام) یحیی بشارت می‌دهد که تصدیق کننده‌ی (حقانیت) کلمه‌ی الله (حضرت مسیح) است و سید و سرور، و خویشتن‌دار (از زنان) و پیامبری از صالحان است.

## نکته‌ها:

- حضرت یحیی، شش ماه از حضرت عیسی بزرگ‌تر بود و چون در میان مردم به زهد و پارسایی معروف بود، ایمان او به پسرخاله‌اش حضرت عیسی، اثر عمیقی در توجه مردم به مسیح گذاشت. جالب آنکه معنای «عیسی» و «یحیی» یکی و هر دو به معنای «زنده ماندن» است.
- بعضی «حُصُور» را به معنای ترک ازدواج یحیی به خاطر مسافرت‌های زیاد دانسته‌اند، ولی



امام باقر علیه السلام می فرماید: «عفت یحیی باعث شد تا ازدواج نکند و از زنان کناره بگیرد»<sup>(۱)</sup>.

### پیام‌ها:

- ۱- دعای خالصانه از قلب پاک مستجاب می شود. «دعا زکریا... فنادته الملائكة»
- ۲- نماز، در ادیان پیشین نیز بوده است. «یصلی فی المحراب»
- ۳- محراب و جایگاه عبادت، از قداست خاصی برخوردار است. محل نزول مائده آسمانی؛ «وجد عندها رزقاً» استجاب دعا. «فنادته الملائكة... فی المحراب»
- ۴- نماز، زمینه‌ی نزول فرشتگان است. «نادته الملائكة و هو یصلی فی المحراب»
- ۵- اراده‌ی خداوند بر هر چیزی غلبه دارد. پیری و ناتوانی پدر و عقیمی و نازایی مادر، مانع فرزنددار شدن نیست. «ان الله یشترک بیحیی»
- ۶- گاهی نامگذاری افراد از طرف خداست. «یُبشِّرُک بیحیی»
- ۷- انبیا یکدیگر را تصدیق می کنند. «مصدقاً بکلمة من الله»
- ۸- حضرت عیسی نشانه‌ای از قدرت خداست، نه فرزند خدا. «بکلمة من الله»
- ۹- خداوند از آینده هر کس خبر دارد. «سیداً و حصوراً و نبیاً»
- ۱۰- عفت و کنترل تمایلات جنسی، مورد ستایش خداوند است. «حصوراً»

﴿ ۴۰ ﴾ قَالَ رَبِّ اَنْتَیْ یَکُونُ لِیْ غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِی الْکِبَرُ وَامْرَاَتِیْ عَاقِرٌ

قَالَ کَذَٰلِکَ اَللّٰهُ یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ

(زکریا) گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که به پیری رسیده‌ام و همسرم نازاست؟! (خداوند) فرمود: این چنین خداوند هر چه را بخواهد انجام می دهد.

۱. تفسیر مجمع البیان.

## پیام‌ها:

- ۱- در نومیدی بسی امید است. ﴿أَنْ يَكُونَ لِي غَلامٌ... كَذَلِكَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾
- ۲- در بیان ضعف‌ها از خود شروع کنیم. ﴿بَلْغَى الْكِبَرِ وَ امْرَأَتِي عَاقِرٌ﴾
- ۳- اراده‌ی خداوند، فوق وسائل و اسباب طبیعی است. ﴿يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾

﴿ ۴۱ ﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا

رَمْزًا وَ أَذْكَرَ رَبِّكَ كَثِيرًا وَ سَبِّحَ بِالْعُشِيِّ وَ الْأَبْحَارِ

(زکریا) گفت: پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده (تا علم من به یقین و اطمینان تبدیل شود. خداوند) فرمود: نشانه‌ی تو آن است که تا سه روز با مردم سخن نگویی، مگر از طریق اشاره. (البته به هنگام ذکر خدا زبانت باز می‌شود. پس) پروردگار خود را (به شکرانه‌ی این نعمت) بسیار یاد کن و هنگام شب و صبح او را تسبیح گوی.

## پیام‌ها:

- ۱- خدایی که می‌تواند زبان را هنگام تکلم با مردم ببندد و هنگام ذکر خدا باز کند، می‌تواند از پدری پیر و مادری عقیم نیز فرزندی به دنیا بیاورد. ﴿كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ... أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ﴾
- ۲- انبیا، به دنبال رسیدن به مقام یقین و شهود هستند. ﴿اجْعَلْ لِي آيَةً﴾
- ۳- هر چه لطف الهی بیشتر می‌شود باید یاد او نیز بیشتر شود. ﴿وَ أَذْكَرَ رَبِّكَ كَثِيرًا﴾
- ۴- ذکر خدا هر چه بیشتر، بهتر. ﴿وَ أَذْكَرَ رَبِّكَ كَثِيرًا﴾
- ۵- در میان ذکرهای خداوند، تسبیح جایگاه خاصی دارد. ﴿وَ أَذْكَرَ رَبِّكَ... وَ سَبِّحَ﴾

﴿ ۴۲ ﴾ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و (بیاد آور) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و بر زنان جهانیان برتری داده است.

### نکته‌ها:

□ کلمه «اصطفی» هر جا همراه حرف «علی» باشد، به معنای مقدم‌بودن و سرآمدشدن است و هر جا بدون آن باشد، به معنای انتخاب است.

□ در تفاسیر المنار، قرطبی، مراغی، روح البیان و کبیر می‌خوانیم که سرآمد زنان جهان چهار نفرند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز آمده است که مریم سرآمد زنان زمان خود بود، ولی فاطمه علیها‌السلام سرآمد زنان در طول تاریخ است.<sup>(۱)</sup> البته خداوند حکیم هرگاه شخصی را بر می‌گزیند، به جهت لیاقت‌ها و قابلیت‌های ویژه‌ی اوست.

### پیام‌ها:

- ۱- فرشتگان، با غیر انبیا نیز سخن می‌گویند. «قالت الملائكة يا مريم»
- ۲- زن می‌تواند به مقام قرب الهی برسد و خداوند برای او پیام بفرستد. «ان الله اصطفاك»
- ۳- حضرت مریم، هم در کمالات برگزیده شد و هم بر سایر زنان برتری یافت. به همین جهت جمله «اصطفاك» دوباره تکرار شده است.
- ۴- حضرت مریم معصوم بوده است. «طهرك»
- ۵- حضرت مریم الگوی زنان است. «اصطفاك على نساء العالمين»

۱. تفسیر نورالثقلین.

## ﴿۴۳﴾ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

ای مریم! (به شکرانه این همه نعمت)، برای پروردگارت خضوع کن و سجده بجای آور و بارکوع کنندگان رکوع نما.

## نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل، خداوند سه کمالی که به مریم عَلَيْهَا داده را یاد کرد: گزینش الهی؛ ﴿اصْطَفَاكِ﴾ تطهیر الهی؛ ﴿طَهَّرَكِ﴾ و سرآمد دیگران شدن؛ ﴿اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ در این آیه سه مسئولیت از او می‌خواهد: خضوع و فروتنی؛ ﴿اقْنُتِي﴾ سجده؛ ﴿أَسْجُدِي﴾ و رکوع؛ ﴿ارْكَعِي﴾ پس هر نعمتی مسئولیتی را به دنبال دارد.

## پیام‌ها:

- ۱- افراد برجسته باید تواضع و عبادتشان بیشتر باشد. ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي...﴾ (برای اولیای خدا، عبادات ویژه‌ای سفارش شده است، همانگونه که برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماز شب واجب بود).
- ۲- نماز، رکوع و سجود، بهترین راه شکر است. در آیه‌ی قبل برگزیدگی خداوند مطرح شد که سزاوار شکر است. ﴿اصْطَفَاكِ... اقْنُتِي﴾
- ۳- عبادت باید تنها برای پروردگار باشد. ﴿لِرَبِّكِ﴾
- ۴- عبادت، مایه‌ی تربیت انسان است. ﴿رَبِّكِ﴾
- ۵- نمازجماعت و عبادت دسته‌جمعی، قبل از اسلام نیز بوده است. ﴿مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾
- ۶- حضور زن در اجتماعات عبادی و اجتماعاتی که مردان نیز حضور دارند سفارش شده است. ﴿مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ به شرط آنکه زنان، مریم‌گونه رفتار نمایند.
- ۷- منتخبین و برگزیدگان، باید همراه توده‌ها و در متن جامعه باشند، نه جدا و منزوی از مردم. ﴿ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾

﴿ ۴۴ ﴾ ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

اینها از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می‌کنیم، حال آنکه تو نزد آنان نبودی، آنگاه که قلم‌های خود را (برای قرعه کشی) می‌افکندند تا (به وسیله قرعه معلوم شود که کدام یک) کفالت مریم را بر عهده بگیرد و نزد آنها نبودی آنگاه که (برای گرفتن سرپرستی مریم) با هم کشمکش می‌کردند.

### نکته‌ها:

□ همان‌گونه که اشاره شد، پیش از تولد مریم، مادرش نذر کرده بود که فرزندش خادم بیت‌المقدس باشد. لذا پس از تولد، نوزاد را در پارچه‌ای پیچیده به مسجد آورد و به بزرگان بنی‌اسرائیل گفت: این کودک نذر مسجد است. چون این مادر از خانواده‌ای بزرگ و محترم بود، برای سرپرستی این نوزاد، نزاع سختی<sup>(۱)</sup> در گرفت و بنا بر قرعه شد.

### پیام‌ها:

- ۱- انبیا از طرف خدا بر گوشه‌ای از غیب آگاه می‌شوند. ﴿من انباء الغیب﴾ یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن، گزارشات غیبی و نقل نهفته‌های تاریخ است.
- ۲- برخی حکایت‌های قرآن، تنها از طریق وحی برای رسول خدا کشف شد و قبل از آن نه در کتابی بود و نه در سینه‌ای. ﴿من انباء الغیب﴾
- ۳- یکی از راههای شناخت تاریخ پیشینیان، وحی است. ﴿ذٰلِكَ مِنْ اَنْبَاءِ الْغَيْبِ﴾
- ۴- یکی از راههای حل اختلاف، قرعه است. ﴿يَلْقَوْنَ اَقْلَامَهُمْ﴾ امام باقر علیه السلام فرمود: اولین کسی که مورد قرعه قرار داده شد مریم علیها السلام بوده، و این قرعه کشی در زمان یتیمی آن حضرت بوده است.<sup>(۲)</sup>

۱. از تکرار جمله ﴿ما کنت لدهم...﴾ استفاده می‌شود که نزاع سخت بوده است.

۲. من لایحضر، ج ۳، ص ۵۱؛ بحار، ج ۱۴، ص ۱۹۲.

۵ - یک گذشت از مادر و این همه کرامت برای فرزند. ﴿ذرت... ایهم یکفل مریم﴾ مادر مریم با آنکه سالها صاحب فرزند نمی شد، ولی به خاطر نذری که کرده است از فرزند دلبندهش می گذرد، و در مقابل بزرگان بنی اسرائیل برای سرپرستی او سر و دست می شکنند.

۶- بزرگان، در قبول مسئولیت های مقدّس با هم رقابت می کنند. ﴿ایهم یکفل مریم﴾

﴿ ۴۵ ﴾ اِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنْ الْمُقَرَّبِينَ

(بیاد آور) آنگاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را به کلمه و نشانه ای از سوی خویش به نام مسیح، عیسی پسر مریم، بشارت می دهد. او که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان است.

#### نکته ها:

- در قرآن، از حضرت عیسی به «کلمة» یاد شده است که در فرهنگ قرآن، به معنای «مخلوق» می باشد. نظیر آیه ی ۱۰۹ سوره کهف که می فرماید: ﴿قل لو كان البحر مداداً لكلمات ربّي لَنتفد البحر قبل ان تنفد كلمات ربّي﴾ اگر دریاها برای نوشتن کلمات الهی مُرکّب شوند، دریاها تمام می شوند، ولی کلمات الهی به پایان نمی رسد.
- وصف ﴿وجيهاً في الدنيا و الآخرة﴾ در قرآن تنها برای حضرت عیسی ﷺ آمده و در مورد شخص دیگری این صفت گفته نشده است.

#### پیام ها:

- ۱- گاهی مقام زن بدانجا می رسد که خداوند از طریق فرشتگان با وی سخن می گوید. ﴿اذ قالت الملائكة يا مریم﴾
- ۲- فرزند، نعمت است. ﴿بيشرك﴾

۳- عیسی فرزند خدا نیست، مخلوق خداست، ولی مخلوقی بس بزرگ و ناشناخته. ﴿كَلِمَةٌ مِنْهُ﴾ («کلمه») به صورت نکره آمده که رمز عظمت و ناشناختگی است.)

۴- خداوند برای اولیای خود قبل از تولدشان نامگذاری می‌کند. ﴿اسمه المسيح﴾  
 ۵- کسی که از انسان متولد و دوران جنینی را طی کرده است، چگونه می‌تواند فرزند خدا باشد؟ ﴿عیسی بن مریم﴾  
 ۶- جاهت دنیوی نیز یک ارزش است و کسب آن مانعی ندارد. ﴿وجهاً فی الدنیا﴾

### ﴿ ۴۶ ﴾ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

(آن فرزندی که به تو بشارت داده شد) در گهواره، (به اعجاز) و در میانسالی (به وحی) با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است.

#### نکته‌ها:

□ سخن گفتن در گهواره و پیش‌گویی از آینده، معجزه‌ی است از حضرت مسیح. گفتگو در بزرگی، پیش‌گویی دیگری است که او تا بزرگی زنده خواهد بود. همان گونه که خبر از شایستگی و وارستگی او نیز یک پیش‌گویی و بشارت است.

#### پیام‌ها:

۱- کسی که می‌تواند به مریم، بدون داشتن همسر فرزند دهد، می‌تواند در گهواره، زبان کودک او را به سخن گفتن باز کند. ﴿يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ﴾  
 ۲- گاهی که خدا بخواهد شخص پاکدامنی را باامدادهای غیبی از اتهام پاک می‌کند. ﴿يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ﴾  
 ۳- با اعجاز خدایی کودکی می‌تواند پیام‌رسان الهی باشد. ﴿يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ﴾ چنانکه امام جواد و امام هادی و امام زمان علیه السلام در کودکی به امامت رسیدند.  
 ۳- آنجا که خدا بخواهد، کودک همانند بزرگسالان سخن می‌گوید. ﴿فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا﴾  
 ۴- از مادری صالحه چون مریم، فرزندی مثل عیسی پدید می‌آید. ﴿مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

﴿۴۷﴾ قَالَتْ رَبِّ أَتَىٰ بِكَ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ  
 اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

(مریم) گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی باشد، در حالی که هیچ انسانی با من تماس نداشته است؟ خداوند فرمود: چنین است (کار) پروردگار، او هر چه را بخواهد می‌آفریند. هرگاه اراده کاری کند، فقط به آن می‌گوید: باش! پس (همان لحظه) موجود می‌شود.

#### نکته‌ها:

□ اراده‌ی خداوند سبب پیدایش و آفرینش موجودات است و می‌تواند بدون اسباب و وسیله‌ی مادی نیز بیافریند. او سبب‌ساز و سبب‌سوز است، گاهی تأثیر چیزی را از آن می‌گیرد و گاهی به چیزی اثر می‌بخشد. پیدایش و بقا و آثار همه چیز بسته به اراده و خواست اوست.

#### پیام‌ها:

- ۱- ریشه سؤال و تعجب، اگر انکار و لجاجت نباشد مانعی ندارد. ﴿أَتَىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ﴾ اولیای خدا نیز اراده خداوند در امور جهان را بر پایه‌ی اسباب و علل طبیعی می‌دانند و لذا اگر بشارت ویژه‌ای بر خلاف آن آمد، چگونگی آن را از خداوند می‌پرسند.
- ۲- آفرینش خداوند از راه غیر معمول، کار تازه‌ای نیست و عوامل طبیعی نیز منحصر در امور شناخته شده نیست. ﴿كَذَلِكِ﴾
- ۳- شرط آفرینش، اراده‌ی حتمی الهی است. ﴿قَضَىٰ أَمْرًا... كُنْ فَيَكُونُ﴾

﴿۴۸﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

و خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را می‌آموزد.

#### نکته‌ها:

□ در تفاسیر شیعه و سنی می‌خوانیم که مراد از تعلیم کتاب، آموزش خط و نوشتن است و مراد



از حکمت، آگاهی بر مصالح و مفاسد اشیا و افعال و اخلاق و عقاید است، خواه آثار دنیوی باشد، خواه اخروی.

### پیام‌ها:

- ۱- یکی از اصول و شرایط رهبری الهی، داشتن آگاهی‌های لازم است. آگاهی بر اساس علم و حکمت و کتب آسمانی. «یعلّمه الكتاب و...»
- ۲- رهبر باید به حوادث و قوانین گذشته نیز آگاه باشد. خداوند به عیسی علیه السلام، تورات موسی علیه السلام را آموخت. «التوراة»

﴿ ۴۹ ﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي  
أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِّنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ  
اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ  
بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ إِن  
كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و (عیسی را به) پیامبری به سوی بنی اسرائیل (فرستاد تا بگوید) که همانا من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورده‌ام. من از گل برای شما (چیزی) به شکل پرنده می‌سازم، پس در آن می‌دمم، پس به اراده و اذن خداوند پرنده‌ای می‌گردد. و همچنین با اذن خدا کور مادرزاد و مبتلایان به پستی را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم، براسستی اگر ایمان داشته باشید در این معجزات برای شما نشانه و عبرتی است.

### نکته‌ها:

□ هر جا احساس خطر می‌شود باید توجه بیشتری باشد. در زنده کردن مردگان، شفا دادن کوران و سایر بیماران، خطر انحراف عقیده و غلو وجود دارد، لذا در این آیه دو بار ودر آیه‌ی

۱۱۰ سوره مائده، چهار مرتبه مسأله اذن خدا مطرح شده است.

□ رسالت عیسی علیه السلام مخصوص بنی اسرائیل است؛ ﴿رسولاً الی بنی اسرائیل﴾ ولی نبوت او که مقام تبلیغ و ارشاد بوده، برای تمام مردم است. همانند حضرت موسی که به او خطاب می‌شود: ﴿اذهب الی فرعون انه طغی﴾<sup>(۱)</sup> ولی هنگامی که ساحران شهر، معجزه حضرت موسی را می‌بینند به او ایمان می‌آورند.

بنابراین حضرت موسی یک مأموریت ویژه نسبت به شخص فرعون داشت و مأموریت دیگر برای ارشاد عمومی همه‌ی مردم.<sup>(۲)</sup>

□ هر پیامبری باید معجزه‌ای داشته، معجزه‌اش نیز باید متناسب با شرایط و افکار مردم آن عصر باشد.

امام رضا علیه السلام فرمود: عیسی علیه السلام در زمانی ظهور کرد که بیماری‌ها شیوع و مردم به طبیب نیاز داشتند.<sup>(۳)</sup> لذا معجزات آن حضرت در جهت شفای بیماران بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت عیسی علیه السلام در سن هفت سالگی به آنچه مردم در خانه‌هایشان مصرف یا ذخیره می‌کردند، خبر می‌داد.<sup>(۴)</sup>

□ اگر ولی خدا با اذن او از گل پرنده‌ای می‌سازد، پس زنده شدن مردگان در روز قیامت با قدرت الهی کار مشکلی نیست.

### پیام‌ها:

- ۱- معجزه، جلوه‌ای از ربوبیت خدا و در راستای هدایت و تربیت انسان‌هاست.  
﴿جئتکم بایة من ربکم﴾
- ۲- اولیای خداوند با اذن او قدرت تصرف و تغییر در نظام آفرینش را دارند. ﴿انفخ فیه فیکون طیراً باذن الله﴾
- ۳- انبیا علم غیب دارند و حتی به جزئیات زندگی مردم آگاهند. ﴿اتبیکم بما تأکلون و

۱. طه، ۲۴. ۲. تفسیر المیزان.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۸۰.

۴. بحار، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

ما تدّخرون فی بیوتکم ﴿

﴿ ۵۰ ﴾ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي  
حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

(عیسی فرمود:) من تصدیق کننده توراتی هستم که پیش روی من است و (آمده‌ام) تا برخی از چیزهایی که بر شما (به عنوان تنبیه) حرام شده بود برایتان حلال کنم. و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه‌ای آورم. پس، از خداوند پروا و از من اطاعت کنید.

### نکته‌ها:

- در این آیه، احترام به قوانین گذشته الهی، بشارت به تخفیف تکلیف، تأکید به تقوای الهی و اطاعت از رهبری، مطرح شده است.
- در آیه‌ی ۱۴۶ سوره‌ی انعام، خداوند می‌فرماید: به خاطر ستم یهودیان، آنان را تنبیه و هر حیوان ناخن‌دار را بر آنان تحریم کردیم و همچنین چربی و پیه گاو و گوسفند را جز مقداری که به استخوان و روده‌ها و کمر آنها چسبیده، حرام ساختیم. شاید مراد از حرام‌هایی که در این آیه با آمدن عیسی ﷺ حلال می‌شود، همین موارد باشد.
- هر کجا بنای اصلاح و ارشاد باشد، باید نکاتی را مراعات کرد:
- الف: اصول مشترکه و صحیح دیگران را پذیرفت. ﴿مُصَدِّقًا﴾
- ب: حتی المقدور به مقدّسات آنان احترام گذاشت. ﴿مِن التَّوْرَةِ﴾
- ج: فضای باز و آزادی‌ها را بشارت داد. ﴿لَا حِلَّ لَكُمْ﴾
- د: در چارچوب قوانین الهی حرکت کرد. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- پیامبران، یکدیگر را قبول داشته و تصدیق می‌کرده‌اند. ﴿و مُصَدِّقًا...﴾
- ۲- دین، یک جریان است نه یک جرقه و انبیا و کتب آسمانی دارای هدفی واحد

هستند. ﴿و مصدقا لما بین یدی من التوراة﴾

۳- وعده‌ی محرومیت زدایی، رفع محدودیت‌ها و اعطای آزادی‌های صحیح و معقول، رمز استقبال مردم است. ﴿لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم﴾

۴- بعضی از محدودیت‌ها در ادیان سابق، جریمه‌ی موقت الهی بوده‌اند، نه حکم دائمی الهی. ﴿لاحلّ لکم بعض الذی حرّم علیکم﴾

۵- همان‌گونه که انبیا دارای ولایت تکوینی هستند و قدرت تصرف در هستی را دارند؛ ﴿اخلق لکم﴾ صاحب ولایت تشریحی نیز هستند و قانون وضع می‌کنند.

﴿لاحلّ لکم...﴾

۶- تنها کسی حقّ دارد قانون را عوض کند که رسول خدا و دارای معجزه باشد. بعد از جمله ﴿لاحلّ لکم﴾ جمله ﴿جئتکم بآیه﴾ آمده است.

۷- معجزه از شئون ربوبیت الهی و برای هدایت و تربیت مردم است. ﴿آیه من ربکم﴾

۸- هرکس اهل تعصب و تحجر باشد و تغییرات بجا را نپذیرد، تقوا ندارد. ﴿لاحلّ لکم... اتقوا الله﴾

۹- لازمه‌ی تقوا، اطاعت از پیامبر است. ﴿فاتقوا الله و اطیعون﴾

### ﴿۵۱﴾ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

به راستی که خداوند، پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این راه مستقیم است.

#### نکته‌ها:

- برخلاف انجیل‌های تحریف شده کنونی که از خداوند به عنوان پدر عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ نام می‌برند، قرآن جمله‌ی ﴿رَبِّي وَ رَبُّكُمْ﴾ را از زبان حضرت عیسی نقل می‌کند، تا با هرگونه تفکر غلط و ادعای الوهیت درباره حضرت عیسی مبارزه کند.
- حال که بناست، راه خدا و بندگی او را بپذیریم که راهی مستقیم و بدون انحراف است. در حالی که راههای دیگر دارای لغزشها، محدودیت‌ها و تابع هوس‌های درونی طاغوت‌هاست.

## پیام‌ها:

- ۱- فلسفه‌ی عبادت ما، ربوبیت خداوند است. «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ»
- ۲- عیسی علیه السلام در مخلوق بودن و تحت تربیت بودن، همانند سایر مردم است. «رَبِّي وَرَبَّكُمْ»
- ۳- عبادت و بندگی خدا، راه مستقیم سعادت است. «فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»

﴿ ۵۲ ﴾ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ

الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّ مُسْلِمُونَ

پس چون عیسی از آنان (بنی اسرائیل) احساس کفر کرد، گفت: کیانند یاران من (در حرکت) به سوی خدا؟ حواریون (که شاگردان مخصوص او بودند) گفتند: ما یاوران (دین) خدا هستیم که به خداوند ایمان آورده‌ایم و تو (ای عیسی!) گواهی ده که ما تسلیم (خدا) هستیم.

## نکته‌ها:

- با این‌که بنی اسرائیل، زنده کردن مردگان و شفادادن کوران را از حضرت عیسی علیه السلام دیدند، ولی باز هم لجاجت ورزیده و کفر می‌گفتند، به گونه‌ای که به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام، عیسی سخنان کفرآمیز آنان را می‌شنید. (۱)
- «حَوَارِيُّونَ» جمع «حَوَارِيٌّ» به معنای تغییر دهنده مسیر است. حواریون، کسانی بودند که مسیر انحرافی مردم را رها و به راه حق پیوستند. (۲) تعداد آنان دوازده نفر بود و اسامی آنان در انجیل متی و لوقا آمده است. امام رضا علیه السلام فرمود: آنان افرادی بودند که هم خود را پاک و نورانی کردند و هم برای پاک کردن دیگران کوشیدند. (۳)

۱. بحار، ج ۱۴، ص ۳۷۳. ۲. التحقيق في كلمات القرآن.

۳. تفسیر نمونه از عیون اخبار الرضا.

## پیام‌ها:

- ۱- هوشیاری در شناخت افکار و عقاید مردم، شرط رهبری است. ﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ﴾
- ۲- نفیس عیسی، مرده را زنده می‌کند، کور مادر زاد را شفا می‌بخشد، اما انسان‌های لجوج از آن بهره‌ای نمی‌برند. ﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ...﴾
- ۳- انبیا، گرفتار کفار لجوج بودند و یاران اندک داشتند. ﴿أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ﴾
- ۴- شناخت نیروهای وفادار و سازماندهی و تمرکز آنان و جداسازی جبهه‌ی حق از باطل، برای رهبری و ادامه حرکت او ضروری است. ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ﴾
- ۵- تجدید بیعت با رهبری الهی، ارزش سیاسی، اجتماعی و دینی دارد. ﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾
- ۶- انبیا، مردم را برای خدا می‌خواهند، نه برای خود. ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ... نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾
- ۷- یاری کردن منادیان الهی، یاری خداوند است. ﴿نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾
- ۸- سبقت در حمایت از رهبران دینی، دارای ارزش است. با این‌که حضرت عیسی طرفدارانی داشت، ولی خداوند از ایمان حواریون ستایش نموده، و این به خاطر سابقه و صراحت آنان است. ﴿مَنْ أَنْصَارِي... نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾
- ۹- مقام تسلیم در برابر خداوند، پس از مرحله ایمان است. ﴿أَمَّنَّا بِاللَّهِ... مُسْلِمُونَ﴾
- ۱۰- انبیا، شاهدان و گواهان عملکرد مردم در قیامت هستند. ﴿وَاشْهَدْنَا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾

﴿۵۳﴾ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آورده‌ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.

## نکته‌ها:

□ در عبارت «مع الشَّاهِدِينَ» معنای حمایت است که در عبارت «من الشَّاهِدِينَ» نیست. نظیر

تفاوت «آمنوا به» و «آمنوا معه». چون در آیه‌ی قبل حضرت عیسی به عنوان شاهد مطرح شد، پس «با شاهدان بودن» یعنی همراه و یاور انبیا بودن.

### پیام‌ها:

- ۱- لازم‌ه‌ی ایمان، پیروی از پیامبر است. ﴿آمَنَّا... وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ﴾
- ۲- ایمان به تمام دستورات الهی لازم است. ﴿آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ﴾
- ۳- از خداوند بخواهیم ما را در ایمان ثابت و از حامیان انبیا قرار دهد. ﴿هَآكُنْتِنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾

### ﴿۵۴﴾ وَمَكْرُؤًا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ

و (دشمنان عیسی) تدبیر خود را (برای کشتن او) بکار بستند. خداوند نیز تدبیر خود را (برای حفظ او) بکار برد و خداوند بهترین تدبیر کننده است.

### نکته‌ها:

- امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از مکر خدا، کیفر مکر است وگرنه او اهل مکر نیست. <sup>(۱)</sup>
- گرچه آیه به یکی از سنت‌های الهی اشاره دارد، ولی با توجه به آیات قبل که حضرت عیسی کفر بنی‌اسرائیل را احساس کرد و با توجه به آیه بعد که خداوند عیسی علیه السلام را به آسمان بالا برد، استفاده می‌شود که مراد از مکر در اینجا، توطئه‌ی قتل حضرت عیسی است که گروهی در زمان آن حضرت برای خاموش کردن دعوت او نقشه‌ها کشیده، توطئه‌ها کردند؛ حتی برای حبس و دستگیری و معرفی او جایزه تعیین کردند و مقدمات کشتن و به دار آویختن او را فراهم کردند. اما خداوند نقشه‌ی آنها را نقش بر آب کرد و او را به بهترین شکل نجات داد.

۱. عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۲۶.

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند، پشتیبان اولیای خویش است. ﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ﴾
- ۲- تدبیر و حرکت انسان، مقدمه‌ی قهر یا لطف خداوند است. ﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ﴾
- ۳- کیفرهای الهی، با جرم بشر تناسب و سنخیت دارد. ﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ﴾
- ۴- اراده و تدبیر خدا، بالاتر از هر تلاش، حرکت و تدبیر است. ﴿وَاللَّهُ خَيْرَ الْمَاكِرِينَ﴾

﴿ ۵۵ ﴾ اِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ اذْبَعِيكَ وَرَافِعَكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرَكَ مِنَ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَيَّ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

(بیاد آور) هنگامی که خداوند فرمود: ای عیسی! من تو را (از زمین) برگرفته و به سوی خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شده‌اند، پاک می‌کنم و تا روز قیامت پیروان تو را بر کافران برتری خواهم داد. سپس بازگشت شما به سوی من است، پس در آنچه اختلاف می‌کردید، میان شما داوری خواهم کرد.

## نکته‌ها:

- نمونه عینی و عملی تدبیر الهی در برابر مکر دشمنان، در این آیه بیان شده است.
- امام باقر علیه السلام فرمود: معراج حضرت عیسی علیه السلام، در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان بوده است. <sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- برای سایر انبیا نیز معراج بوده است. ﴿رافِعَكَ إِلَيَّ﴾
- ۲- زندگی در میان کفار، مایه‌ی آلودگی، و دوری از آنها، مایه‌ی پاکی و طهارت است. ﴿مُطَهِّرَكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾
- ۳- پیشگویی غیبی غلبه‌ی مسیحیت بر یهود، از معجزات قرآن است. ﴿جَاعِلِ

۱. تفسیر نورالثقلین.



الَّذِينَ اتَّبَعُوا فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا ﴿

- ۴- پیروی از انبیا، رمز پیروزی است. ﴿جَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوا فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾  
 ۵- جهانی بودن اسلام، منافاتی با وجود اقلیت‌های مذهبی در پناه اسلام ندارد. از عبارت ﴿إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ استفاده می‌شود که دین یهود و مسیحیت تا قیامت پیروانی خواهد داشت.  
 ۶- بازگشت همه به سوی خداست و او داور بی‌چون و چرای قیامت است. ﴿إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ﴾

﴿ ۵۶ ﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ

مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

و اما گروهی که کافر شدند، در دنیا و آخرت به عذابی سخت عذابشان می‌کنم و برای آنها هیچ یاورانی نیست.

﴿ ۵۷ ﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ

اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پاداش‌های آنها را (خدا) بطور کامل خواهد داد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد.

#### نکته‌ها:

- در تفسیر اطیب البیان، نمونه‌ای از عذاب‌های دنیوی بنی اسرائیل، این‌گونه آمده است: ۳۷ سال پس از حضرت مسیح، شخصی به نام طیطوس که از قیصرهای روم بود، بر یهود مسلط شد و میلیون‌ها نفر از آنان را کشت و هزاران نفر را به اسارت گرفت. او دستور داد اموال آنان را به آتش کشیده و یا غارت کنند و اسیران آنها را طعمه‌ی درندگان سازند.
- در کنار تهدید کفار، تشویق اهل ایمان لازم است، چنانکه در کنار ایمان، انجام کارهای نیک لازم است.

## پیام‌ها:

- ۱- سرانجام کفر و بی‌ایمانی، عذاب الهی است. ﴿فَأَعَذِّبُهُمْ﴾
- ۲- هرچه اتمام حجّت بیشتر باشد، قهر خدا بر انکار کنندگان بیشتر خواهد بود. کسانی که زنده کردن مرده را از عیسی می‌بینند، ولی ایمان نمی‌آورند، مستحق هر نوع عذابی هستند. ﴿فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾
- ۳- گاهی خداوند در این دنیا نیز مجازات می‌دهد. ﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾
- ۴- در برابر قهر خدا، هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع باشد. ﴿وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾

## ﴿ ۵۸ ﴾ ذَلِكُمْ نَتَلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

(ای پیامبر!) آنچه بر تو می‌خوانیم، آیه‌ها و اندرز حکمت آمیز است.

## پیام‌ها:

- ۱- برای رهبری صحیح، علم و حکمت (نشانه‌های الهی و بیان حکیمانه و مستدل) لازم است. ﴿الآيات و الذکر الحکیم﴾

## ﴿ ۵۹ ﴾ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

همانا مثل (آفرینش) عیسی نزد خداوند، همچون مثل (آفرینش) آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: باش، پس موجود شد.

## نکته‌ها:

- گروهی از مسیحیان وارد مدینه شده و به حضور پیامبر ﷺ رسیدند. آنان در گفتگو با پیامبر ﷺ و ولادت عیسی ﷺ را بدون داشتن پدر، نشانه و دلیل الوهیت او عنوان کردند. این آیه نازل شد و جواب آنان را چنین بیان نمود: اگر تولّد بدون پدر، دلیل خدا یا فرزند خدا بودن است، خلقت حضرت آدم که مهم‌تر است، چون نه پدر داشت و نه مادر. پس چرا شما حضرت آدم را خدا یا فرزند خدا نمی‌دانید؟!

## پیام‌ها:

- ۱- مخالفان را از همان راهی که پذیرفته‌اند، به حقّ دعوت کنیم. مسیحیان پذیرفته‌اند که آدم مخلوق خداست، با این‌که پدر و مادر نداشت. «مَثَل عِيسَى... كَمَثَل آدَم»
- ۲- استناد به تاریخ و تجربه‌های گذشته و ارائه نمونه‌های عینی بهترین راه دعوت است. «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَل آدَم»
- ۳- قدرت خداوند در خلقت، محدود نیست. «كُن فَيَكُون»

## ﴿ ۶۰ ﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ

حق، همان است که از جانب پروردگار توست، پس از تردید کنندگان مباش.

## نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «مُتَمَرِّينَ» از «مِزْيَة» به معنای شک و تردید است. عین این آیه در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۴۷ نیز آمده است. با این آیه روشن می‌شود که سخن حقّ و پایدار تنها از جانب خدایی است که خود حقّ و ثابت است و گرنه از انسان‌هایی که در طوفان هوسها و غرایز ثباتی ندارند، قانون و سخن پایدار را نمی‌توان انتظار داشت.

## پیام‌ها:

- ۱- بیان حق، رمز ربوبیت و تربیت است. «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ»
- ۲- ثبات و حَقّانیت، جز در راه خدا، کلام خدا و قانون خداوند، وجود ندارد. «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ»
- ۳- تعداد زیاد مخالفان، تلاش و فعالیت آنان، و ثروت و تبلیغاتشان، نباید در حَقّانیت راه و عقاید ما تأثیر گذارد. «فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ»

﴿ ۶۱ ﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ  
 أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ  
 نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ

پس هر که با تو، بعد از علم و دانشی که به تو رسیده است، درباره او  
 (عیسی) به ستیز و محاجّه برخیزد (و از قبول حقّ شانه خالی کند) بگو:  
 بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان را (کسی که به  
 منزله خودمان است) و خودتان را بخوانیم، سپس (به درگاه خدا) مباحله و  
 زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

### نکته‌ها:

□ واژه‌ی «تَبْتَهَل» از ریشه‌ی «ابتهال» به معنای بازکردن دست‌ها و آرنج‌ها برای دعا، به  
 سوی آسمان است. این آیه، به آیه‌ی مباحله معروف گشته است. مباحله، یعنی توجه و  
 تضرّع دو گروه مخالف یکدیگر، به درگاه خدا و تقاضای لعنت و هلاکت برای طرف مقابل  
 که از نظر او اهل باطل است.<sup>(۱)</sup>

در تفاسیر شیعه و سنی و برخی کتب حدیث و تاریخ می‌خوانیم که در سال دهم هجری،  
 افرادی از سوی رسول خدا ﷺ مأمور تبلیغ اسلام در منطقه نجران شدند. مسیحیان نجران  
 نیز نمایندگانی را برای گفتگو با پیامبر اسلام ﷺ به مدینه گسیل داشتند. با وجود  
 گفتگوهایی که میان آنان و پیامبر ﷺ ردّ و بدل شد، باز هم آنان بهانه‌جویی کرده و در  
 حقانیت اسلام ابراز تردید می‌کردند. این آیه نازل شد و خطاب به پیامبر فرمود: به آنها بگو:  
 بیایید با فراخواندن فرزندان و زنان و عزیزانمان، خدا را بخوانیم و با حالت تضرّع و ابتهال  
 بر دروغگویان نفرین کنیم و هر نفرینی که دامن گروه مقابل را گرفت، معلوم می‌شود که راه  
 او باطل است و با این وسیله به این گفتگو و جدال پایان دهیم.

هنگامی که نمایندگان مسیحیان نجران، پیشنهاد مباحله را از رسول اکرم ﷺ شنیدند، به

۱. التحقیق فی کلمات القرآن.

یکدیگر نگاه کرده و متحیر ماندند. آنان مهلت خواستند تا در این باره فکر و اندیشه و مشورت کنند. بزرگ نصارا به آنها گفت: شما پیشنهاد را بپذیرید و اگر دیدید که پیامبر با سر و صدای جمعیتی انبوه برای نفرین می‌آید، نگران نباشید و بدانید که خبری نیست، ولی اگر با افراد معدودی به میدان آمد، از انجام مباحله صرف نظر و با او مصالحه کنید.

روز مباحله، آنها دیدند که پیامبر اسلام ﷺ همراه با دو کودک و یک جوان و یک زن بیرون آمدند. آن دو کودک، حسن و حسین علیهما السلام و آن جوان، علی بن ابی طالب علیه السلام و آن زن فاطمه‌ی زهرا علیها السلام - دختر پیامبر صلی الله علیه و آله - بودند.

أسقف مسیحیان گفت: من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند بخواهند کوه از جا کنده شود، کنده می‌شود. اگر این افراد نفرین کنند، یک نفر مسیحی روی زمین باقی نمی‌ماند. لذا از مباحله انصراف داده، حاضر به مصالحه شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: سوگند به کسی که مرا پیامبر حق قرار داد، اگر مباحله انجام می‌گرفت، آن وادی آتش را بر آنان فرو می‌ریخت. <sup>(۱)</sup> این ماجرا، علاوه بر تفاسیر شیعه، در منابع معتبر اهل سنت نیز آمده است. <sup>(۲)</sup>

□ مباحله، در بیست و چهارم یا بیست و پنجم ماه ذی‌الحجه و در بیرون شهر مدینه بود که اکنون داخل شهر قرار دارد و در آن محل، مسجدی به نام «مسجد الاجابة» ساخته شده است. فاصله‌ی این مسجد تا مسجدالتبی تقریباً حدود پانصد متر است. «اللهم ارزقنا زیارته و شفاعته»

□ بر اساس روایتی در تفسیر المیزان، دعوت به مباحله مخصوص مسیحیان نبوده،

۱. تفسیر مجمع‌البیان؛ مناقب ابن مغازی، ص ۲۶۳.

۲. صاحب تفسیر المیزان در جلد سوم صفحه ۲۵۷ آورده است که ماجرای مباحله را ۵۱ نفر از صحابه به اتفاق نظر نقل کرده‌اند. تفاسیر کبیر، آلوسی و مراغی ذیل آیه، در کتاب الکامل ابن اثیر جلد دوم صفحه ۲۹۳، مستدرک حاکم جلد سوم صفحه ۱۵۰، مسند احمد حنبل جلد اول صفحه ۱۸۵ و همچنین تفاسیر روح‌البیان، المنار و ابن‌کثیر و بسیاری از منابع شیعی و سنی دیگر، این واقعه را ضبط و نقل کرده‌اند. در کتاب احقاق‌الحق جلد سوم صفحه ۴۶ نیز نام شصت نفر از بزرگان اهل سنت را آورده است که همگی گفته‌اند: این آیه در عظمت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام اوست.

پیامبر ﷺ از یهودیان نیز برای مباحله دعوت کردند.

مباحله، خاصّ زمان پیامبر ﷺ نبوده است، بلکه براساس برخی از روایات، دیگر مؤمنان نیز می‌توانند مباحله کنند. امام صادق علیه السلام در این باره دستوراتی داده‌اند.<sup>(۱)</sup>

□ سؤال: اگر در این ماجرا تنها فاطمه زهرا علیها السلام حضور داشت، پس چرا قرآن کلمه‌ی «نساءنا» را به صورت جمع بکار برده است؟

پاسخ: در قرآن مواردی است که خداوند به دلیل اهمیت مورد از یک نفر به صورت «جمع» یاد می‌کند، مانند آیه ۱۸۱ سوره آل عمران که یک نفر از روی توهین گفت: خدا فقیر است، ولی آیه به صورت جمع می‌فرماید: «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ» چنانکه قرآن درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: ابراهیم یک امت بود، با آنکه یک نفر بیشتر نبود.

□ گرچه پیامبر می‌توانست خود شخصاً نفرین کند و کاری به علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نداشته باشد، ولی خدا و رسول، با این عمل به ما فهماندند که این افراد، یاران و شریکان رسول خدا در دعوت به حق و هدف او هستند و همراه او آماده‌ی استقبال از خطر بوده و تداوم‌گر حرکت او می‌باشند.

### پیام‌ها:

- ۱- اگر انسان ایمان به هدف داشته باشد، حاضر است خود و نزدیک‌ترین بستگانش را در معرض خطر قرار دهد. «من بعد ما جائك من العلم»
- ۲- آخرین برگ برنده و سلاح برنده مؤمن، دعاست. «فقل تعالوا ندع»
- ۳- فرزند دختری، همچون فرزند پسری، فرزند خود انسان است. «ابنائنا» بنابراین امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرزندان پیامبرند.
- ۴- زن و مرد در صحنه‌های مختلف دینی، در کنار همدیگر مطرحند. «نساءنا»
- ۵- در دعا، کیفیت و حالات اهل دعا مهم است، نه تعداد آنها. گروه مباحله کننده پنج نفر بیشتر نبودند. «ابنائنا، نساءنا، أنفسنا»

۱. تفسیر نورالثقلین ج ۱، ص ۳۵۱؛ اصول کافی، ج ۲، باب مباحله.

- ۶- علی بن ابی طالب علیه السلام، جان رسول الله صلی الله علیه و آله است. ﴿أَنْفَسْنَا﴾  
 ۷- در مجالس دعا، کودکان را نیز با خود ببریم. ﴿أَبْنَانَا﴾  
 ۸- اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مستجاب الدعوة هستند. ﴿أَبْنَانَا، نَسَانَا، أَنْفَسْنَا﴾  
 ۹- استمداد از غیب، پس از بکارگیری توانایی های عادی است. ﴿نَبْتَهْلُ﴾  
 ۱۰- کسی که منطقی و استدلال و معجزه، او را به پذیرش حق تسلیم نمی کند، یکی از راهها، مباحله است. ﴿تَعَالَوْا... نَبْتَهْلُ﴾  
 ۱۱- اگر مؤمنان محکم بایستند، دشمن به دلیل باطل بودنش عقب نشینی می کند. ﴿نَدْعُ... نَبْتَهْلُ﴾  
 ۱۲- استدلال را باید با استدلال پاسخ داد، ولی مجادله و لجاجت باید سرکوب شود. ﴿لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾

﴿ ۶۲ ﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصُّ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

به راستی، داستان درست (زندگی مسیح) همین است و هیچ معبودی جز خداوند نیست و همانا خداست مقتدر حکیم.

﴿ ۶۳ ﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

پس اگر از حق روی گردان شدند، همانا خداوند به (کار و حال) مفسدان آگاه است.

### نکته‌ها:

□ قصه و داستان، بر سه گونه است:

۱. رمان‌ها، افسانه‌ها و اساطیری که بر پایه خیال و غیر واقعی هستند.
۲. داستان‌های تاریخی که گاهی راست و مستند و گاهی آمیخته با دروغ و امور نادرست هستند.

۳. رویدادهایی که از زبان وحی به ما رسیده‌اند، براساس حَقّ هستند. داستان‌های قرآنی، همه از این نوع هستند و در آنها وهم، خیال، دروغ و نادرستی راه ندارد.

### پیام‌ها:

- ۱- اگر قرآن نبود، چهره‌ی واقعی حضرت مسیح، ناشناخته و آلوده با خرافات باقی می‌ماند. ﴿انّ هذا هو القصص الحق﴾
- ۲- تکرار شعار توحید و پایداری در برابر خرافات، لازم است. ﴿ما من اله الا الله﴾
- ۳- هر داستانی درباره پیامبران که با توحید منافات داشته باشد، ساختگی و باطل است. ﴿هو القصص الحق و ما من اله الا الله﴾
- ۴- پذیرفتن یا نپذیرفتن کلام حق، نشانه‌ی اختیار انسان است. ﴿فان تولّوا﴾
- ۵- روی‌گردانی از حق، نمونه‌ای از فساد است و سرپیچی کننده، مفسد می‌باشد. ﴿تولّوا... مفسدین﴾
- ۶- علم خداوند به کارهای مفسدان، بزرگ‌ترین هشدار است. ﴿علیم بالمفسدین﴾

﴿ ۶۴ ﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیابید که میان ما و شما مشترک است. جز آنکه خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرند. پس اگر (از این پیشنهاد) سرباززدند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خدائیم.

### نکته‌ها:

□ دعوت به سوی توحید وحقّ، لازم است. خواه با استدلال، خواه با مباحله و خواه از طریق دعوت به مشترکات.



□ عدی بن حاتم بعد از اسلام آوردن، به پیامبر ﷺ عرض کرد: ما زمانی که مسیحی بودیم، هرگز یکدیگر را «رب» خود قرار نمی دادیم، پس مراد از جمله ی «لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا» چیست؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آیا علمای شما احکام خدا را تغییر نمی دادند؟ گفت: چرا! فرمودند: پیروی از عالمی که قانون خدا را تغییر دهد، یک نوع بندگی و بردگی اوست.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- مسلمانان باید بر سر مشترکات، با اهل کتاب به توافق برسند. ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ...﴾
- ۲- باید در دعوت به وحدت، پیش قدم بود. ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ﴾
- ۳- اگر به تمام اهدافِ حَقِّ خود دست نیافتید، از تلاش برای رسیدن به بعضی از آن خودداری نکنید. ﴿تَعَالُوا إِلَى كَلِمَةٍ...﴾
- ۴- یکی از مراحل تبلیغ، دعوت به مشترکات است. ﴿كَلِمَةٌ سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾
- ۵- در تبلیغ و دعوت دیگران، باید ابتدا به عقاید حَقّه و مقدّسات مشترک، احترام گذارد. ﴿كَلِمَةٌ سَوَاءٌ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾
- ۶- یگانه پرستی و بیزاری از شرک، از جمله امور مشترک تمام ادیان آسمانی است. ﴿كَلِمَةٌ سَوَاءٌ... إِلَّا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ﴾
- ۷- توحید، سبب تعالی انسان است. «تعالوا» در جایی بکار می رود که دعوت به رشد و بالا آمدن باشد. ﴿تَعَالُوا... إِلَّا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ﴾
- ۸- اطاعت بی چون و چرا از دیگر انسان‌ها، نشانه‌ی پذیرش نوعی ربوبیت برای آنها و یک نوع عبودیت برای ماست. در حالی که همه‌ی انسان‌ها با یکدیگر مساوی هستند. ﴿لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا﴾
- ۹- اندیشه‌ی آزاد و شخصیت مستقل، شعار قرآن است. ﴿لَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا﴾

۱. تفسیر مراغی.

- ۱۰- اعراض و سرپیچی مخالفان نباید در اراده و ایمان ما اثر بگذارد. ﴿فان تولّوا فقولوا اشهدوا بانّا مسلمون﴾
- ۱۱- هر مبلغی باید سرپیچی و اعراض مردم را پیش بینی کند تا مایوس نشود. ﴿فان تولّوا فقولوا اشهدوا...﴾
- ۱۲- پس از استدلال و برهان، جدل را قطع کنید. ﴿فان تولّوا فقولوا...﴾
- ۱۳- بندگی خدا، نفی شرک و طرد حاکمیت غیر خداوند، از ویژگی های یک مسلمان واقعی است. ﴿اشهدوا بانّا مسلمون﴾

﴿ ۶۵ ﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ای اهل کتاب! چرا درباره ی ابراهیم گفتگو و نزاع می کنید؟ (و هر کدام او را پیرو آیین خود می دانید، در حالی که تورات و انجیل، پس از او نازل شده است، چرا تعقل نمی کنید؟

#### نکته ها:

□ هر یک از دو گروه یهودیان و مسیحیان، ابراهیم عليه السلام را از خود می دانستند و به قدری بازار این ادعا داغ بود که قرآن در دو آیه ی بعد می فرماید: ﴿ما كان ابراهيم يهوديا ولا نصرانيا﴾ این آیه برای پوچی ادعای آنها می گوید: چگونه شما ابراهیم را که قبل از تورات و انجیل بوده، تابع آن دو کتاب می دانید؟ کتابی که هنوز نازل نشده است، پیرو ندارد. آیا حاضر نیستید این مقدار هم فکر کنید که لااقل حرف شما با تاریخ منطبق باشد.

#### پیام ها:

- ۱- هنگام موعظه، از القاب متین و عناوین فرهنگی مخاطبان استفاده شود. ﴿يا أهل الكتاب﴾
- ۲- علم و کتاب، از چنان ارزشی برخوردارند که منسوبان به آن نیز محترم است.

﴿یا اهل الكتاب﴾

۳- سعی نکنید با انتساب شخصیت‌ها به خود، حقیقت خود را اثبات کنید. ﴿مُتَحَابُّونَ فِي اِبْرَاهِيمَ﴾ به جای نزاع در انتساب شخصیت‌های والا، از فکر آنان پیروی کنید.

۴- ادعاهای خود را مستند و هماهنگ با منطق و فطرت و تاریخ قرار دهید. ﴿وَمَا اُنزِلَتِ التَّوْرَاتُ﴾

﴿۶۶﴾ هَا اَنْتُمْ هَوَّلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا

لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

هان! (ای اهل کتاب!) شما همانان هستید که درباره (حضرت عیسی و) آنچه بدان علم داشتید محاجّه و نزاع کردید، پس چرا درباره (ابراهیم و) آنچه بدان علم ندارید نزاع می‌کنید؟ در حالی که خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

### نکته‌ها:

□ این آیه تذکر و هشدار است به اهل کتاب، که شما در مورد آنچه بدان علم و آگاهی دارید، اشکال تراشی و سؤالات بی جا می‌کنید. با آنکه شما زندگی طبیعی حضرت عیسی و نیاز او به غذا و مسکن و لباس را دیده‌اید، ولی باز هم در مورد او به گفتگو نشستید. گروهی او را دروغگو و گروهی فرزند خدا می‌پندارید.<sup>(۱)</sup> و یا در شناخت محمد ﷺ که نشانه‌هایش در تورات و انجیل آمده و برای شما شناخته شده است، به بحث و گفتگو می‌پردازید.<sup>(۲)</sup> شما که درباره معلومات، اهل جدال و بحث هستید و به نقطه‌ی توافقی نمی‌رسید، دیگر چه کار به مسأله‌ای دارید که در مورد آن هیچ علمی ندارید؟ مثل این که مذهب حضرت ابراهیم چه بوده است؟

۱. تفاسیر المیزان، فی ظلال، مراغی و المنار.

۲. تفاسیر مجمع البیان و قرطبی.

## پیام‌ها:

- ۱- گاهی باید افراد مغرور و لجوج را تحقیر کرد. ﴿ها أنتم هؤلاء﴾
- ۲- افراد لجوج، حتی در امور روشن به نزاع می‌نشینند. ﴿حاجتم فیما لکم به علم﴾
- ۳- اگر سرچشمه‌ی مباحثات، تحقیق باشد ارزش دارد، ولی اگر برای ظفره رفتن باشد، مورد انتقاد است. ﴿حاجتم فیما لکم به علم﴾

﴿ ۶۷ ﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا

مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

(برخلاف ادعای یهودیان و مسیحیان،) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او فردی حق‌گرا و تسلیم خدا بود و هرگز از مشرکان نبود.

## نکته‌ها:

- «حَنَفٌ»، به معنای گرایش به حق و «جَنَفٌ»، به معنای گرایش و تمایل به باطل است. بنابراین «حَنِيفٌ» به کسی گفته می‌شود که در مسیر باشد، ولی بت‌پرستان آن را در مورد خود بکار می‌بردند و مشرکان نیز «حُنَفَاءُ» خوانده می‌شدند.
- این آیه، با آوردن کلمه‌ی «مُسْلِمًا» در کنار کلمه‌ی «حَنِيفًا»، هم ابراهیم را از شرک مبرا کرده است و هم کفر و شرک را انحراف و ناحق دانسته است. حضرت علی علیه السلام فرمودند: دین ابراهیم همان دین محمد صلی الله علیه و آله بود. (۱)
- امام صادق علیه السلام در تفسیر عبارت «حَنِيفًا مُسْلِمًا» فرمودند: «خَالصًا مُخْلِصًا لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ عِبَادَةِ الْاَوْثَانِ» ابراهیم شخصی خالص و برگزیده بود و در او ذره‌ای از پرستش بت‌ها نبود. (۲)

۱. بحار، ج ۱۲، ص ۱۱. ۲. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۲، ص ۱۵.

﴿ ۶۸ ﴾ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَ  
الَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

همانا سزاوارترین افراد به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند و  
(نیز) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده‌اند و خداوند سرور و  
سرپرست مؤمنان است.

### نکته‌ها:

□ از این آیه معلوم می‌شود که نسبت ایمانی، فراتر و محکم‌تر از نسبت خویشاوندی است و  
افرادی که هم فکر و هم هدف باشند، به همدیگر نزدیک‌تر از کسانی هستند که  
در ظاهر قوم و خویشند، ولی به لحاظ فکری و اعتقادی از همدیگر جدایند. امام صادق علیه السلام  
به یکی از یاران با وفایش فرمود: «أنتم و الله من آل محمد» به خدا سوگند که شما از  
آل محمد صلی الله علیه و آله هستید. و سپس آیه فوق را تلاوت فرمود. <sup>(۱)</sup> رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مورد  
مسلمان فارسی فرمودند: «سلمان مّا أهل البيت» <sup>(۲)</sup>

□ با این‌که آیه فرمود: نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم، پیروان او هستند، لکن نام پیامبر اسلام  
و مسلمانان را جداگانه برد، تا بهترین نمونه‌ی پیروی را در وجود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و  
مسلمانان، به دنیا نشان دهد.

□ در روایتی آمده است: «انّ ولیّ محمد من اطاع الله و انّ یعدّ لحمته، و انّ عدوّ محمد من  
عصى الله و انّ قریبت قرابته» <sup>(۳)</sup> دوست و طرفدار محمد صلی الله علیه و آله کسی است که خدا را اطاعت  
کند، هرچند به لحاظ فامیلی از او دور باشد و دشمن پیامبر کسی است که خدا را نافرمانی  
کند، هرچند با پیامبر نسبت و نزدیکی داشته باشد.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» در آیه، امامان و پیروان آنها هستند. <sup>(۴)</sup>

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. بحار، ج ۱۰، ص ۱۲۳. ۳. تفسیر مجمع‌البیان.

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۱۶.

## پیام‌ها:

- ۱- پیوند مردم با رهبر، پیوند مکتبی است، نه پیوند قبیله‌ای، زبانی، منطقه‌ای و نژادی. ﴿انَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾
- ۲- ملاک قُرب به انبیا، اطاعت از آنان است. ﴿أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾
- ۳- پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان، در خط ابراهیم و هم مرام و هم هدف با او هستند. ﴿أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ... وَهَذَا النَّبِيُّ﴾

﴿ ۶۹ ۷ وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾

گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند، ولی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند و (این را) نمی‌فهمند.

## نکته‌ها:

□ سیمای تهاجم فرهنگی و توطئه‌های دشمن برای بی‌دین کردن مسلمانان را در این آیه و سه آیه‌ی بعد می‌بینیم. این آیه خبر از کینه‌های مکتبی، آیه بعد خبر از لجابت و کفر، آیه هفتاد و یکم خبر از شیوه حق‌پوشی و کتمان آگاهانه، و آیه هفتاد و دوّم خبر از تاکتیک فریبنده‌ی دشمن می‌دهد که مجموعاً یک تهاجم فرهنگی برخاسته از باطن تاریک آنان و بکارگیری شیوه‌های کتمان، زیر سؤال بردن و تضعیف و تزلزل عقاید توده‌ی مردم است.

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند، نقشه‌های دشمنان دین را افشا و آنان را رسوا می‌کند. ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ...﴾
- ۲- شناخت دشمن و برنامه‌های او، لازمه‌ی درامان ماندن از آسیب‌های احتمالی است. ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ...﴾
- ۳- خطر تهاجم فکری و فرهنگی، جدّی است. ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ...﴾
- ۴- به اظهارات منافقانه‌ی مخالفان اعتماد نکنید، آنها قلباً خواستار انحراف شما

هستند. ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ...﴾

- ۵- در قضاوت‌ها، انصاف را فراموش نکنید. گروهی از اهل کتاب، چنین آرزویی دارند، نه همه‌ی آنها. ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ﴾
- ۶- باید کاری کنید که دشمن آرزوی انحراف شما را به گور ببرد. کلمه «لو» در موارد ناشدنی بکار می‌رود. ﴿لَوْ يَضِلُّونَكُمْ﴾
- ۷- کسانی که در صدد انحراف دیگران هستند، ابتدا خود مرتکب حيله، نفاق، کینه، تهمت و توطئه می‌شوند. ﴿وَمَا يَضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ﴾
- ۸- میل به انحراف دیگران، خود یک انحراف بزرگ اخلاقی است. ﴿وَدَّتْ... و مَا يَضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ﴾

﴿۷۰﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

ای اهل کتاب! چرا به آیات خداوند (و نشانه‌های نبوت رسول خدا) کفر می‌ورزید، در حالی که خود (به درستی آن) گواهیید.

#### نکته‌ها:

- ظاهراً این آیه به بشارت‌هایی نظر دارد که اهل کتاب در تورات و انجیل درباره حضرت محمد ﷺ خوانده بودند، ولی به خاطر حفظ موقعیت اجتماعی و منافع مادی، همه‌ی آن نشانه‌های الهی را نادیده گرفتند.

#### پیام‌ها:

- ۱- سؤال از وجدان، بهترین راه دعوت است. ﴿لِمَ تَكْفُرُونَ...﴾
- ۲- دانستن تنها کفایت نمی‌کند، پذیرفتن نیز لازم است. ﴿تَكْفُرُونَ... تشهدون﴾

﴿۷۱﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ  
أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید و (یا) حق را کتمان می‌کنید، در حالی که خود (به حقیقت آن) آگاهید.

**نکته‌ها:**

- امام صادق علیه السلام درباره‌ی «و أنتم تعلمون» فرمودند: یعنی اهل کتاب به صفات ذکر شده برای پیامبر اسلام در تورات آگاه‌اند، (ولی آن را کتمان می‌کنند).<sup>(۱)</sup>
- بسیاری از تحریف‌گران، با نام اسلام‌شناس، مستشرق، مورخ و جهانگرد، در کتاب‌ها و ثبت مکان‌ها و زمان‌های تاریخی تصرّف کردند و در دائرةالمعارف‌ها به عنوان محقق چنان سیمایی از اسلام ترسیم کردند که خواننده به فکر ایمان و تأمل در عقاید اسلامی نیافتد.

**پیام‌ها:**

- ۱- مشتبه کردن و کتمان حق، دو اهرم نیرومند دشمن برای ایجاد انحراف در بین مؤمنان است. در دو آیه‌ی قبل فرمود: ﴿يَضِلُّونَكُمْ...﴾ در این آیه می‌فرماید: ﴿تلبسون، تکتُمون﴾
- ۲- کتمان حق، حرام و اظهار آن واجب است. ﴿تکتُمون الحق...﴾

﴿۷۲﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ  
آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا وَآخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و گروهی از اهل کتاب گفتند: به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، در آغاز روز ایمان آورید و در پایان روز کافر شوید، شاید (با این حيله، آنها از اسلام) باز گردند.

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵.



## نکته‌ها:

□ دوازده نفر از دانشمندان یهود، تصمیم گرفتند برای ایجاد تزلزل و تردید در عقاید مسلمانان، صبحگاهان نزد حضرت محمد ﷺ آمده، اظهار ایمان کنند، ولی در آخر روز از اسلام برگردند و بگویند: ما محمد و آیین او را دیدیم، ولی با آنچه در تورات و انجیل آمده، مطابقت ندارد. آنها با این نقشه‌ی ماهرانه می‌خواستند به هم‌کیشان خود این طور وانمود کنند که اگر اسلام مکتب خوبی بود، اهل علم و کتاب از آن دست بر نمی‌داشتند، با این کار هم در عقاید مسلمانان تردید بوجود آورند و هم سایر یهودیان را از مسلمان شدن بازدارند. خداوند متعال نیز با نزول این آیه، نقشه‌ی آنان را برملا ساخت.

□ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه را در هنگام نماز ظهر ابلاغ کردند، یهود گفتند: به آنچه در آغاز روز بوده ایمان آورید، ولی بدانچه در پایان روز آمده (تغییر قبله) کفر ورزید تا آنان از آن قبله بازگردند و به طرف بیت‌المقدس نماز بخوانند.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- مخالفان دین اسلام برای انحراف مسلمانان، برنامه‌ریزی می‌کنند. در آیه‌ی ۶۹ خواندیم که اهل کتاب دوست دارند شما را منحرف سازند، این آیه به نقشه‌ی آنان برای رسیدن به آن هدف می‌پردازد. ﴿يُضِلُّوكُمْ... قَالَتْ طَائِفَةٌ﴾
- ۲- چه بسا گروهی با نام اسلام، در صفوف مسلمانان نفوذ کرده، از پشت خنجر بزنند، لذا باید هشیار بود. ﴿آمَنُوا... وَاكْفَرُوا... لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
- ۳- مسلمان نباید ساده اندیش و زودباور بوده، به هر اظهار ایمانی، اعتماد کند. ﴿آمَنُوا وَجِهَ النَّهَارِ وَاكْفَرُوا آخِرَهُ﴾
- ۴- خداوند در مراحل حسّاس، از اسرار و توطئه‌های دشمنان پرده برمی‌دارد. ﴿آمَنُوا... وَاكْفَرُوا﴾

---

۱. المیزان، ذیل آیه.

- ۵- باید در مرحله‌ای از ایمان قرار بگیریم که بازگشت برخی مسلمانان از دین، مایه‌ی تزلزل ما نگردد. ﴿واکفروا آخره لعلهم يرجعون﴾
- ۶- یکی از سیاست‌های دشمن، ایجاد ارتباط و سپس قطع آن، به منظور ایجاد تزلزل در جامعه است. ﴿لعلهم يرجعون﴾

﴿۷۳﴾ وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

(بزرگان یهود، برای جلوگیری از گرایش یهود به اسلام، به آنان می‌گفتند: جز به کسی که آیین شما را پیروی کند، ایمان نیاورید. (زیرا دین حق منحصر به ماست. ای پیامبر! به آنان) بگو: راه سعادت راهی است که خدا بنماید (و مانعی ندارد) که به امتی دیگر نیز همانند آنچه (از کتاب و شریعت) به شما داده شده، داده شود، تا در نزد پروردگار با شما احتجاج کنند. (همچنین ای پیامبر! به آنان) بگو: فضل و رحمت بدست خداست، او به هر که بخواهد عطا می‌کند و خداوند دارای رحمت وسیع و علم بی‌انتهاست.

#### نکته‌ها:

- اهل کتاب، از گرایش یهود به اسلام نگران بودند و برای پیشگیری از آن تبلیغ می‌کردند. ﴿لَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- دشمنان اسلام، در توطئه‌های خود سفارش به پنهان کاری می‌کنند و به غیر خود نیز اعتمادی ندارند. ﴿لَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ﴾ یکی از معانی ایمان، اعتماد و اطمینان است.
- ۲- هدایت الهی، یک جریان مستمر در طول تاریخ بوده است و اختصاص به قوم خاصی ندارد. ﴿ان الهدی هدی الله﴾

- ۳- تعصّب و خودبرتربینی، یکی از آفت‌های دینداری است. ﴿الَّذِينَ تَبِعُوا دِينَكُمْ﴾  
 ۴- الطاف پروردگار، در انحصار گروه خاصی نیست. نبوت و هدایت، فضل الهی است که به هرکس بخواهد می‌دهد. ﴿إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ﴾  
 ۵- گزینش پیامبران از سوی خداوند، بر اساس علم اوست. ﴿وَاسِعٌ عِلْمٌ﴾

﴿۷۴﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

(خداوند) هر که را بخواهد به رحمت خویش اختصاص دهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است.

#### نکته‌ها:

□ این آیه، تصوّر غلط یهود را که خداوند هیچ قومی را مانند یهود مورد لطف خویش قرار نمی‌دهد، نفی کرده و می‌فرماید: خداوند بهتر می‌داند چه کسی را عهده‌دار رسالت خویش بگرداند. او در میان بندگان بر اساس علم و حکمت لایق‌ترین فرد را انتخاب کرده و مورد لطف خاص خویش قرار می‌دهد.

﴿۷۵﴾ وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بدينارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَانْتَهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و از اهل کتاب کسانی هستند که اگر او را بر اموال بسیاری امین گردانی، به تو باز می‌گرداند و بعضی از آنان (به قدری نادرستند که) اگر او را بر دیناری امین گردانی، آن را به تو بر نمی‌گرداند، مگر آنکه (برای مطالبه آن) دائماً بالای سر او بایستی، این (خیانت در امانت،) به جهت آن است که گفتند: درباره‌ی امّیین (غیر اهل کتاب) هرچه کنیم بر ما گناهی نیست، در حالی که آنها آگاهانه بر خدا دروغ می‌بندند.

## نکته‌ها:

□ در روایات آمده است: «امانت را به صاحبش برگردانید، حتی اگر او فاسق باشد».<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- در مورد مخالفان نیز، انصاف را مراعات کنید و همه را خائن ندانید. ﴿من أهل الكتاب... یؤدّہ الیک﴾
- ۲- امانتداری، ملاکی برای ارزشیابی افراد است. ﴿یؤدّہ... لا یؤدّہ﴾
- ۳- ارزشهای اخلاقی، ثبات دارند. حفظ امانت، در نزد همه نیکو و خیانت در آن، نسبت به هر کسی باشد زشت است. ردّ امانت، یک ارزش است، گرچه از مخالفان باشد. ﴿یؤدّہ... لا یؤدّہ﴾
- ۴- قیام و استقامت، برای گرفتن حق لازم است. ﴿لا یؤدّہ الیک الا ما دمت علیه قائماً﴾
- ۵- استثمار، استحمار و نژادپرستی، ممنوع است. ﴿لیس علینا فی الامّین سبیل﴾
- ۶- یهودیان و مسیحیان، خود را اندیشمند و مسلمانان را بی‌سواد و امی می‌پنداشتند. ﴿لیس علینا فی الامّین سبیل﴾
- ۷- بالاتر از گناه، توجیه گناه است. اهل کتاب اموال مردم را به ناحق می‌خوردند و می‌گفتند: خداوند به این کار راضی است. ﴿یقولون علی الله الکذب﴾

## ﴿۷۶﴾ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

آری، هر کس به عهد خویش وفا کند و تقوا داشته باشد، پس بی‌گمان خداوند پرهیزکاران را دوست می‌دارد.

## نکته‌ها:

□ وفای به عهد در تمام موارد زیر لازم است:

الف: عهدی که خداوند از طریق فطرت یا انبیا با انسان بسته است. ﴿المّ أعهد الیکم یا بنی

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

آدم ﴿۱﴾

ب: عهدی که انسان با خدا می‌بندد. ﴿و منهم من عاهد الله لئن آتانا من فضله...﴾ (۲)

ج: عهدی که انسان با مردم می‌بندد. ﴿و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا...﴾ (۳)

د: عهد رهبر با امت و بالعکس. ﴿الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم﴾ (۴)

## پیام‌ها:

- ۱- در برابر تفکرات غلط، موضع‌گیری کند. ﴿بلی﴾ (کلمه «بلی» غالباً در موردی بکار می‌رود که منطقی و تفکر قبلی را رد می‌کند).
- ۲- تقوا، انسان را از دروغ بستن به خدا و ضایع کردن حق مردم بیمه می‌کند. ﴿یقولون... الکذب... بلی من اوفی و اتقی﴾
- ۳- شعار، کار ساز نیست، عمل و تقوا لازم است. ﴿اوفی و اتقی﴾
- ۴- وفای به عهد، از نشانه‌های تقواست. ﴿اوفی و اتقی﴾
- ۵- وفای به عهد و تقوا، ملاک محبوبیت است، نه عالم و اهل کتاب بودن. ﴿یحبّ المتّقین﴾

﴿۷۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَآخِلَاقٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

همانا کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خودشان را به بهای ناچیزی می‌فروشند، برایشان نصیبی در آخرت نیست و خداوند در قیامت با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان نیز نظر (لطف) نمی‌کند، آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و برای آنان عذابی دردناک است.

۳. بقره، ۱۷۷.

۲. توبه، ۷۵.

۱. یس، ۶۰.

۴. انفال، ۵۶.

## نکته‌ها:

- این آیه، کسانی را که پیمان شکنی می‌کنند، به پنج نوع قهر الهی تهدید می‌کند: بی‌بهرگی و خسارت در آخرت، محرومیت از توجه خداوند، محرومیت از نظر لطف الهی، محرومیت از پاکی از گناه و گرفتاری به عذاب دردناک.
- در روایات شیعه و سنی آمده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «لا ایمان لمن لا امان له و لا دین لمن لا عهد له» کسی که مراعات امانت نکند، ایمان کاملی ندارد و آن کسی که به عهد خویش وفادار نباشد، دین کامل ندارد.<sup>(۱)</sup>
- در روایات آمده است: مراد از «عهد الله»، حقایق مربوط به پیامبر اسلام در تورات است که به دست عالمان یهود، تحریف گشته است.
- مقایسه کنیم وضع کسانی را که از جانب خداوند به آنها سلام داده می‌شود؛ «سلام قولاً من رب رحیم»<sup>(۲)</sup> با کسانی که خدا هیچ سخنی با آنان نگوید؛ «لا یکلّمهم الله» و اگر ناله‌ای سر دهند با جمله‌ی «اخشئوا فیها ولا تکلمون»<sup>(۳)</sup> خفه می‌شوند.
- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کس با سوگند، مال و ثروت برادرش را به ناحق بخورد، مورد غضب الهی است. سپس این آیه را تلاوت کردند.<sup>(۴)</sup>
- حضرت علیؑ فرمودند: مراد از نگاه خداوند در قیامت؛ «لا ینظر الیهم» نگاه رحمت است، (نه نگاه با چشم).<sup>(۵)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- پیمان شکنی با خدا، از گناهان کبیره است. این نوع تهدید پی‌درپی، در باره هیچ گناه دیگری در قرآن مطرح نشده است. «یشترون بعهد الله... لا خلاق لهم...»
- ۲- سوگند دروغ برای دین فروشی، سبب محرومیت در قیامت می‌شود. «یشترون... ایمانهم»

۱. تفسیر نورالتقلین و مراغی.

۲. یس، ۵۸.

۳. مؤمنون، ۱۰۸.

۴. تفسیر نورالتقلین.

۵. تفسیر برهان.

- ۳- دنیاپرستی، ریشه‌ی پیمان شکنی است. ﴿ثَمَّناً﴾  
 ۴- بهای پیمان شکنی هرچه باشد، کم است. ﴿ثَمَّناً قَلِيلاً﴾  
 ۵- کیفرهای قیامت، متناسب با عملکرد خود ماست. بی‌اعتنایی ما به تعهدات الهی، سبب بی‌اعتنایی خدا به ماست. ﴿لَا يَكْلَمُهُمْ، لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، لَا يَزْكِيهِمْ﴾  
 ۶- عذاب‌های آخروی، هم روحی و روانی است ﴿لَا يَكْلَمُهُمُ اللَّهُ﴾ هم جسمی ﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

﴿۷۸﴾ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ أَلْسِنَتَهُمُ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنْ  
 الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ  
 مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

وهمانا از ایشان (اهل کتاب) گروهی هستند که زبانشان به خواندن کتاب (دست نوشته‌ی خودشان چنان) می‌چرخانند که گمان می‌کنید آن از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب نیست و می‌گویند: آن (چه ما می‌خوانیم) از جانب خداست، در حالی که از جانب خدا نیست و آنها آگاهانه بر خداوند دروغ می‌بندند.

#### نکته‌ها:

- بر اساس این آیه، گناه علما و دانشمندان بی‌تقوا چند برابر است، زیرا:  
 الف: مردم را به اشتباه می‌اندازند. ﴿لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ﴾  
 ب: به خداوند دروغ می‌بندند. ﴿هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾  
 ج: تمام این حرکت‌ها را آگاهانه انجام می‌دهند. ﴿وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- در قضاوت‌ها، انصاف داشته باشیم و همه را به یک دید نگاه نکنیم. ﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا...﴾

- ۲- حضور علما و دانشمندان خائن در میان اهل کتاب، قطعی است. ﴿لَفَرِيقًا﴾
- ۳- عوام فریبی و لفاظی، از گناهان دانشمندان است. ﴿يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ﴾
- ۴- نطق خوب، اگر در مسیر حق نباشد، وسیله‌ای برای انحراف است. ﴿يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ﴾
- ۵ - گمراه کنندگان، مقدّسات مذهبی و کتب آسمانی را دستاویز خود قرار می دهند. ﴿بِالْكِتَابِ﴾
- ۶- النقاط، از حربه‌های زهرآگین فرهنگی دشمن است. ﴿لِتَحْسِبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ﴾
- ۷- اگر دشمن زمینه‌ی پذیرش انحراف را در شما ببیند، ادعاهای خطرناک تری مطرح می کند. ﴿لِتَحْسِبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ... يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾
- ۸- بزرگ‌ترین خیانت به فرهنگ و عقیده‌ی انسان، تحریف آگاهانه و مغرضانه‌ی علما و خواصّ است. ﴿يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ﴾

﴿ ۷۹ ﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

هیچ (پیامبر و) بشری که خداوند به او کتاب و حکم و نبوت داده است، حق ندارد به مردم بگوید: به جای خدا، بندگان من باشید. بنابراین (شما دانشمندان اهل کتاب به طریق اولی چنین حقی ندارید، بلکه باید) به خاطر سابقه‌ی آموزش کتاب و تدریسی که دارید، ربّانی باشید.

### نکته‌ها:

□ امتیاز پیامبران بر دیگران آن است که هر قدر بر تعداد یاران و مقدار قدرتشان افزوده شود، مردم را بیشتر به بندگی خدا دعوت می‌کنند، و هرگز راه توحید را عوض نمی‌کنند و تأکید و هشدارشان بیشتر می‌شود. اما دعوت کننده‌های سودجو، در ابتدا با قیافه‌ای مقدّس مآبانه و دلسوزانه کار را شروع می‌کنند، ولی پس از رسیدن به مسند قدرت، استبداد و خودمحموری را پی‌ریزی می‌کنند.



- در روایات آمده است که به بردگان خود، «عَبْدی» نگویند، بلکه «فَتَى» بگویند و بردگان نیز به مولای خود «رَبِّی» نگویند، بلکه «سَيِّدِی» بگویند.<sup>(۱)</sup>
- اگر انبیا نباید پرستش بشوند، حساب دیگران روشن است. اگر مواهب معنوی عامل عبودیت نشود، حساب زرق و برق مادی روشن است.
- «رَبَّانِیْن» جمع «رَبَّانِی» به کسی گفته می‌شود که پیوند او با خدا محکم باشد و در فکر اصلاح و تربیت دیگران باشد.
- رسول خدا ﷺ فرمودند: درباره من دو گروه هلاک شدند: ۱. پیروان افراطی که مرا از حدّ بشری بالا بردند. ۲. دشمنان بی‌انصاف که پیامبری مرا قبول ندارند و من از هر دو گروه بیزارم. حضرت عبسی رضی الله عنه نیز این هشدار را برای پیروان خود گوشزد کرده بود و نظیر این معنا را در نهج البلاغه از حضرت علی رضی الله عنه نیز شاهد هستیم.
- همچنین فرمودند: «لَا تَرْفَعُونِی فَوْقَ حَقِّی فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِتَّخَذَنِی عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخَذَنِی نَبِیًّا» مرا از آنچه هستم بالاتر نبرید، همانا خداوند پیش از آنکه مرا پیامبر قرار دهد، بنده آفریده است. سپس این آیه را تلاوت فرمودند.<sup>(۲)</sup>
- رسول خدا ﷺ درباره‌ی این آیه فرمودند: هیچ مرد وزن مسلمان، آزاد یا بنده‌ای نیست مگر آنکه حقّ واجبى از خداوند بر گردن اوست و آن اینکه قرآن را فراگیرد و در قرآن تفکّر کند.<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- استفاده نادرست از موقعیت، محبوبیت و مسئولیت، ممنوع است. ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ﴾
- ۲- کتاب و حکمت و نبوت، انسان را از بشر بودن خارج نمی‌کند. ﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ﴾
- ۳- هدف انبیا، تنها نجات بشر از شرک نیست، بلکه رشد او تا مرحله‌ی ربّانی شدن است. ﴿كُونُوا رَبَّانِیْن﴾

۱. تفسیر قرطبی.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۳. مستدرک، ج ۴، ص ۳۲۳.

- ۴- راه ربّانی شدن، علم دین و درس کتاب است، نه تصوّف و چله نشینی.<sup>(۱)</sup> ﴿رَبَّانِيّينَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ...﴾
- ۵- اگر تعلیم و تعلّم و درس، انسان را ربّانی نکند، در واقع آن علم، علم نبوده است.<sup>(۲)</sup> ﴿رَبَّانِيّينَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ...﴾
- ۶- علمای ربّانی، مفسّران واقعی قرآن هستند. ﴿كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾
- ۷- تعلیم و تدریس کتب آسمانی، باید همیشگی باشد. ﴿كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ... تَدْرُسُونَ﴾
- ۸- معلّمی، شغل انبیاست. ﴿تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ﴾

﴿۸۰﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ

بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

و(خداوند) به شما فرمان نمی‌دهد که فرشتگان و انبیا را ارباب خود قرار دهید، آیا ممکن است، پس از آنکه تسلیم خدا شدید، او شما را به کفر فرمان دهد؟

### پیام‌ها:

- هرگونه دعوت به شرک از سوی هر کس که باشد، ممنوع است. ﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا...﴾
- کفر، تنها انکار خدا نیست؛ بلکه پذیرش هرگونه ربّ و مستقل دانستن هر مخلوقی، کفر است. ﴿تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ﴾

۱. تفسیر فی ظلال القرآن. ۲. تفسیر صافی.

﴿ ۸۱ ﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

و (به یاد آور) هنگامی که خداوند از پیامبران (پیشین) پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، باید به او ایمان آورید و او را یاری کنید. (سپس خداوند) فرمود: آیا به این پیمان اقرار دارید و بار سنگین پیمان مرا (بر دوش) می‌گیرید؟ (انبیا در جواب) گفتند: (بلی) اقرار داریم، (خداوند) فرمود: خودتان شاهد باشید و من هم با شما از جمله گواهانم.

﴿ ۸۲ ﴾ فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

پس کسانی که بعد از این (پیمان محکم) روی برگردانند، آنان همان فاسقانند.

#### نکته‌ها:

- تفاوت مکتب انبیا، مانند تفاوت برنامه‌ی دو استاد یا دو استاندار است که در اصول مسائل علمی و سیاسی، دارای جهت واحدی هستند، ولی در مسائل جزئی، به جهت تفاوت‌های فردی دانش آموزان یا شرایط منطقه‌ای، برنامه‌های گوناگون ارائه می‌دهند.<sup>(۱)</sup>
- حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند از انبیای پیشین پیمان گرفت که مردم را به بعثت پیامبر اسلام و صفات او خبر و بشارت دهند و به آنان فرمان تصدیق آن حضرت را بدهند».<sup>(۲)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: «مراد از ﴿جاءکم رسول مصدق﴾ پیامبر اسلام است».<sup>(۳)</sup>
- آنچه مهم است داشتن روحیه اطاعت و تسلیم فرمان خدا بودن است، گرچه میدانی برای عمل نباشد. مثلاً شهید شدن یک مسأله است و آمادگی برای شهادت مسأله‌ای دیگر.

۱. تفسیر مراغی.

۲. تفسیر مجمع‌البیان.

۳. تفسیر نورالثقلین.

چنانکه خداوند نمی‌خواهد خون اسماعیل ریخته شود، ولی می‌خواهد ابراهیم آمادگی کامل برای قربانی کردن فرزند داشته باشد. یا ممکن است ما زمان ظهور حضرت مهدی (عج) را درک نکنیم، ولی انتظار ظهور، و عشق و علاقه و انس و آمادگی برای حضورش، مسأله‌ای است که در دهها آیه و روایت سفارش شده است.

بنابراین پیامبران گرچه عصر پیامبر اسلام را درک نکرده‌اند، ولی آنان مطیع و تسلیم فرمان خدا بوده و در آرزوی رسالت و یاری او بودند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ﴾

### پیام‌ها:

- ۱- در مدیریت الهی، لازمه‌ی سپردن مسئولیت‌ها، تعهد و پیمان گرفتن است. ﴿أَخِذْ بِاللَّهِ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ﴾
- ۲- هر جا کار سخت است، پیمان گرفتن لازم است. دست برداشتن از آئین و سنت موجود، و ایمان و حمایت از شخص نوظهور، ساده نیست. لذا خداوند تعهد شدید می‌گیرد. ﴿أَخِذْ بِاللَّهِ مِيثَاقَ...﴾
- ۳- آمدن پیامبر خاتم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قطعی است، لذا از همه‌ی انبیا پیمان گرفته شده، نه بعضی از آنها. ﴿مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ... جَاءَكُمْ رَسُولٌ﴾
- ۴- جریان نبوت، مایه‌ی وحدت است، نه اسباب تفرقه و انشعاب. ﴿رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ﴾
- ۵- انبیا دارای هدفی مشترک هستند. لذا پیامبران قبلی، آمدن انبیای بعدی را بشارت می‌دادند و نسبت به آنان پیمان ایمان و نصرت دارند، و پیامبران بعدی، انبیای قبل را تصدیق می‌کردند. ﴿مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنَنَّ﴾
- ۶- قدیمی‌ها، جدیدی‌ها را تحویل بگیرند، آنها را به مردم معرفی کنند و زمینه‌ی رشد بعدی‌ها را فراهم آورند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ... لَتَنْصُرَنَّهُ﴾
- ۷- ایمان به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه یاری و حمایت نیز لازم است. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ﴾
- ۸- در میان انبیا، سلسله مراتب است و خاتم النبیین اشرف آنهاست، زیرا همه‌ی

- انبیا باید مؤمن به او و حامی او باشند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ﴾
- ۹- وقتی انبیای پیشین موظف به ایمان و حمایت از پیامبر اسلام هستند، پس پیروان آنها نیز باید به او ایمان آورده و از او اطاعت کنند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ﴾
- ۱۰- حمایتی ارزشمند است که از ایمان سرچشمه گرفته باشد. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ﴾
- ۱۱- مهم، داشتن روح تسلیم و پذیرفتن حق است، چه بسا شرایط لازم برای عمل به وجود نیاید. انبیای قبل، زمان پیامبر اسلام ﷺ را درک نکردند، ولی این روحیه را داشتند. ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرَنَّهُ﴾
- ۱۲- پیمان شکن فاسق است. ﴿فَمَنْ تَوَلَّى... هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

﴿۸۳﴾ أَفَعَيِّرُ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

پس آیا آنها جز دین خدا (دینی) می جویند؟ در حالی که هر که در آسمان ها و زمین است، خواه ناخواه فقط تسلیم اوست و به سوی او بازگردانده می شوند.

#### نکته ها:

□ موجودات آسمان ها و زمین، همگی تسلیم خدایند. حتی اگر در حال عادی این سرسپردگی را کتمان کنند، در حال احساس خطر به ناچار دل به او می سپارند. مؤمنان با میل و رغبت تسلیم او هستند، ولی همگان در زمان احساس خطر یا مرگ یا مغلوب شدن در جنگ و یا درماندن در استدلال، تسلیم او می شوند. همه ذرات عالم، از کوچک ترین اتم تا بزرگ ترین کرات، همه تابع همان قانونی هستند که خداوند بر آنها حاکم کرده است و هر لحظه می تواند آن را تغییر دهد.

هنگام نوشتن این جملات در یک لحظه بدون دلیل خاصی احساس کردم نصف سر و صورتم به شدت درد گرفت. قلم را زمین گذاشتم، دست بر سر و محل درد کشیدم، لحظاتی گذشت یک مرتبه آرام شدم، با خود گفتم: آری، تمام هستی در هر لحظه ای و به هر شکلی

در دست خداست. حرکت هر برگگی و نوشتن هر کلمه‌ای بدون اراده‌ی او ممکن نیست.

□ امام صادق علیه السلام در مورد این آیه فرمودند: «زمانی که قائم علیه السلام قیام کند، تمام سرزمین‌ها بانگ شهادت «لا اله الا الله و محمد رسول الله» سر خواهند داد». (۱)

□ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مراد از ﴿مَنْ فِي السَّمَوَاتِ﴾، ملائکه می‌باشند». (۲)

## پیام‌ها:

- ۱- انتخاب راه غیر خدا، با نظام هستی سازگار نیست. ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ وَ لَهُ اسْلَمٌ﴾
- ۲- حقیقت دین، تسلیم است. ﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبِغُونَ وَ لَهُ اسْلَمٌ...﴾
- ۳- انسان، دائماً در جستجوی راه و روشی است و گرایش به مکتب در نهاد او قرار دارد. (جمله «یَبِغُونَ» دلالت بر خواست و تمایل دائمی دارد).
- ۴- اگر هستی تسلیم اوست، چرا ما تسلیم نباشیم؟ ﴿لَهُ اسْلَمٌ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
- ۵- در آسمان‌ها موجودات با شعور هستند. ﴿مَنْ فِي السَّمَوَاتِ﴾ (حرف «مَنْ» برای موجودات دارای عقل و شعور بکار برده می‌شود)
- ۶- اگر پایان کار ما اوست، چرا از همان اول رو به سوی او نکنیم؟ ﴿إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ﴾

﴿ ۸۴ ﴾ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

بگو: به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران از نسل یعقوب) نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر، از طرف پروردگارشان داده شده (به همه‌ی آنها) ایمان آورده‌ایم و میان هیچ‌یک از آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما تنها تسلیم (فرمان) او هستیم.

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. تفسیر درالمنثور.

## نکته‌ها:

- این آیه، به غیر از یکی دو کلمه، کاملاً شبیه آیه‌ی ۱۳۶ سوره‌ی بقره است.
- شکل کار اصل نیست، بلکه اصل، آن هدف غایی و نهایی کار است. در هر زمانی ممکن است شکل کار و دعوت انبیا فرق کند، مثلاً حضرت موسی به سراغ فرعون برود و یا حضرت سلیمان، فرمانروایی مانند بلقیس را دعوت کند، ولی هدف نهایی یکی است. درست مانند حرکت‌های گوناگون امامان معصوم علیهم‌السلام.
- اگر از انبیای گذشته برای معرفی و یاری پیامبر آینده پیمان گرفته شده، پیامبر آینده نیز مأمور است به نمایندگی از تمامی پیروانش، ایمان خود را نسبت به پیامبران گذشته اعلام نماید.

## پیام‌ها:

- ۱- ایمان خود را اظهار کنید. ﴿قُلْ آمَنَّا﴾
- ۲- ایمان به انبیا، در کنار ایمان به خداوند است. ﴿آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أَنزَلَ... وَ النَّبِيِّينَ﴾
- ۳- خدمات پیشینیان را نادیده نگیریم. ﴿وَ مَا أَنزَلَ عَلٰی إِبْرَاهِيمَ... وَ مَا أَوْقَىٰ مُوسَىٰ﴾
- ۴- آمدن انبیا، جلوه‌ای از ربوبیت الهی است. ﴿وَ النَّبِيِّينَ مِنْ رَبِّهِمْ﴾
- ۵- دین و هدایت الهی، همواره همراه بشر بوده است. انبیا همچون معلمان یک مدرسه‌اند که به طور زنجیره‌ای مأمور ارشاد مردم بوده‌اند. ﴿إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ...﴾
- ۶- تمام انبیا، دارای هدف واحد هستند. ﴿لَا نَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ﴾
- ۷- برتری بعضی از انبیا بر برخی دیگر؛ ﴿فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلٰی بَعْضٍ﴾<sup>(۱)</sup> هرگز مانع ایمان ما به همه‌ی آنها نیست. ﴿لَا نَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ﴾
- ۸- پیامبر اسلام، با اظهار ایمان خود به سایر انبیا، پیروان مکتب‌های توحیدی را به وحدت دعوت می‌کند. ﴿لَا نَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ﴾
- ۹- پیامبر اسلام، تسلیم مطلق حق است. ﴿نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

۱۰- کسی که میان انبیا فرق بگذارد، در حقیقت تسلیم خدا نیست. ﴿لَا تَفْرَقُوا... نحن له مسلمون﴾

۱۱- مؤمنان، هماهنگ با تمام موجودات، تسلیم خدا هستند. ﴿له أسلم من في السموات والارض... ونحن له مسلمون﴾

﴿۸۵﴾ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ

مِنَ الْخَاسِرِينَ

و هر کس غیر از اسلام به سراغ دینی دیگر برود، پس هرگز از او قبول نمی‌شود و او در قیامت از زیانکاران خواهد بود.

### نکته‌ها:

- از جمله ی ﴿يَبْتَغِ﴾، استفاده می‌شود که مراد آیه، کسانی هستند که اسلام به گوش آنها رسیده، ولی آن را رها کرده و به سراغ دیگر مکاتب رفته‌اند. این افراد در قیامت زیانکارند و دین آنها مورد پذیرش نیست.
  - با توجه به آیه ی ۸۱، پذیرش دین اسلام، میثاق خداوند از همه ی پیامبران پیشین است ولذا با آمدن پیامبر و دین اسلام، دین دیگری غیر از آن مورد قبول نیست. ﴿فلن يقبل منه﴾
  - در آیات گذشته، سیمایی از اصول مکتب اسلام ترسیم شد که خطوط کلی آن عبارتند از:
    ۱. از تمام انبیای پیشین پیمان گرفته شده تا به پیامبر بعدی ایمان آورند.
    ۲. تمام هستی تسلیم خداست و نمی‌توان غیر دین الهی را پذیرفت.
    ۳. پیروان اسلام، به تمام انبیا و کتب آسمانی ایمان دارند.
- و در این آیه با صراحت اعلام می‌کند: هرکس غیر از دین اسلام را بپذیرد، قابل قبول نیست. آری، بعد از دعوت، استدلال، مباحثه و اعلام همسویی با عقاید و کتب آسمانی دیگر، جای صراحت و بی‌پرده سخن گفتن است.



## پیام‌ها:

- ۱- اسلام، ناسخ همه ادیان پیشین است. ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾
- ۲- رها کردن مکتبی جامع، مایه خسارتی ابدی است. ﴿مَنْ يَبْتَغِ... مِنْ الْخَاسِرِينَ﴾
- ۳- آخرت، جلوه‌گاه خسارت‌های واقعی است. ﴿فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾
- ۴- انتخاب اسلام، نشانه دوران‌اندیشی و نجات انسان است. ﴿فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

﴿ ۸۶ ﴾ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ

الرَّسُولَ حَقًّا وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که بعد از ایمان و گواهی بر حقایق رسول و آمدن معجزات و دلایل روشن بر ایشان، باز هم کافر شدند، و خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

## پیام‌ها:

- ۱- هرچه دلایل هدایت، بیشتر و روشن‌تر باشد، کفر و بی‌اعتنایی به آنها خطرناک‌تر است. ﴿کیف یهدی... لایهدی القوم الظالمین﴾
- ۲- علم و ایمان اولیه کافی نیست، پایداری و تداوم ایمان و عمل لازم است. زیرا خطر ارتداد، همواره انسان را تهدید می‌کند. ﴿کفرُوا بعد ایمانهم﴾
- ۳- گروهی از مسلمانان، در زمان پیامبر اکرم مرتد شدند. ﴿کفرُوا بعد ایمانهم﴾
- ۴- پشت کردن به حق، منطوق و عقل، رسول و بی‌بینه، ظلم است و سبب خارج شدن از مدار الطاف الهی می‌گردد. ﴿لایهدی القوم الظالمین﴾
- ۵- سنت خدا آن است که ظالمان را هدایت نکند. ﴿والله لایهدی القوم الظالمین﴾ (جمله «لایهدی» نشانه استمرار عمل و سنت الهی است.)
- ۶- توبه و بازگشت، برای مرتد بسیار مشکل است. ﴿کفرُوا بعد ایمانهم... والله لایهدی...﴾
- ۷- کافران ناآگاه، از کفار آگاه، به هدایت نزدیک‌ترند. ﴿جاءهم البیِّنَاتُ وَاللَّهُ لایهدی

القوم الظالمين ﴿

۸- برخورداری از هدایت الهی و یا محروم شدن از آن، به دست خودماست.

﴿لا یهدی القوم الظالمین﴾

﴿ ۸۷ ﴾ أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ

أَجْمَعِينَ

آنان (که با آن همه دلایل روشن و سابقه‌ی ایمان، مرتد شدند،) کیفرشان

آن است که لعنت خدا و فرشتگان و عموم مردم بر آنان باشد.

﴿ ۸۸ ﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

آنها همواره مورد لعن (خدا و فرشتگان و مردم) هستند، نه عذاب از آنان

کاسته شود و نه به آنها مهلت داده شود.

**نکته‌ها:**

□ نفرین تمام مردم، به افراد مرتد، شاید بدان جهت باشد که وجدان‌های آگاه و فطرت‌های

سالم، این اعراض و کفر آگاهانه را محکوم می‌کند. شاید هم از آن رو باشد که شعاع کفر

آگاهانه، به نسله‌ها و عصرها سرایت کرده و افراد زیادی را در آتش خود می‌سوزاند.

□ مشابه این لعنت خدا و فرشتگان و مردم را در آیه‌ی ۱۵۹ سوره بقره نسبت به دانشمندانی

که حقایق را کتمان می‌کنند، می‌خوانیم. بنابراین گناه عالمی که کتمان حق کند و مرتدی که

آگاهانه دست از ایمان بردارد، یکسان است.

**پیام‌ها:**

۱- ملائکه در برابر افکار و اعمال زشت انسان، واکنش نشان می‌دهند. ﴿علیهم لعنة

اللّه و الملائكة...﴾

۲- مردم باید در برابر افراد مرتد و منحرف، عکس العمل نشان بدهند. ﴿علیهم

لعنة... الناس﴾

۳- علم و آگاهی در مقدار و کیفیت عذاب الهی مؤثر است. «شهدوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ... لَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَاهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿۸۹﴾

﴿۸۹﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مگر کسانی که پس از آن، (از کفر و ارتداد) توبه کنند و (کردار و افکار خود را) اصلاح نمایند، که همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

### نکته‌ها:

□ اگر شخص کافری مسلمان شود، قانون «الاسلامُ يُجِبُّ مَا قَبْلَهُ» تمام گذشته‌ها را پاک می‌کند، ولی اگر مرتدی توبه کند و بار دیگر مسلمان شود، باید همه‌ی وظایف بجا مانده را جبران کند و افکار و اعمال خود را اصلاح کند، و نمازها و روزه‌های ترک شده را قضا کرده، بجای آورد.

### پیام‌ها:

- ۱- راه توبه و بازگشت، بر همگان حتی از دین برگشتگان باز است. «كفروا بعد ايمانهم... الا الذين تابوا من بعد ذلك و اصلحوا ﴿۸۹﴾
- ۲- نشانه‌ی توبه واقعی، اصلاح مفسد است. «تابوا... و اصلحوا ﴿۸۹﴾
- ۳- خداوند نه تنها توبه را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد، بلکه توبه کننده را نیز دوست می‌دارد و مورد رحمت قرار می‌دهد. «غفور رحيم ﴿۸۹﴾

﴿۹۰﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ

وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

البته کسانی که پس از ایمان آوردن، کافر شدند و سپس بر کفر خود افزودند، هرگز توبه‌ی آنها پذیرفته نخواهد شد و آنها همان گمراهانند.

## نکته‌ها:

□ افراد مرتد و از دین برگشتگان دو نوعند:

الف: مرتد مَلّی که پدر و مادرش هنگام انعقاد نطفه او کافر باشند، و او بعد از بلوغ اظهار کفر کند و سپس اسلام بیاورد و پس از آن مجدداً از اسلام دست بردارد. چون این شخص مسلمان زاده نیست، مجازاتش خفیف و سبک است.

ب: مرتد فطری که پدر یا مادرش هنگام انعقاد نطفه مسلمان باشند، و او پس از بلوغ اظهار اسلام کند و سپس از دین و آیین خویش دست بردارد و به اسلام پشت کند. این چنین شخصی مجازات سنگینی همانند اعدام را در پیش رو دارد.

□ از آیات متعدد قرآن استفاده می‌شود که هر یک از کمالات و یا انحرافات در انسان، قابل افزایش و یا کاهش است. ازدیاد علم مانند: ﴿رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾<sup>(۱)</sup> افزایش هدایت مانند: ﴿زَادَهُمْ هُدًى﴾<sup>(۲)</sup> افزایش گمراهی مانند آیه مورد بحث: ﴿زَادُوا كُفْرًا﴾

□ گرچه راه توبه بر احدی بسته نیست، اما نباید گروهی از این توبه‌ی مقدّس استفاده نادرست کنند. کسانی که از ایمان خود دست برداشته و دائماً بر کفر و لجاجت خود می‌افزایند و جز لحظه‌ی مرگ یا غلبه‌ی مسلمانان در جنگ، توبه نمی‌کنند، توبه این گونه افراد قابل قبول نخواهد بود، زیرا توبه، آداب و شرایط و شیوه‌ای دارد که شامل حال این افراد نمی‌شود.

## پیام‌ها:

- ۱- ایمانی ارزش دارد که تا پایان عمر داوم داشته باشد. ایمانی که با کفر پایان پذیرد، کارساز نیست. ﴿كُفِرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ﴾
- ۲- انسان مختار است، می‌تواند ایمان آورد و یا کفر ورزد. می‌تواند بر ایمان خود پایدار و یا در کفر خود پافشاری کند. می‌تواند توبه کند یا بر گناه اصرار ورزد. ﴿كُفِرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ﴾

۱. طه، ۱۱۴.

۲. محمد، ۱۷.

۳- بدتر از کفر و ارتداد، لجاجت و پافشاری بر انحراف و کفر است. ﴿ثُمَّ از دادوا کفراً﴾

۴- خداوند توبه پذیر است، ولی گروهی زمینه‌ها را از دست داده‌اند. جراح هر چقدر هم ماهر باشد، تا زمینه‌ی پیوند در مریض نباشد کاری پیش نمی‌برد. ﴿لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتِهِمْ﴾

۵- اصرار و تداوم کفر، سبب محرومیت از پذیرفته شدن توبه است. ﴿از دادوا کفراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتِهِمْ﴾

﴿۹۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ  
الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ  
مِنْ نَّاصِرِينَ

همانا کسانی که کفر ورزیدند و در حال کفر (بدون توبه) مردند، اگر چه زمین را پر از طلا کرده و به عنوان فدیة و باز خرید (از عذاب) بدهند، هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نمی‌شود. آنان را عذابی دردناک است و برایشان هیچ یاورى نیست.

### نکته‌ها:

□ دنیا و آخرت تفاوت‌هایی دارند، از جمله:

۱. غم و اندوه در دنیا از انسان به دیگران سرایت می‌کند، ولی در آخرت چنین نیست.
۲. در دنیا، انسان می‌تواند با عذر یا کفاره یا دروغ یا حيله یا توبه یا ناله مشککش را حل کند، اما در آخرت چنین نیست.
۳. تلخی‌های دنیا قابل تخفیف است و اگر انسان با آن انس گرفت، از تلخی آن کاسته می‌شود، ولی در آخرت چنین نیست.

## پیام‌ها:

- ۱- کافر مردن، بزرگ‌ترین خطر است، ﴿ماتوا و هم کفار﴾ و در حال تسلیم خدا مردن، آرزوی پیامبران است، چنانکه حضرت یوسف فرمود ﴿توفّی مسلماً﴾<sup>(۱)</sup>
- ۲- در قیامت، مال دنیا بی‌ارزش است و ذرّه‌ای کارآیی ندارد. گرچه از جنس طلا و مقدار آن به اندازه‌ی ظرفیت زمین باشد، باز هم پیشیزی ارزش ندارد. ﴿ملء الارض ذهباً﴾
- ۳- ایمان، ارزشی فراتر از تمام مادیات دارد. در قیامت تنها ایمان است که می‌تواند انسان را نجات دهد. ﴿ملء الارض ذهباً﴾
- ۴- مرگ در حال کفر، زمین‌هی شفاعت را از بین می‌برد. ﴿ما لهم من ناصرین﴾

﴿ ۹۲ ﴾ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ

فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

هرگز به نیکی دست نمی‌یابید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و بدانید هر چه را انفاق کنید، قطعاً خداوند به آن آگاه است.

## نکته‌ها:

□ «بِرّ» به خیر و برکت گسترده و زمینی که برای کشت و زراعت و یا سکونت مهیاست، گفته می‌شود. به گندم - که غذای عموم انسان‌ها و انواع حیوانات است - «بِرّ» گفته می‌شود. با توجه به اشتقاق لغوی «بِرّ» که به معنای توسعه در خیر است؛ در قرآن، ایمان و عمل صالح و جهاد و نماز و وفای به عهد، از نمونه‌های بِرّ معرفی شده‌اند. ﴿لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تَوَلَّوْا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي

۱. یوسف، ۱۰۱.

الرَّقَابِ وِاقَامَ الصَّلَاةِ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿۱﴾

□ در قرآن همگان توصیه شده‌اند که در انجام «بر» همدیگر را یاری کنند. «تعاونوا علی البر»<sup>(۲)</sup> و در این آیه نیز می‌فرماید که شما هرگز به این گوهر گرانبها نمی‌رسید، مگر آنکه از آنچه دلپسند شماست و آن را دوست می‌دارید، انفاق کنید.

### نمونه‌هایی از انفاق مؤمنان

۱. ابوظلحه انصاری، بیشترین درختان خرما را در مدینه داشت و باغ او محبوب‌ترین اموالش بود. این باغ که روبروی مسجد پیامبر ﷺ واقع شده بود، آب زلالی داشت. رسول خدا ﷺ گاه و بی‌گاه وارد آن باغ می‌شد و از چشمه‌ی آن می‌نوشید. این باغ زیبا و عالی، درآمد کلانی داشت که مردم از آن سخن می‌گفتند. وقتی آیه نازل شد که «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى...» او خدمت پیامبر رسید و عرض کرد: محبوب‌ترین چیزها نزد من این باغ است، می‌خواهم آن را در راه خدا انفاق کنم. پیامبر ﷺ فرمود: تجارت خوبی است، آفرین بر تو، ولی پیشنهاد من آن است که این باغ را به فقرای فامیل و بستگان خویش دهی. او قبول کرد و باغ را بین آنان تقسیم کرد.<sup>(۳)</sup>

۲. چند نفر مهمان ابوذر شدند، ابوذر گفت: چون من گرفتاری دارم، شما خودتان یکی از شتران مرا نحر و غذا تهیه کنید. آنها شتر لاغری را انتخاب کردند. ابوذر ناراحت شد و پرسید: چرا شتر فربه و چاق را نیاوردید؟ گفتند: آن را برای نیاز آینده تو گذاشتیم. ابوذر فرمود: روز نیاز من روز قبر من است.<sup>(۴)</sup>

۳. وقتی فاطمه زهرا ع را در شب عروسی به خانه شوهر می‌بردند، فقیری از حضرت پیراهن کهنه‌ای درخواست کرد. فاطمه زهرا ع به یاد این آیه «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ...» افتاد و همان پیراهن عروسیش را به او بخشید.

۱. بقره، ۱۷۷. ۲. مائده، ۲.

۳. تفسیر کبیر و مجمع البیان؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۸۱. ۴. تفسیر مجمع البیان.

۴. عبدالله بن جعفر، غلام سیاهی را دید که در باغی کارگری می‌کند، به وقت غذا سگی وارد باغ شد و در برابر غلام نشست. غلام لقمه‌ای به او داد، باز سگ با نگاه خود تقاضای غذا کرد، غلام غذای خود را لقمه لقمه به او داد تا تمام شد. از او پرسید: خودت چه می‌خوری؟ گفت: من امروز سهمی ندارم. پرسید: چرا این کار را کردی؟ گفت: این سگ از راه دور آمده و گرسنه بود. عبدالله از فتوت این غلام تعجب کرد. آن باغ و غلام را خرید، غلام را آزاد کرد و باغ را به او بخشید.<sup>(۱)</sup>

□ در احادیث در باره این آیه می‌خوانیم: راه رسیدن به برّ، کمک به والدین قبل از درخواست آنان است، گرچه بی‌نیاز باشند.<sup>(۲)</sup>

□ امام صادق علیه السلام به شاگرد خود مفضل بن عمر فرمود: از پدرم شنیدم که می‌فرمود: کسی که سال بر او بگذرد و از مال خود، کم یا زیاد حق ما را ندهند، خداوند روز قیامت به او نظر نمی‌کند، مگر آنکه او را ببخشد.

ای مفضل! این تکلیفی است که خداوند آن را بر شیعیان لازم کرده آنجا که در کتاب خود می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ...﴾ پس ما برّ و تقوا و راه هدایت هستیم.<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- یگانه راه رسیدن به مقام نیکوکاران، انفاق خالصانه از امور مورد علاقه است. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ...﴾
- ۲- در مکتب اسلام، هدف از انفاق تنها فقرزدایی نیست، بلکه رشد انفاق‌کننده نیز مطرح است. دل‌کندن از محبوب‌های خیالی و شکوفاشدن روح سخاوت، از مهم‌ترین آثار انفاق برای انفاق‌کننده است. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ﴾
- ۳- دل‌بستگی به دنیا سبب محروم شدن از رسیدن به مقام برّ است. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ﴾
- ۴- سعادت فرد در سایه نگاه اجتماعی و کریمانه اوست. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تَنْفُقُوا﴾
- ۵- بهترین چیز دوست داشتنی برای انسان «جان» است. پس شهادایی که جان

۱. تفسیر المنار. ۲. کافی، ج ۲، ص ۱۵۷. ۳. تفسیر عیاشی.



- خود را در راه خدا می دهند، به بالاترین مقام بر می رسند. ﴿تَنفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ﴾
- ۶- آنچه را که خود دوست می داری انفاق کن، نه آنچه را که بینوایان دوست می دارند. زیرا ممکن است فقرا به جهت شدت فقر، به اشیای ناچیز نیز راضی باشند. ﴿مِمَّا تَحِبُّونَ﴾، نه ﴿مِمَّا يَحِبُّونَ﴾
- ۷- انسانی که تربیت الهی یافته، اسیر مال و ثروت نیست، بلکه حاکم بر آنهاست. ﴿تَنفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ﴾
- ۸- در انفاق، اصل کیفیت است، نه کمیت. ﴿مِمَّا تَحِبُّونَ﴾
- ۹- اسلام، مکتب انسان دوستی است نه مال دوستی. ﴿تَنفِقُونَ مِمَّا تَحِبُّونَ﴾
- ۱۰- در انفاق نه افراط و نه تفریط، تنها بخشی از آنچه را دوست داری، انفاق کن. ﴿مِمَّا تَحِبُّونَ﴾ «من» بیانگر تبعیض است.
- ۱۱- محبت به مال در نهاد هر انسانی هست: ﴿مِمَّا تَحِبُّونَ﴾ آنچه خطرناک است، شدت محبت است که مانع انفاق شود. ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾<sup>(۱)</sup>
- ۱۲- مهم انفاق است حتی اگر اندک باشد. ﴿وَمَا تَنفِقُوا مِنْ شَيْءٍ﴾ آری یک برگ زرد روی آب، می تواند کشتی صدها مورچه شود.
- ۱۳- حال که خداوند انفاق ما را می بیند، چرا در کم و کیف آن کوتاهی کنیم؟ بیایید بهترین ها را انفاق کنیم. ﴿فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾

## جزء ﴿ ۴ ﴾

﴿ ۹۳ ﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

همه‌ی غذاها و خوارکی‌ها برای بنی‌اسرائیل حلال بود، مگر آنچه را اسرائیل (یعقوب) پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود، بگو: اگر راست می‌گویید (که اینها از قبل در تورات حرام بوده است)، تورات را بیاورید و آن را تلاوت کنید (تا ببینید بسیاری از چیزها را بدون نزول وحی از پیش خود، بر خودتان حرام کرده‌اید).

﴿ ۹۴ ﴾ فَمَنْ أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

پس بعد از این، هر کسی بر خدا به دروغ افترا ببندد، آنان ستمگران هستند.

## نکته‌ها:

□ در تفاسیر آمده است، برخی اهل کتاب به پیامبر اسلام ﷺ اشکال می‌کردند که اگر تعالیم او موافق تعالیم انبیای پیشین همچون ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام است، پس چرا گوشت و شیر شتر را حرام نمی‌داند؟! این آیه در جواب آنها نازل شد که تمام غذاها برای بنی‌اسرائیل حلال بوده است و تنها حضرت یعقوب بعضی از غذاها را بر خود ممنوع و حرام کرده بود. و دلیل این تحریم نیز چنانکه در بعضی تفاسیر آمده، آن است که وقتی حضرت یعقوب گوشت شتر را استفاده می‌نمود، موجب ناراحتی جسمی او می‌شد، او از این غذا پرهیز می‌کرد<sup>(۱)</sup> و بنی‌اسرائیل گمان می‌بردند که این یک حکم شرعی و حرام ابدی است. □ «طعام» به چیزی گفته می‌شود که به ذائقه‌ی انسان دارای مزه و طعم است و کلمه‌ی

۱. تفسیر عیاشی.

«حَلٌّ» در برابر «عَقْد»، به معنای آزادی و رهایی است.

### پیام‌ها:

- ۱- حلال بودن غذاها، یک اصل ثابت در ادیان آسمانی است. ﴿كُلِّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا﴾
- ۲- بدون دلیل و تحریم شرعی، حلال‌ها را حرام نپندارید. ﴿حَرَّمَ اسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ﴾
- ۳- بهترین نوع استدلال، استدلال بر اساس عقاید و کتاب آسمانی طرف مقابل است. ﴿فَاتَّبَعُوا بِالتَّوْرَةِ﴾

﴿ ۹۵ ﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ

### الْمُشْرِكِينَ

(ای پیامبر!) بگو: خداوند راستگو است، پس از آیین ابراهیم حَقرا پیروی کنید که او از مشرکان نبود.

### نکته‌ها:

□ «حَنِيفٌ» کسی است که از گمراهی فاصله گرفته و به هدایت و راه راست، روی آورده است. بت پرستان زمان پیامبر ادعا داشتند که بر آئین ابراهیم هستند و آن قدر بر این ادعا تبلیغ و پافشاری کرده بودند که دیگران، آنها را «حُنفا» یعنی پیروان ابراهیم شناخته و معرفی می‌کردند. قرآن در آیات متعدد این موضوع را نفی کرده است.<sup>(۱)</sup> ﴿مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- اهل کتاب که خود را پیرو ابراهیم می‌دانند، باید موحد باشند، زیرا او مشرک نبود. ﴿فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ... وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾
- ۲- حق‌گرایی ابراهیم، آیین او را پایدار و استوار ساخت. ﴿فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾

۱. تفسیر نمونه.

۲. آل عمران ۶۷ و ۹۵، انعام، ۱۶۱ و نحل، ۱۲۴.

## ﴿ ۹۶ ﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

همانا اولین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است که مایه‌ی برکت و هدایت جهانیان است.

## نکته‌ها:

- «بکّة» به معنای محلّ ازدحام و اجتماع مردم است.
- یکی از ایرادهای بنی اسرائیل این بود که چرا مسلمانان با توجّه به قدمت بیت‌المقدس که هزار سال قبل از میلاد توسط حضرت سلیمان ساخته شده است، آن را کنار گذاشته و کعبه را قبله‌ی خود قرار داده‌اند. این آیه در پاسخ آنان می‌فرماید: کعبه از روزگار نخستین، اولین خانه‌ی عبادت بوده و قدمت آن نیز بیشتر از هر جای دیگر است.
- امام صادق علیه السلام با توجّه به جمله‌ی «أَوَّلَ بَيْتٍ» فرمودند: «چون مردم مکه بعد از کعبه اطراف آن جمع شدند، پس حقّ اولویّت با کعبه است؛ لذا برای توسعه‌ی مسجدالحرام می‌توان خانه‌های اطراف کعبه را به نفع حرم خراب کرد».<sup>(۱)</sup>
- «دَحُو الارض» به معنی گسترش زمین از زیر خانه‌ی کعبه است. علامه طباطبایی می‌گوید: روایات «دَحُو الارض» بسیار است<sup>(۲)</sup> و هیچ دلیل علمی که مغایر آن باشد، پیدا نشده و با قرآن نیز مخالفتی ندارد.<sup>(۳)</sup>
- حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند تمام مردم را از آدم علیه السلام تا آخرین نفر با همین سنگ‌های کعبه آزمایش می‌کند.<sup>(۴)</sup>
- امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت آدم و سلیمان و نوح علیهم السلام نیز دور همین کعبه، حج انجام داده‌اند.<sup>(۵)</sup>
- در قرآن، از کعبه با تعابیر متعدّدی یاد شده است، از جمله:

۱. کعبه، اولین خانه است. ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ﴾

۱. وسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۷. ۲. کافی، ج ۴، ص ۱۸۹. ۳. تفسیرالمیزان. ۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲. ۵. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. مرکز پایداری و به پا داشتن مردم است. ﴿قِيَاماً لِلنَّاسِ﴾<sup>(۱)</sup>
۳. خانه‌ای آزاد و بدون مالک است. ﴿الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾<sup>(۲)</sup>
۴. محل تجمّع و خانه امن مردم است. ﴿مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾<sup>(۳)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- کعبه، اولین خانه‌ای است که برای عبادت و نیایش مردم بر روی زمین بنا شده است. ﴿أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ﴾
- ۲- سابقه تاریخی معابد، یکی از ملاک‌های ارزشی آن است. ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ...﴾
- ۳- خیر و برکت کعبه، تنها برای مؤمنان یا نژاد خاصی نیست، بلکه برای همگان است. ﴿وَضِعَ لِلنَّاسِ﴾
- ۴- مردمی بودن برای کعبه، یک ارزش است. ﴿وَضِعَ لِلنَّاسِ﴾
- ۵- کعبه، مایه‌ی هدایت تمامی مردم است. ﴿هُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾

﴿۹۷﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى  
النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ  
عَنِّي عَنِ الْعَالَمِينَ

در آن (خانه) نشانه‌های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است و هر کس به آن درآید، درامان است و برای خدا بر عهده‌ی مردم است که قصد حج آن خانه را نمایند، (البته) هر که توانایی این راه را دارد. و هر کس کفر ورزد (و با داشتن توانایی به حج نرود، بداند که) همانا خداوند از همه‌ی جهانیان بی‌نیاز است.

۱. مائده، ۹۷.

۲. حج، ۲۹.

۳. بقره، ۱۲۵.

## نکته‌ها:

□ مکه و کعبه، نمایشگاهی از قدرت و نشانه‌های الهی و تاریخ آن مملو از خاطرات و سرگذشت‌هایی است که توجه به آنها درس‌آموز و عبرت‌انگیز می‌باشد. در ساختن آن ابراهیم علیه السلام بنایی و اسماعیل علیه السلام کارگری می‌کرده‌اند. سپاهیان فیل سوار ابرهه که به قصد ویرانی آن آمده‌اند، به قدرت الهی و توسط پرندگان ابابیل نابود شده‌اند. دیوار آن به هنگام تولد علی علیه السلام برای مادرش شکافته می‌شود تا در داخل آن، نوزادی متولد شود که در آینده‌ای نه چندان دور، بت‌های داخل آن را فرو ریزد. بلال، برده سیاهپوست حبشی، در برابر چشمان حیرت زده اشراف مکه بر بالای آن اذان می‌گوید و روزی نیز فرا خواهد رسید که آخرین حجت الهی به دیوار آن تکیه زده و ندای نجات انسان‌ها را سر می‌دهد و جهانیان را به اسلام دعوت می‌کند.

□ مکه، شهر امن الهی است که هر کس در آن وارد شود، در امان است. حتی اگر جنایتکار وارد مسجدالحرام شود، نمی‌توان متعرض او شد، تنها می‌توان او را در مضیقه قرار داد تا خودش مجبور به خارج شدن شود.<sup>(۱)</sup>

□ در کنار کعبه، مقام ابراهیم است. به گفته روایات، مقام ابراهیم سنگی است که به هنگام ساختن کعبه و بالا بردن دیوارهای آن، زیر پای ابراهیم علیه السلام قرار داشت و اثر پای آن حضرت بر روی آن مانده است. بقای این سنگ و اثر پا روی آن، از قرن‌ها پیش از عیسی و موسی علیه السلام با آن همه تغییر و تحولی که در کعبه و اطراف آن در اثر حمله‌ها، سیل‌ها و خرابی‌ها بوجود آمده، خود نشانه‌ای از قدرت الهی است.

□ «حج» به معنای قصد همراه با حرکت است و «حجّه» به راه صاف و مستقیم می‌گویند که انسان را به مقصد می‌رساند. حج در اسلام به معنای قصد خانه خدا و انجام اعمال مربوط به آن است.

□ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تارك الحج و هو مستطیع كافر» هر توانمندی که حج

را ترک کند، کافر است. کسی که در انجام امروز و فردا کند تا بمیرد، گویا به غیر اسلام از دنیا رفته است.<sup>(۱)</sup>

□ استطاعت مالی برای حج، لازم نیست از خود انسان باشد، بلکه اگر کسی دیگری را مهمان کند، یا هزینه‌ی حج او را بپردازد، او مستطیع شده و حج بر او واجب است.<sup>(۲)</sup>

□ امام صادق علیه السلام درباره‌ی «آیات بیّنات» فرمودند: مقصود مقام ابراهیم، حجرالاسود و حجر اسماعیل است. و از آن حضرت پرسیدند مراد از «مَن دخله» کعبه است یا حرم؟ حضرت فرمودند: حرم.<sup>(۳)</sup>

□ شخصی از امام صادق علیه السلام درباره‌ی «مَن دخله کان آمناً» سؤال کرد: حضرت فرمودند: کسی که این خانه را قصد کند و بداند که این همان خانه‌ای است که خداوند رفتن به آن را فرمان داده و اهل بیت علیهم السلام را نیز آن‌گونه که باید بشناسد، او در دنیا و آخرت در امان خواهد بود.<sup>(۴)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در خانه‌ی خدا، نشانه‌های روشن بسیار است. نشانه‌های قداست و معنویت، خاطرات انبیا از آدم تا خاتم، عبادتگاه و قبله‌گاه همه‌ی انبیا و نمازگزاران. «فیه آیات بیّنات»
- ۲- ابراهیم علیه السلام مقامی دارد که جای پای او، به مکه ارزش داده است. «مقام ابراهیم»
- ۳- بر خلاف تفکر و هابیت، اگر جماد در جوار اولیای خدا قرار گیرد، قداست می‌یابد. «مقام ابراهیم»
- ۴- از امتیازات اسلام آن است که یک منطقه از زمین را منطقه‌ی امن قرار داده است. «مَن دخله کان آمناً»
- ۵- واجبات، یک نوع تعهد الهی برگردن انسان است. «ولله علی الناس حج البیت»

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۸؛ کافی، ج ۴، ص ۲۶۵.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۶۶. ۳. کافی، ج ۴، ص ۲۲۳. ۴. کافی، ج ۴، ص ۵۴۰.

- ۶- حج، باید خالصانه و تنها برای خدا باشد. ﴿لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾  
 ۷- تکلیف و وظیفه، به مقدار توان است. توان فرد از نظر مالی و بدنی و فراهم بودن شرایط بیرونی. ﴿مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾  
 ۸- استطاعت شرط حج است. <sup>(۱)</sup> ﴿مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾  
 ۹- انکار حج و ترک آن، سبب کفر است. ﴿وَمَنْ كَفَرَ﴾  
 ۱۰- فایده‌ی انجام دستورات الهی، به خود انسان برمی‌گردد و گرنه خداوند نیازی به اعمال ما ندارد. ﴿فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾  
 ۱۱- خداوند دعوت می‌کند، ولی منت نمی‌کشد. ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ... وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

﴿ ۹۸ ﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ

بگو: ای اهل کتاب، چرا به آیات خداوند کفر می‌ورزید، با آنکه خداوند بر اعمال شما گواه است.

#### پیام‌ها:

- ۱- سؤال همراه با توبیخ؛ ولی بالحنی مؤدبانه، بهترین شیوه‌ی هشدار است. ﴿یا اهل کتاب لم تکفرون﴾  
 ۲- اگر خداوند را شاهد اعمال خود بدانیم، دست از مخالفت او بر می‌داریم. ﴿لم تکفرون... والله شهید﴾  
 ۳- اهل کتاب، فعالیت‌های پنهانی علیه مسلمانان داشتند. ﴿والله شهید علی ما تعملون﴾



﴿ ۹۹ ﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنَ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بگو: ای اهل کتاب! چرا کسانی را که ایمان آورده‌اند از راه خدا باز می‌دارید و می‌خواهید که آن (طریقه‌ی الهی) کج باشد، در حالی که خود شما گواهید (که راه آنان درست است) و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

#### نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل، سؤال از کفر ورزی اهل کتاب بود؛ ﴿لم تکفرون﴾ و در این آیه، انتقاد از این‌که اگر خودتان ایمان نمی‌آورید و به آیات الهی کفر می‌ورزید، به چه دلیل مانع رفتن دیگران به راه خدا می‌شوید؟! ﴿لم تصدّون عن سبیل الله﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- اهل کتاب برای پیشرفت اسلام، مانع تراشی و اخلال‌گری می‌کنند. ﴿لم تصدّون﴾
- ۲- کج‌نشان دادن اسلام، از راههای مبارزه با اسلام است. ﴿تبغونها عوجاً﴾
- ۳- دشمنان، هر لحظه برای انحراف شما تلاش می‌کنند. ﴿تبغونها عوجاً﴾
- ۴- دشمنان، بر حقانیت آیین شما آگاه و گواهند. ﴿و أنتم شهداء﴾
- ۵- سرچشمه‌ی فتنه، دانشمندان منحرفند. ﴿و أنتم شهداء﴾
- ۶- اگر بدانیم که خداوند لحظه‌ای از ما غافل نیست، دست از خطاکاری برمی‌داریم. ﴿ما الله بغافل عما تعملون﴾

﴿ ۱۰۰ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را بعد از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند.

## نکته‌ها:

□ یکی از یهودیان به نام شاس بن قیس، وقتی صفا و صمیمیت مسلمانان مدینه به خصوص دو قبیله اوس و خزرج را دید بسیار ناراحت شد و با خود گفت: این دو قبیله روزگاری با هم جنگ می‌کردند، ولی حالا در سایه رهبری و مدیریت محمد ﷺ در کنار هم با صلح و صفا زندگی می‌کنند، اگر این وضع ادامه داشته باشد، کیان یهود در خطر است. او با برنامه‌ریزی، گروهی را با خود همراه و جوانی را در میان مسلمانان مأمور کرد تا با یادآوری خاطرات درگیری‌های «بُغاث» - محلی که بین دو قبیله جنگ واقع شده بود - آنان را تحریک کند. آن جوان چنین کرد و عواطف آنان را تحریک نموده، نزدیک بود که نزاع و درگیری سختی شعله‌ور شود. رسول خدا ﷺ ضمن دعوت به آرامش، به آنان هشدار داد و آنها را از توطئه‌ی دشمن باخبر ساخت. آنها سلاح را بر زمین گذاشته، یکدیگر را در آغوش گرفته و از عمل خود پشیمان شدند.

به گفته‌ی مفسران، در این حادثه این آیه و دو آیه‌ی قبل نازل شد که متضمن توبیخ و سرزنش اهل کتاب و هشدار به مسلمانان است.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- پیروی از دانشمندان منحرف اهل کتاب سبب ارتداد است. ﴿ان تطيعوا فریقا... یردوکم﴾
- ۲- عمل، در عقیده اثر می‌گذارد. اطاعت از منحرفان، سر از انحراف عقیده در می‌آورد. ﴿ان تطيعوا فریقا... یردوکم﴾
- ۳- چون اطاعت از کفار منجر به کفر می‌شود، پس تبری و برائت از آنان لازم است. ﴿ان تطيعوا فریقا... یردوکم﴾
- ۴- نتیجه پیروی از بیگانگان، کفر و بدعابتی است. ﴿یردوکم بعد ایمانکم کافرین﴾

۱. تفاسیر مجمع‌البیان، روح‌البیان، روح‌المعانی، کبیر، قرطبی، مراغی و نمونه.

﴿ ۱۰۱ ﴾ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُنَالَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ

رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و چگونه شما کفر می‌ورزید، در حالی که آیات خدا بر شما تلاوت می‌شود و رسول او در میان شماست و هر کس به (دین و کتاب) خدا تمسک جوید، پس قطعاً به راه مستقیم هدایت شده است.

#### نکته‌ها:

□ اعتصام به خداوند، یک حرکت جدی توأم با انتخاب آگاهانه است که لازمه‌ی آن رهسپاری با اولیای خداست. چنانکه در زیارت جامعه کبیره، امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ اعْتَصَمَ بَكُم فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ» پناه بردن و توسل به اولیای الهی، در حقیقت خود را در پناه و حمایت خدا قرار دادن است.

#### پیام‌ها:

- ۱- زمینه‌های انحراف و کفر، یا فقدان راه است و یا فقدان راهنما. اما با وجود کتاب و سنت و قوانین و رهبر الهی انحراف، وجهی ندارد. «کیف تکفرون و...»
- ۲- وجود قانون به تنهایی برای جلوگیری از کفر و انحراف کفایت نمی‌کند، رهبر نیز لازم است. «وفیکم رسوله...»
- ۳- تکیه و توکل به خداوند و استمداد از او، رمز مصونیت از تمام وسوسه‌ها و انحرافات است. «من یعتصم باللّٰه فقد هدی»
- ۴- راه اعتصام به خداوند، به روی هر کسی باز است. «ومن یعتصم باللّٰه...»
- ۵- رو کردن به هر راهی غیر از راه خداوند، انحراف است. «و من یعتصم باللّٰه فقد هدی الی صراط مستقیم»
- ۶- آنچه مهم‌تر از حرکت است، پیدا کردن راه مستقیم و حرکت در آن است. «هدی الی صراط مستقیم»
- ۷- هدایت، نتیجه‌ی قطعی استمداد و تکیه به خداوند است. «فقد هدی»

﴿۱۰۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ  
أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند پروا کنید آن گونه که سزاوار  
تقوای اوست و نمیرید مگر این که مسلمان باشید.

### نکته‌ها:

□ هر کمالی مثل ایمان، علم و تقوا، دارای مراحل است. مرحله‌ی ابتدایی و مراحل بالاتر، تا  
مرحله کمال مطلق، در قرآن می‌خوانیم: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»<sup>(۱)</sup> خدایا! دانش مرا زیاد کن.  
و یا در دعای مکارم‌الاخلاق می‌خوانیم: «بَلِّغْ بَايْمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ» خداوند! ایمان مرا به  
کمال برسان.  
در این آیه نیز می‌خوانیم: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» عالی‌ترین درجه‌ی تقوا را پیشه کنید.

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمن، هر روز باید مرحله‌ی بالاتری را ببیماید. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ﴾
- ۲- تقوای واقعی، در سایه ایمان به مبدأ و معاد است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ﴾
- ۳- تقوا، رمز حسن عاقبت است. ﴿اتَّقُوا اللَّهَ... تَمُوتُنَّ... مُسْلِمُونَ﴾
- ۴- ایمان آوردن کافی نیست، با ایمان ماندن لازم است. پایان کار از شروع آن  
مهم‌تر است. ﴿لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾
- ۵- اسلام، نه تنها چگونه زیستن را به ما می‌آموزد، بلکه چگونه مردن را نیز به ما  
آموزش می‌دهد. ﴿لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾
- ۶- انسان در سرنوشت و عاقبت خود نقش دارد. ﴿لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾
- ۷- اسلام، هم به کیفیت تقوا توجه دارد و هم به تداوم آن تا پایان عمر. ﴿اتَّقُوا اللَّهَ  
حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾

﴿ ۱۰۳ ﴾ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وهمگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس خداوند میان دلهایتان الفت انداخت و در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید، و بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید هدایت شوید.

### نکته‌ها:

- حضرت علیؑ می‌فرماید: قرآن، حبل الله است.<sup>(۱)</sup> و از امام صادقؑ نقل شده است که فرمود: «غحن حبل الله»<sup>(۲)</sup> ما اهل بیت، حبل الله هستیم. و در روایت دیگری آمده است: علی بن ابی طالبؑ حبل الله است.<sup>(۳)</sup>
- ایجاد الفت میان دلها تنها به دست خداست. «فألَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ»<sup>(۴)</sup> اگر همه‌ی سرمایه‌های زمین را خرج کنی نمی‌توانی بدون خواست او بین دلها ایجاد الفت نمایی.
- تفرقه، در ردیف عذاب‌ها و مجازات‌های الهی است. همچنین در اسلام دروغ گفتن برای ایجاد وحدت، جایز و راست گفتن تفرقه‌انگیز، حرام است.

### پیام‌ها:

- ۱- وحدت و دوری از تفرقه، یک وظیفه‌ی الهی است. «واعتصموا»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶. ۲. تفسیر مجمع‌البیان. ۳. تفسیر نورالثقلین.

۴. انفال، ۶۳.

- ۲- محور وحدت باید دین خدا باشد، نه نژاد، زبان، ملیت و... ﴿محبب الله﴾  
 ۳- از برکات و خدمات اسلام غافل نشوید. ﴿اذکنتم أعداء فألف بین قلوبکم﴾  
 ۴- وحدت، عامل اخوت است. ﴿فأصبحتم بنعمته إخواناً﴾  
 ۵- اتحاد، از نعمت‌های بزرگ الهی است. ﴿فأصبحتم بنعمته﴾  
 ۶- تفرقه و عدوات، پرتگاه و گودال آتش است. ﴿شفا حفرة من النار﴾  
 ۷- نعمت‌های خداوند، آیات او هستند. ﴿واذکروا نعمت الله... بیین الله لکم آیاته﴾  
 ۸- یادآوری نعمت‌های الهی عامل عشق و زمینه‌ساز هدایت است. ﴿واذکروا نعمت الله... لعلکم تهتدون﴾

﴿۱۰۴﴾ وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و از میان شما باید گروهی باشند که (دیگران را) به خیر دعوت نمایند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند.

#### نکته‌ها:

- قرارگرفتن آیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیه‌ای که دستور اتحاد و یکپارچگی می‌دهد، شاید از آن رو باشد که در نظام اجتماعی متفرق و از هم پاشیده، یا قدرت دعوت به خیر و معروف وجود ندارد و یا اینکه چنین دعوت‌هایی مؤثر و کارساز نیست.
- امر به معروف و نهی از منکر، به دو صورت انجام می‌شود:
۱. به عنوان وظیفه‌ای عمومی و همگانی که هرکس به مقدار توانایی خود باید به آن اقدام کند.
  ۲. وظیفه‌ای که یک گروه سازمان یافته و منسجم آن را به عهده دارد و با قدرت، آن را پی‌می‌گیرد. چنانکه اگر راننده‌ای در خیابان خلاف کند، هم سایر رانندگان با چراغ و بوق به او اعتراض می‌کنند و هم پلیس برای برخورد قاطع با متخلف وارد صحنه می‌شود.

□ درباره امر به معروف و نهی از منکر، روایات بسیاری آمده که از نقل آنها صرف نظر و به این مقدار بسنده می‌کنیم که علی علیه السلام فرمود: «اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، کارهای نیک و خیر تعطیل و اشرار و بدان بر خوبان مسلط می‌شوند».<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در جامعه اسلامی، باید گروهی بازرس و ناظر که مورد تأیید نظام هستند، بر رفتارهای اجتماعی مردم نظارت داشته باشند. «ولتكن منكم امة»
- ۲- اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد، بدون قدرت منسجم و مسئول مشخص امکان ندارد. «منكم امة»
- ۳- دعوت‌کننده‌ی به خیر و معروف باید اسلام‌شناس، مردم‌شناس و شیوه‌شناس باشد. لذا بعضی از افراد این وظیفه را به عهده دارند، نه همه آنها. «ولتكن منكم امة»
- ۴- دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، باید به صورت دائمی باشد، نه موسمی و موقتی. «یدعون، یأمرون، ینهون» فعل مضارع، نشانه استمرار است.
- ۵- امر به معروف، بر نهی از منکر مقدم است. اگر راه معروف‌ها باز شود، زمینه برای منکر کم می‌گردد. «یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»
- ۶- کسانی که برای رشد و اصلاح جامعه دل می‌سوزانند، رستگاران واقعی هستند و گوشه‌گیران بی تفاوت را از این رستگاری سهمی نیست. «أولئك هم المفلحون»
- ۷- فلاح و رستگاری، تنها در نجات و رهایی خود خلاصه نمی‌شود، بلکه نجات و رشد دیگران نیز از شرایط فلاح است. «یأمرون، ینهون، أولئك هم المفلحون»

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

﴿۱۰۵﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ  
الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و مانند کسانی نباشید که بعد از آنکه دلایل روشن برایشان آمد، باز هم  
اختلاف کرده و پراکنده شدند و برای آنان عذابی بزرگ است.

### پیام‌ها:

- ۱- از تاریخ تلخ اختلافات پیشینیان، درس بگیریم. ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ...﴾
- ۲- همیشه ریشه‌ی اختلافات جهل نیست، هوس‌ها نیز اختلاف برانگیز است.  
﴿واختلفوا من بعد ما جائهم البينات﴾
- ۳- اختلاف و تفرقه، نه تنها قدرت شما را در دنیا می‌شکند، بلکه در قیامت نیز  
گرفتار عذاب جهنم می‌سازد. ﴿لهم عذاب عظیم﴾

﴿۱۰۶﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ  
وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

(قیامت) روزی (است) که صورت‌هایی سفید و نورانی و صورت‌هایی  
سیاه می‌شوند. پس کسانی که روسیاه شدند، (از آنان سؤال می‌شود): آیا  
بعد از ایمانتان کفرورزیدید؟ پس به خاطر کفرتان عذاب الهی را بچشید.

﴿۱۰۷﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و اما آنان که روسفید شدند، غرق در رحمت خدا شده و در آن جاودانه‌اند.

### نکته‌ها:

- روسفیدی و روسیاهی در قیامت، در حقیقت تجسم همان حالات و روحيات انسان در  
دنیاست. کسانی که در دنیا ولایت خدا را پذیرفته‌اند، خداوند آنها را از تاریکی‌ها به نور  
می‌برد و در آن روز با چهره‌ای نورانی حاضر می‌شوند، ولی آنان که به ولایت طاغوت گردن



نهاده‌اند، طاغوت‌ها آنان را از نور به تاریکی‌های هوس و تفرقه و شرک و جهل سوق می‌دهند و در قیامت در سیاهی و تاریکی محسور می‌شوند.

□ در قرآن شانزده مرتبه کفر بعد از ایمان، دوبار کفر بعد از اسلام، سه بار گوساله پرستی بعد از خداپرستی، و بیست و هفت مرتبه انکار بعد از علم و بینت، مطرح شده که همه‌ی این موارد نشان‌دهنده خطر ارتداد برای همه ما، و هشدار جدی است.

﴿ ۱۰۸ ﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ  
ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ

اینها آیات خداوند است که ما آن را به حق بر تو می‌خوانیم و خداوند هیچ ستمی را بر جهانیان نمی‌خواهد.

﴿ ۱۰۹ ﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از خداست و بازگشت همه امور تنها به سوی خداست.

#### نکته‌ها:

□ نزول آیات الهی بر پیامبر، بدون کم و کاست و براساس حق و حقیقت است. همچنین عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها، پاداش‌ها و کیفرهای امت‌ها، مطابق یک‌سری اصول و سنت‌های پایدار است. خداوند، نه بر بندگان تکلیف فوق طاقتمی‌کند و نه در کیفر و پاداش، شرایط و استعدادها و توان افراد را یکسان می‌بیند که اینها موجب ظلم می‌گردد.

□ ظلم را کسی روا می‌دارد که یا کمبود داشته باشد و یا نتواند از راه حق به مقصود خود نایل شود و یا از بدی و زشتی ستم غافل باشد و بر خداوند سبحان هیچ‌یک از این موارد صادق نیست. خداوندی که همه چیز از اوست و بازگشت همه چیز نیز به سوی اوست، چه نیازی به ظلم کردن دارد؟!

## پیام‌ها:

- ۱- نزول وحی بر پیامبر، حق است، نه ساخته‌ی ذهن و خیال او. ﴿آیات الله نتلوها عليك بالحق﴾
- ۲- روسفیدی و روسیاهی در قیامت، بازتاب عقاید و افکار و اعمال خود انسان‌هاست، نه ظلم خداوند. ﴿و ما الله يريد ظلماً للعالمین﴾

﴿۱۱۰﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ  
عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا  
لَّهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ

شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (وگزیده) شده‌اید. به خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب (نیز به چنین آئین درخشانی) ایمان آورده بودند، قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمنند، ولی بیشترشان فاسق‌اند.

## نکته‌ها:

- در آیه‌ی ۱۰۴ همین سوره، مرحله‌ی خاصی از امر به معروف و نهی از منکر که توسط گروه ویژه و رسمی صورت می‌گرفت، بیان شد. در این آیه به مرحله‌ی عمومی که یک وظیفه‌ی همگانی است اشاره می‌شود.

## پیام‌ها:

- ۱- بهترین امت بودن با شعار نیست، با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است. ﴿کنتم خیر أمة... تأمرون...﴾
- ۲- در امت ساکت و ترسو خیری نیست. ﴿خیر أمة... تأمرون... تنهون﴾
- ۳- امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که انجام آن معیار امتیاز امت‌هاست. ﴿کنتم خیر أمة﴾

- ۴- امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی محقق می شود که مسلمانان به شکل یک امت باشند، یعنی حاکمیت داشته باشند. ﴿کنتم خیر أمة﴾
- ۵- مسلمانان مسئول اصلاح تمام جوامع بشری هستند. ﴿أُخْرِجَتِ لِلنَّاسِ﴾
- ۶- سفارش به خوبی ها بدون مبارزه با فساد، کم نتیجه است. ﴿تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾
- ۷- هر یک از افراد امت باید امر به معروف و نهی از منکر کند. (یک دختر ۹ ساله نیز حق امر به معروف و نهی از منکر رئیس جمهور را دارد) ﴿تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ﴾
- ۸- در امر به معروف، سن، منطقه، نژاد، سواد و موقعیت اقتصادی و اجتماعی نقشی ندارد. ﴿خَيْرُ أُمَّةٍ... تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ﴾
- ۹- مسلمان باید از موضع قدرت امر و نهی کند، نه از روی خواهش و التماس. ﴿تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ﴾
- ۱۰- امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر است. ﴿تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ﴾
- ۱۱- امر و نهی می تواند مؤثر باشد که از ایمان مایه گرفته باشد. ﴿تَأْمُرُونَ، تَنْهَوْنَ، تَوْمَنُونَ﴾
- ۱۲- خداوند اهل کتاب را به اسلام دعوت می کند. ﴿وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ﴾
- ۱۳- اسلام، ناسخ تمام ادیان است. ﴿وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ﴾
- ۱۴- انسان، در انتخاب راه آزاد است. ﴿مَنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

﴿ ۱۱۱ ﴾ لَنْ يَضُرُّوَكُمْ إِلَّا أَدْنَىٰ وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوْكُمْ الْأَدْبَارَ نُمْ

لَا يُنْصِرُونَ

آنها (اهل کتاب) جز آزاری اندک، هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید و اگر با شما بجنگند، به شما پشت کرده و بگریزند، آنگاه هیچ یاری نشوند.

**نکته ها:**

□ این آیه، به دنبال آیات گذشته، بشارت و تسلی برای مسلمانان است که شما در سایه‌ی

ایمان، وحدت و امر به معروف و نهی از منکر بیمه می‌شوید. از تهدیدات دشمن نترسید که پیروزی با شماست و دشمن خوار و زبون است.

### پیام‌ها:

- ۱- روحیه‌ها را باید تقویت کرد. ﴿لَنْ يَضُرَّوْكُمْ﴾
- ۲- مسلمانان، در سایه‌ی ایمان بیمه هستند. ﴿لَنْ يَضُرَّوْكُمْ﴾
- ۳- مخالفان شما برای نابودی شما تلاش می‌کنند، لیکن تنها به گوشه‌ای از اهداف ایذایی خود می‌رسند. ﴿إِلَّا أَذَى﴾
- ۴- کسی که ایمان ندارد، روحیه‌ی مقاومت ندارد. ﴿يُوَلُّوكمِ الْاَدْبَار﴾
- ۵- قرآن، فرار و ضعف اهل کتاب در برابر مسلمانان را پیشگویی می‌کند. ﴿ان يقاتلوكم يوَلُّوكم﴾
- ۶- کسانی پیروز می‌شوند و دشمن را فراری می‌دهند که در ایمان و امر به معروف ثابت قدم باشند. ﴿كنتم خير أمة... و ان يقاتلوكم يوَلُّوكمِ الْاَدْبَار﴾
- ۷- فسق، زمینه‌ی ضعف در جبهه‌های جنگ است. ﴿أكثرهم الفاسقون... و ان يقاتلوكم يوَلُّوكمِ الْاَدْبَار﴾
- ۸- توان دشمن را تحقیر کنید. ﴿و ان يقاتلوكم يوَلُّوكمِ الْاَدْبَار﴾

﴿ ۱۱۲ ﴾ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ اَيْنَ مَا تُفِقُوا اِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللّٰهِ وَحَبْلِ  
مِنَ النَّاسِ وَ بَاَءُو بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ  
ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ الْاَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ  
حَقِّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوْا يَعْتَدُوْنَ

(دشمنان شما به قدری ترسو و زبون هستند که) هر کجا یافت شوند، مُهر  
ذلت بر آنها خورده است، مگر آنکه به ریسمان (امان) الهی چنگ زنند (و از  
انحراف و فسق دست برداشته، ایمان آورند) و با مردم پیوندی برقرار

کنند. آنها گرفتار خشم خدا گشتند و مهر بیچارگی بر آنها زده شد. این به خاطر آن بود که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. این بدان سبب بود که عصیان ورزیده و تجاوز می‌کردند.

### نکته‌ها:

- چنانکه در روایات آمده، این آیه در مورد قوم یهود است که به جهت نافرمانی حکم خدا و پیامبران، دچار غضب الهی گردیده، مهر ذلت و مسکنت بر آنان زده شد. از جمله گناهان آنان کشتن پیامبران بوده است.
- طبق روایات، مراد از آن، کشتن، تنها کشتن با شمشیر نیست، بلکه شامل افشای اخبار و اسرار آنان پیش بیگانگان که موجب سلطه‌ی قدرت‌های ستمگر و قتل آنان می‌گردیده است نیز می‌شود.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- نتیجه‌ی کفر و پیامبرکشی، ذلت و مسکنت است. ﴿ضربت عليهم الذلّة﴾
- ۲- یهود همیشه ذلیل است. گرچه گاهی سرنخ تبلیغات و اقتصاد و سیاست را به دست می‌گیرد، اما از نظر کرامت و عزت و محبوبیت و امنیت، بدترین جایگاه را دارد. (مثل افراد دزد و چاقوکشی که ایجاد دلهره کرده و درآمدهای کلانی به دست می‌آورند، ولی هرگز از جایگاه والایی برخوردار نیستند). ﴿ضربت عليهم الذلّة﴾
- ۳- روحیه‌ی مؤمنان را با بیان وضع نکبت‌بار مخالفان تقویت کنید. ﴿ضربت عليهم الذلّة﴾
- ۴- رمز عزت دو چیز است: ایمان به قدرت الهی، ارتباطات حسنه‌ای با امت‌ها و ملت‌ها. ﴿حبل من الله و حبل من الناس﴾
- ۵- راه نجات یهود، یا ایمان آوردن به اسلام است؛ ﴿حبل من الله﴾ یا عقد قرارداد با مسلمانان. ﴿حبل من الناس﴾

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۷۱.

- ۶- عقیده، در عمل اثر دارد. ﴿ذَلِكِ بَأْتِهِمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾  
 ۷- برای قوم یهود انبیای متعددی آمدند. ﴿يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ﴾  
 ۸- گناه و تجاوز، زمینه‌ساز گناهان بزرگ‌تری همچون کفر و پیامبرکشی می‌گردد.  
 ﴿ذَلِكِ بِمَا عَصَوْا...﴾  
 ۹- آنچه از تجاوز و کفر بدتر است، اصرار بر کفر و تجاوز است. ﴿كَانُوا يَعْتَدُونَ﴾

﴿۱۱۳﴾ لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ  
 أَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ

همه اهل کتاب یکسان نیستند، طایفه‌ای از آنها (به طاعت خدا) ایستاده،  
 آیات الهی را در دل شب تلاوت می‌کنند و سر به سجده می‌نهند.

**نکته‌ها:**

- این آیه و آیه بعد، صفات خوب گروهی از اهل کتاب را بیان می‌دارد که عبارت است از  
 قیام به اطاعت خدا، تلاوت کتاب آسمانی، سجده، امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در  
 کارهای خیر. در روایت آمده است؛ پیامبر فرمود: مراد از «حبل من الله» تمسک به قرآن و  
 مراد از «حبل من الناس» وصی من علی بن ابیطالب است.<sup>(۱)</sup>
- همان‌گونه که تلاوت قرآن به همراه اقامه نماز برای مسلمانان مورد ستایش الهی است،  
 ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ... يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَسْبُرَ﴾<sup>(۲)</sup> تلاوت کتب  
 آسمانی، همراه با عبادت و سجده برای اهل کتاب نیز مورد ستایش است. ﴿يَتْلُونَ...  
 يسجدون﴾
- خداوند در این آیه به ارزش علم، عمل، تداوم، نشاط و عشق و جهت داشتن اشاره کرده  
 است. با کلمه «یتلون» به علم، با کلمه «یسجدون» به عمل، با عبارت «آناء الیل» به  
 تداوم عمل و با کلمه «قائمة» به عشق و نشاط در عمل و با عبارت «آیات الله» به جهت

۱. تفسیر برهان.

۲. فاطر، ۲۹.

اشاره کرده است.

### پیام‌ها:

- ۱- خوبی و کمال را از هر گروه و طایفه‌ای که باشد، بپذیریم و بدان اقرار کنیم. در کنار انتقاد از دیگران، از خوبی‌های آنان غافل نشویم. «من أهل الكتاب أمة قائمة»
- ۲- یکی از راههای جذب و دعوت دیگران، اقرار و اعتراف به کمالاتِ آنان است. «من أهل الكتاب أمة قائمة»
- ۳- عبادت، نیاز به همّت، جدّیت، عشق و آمادگی دارد. «أمة قائمة»
- ۴- تلاوت آیات خدا در دل شب و عبادت و سجده در دل شب، موجب ستایش خداوندی است. «یتلون آیات الله آناء الیل»
- ۵- تلاوت آیات و سجده به درگاه او، قیام به امر الهی است. «قائمة یتلون»
- ۶- شب و بالاخص سحر، بهترین وقت برای مناجات است. «آناء الیل»
- ۷- عالی‌ترین حالات عبادت، سجده است. «وهم یسجدون»

﴿ ۱۱۴ ﴾ یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ  
عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر شتاب می‌ورزند و آنان از افراد صالح و شایسته هستند.

﴿ ۱۱۵ ﴾ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

و آنچه از خیر انجام دهند، هرگز درباره آن ناسپاسی نینند و خداوند به (حال) پرهیزکاران داناست.

### نکته‌ها:

- همان گونه که در سوره‌ی بقره آیه ۳، در کنار ایمان، نماز مطرح شده است، «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» در این آیه نیز در کنار ایمان، امر به معروف و نهی از منکر آمده

است. ﴿يُؤْمِنُونَ... يَا مَرْوَنَ﴾

□ شیوهی قرآن این است که امر به معروف را قبل از نهی از منکر می‌آورد و اگر درهای معروف باز شود، راه منکر بسته می‌شود. ازدواج آسان، جلو فحشا را می‌گیرد. نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد. اشتغال صحیح می‌تواند مانع فسادهای اجتماعی گردد. شخصیت دادن به افراد، آنان را از انحراف و سقوط باز می‌دارد.

□ خداوند در این آیه و آیه قبل، با برشمردن اوصاف و شرایطی، زمینه رسیده به مقام صالحان را بیان کرده است، ﴿اولئك من الصالحين﴾ همان کسانی که همگان آرزوی ملحق شدن به آنان را دارند: ﴿الحققي بالصالحين﴾<sup>(۱)</sup> و هر مسلمانی در هر روز، حداقل پنج مرتبه به آنان سلام می‌کند. «السَّلام عَلَيْنَا وَ عَلَي عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»

□ در بینش الهی، هیچ عمل صالحی ضایع نمی‌شود. ﴿فَلَن يُكْفَرُوهُ﴾ البته چنانکه در قرآن می‌خوانیم: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾<sup>(۲)</sup> شرط قبولی، ایمان و تقواست، لذا در اینجا می‌فرماید: ما خود می‌شناسیم که متقین چه کسانیند که باید عملشان مورد قبول واقع شود.

### پیام‌ها:

- ۱- امر به معروف و نهی از منکر، در ادیان دیگر نیز مطرح بوده است. ﴿اهل الكتاب... يا مَرْوَنَ بِالْمَعْرُوفِ﴾
- ۲- سجده‌های سحر باید همراه با امر و نهی در روز باشد. ﴿يسجدون... يا مَرْوَنَ﴾
- ۳- سرعت در کار خیر، ارزش آن را بیشتر می‌کند. ﴿يسارعون في الخيرات﴾
- ۴- سبقت و سرعت صالحان در نیکی‌ها، موسمی نیست دائمی است. ﴿يسارعون﴾
- ۵- افراد صالح، کسانی هستند که با نشاط و شتاب، به سراغ هر کار خیری می‌روند، نه فقط بعضی از کارها. ﴿الخيرات﴾
- ۶- ایمان، عبادت، تلاوت، امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در کار خیر انسان را در زمره صالحان می‌برد. ﴿اولئك من الصالحين﴾

۱. یوسف، ۱۰۸؛ شعراء، ۸۳.

۲. مائده، ۲۷.



﴿ ۱۱۶ ﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ

شَيْئاً وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

همانا کسانی که کافر شدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی از (عذاب) خدا را از آنان دفع نخواهد کرد و آنها همدم آتشند، همواره در آن ماندگار.

﴿ ۱۱۷ ﴾ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ

أَصَابَتْ حَرْتًا قَوْمٌ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ

لَسِكِنٌ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

مثل آنچه در این زندگی دنیا انفاق می‌کنند، همچون مثل بادی است که در آن سرما و یا گرمای شدیدی باشد، بر کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند بوزد، پس آن را از بین ببرد. خدا به آنان ستم نکرده است، بلکه آنان به خویشتن ستم می‌کنند.

#### نکته‌ها:

- کلمه‌ی «صِرٌّ»، به معنای گرما و سرمای سوزان است.<sup>(۱)</sup>
- بارها قرآن اعلام کرده که نه مال، نه فرزند، نه خویشان، نه همسر، نه دوست، نه سرپرست و نه هیچ چیز دیگر، در برابر قهر خدا ذره‌ای کارساز نیست.
- تمام تلاش‌ها و بودجه‌هایی که کفار در راه باطل صرف می‌کنند، همچون بذرپاشی در کشتزاری است که با یک باد سوزان نابود می‌شود. از ابتدای ظهور اسلام تاکنون، هرگونه توطئه، تهاجم و تبلیغات علیه اسلام با شکست روبرو شده و دین الهی هر روز رشد و گسترش یافته است و سرانجام پیروزی با اسلام است.

#### پیام‌ها:

- ۱- عقیده، در عمل تأثیرگذار است. کفر، سبب محرومیت از برکات انفاق

۱. التحقیق فی کلمات القرآن.

می‌گردد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... مَثَلٌ مَا يَنْفِقُونَ﴾

۲- از عوامل حوادث و بلاهای طبیعی، گناهان بشر است. ﴿رِيحٌ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا﴾

۳- گناه، کارهای نیک را نابود می‌کند. ﴿ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَاهْلَكْتَهُ﴾

۴- قهر خداوندی ظلم نیست، بلکه بازتاب عملکرد خود انسان است. ﴿وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾

﴿۱۱۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ

خَبَالًا وَدُورًا مَا عَنِتُّمْ قَدَ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَقْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي

صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از غیر خودتان همراز نگیرید. آنان در تباهی شما کوتاهی نمی‌کنند، آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از (گفتار) دهانشان پیداست و آنچه دلشان در بردارد، بزرگتر است. به تحقیق ما آیات (روشنگر و افشاگر توطئه‌های دشمن) را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید.

#### نکته‌ها:

□ «بِطَانَةً» به لباس زیر گفته می‌شود که به «بطن» و شکم می‌چسبد. این کلمه، کنایه از محرم اسرار است. «خَبَالًا» به معنای نابودی فکر و عقل است. «عَنِتُّ» به معنی سختی و رنج، و «يَأْلُونَ» به معنی کوتاهی کردن در انجام کار است.

#### دشمن برای ما چه آرزو می‌کند؟

□ اگر به واژه‌ی «وَدَّ» در قرآن بنگریم، آرزوهای دشمنان را درباره خود در می‌یابیم:

۱. غفلت از سلاح و سرمایه خود. ﴿وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ﴾<sup>(۱)</sup>

۲. ضعف و سستی و مداهنه و سازش‌کاری. ﴿وَدَّوَّا لَوْ تُدْهِنَ فَيُدْهِنُونَ﴾<sup>(۱)</sup>
۳. رنج و فشار و به زحمت افتادن. ﴿وَدَّوَّا مَا عَنَّتُمْ﴾
۴. ارتداد و بازگشت از دین. ﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَّارًا﴾<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار ندهیم. ﴿لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ﴾ وجود مستشاران خارجی در کشورهای اسلامی، ممنوع است.
- ۲- رازداری، یک وظیفه‌ی قطعی است. ﴿لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ﴾
- ۳- هر مسلمانی هم که مصداق ﴿دونکم﴾ باشد، نباید محرم اسرار قرار گیرد، زیرا در میان مسلمانان نیز افراد فتنه‌جو و جاسوس، کم نیستند. ﴿لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ...﴾
- ۴- ملاک دوستی و روابط صمیمانه‌ی مسلمانان با سایر جوامع باید ایمان باشد. ﴿لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ﴾
- ۵- دشمن در ضربه زدن به فکر و اندیشه کوتاهی نمی‌کند. ﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خِيَالًا﴾
- ۶- دشمنان با شگردهای گوناگون با ما برخورد می‌کنند: ۱. فساد. ﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خِيَالًا﴾ ۲. فشار. ﴿وَدَّوَّا مَا عَنَّتُمْ﴾ ۳. نفاق. ﴿مَاتَخَفِي صَدُورَهُمْ أَكْبَرُ﴾
- ۷- دشمنان خود را بشناسید و هشیار باشید، آنان ذرّه‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کنند. ﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خِيَالًا وَدَّوَّا مَا عَنَّتُمْ﴾
- ۸- اوامر و نواهی الهی، دلیل و فلسفه دارد. اگر شما را از روابط صمیمانه با دشمنان نهی می‌کند، به خاطر آن است که آنان در توطئه علیه شما کوتاهی نمی‌کنند. ﴿لَا تَتَّخِذُوا... لَا يَأْلُونَكُمْ﴾
- ۹- از کوزه همان برون تراود که در اوست. از دشمن انتظاری جز بغض و کینه نیست. ﴿قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ﴾

- ۱۰- دشمنان خود را از تبلیغات آنان بشناسید. ﴿قد بدت البغضاء من أفواههم﴾
- ۱۱- روابط صمیمی با دشمن توطئه‌گر، نشانه‌ی بی‌عقلی است. برخوردار صمیمانه، با افراد بی‌صفا، کم‌عقلی است. ﴿ما تخفی صدورهم أكبر... ان کنتم تعقلون﴾
- ۱۲- خداوند به درون همه آگاه است و نقشه‌های دشمنان اسلام را افشا می‌کند. ﴿وما تخفی صدورهم أكبر﴾
- ۱۳- دشمنان شما منافق هستند، ظاهر و باطنشان یکی نیست. ﴿ما تخفی صدورهم﴾
- ۱۴- خداوند با معرفتی روحیات دشمن، با شما اتمام حجت کرده است. ﴿قد بیّنا الآیات﴾
- ۱۵- مؤمن بودن مسأله‌ای است و عاقل بودن مسأله دیگر، لذا در این آیه خداوند به مؤمنان می‌فرماید: کفار را محرم اسرار خود قرار ندهید، اگر عقل دارید. ﴿یا ایها الذین آمنوا... ان کنتم تعقلون﴾

﴿ ۱۱۹ ﴾ هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ  
كُلِّهِ وَإِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمْ الْأُنَامِلَ مِنَ  
الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

هان! (ای مسلمانان!) این شما هستید که آنان را دوست می‌دارید، ولی آنها شما را دوست نمی‌دارند، در حالی که شما به همه‌ی کتاب‌ها (ی آسمانی) ایمان دارید (ولی آنها به کتاب شما ایمان نمی‌آورند). و هرگاه با شما دیدار کنند (منافقانه) می‌گویند: ما ایمان آوردیم و چون (با هم) خلوت کنند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می‌گزند. بگو: به خشمستان بمیرید، همانا خداوند به درون سینه‌ها آگاه است.

### پیام‌ها:

- ۱- تشخیص روحیات دشمن و انگیزه‌های حقیقی خود، بسیار دقیق است، به

- همین جهت در صدر آیه، کلمه‌ی «ها» هشدار و تنبیه آمده است.
- ۲- دوستی باید دو جانبه باشد وگرنه مایه‌ی ذلت و خودباختگی و احساس حقارت است. «تُحِبُّوهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ»
- ۳- مسلمان به تمام کتاب‌های آسمانی پیشین ایمان دارد، گرچه دیگران به قرآن ایمان نیاورند. «تُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ»
- ۴- به هر اظهار ایمانی اطمینان نکنید. «قَالُوا آمَنَّا وَ اِذَا خَلَوْا...»
- ۵- گمان نکنید که محبت شما، دشمنان کینه‌توز را نسبت به شما مهربان می‌کند. «تُحِبُّوهُمْ... عَصُوا عَلَيْكُمْ الْاِنَامِلَ مِنَ الْغِيظِ»
- ۶- انگیزه‌های درونی، بازتاب بیرونی دارد. در آیه‌ی قبل: «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنَ الْاَفْوَهِمِ» در این آیه «عَصُوا عَلَيْكُمْ الْاِنَامِلَ مِنَ الْغِيظِ»
- ۷- دشمن نسبت به شما خشم و غضب ندارد، بلکه غیظ دارد. غیظ در مواردی بکار می‌رود که ظرف انسان از غضب پر شده باشد. «مِنَ الْغِيظِ»
- ۸- از امدادهای الهی، افشای روحیه‌های دشمن برای مسلمانان است، تا اغفال نشوند و هوشیار باشند. «وَمَا تَخْفَىٰ صُدُورُهُمْ اَكْبَرُ... وَ اِذَا خَلَوْا عَصُوا عَلَيْكُمْ الْاِنَامِلَ...»
- ۹- دشمنان کینه‌توز خود را تحقیر کنید. «مُوتُوا بِغِيظِكُمْ»
- ۱۰- برخورد اسلام با منافقانِ مودبی، شدیدتر از کافران است. «اِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا... مُوتُوا بِغِيظِكُمْ»
- ۱۱- گاهی اعلان نفرت و نفرین لازم است. کافران کینه‌توز و منافقان حيله‌گر شایسته‌ی نابودی هستند. «مُوتُوا بِغِيظِكُمْ»
- ۱۲- به بهانه‌ی جذب کفار، به آنها محبت نکنید، زیرا گاهی انگیزه‌ی واقعی محبت، طمع یا ترس و یا خودباختگی است. «اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»
- ۱۳- خداوند به اسرار دلها آگاه است. «عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»
- اگر باور کنیم که خداوند همه چیز را می‌داند، کمتر دست به حيله و فریب می‌زنیم. منافقان توطئه‌گر نیز بدانند که خداوند عملکرد آنان را می‌داند و به

موقع پاسخ خواهد داد.

﴿۱۲۰﴾ إِنَّ تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان شادمان می‌شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیزکار باشید، حيله‌ی بدخواهانه‌ی آنان هیچگونه آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد.

### نکته‌ها:

□ این آیه راه شناختِ دوست و دشمن را بیان می‌کند که آن، توجه به روحیات و عکس‌العمل دیگران در مواقع کامیابی و یا ناکامی مسلمانان است. در سیاست خارجی نیز توجه به محکوم کردن‌ها، تأیید و تکذیب‌ها، و انواع کمک‌ها و تبلیغات، لازم است.

□ در آیات قبل، به مسلمانان سفارش کرد که دشمنان را نه یاور همراه خود بگیرند و نه دوست خود. این آیه می‌فرماید: این برخورد ممکن است تاوان سختی داشته باشد و آنان علیه شما توطئه کنند، بنابراین شما باید اهل صبر و تقوا باشید، تا حيله‌های آنان ضربه‌ای به شما نزنند.

### پیام‌ها:

- ۱- حسادتِ دشمنان به قدری است که اگر اندک خیری به شما برسد، ناراحت می‌شوند. ﴿ان تمسسکم حسنة تسوهم﴾
- ۲- راه نفوذ دشمن در مسلمانان، یا ترس و طمع خودمان است و یا بی‌پروایی و بی‌تقوایی ما که صبر و تقوا، راه چاره آن است. ﴿ان تصبروا و تتقوا لایضركم﴾
- ۳- در مقابله با حسودانی که از رشد ما ناراحتند، صبر و تقوا چاره‌ساز و کلید

پیروزی است. ﴿ان تصبروا و تتقوا لا یضركم﴾  
 ۴- خداوند با افشای روحیات دشمن، به مسلمانان هم روحیه می دهد و هم بیدار  
 باش. ﴿ان تمسککم حسنة تسوهم... لا یضركم کیدهم﴾

﴿ ۱۲۱ ﴾ وَاِذْ عَدَوْتَ مِنْ اَهْلِكَ تَبُوْىُ الْمُؤْمِنِيْنَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللّٰهُ

سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ

و (بیاد آر) هنگامی که بامدادان (برای جنگ احد) از نزد خانوادهات بیرون  
 شدی (تا) مؤمنان را در مراکز برای جنگیدن جای دهی، و خداوند (به)  
 گفتار و کردار شما) شنوا و داناست.

نکته‌ها:

سیمایی از جنگ احد

سال دوم هجری، کفار قریش با دادن هفتاد کشته و هفتاد اسیر در جنگ بدر شکست  
 خورده، به مکه بازگشتند. ابوسفیان گفت: بر کشته‌ها گریه نکنید، تا عقده‌ها خالی نشود و  
 کینه‌ها باقی بماند. همگی شعار انتقام سر دهید و من نیز تا انتقام نگیرم با همسر همبستر  
 نخواهم شد.

سال بعد، کفار مکه با سه هزار سوار و دو هزار پیاده و تجهیزات کامل به قصد جنگ با  
 مسلمانان به سوی مدینه حرکت کردند. عباس عموی پیامبر که تا آن روز اسلام نیاورده بود  
 و در مکه زندگی می‌کرد، به خاطر علاقه و محبت زیادی که به پیامبر داشت، ماجرای حرکت  
 و حمله‌ی کفار را در نامه‌ای محرمانه توسط مردی از قبیله بنی غفار نزد پیامبر فرستاد. همین  
 که رسول گرامی اسلام ﷺ از ماجرا با خبر شد، گروهی را از مدینه برای کسب اطلاعات  
 بیشتر به سوی مکه فرستاد. مأموران در بازگشت، حرکت قوای کفار به سرکردگی ابوسفیان  
 را تأیید کردند.

پیامبر اکرم ﷺ در روز جمعه جلسه‌ای تشکیل داده و با مسلمانان در این مورد مشورت  
 فرمودند. در این جلسه دو نظریه مطرح شد:

۱. در مدینه بمانیم و در کوچه‌ها سنگر بگیریم تا همه بتوانند به ما کمک کنند.

۲. از مدینه خارج شده و در بیرون شهر بجنگیم.

نظریه‌ی دوّم که همراه با حماسه و اظهار شجاعت بود، جوانان را جذب و طرفداران بیشتری پیدا کرد. با اینکه نظر مبارک شخص پیامبر ﷺ ماندن در شهر بود، ولی به احترام احساسات جوانان، از رأی خود صرف نظر کرد. سپس پیامبر اکرم ﷺ همراه یک نفر برای آماده کردن اردوگاه از شهر مدینه خارج شده و محلی را در دامنه کوه اُحد که شرایط نظامی خوبی داشت، برگزید. آنگاه پیامبر در خطبه‌ی نماز جمعه مردم را از ماجرا مطلع فرمود و پس از نماز با لشگری هزار نفری از مهاجران و انصار رهسپار میدان جنگ شدند. فرمانده این جنگ شخص رسول خدا ﷺ بودند. حضرت چند پرچم را برافراشتند که بعضی به دست مهاجران و بعضی بدست انصار سپرده شد.

حرکت از مدینه تا اردوگاه احد پیاده بود و رسول خدا ﷺ از اصحاب در طی حرکت سان می‌دیدند و صفوف را منظم می‌فرمودند. پیامبر در بازدید از صفوف، افراد ناآشنا و تازه واردی را دید و از آنها پرسیدند: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما از یهودیان مدینه هستیم که برای کمک به شما آمده‌ایم. حضرت با کمی تأمل فرمودند: برای جنگ با مشرک، از مشرک کمک نمی‌گیریم. و به همین دلیل سیصد نفر از لشگر اسلام کم شد. البته بعضی گفته‌اند: همه‌ی این سیصد نفر، یهودی نبودند بلکه مسلمانانی مانند عبدالله بن اُبی هم بودند که چون با رأی آنان مبنی بر سنگر گرفتن در شهر مخالفت شده بود، در میان راه جدا شدند.<sup>(۱)</sup>

پیامبر ﷺ نماز صبح را با هفتصد نفر در احد اقامه کردند، و عبدالله بن جبیر را با پنجاه نفر از تیراندازان ماهر، مأمور حفظ دهانه‌ی حسّاس کوه قرار داده و سفارش فرمودند که هرگز این منطقه را خالی نکنید.

ابوسفیان نیز خالد بن ولید را همراه با دویست نفر مأمور کرد تا هرگاه نگهبانان از دهانه کوه غفلت کردند، از پشت سر به سپاه اسلام حمله ور شوند.

۱. برای توضیح بیشتر به کتاب فروغ ابدیت، آیت الله سبحانی، جلد دوم، ص ۳۸ و تاریخ پیامبر اسلام، دکتر آیتی، ص ۲۸۵، مراجعه فرمایید.



سرانجام دو لشگر در برابر یکدیگر صف آرایی کردند. ابوسفیان به نام بت‌ها و زنان زیبا و رسول خدا ﷺ به نام خداوند متعال، سپاه خود را تشویق می‌کردند. از لشگر مسلمانان فریاد الله اکبر و از سپاه کفر صدای دق و نی بلند بود.

جنگ که شروع شد، مسلمانان با یک حمله‌ی سریع لشگر قریش را درهم شکستند و سپاه کفر پا به فرار گذاشته و مسلمانان آنها را تعقیب کردند. بعضی از مسلمانان به خیال شکست قطعی کفار سرگرم جمع‌آوری غنائم شدند و نگهبانان دهانه‌ی کوه نیز برخلاف سفارش‌های پی‌درپی رسول الله ﷺ به طمع جمع‌آوری غنائم، منطقه‌ی تحت حفاظت خود را رها کردند. در این هنگام خالد بن ولید با دویست نفر سپاه خود که در کمین بودند، از فرصت استفاده کرد و از پشت به سپاه اسلام حمله کردند.

ناگهان مسلمانان خود را در محاصره کفار دیدند. حمزه عموی گرامی پیامبر شهید شد و جز افراد معدودی که پروانه‌وار گرد وجود مبارک رسول الله بودند، بقیه مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

در این جنگ نقش علی بن ابی طالب علیه السلام از همه‌ی افراد بیشتر بود، به گونه‌ای که شمشیر آن حضرت شکست و پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر خود را که ذوالفقار نام داشت به آن حضرت داد و علی علیه السلام از ایشان حفاظت می‌کرد. در این جنگ شصت ضربه و زخم بر پیکر مبارک علی علیه السلام وارد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جبرئیل را در میان زمین و آسمان دید که می‌گوید: «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار»

یکی از کفار مکه به نام ابن قمعه، سرباز فداکار اسلام مصعب را به خیال اینکه او پیامبر است، شهید کرد و فریاد زد: به لات و عزری سوگند که محمد کشته شد. کفار به کشته شدن رسول خدا مطمئن شده و راه مکه را در پیش گرفته و جنگ را رها کردند. در این میان مسلمانان نیز با شنیدن شایعه شهادت رسول خدا با ترس و وحشت پا به فرار گذاشتند و بعد از با خبر شدن از زنده بودن پیامبر بازگشته و از آن حضرت عذرخواهی کردند. در این جنگ

هفتاد تن از مسلمانان شهید و عده‌ی زیادی نیز مجروح شدند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- روزهای حساس گذشته شکست‌ها و پیروزی‌ها را فراموش نکنیم و به عنوان سند تجربه، به یاد داشته باشیم. ﴿و اذ غدوت...﴾
- ۲- لازمه‌ی شرکت در جنگ و جهاد دل‌کندن از تعلقات است. ﴿و اذ غدوت من اهلك...﴾
- ۳- برنامه‌ریزی‌های فنی، جغرافیایی و طبیعی عملیات نظامی، باید قبل از حمله‌ی دشمن صورت گیرد. ﴿و اذ غدوت... تبویء﴾
- ۴- فرماندهی جنگ و انتخاب پایگاه‌ها و مناطق استراتژیک دفاعی، به عهده‌ی شخص پیامبر و رهبر مسلمانان است. ﴿تبویء المؤمنین مقاعد للقتال﴾

﴿۱۲۲﴾ اِذْ هَمَّتْ طَّآئِفَتَانِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللّٰهِ

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

آنگاه که دو گروه از شما بر آن شدند که (در جنگ) سستی کنند، اما خداوند ولی آنان بود (و به آنان کمک کرد که از این فکر باز گردند)، پس مؤمنان تنها به خدا توکل کنند.

### نکته‌ها:

- دو گروه از مسلمانان به نام‌های «بنوسلمه» از قبیله‌ی اوس و «بنوحارثه» از قبیله‌ی خزرج، تصمیم گرفتند که از شرکت در جنگ اُحد خودداری کنند. دلیل سستی این دو گروه را عوامل متعددی ذکر کرده‌اند:
- ۱. ترس از دشمن که بیش از مسلمانان بودند.
- ۲. ناراحتی از این‌که چرا در مقام مشورت به رأی ما توجه نشد و در شهر سنگر نگرفتند.

۱. تفسیر نمونه.

۳. ایراد به اینکه چرا پیامبر اجازه نداد یهودیان هم بیمان، به آنان کمک کنند. ولی خداوند با لطف خود این دو گروه را از افتادن به دام گناه و فرار از میدان جنگ درامان نگه داشت و به جز عده اندکی، همگی از تصمیم خود برگشته و همراه سپاهیان اسلام به میدان احد آمدند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند از تصمیم‌های ما آگاه است و پیامبرش را از افکار مردم آگاه می‌سازد. ﴿اذ همت﴾
- ۲- همه‌ی کسانی که به جبهه جنگ می‌روند یکسان نیستند. ﴿طائفان... أن تفشلا﴾
- ۳- وجود عناصر سست بنیاد در جبهه‌ها، عامل شکست و خطر است. ﴿تفشلا﴾
- ۴- اگر انسان تحت ولایت خدا نباشد، سست می‌شود. ﴿أن تفشلا والله وليها﴾
- ۵- خداوند مؤمنان را به حال خود رها نمی‌کند و در مواقع حساس دست آنان را می‌گیرد. ﴿والله وليها﴾
- ۶- فکر گناه، اگر به مرحله‌ی عمل نرسد، انسان را از تحت ولایت الهی خارج نمی‌کند. ﴿همت... والله وليها﴾
- ۷- یگانه داروی سستی، توکل بر خداست که این دارو تنها در دست مؤمنان است. ﴿وعلى الله فليتوكل المؤمنون﴾
- ۸- ایمان و توکل بر خداوند، عامل پیروزی است. ﴿همت... أن تفشلا والله وليها و على الله فليتوكل المؤمنون﴾

۱. تفاسیر مجمع‌البیان و نمونه.

﴿۱۲۳﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ  
تَتَشْكُرُونَ

و همانا خداوند شما را در جنگ بدر در حالی که ناتوان بودید یاری کرد،  
پس از خداوند پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمائید.

### نکته‌ها:

- «اذلة» یا به معنی کمبود نیروی انسانی مؤمنان در جنگ بدر است و یا به معنای کمبود ساز و برگ جنگی و تدارکات است. یادآوری کمبودها در بدر، اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ اُحد است.
- در سه آیه قبل خواندیم که صبر و تقوا، انسان را از حوادث تلخ بیمه می‌کند و در این آیه نمونه عملی آن را مجاهدان بدر معرفی می‌کند. در آیه‌ی قبل نیز سخن از توکل بود و مجاهدان بدر نمونه عملی توکل هستند. این آیه خطاب به مسلمانان می‌فرماید: شما که در بدر نصرت خدا را دیدید، چرا در اُحد به فکر فرار افتادید؟!

### پیام‌ها:

- ۱- امدادهای غیبی را در میدان‌های کارزار فراموش نکنید. ﴿نصرکم الله بیدر﴾
- ۲- نصرت الهی، نشانه‌ی ولایت الهی بر مؤمنان است. ﴿والله وليها... و لقد نصرکم الله بیدر﴾
- ۳- به خداوند توکل کنیم که نصرت او را در صحنه‌های جنگ دیده‌ایم. ﴿وعلى الله فليتوكل... نصرکم الله بیدر﴾
- ۴- امدادهای الهی سرنوشت جنگ را معین می‌کند، نه عوامل طبیعی. ﴿نصرکم الله بیدر و أنتم أذلة﴾
- ۵- هرکس طالب نصرت الهی است، باید تقوا پیشه کند. ﴿نصرکم الله... فاتقوا الله﴾
- ۶- شکر امدادهای الهی آن است که تقوای الهی پیشه کنیم. ﴿فاتقوا الله... تشکرون﴾

﴿ ۱۲۴ ﴾ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ اَلَنْ يَكْفِيَكُمْ اَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ اَلْفٍ

مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ

و (بیاد آور) هنگامی که به مؤمنان می گفتی: آیا شما را کفایت نمی کند که پروردگارتان شما را به سه هزار فرشته ی فرود آمده یاری کند؟

### پیام ها:

- ۱- یکی از وظایف رهبری، امیدوار کردن و توجه دادن مردم به امدادهای غیبی است. ﴿ اذ تقول للمؤمنين ﴾
- ۲- امید به لطف خداوند برای یک رزمنده ضروری است. ﴿ اَلَنْ يَكْفِيكُمْ ﴾
- ۳- ملائکه به فرمان خداوند در خدمت مؤمنان قرار می گیرند. ﴿ يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ اَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ﴾
- ۴- در جهان بینی الهی، زندگی انسان ها با جهان فرشتگان مرتبط است. ﴿ يُمِدُّكُمْ... ﴾
- ۵- امدادهای الهی، براساس ربوبیت اوست. ﴿ يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ ﴾
- ۶- یکی از اسباب امدادهای الهی در جبهه ها، نزول فرشتگان است. ﴿ يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ اَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ ﴾

﴿ ۱۲۵ ﴾ بَلَىٰ اِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوا وَيَاْتُوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا يُمْدِدْكُمْ

رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ

البته اگر صبر و مقاومت کنید و پرهیزگاری نمایید (گرچه) دشمنان با خشم و خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته مخصوص مدد می رساند.

### نکته ها:

- در آیه ی قبل، سخن از نزول سه هزار فرشته ی امداد رسان بود و در این آیه، سخن از پنج هزار فرشته ی مخصوص، در صورت صبر و تقوای رزمندگان است.

□ ذکر تعداد فرشتگان، نشان می‌دهد که قدرت آنان محدود است. همان گونه که از کلمه‌ی «مُنزَلین» فهمیده می‌شود که فرشتگان تحت امر خدا هستند و از پیش خود کاری انجام نمی‌دهند. و از کلمه «مُسَوِّمِین» استفاده می‌شود که فرشتگان امدادی، نیروهای ویژه‌ای هستند. چنانکه امام زین العابدین علیه السلام در سلام خود به فرشتگان، برای هر دسته از فرشتگان، مأموریت خاصی را بیان می‌کند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- استقامت و تقوا، عامل نزول فرشتگان و امدادهای غیبی است. ﴿ان تصبروا و تتقوا... یددکم ربکم﴾
- ۲- امدادهای الهی، اختصاص به زمان پیامبر ندارد. ﴿ان تصبروا و تتقوا... یددکم ربکم﴾
- ۳- مقاومت همراه با تقوا ارزش دارد و گرنه لجاجت و یکدندگی است. ﴿ان تصبروا و تتقوا﴾
- ۴- از دشمن غافل نشویم که هجوم او خشمگینانه و خروشان است. ﴿یاتوکم من فورهم﴾
- ۵- هرچه هجوم دشمن بر تقوای پیشگان شدید باشد، خداوند نیز بر امدادهای خود می‌افزاید. ﴿یاتوکم من فورهم... بخمسة آلاف﴾

﴿ ۱۲۶ ﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

و خداوند این (نزول فرشتگان) را جز مژده و بشارتی برای شما قرار نداد، تا دل‌های شما بدان آرام گیرد و (بدانید که) هیچ پیروزی نیست مگر از جانب خداوند عزیز و حکیم.

۱. صحیفه سجّادیه، دعای سوّم.

**پیام‌ها:**

- ۱- آرامش خاطر و امید از نیازهای رزمندگان در جبهه است. ﴿بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ﴾
- ۲- تمام مقدمات مادی، علمی، روانی و انسانی، بدون اراده‌ی خداوند کاری از پیش نمی‌برند. ﴿وَمَا التَّصَرُّاتُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾
- ۳- قدرت خداوند همراه با حکمت اوست. لذا ممکن است به دلایل خاصی مسلمانان نیز شکست بخورند. ﴿الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

﴿ ۱۲۷ ﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ

(امدادهای الهی برای آن بود) تا بعضی از کفار را ریشه کن کند یا ناکام و ذلیلشان گرداند که ناامید برگردند.

**نکته‌ها:**

- کلمه‌ی «طَرَف» به معنای انتهای یک چیز است، نه گوشه‌ای از آن. بنابراین آیه می‌فرماید: امدادهای غیبی ما برای آن است که ریشه‌ی بعضی از کفار قطع شود. البته بعضی مفسران، «طَرَف» را به معنای اشراف گرفته‌اند. یعنی هدف جنگ بدر، نابودی اشراف کفار بود. نظیر آیه‌ی ﴿فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ﴾<sup>(۱)</sup>
- ناامیدی بر دو گونه است؛ اگر کسی از اوّل ناامید باشد می‌گویند: «یأس» دارد، ولی اگر بعد از امیدواری، ناامید شود می‌گویند: «خائب» است.<sup>(۲)</sup>
- جنگ و جهاد در اسلام، گاه دفاعی و برای خنثی کردن تهاجم دشمن و گاه ابتدایی و آغازگرانه و برای سرکوبی دشمنان است.

**پیام‌ها:**

- ۱- سران کفر، یا باید به کلی ریشه کن شوند و یا خوار و ذلیل و مأیوس گردند. با برخورد های ضعیف و موسمی و موضعی که به ریشه‌ی کفر لطمه نمی‌زند،

۲. تفسیر اطیب البیان و التحقیق فی کلمات القرآن.

۱. توبه، ۱۲.

دل خوش نباشید. ﴿لَيَقْطَعُ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾  
 ۲- وحدت، قدرت، سیاست و مدیریت مسلمانان، باید به گونه‌ای باشد که دشمن  
 از آنان قطع امید کند. ﴿فَيَتَقَلَّبُوا خَائِبِينَ﴾

﴿۱۲۸﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ  
 فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ

هیچ امری (از هدایت یا کیفر مردم) در اختیار تو نیست. (تنها خداوند است که) یا  
 لطف خود را بر آنها برمی‌گرداند یا عذابشان می‌کند، زیرا آنان ستمکارند.

#### نکته‌ها:

□ وقتی رهبری امت صداقت کامل دارد، این‌گونه عمل می‌کند که حتی آیاتی را که از او سلب  
 مسئولیت می‌کند، با کمال صداقت و شهامت برای مردم باز می‌خواند، که خداوند فرمود: تو  
 کاره‌ای نیستی. در تفاسیر شیعه و سنی می‌خوانیم هنگامی که دندان پیامبر در جنگ احد  
 شکست و خون جاری شد، حضرت فرمود: چگونه این مردم رستگار خواهند شد؟ آیه نازل  
 شد که تو مسئول رستگاری مردم نیستی، ممکن است در آینده مورد عفو قرار بگیرند و  
 ممکن است به حال خود رها شده و مجازات شوند.

#### پیام‌ها:

- ۱- عفو یا عذاب به دست خداوند است. شفاعتِ اولیا هم بدون اذن او صورت  
 نمی‌گیرد و هرگز پیامبران از پیش خود در برابر خداوند استقلالی ندارند.  
 ﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾
- ۲- راه توبه حتی برای فراریان از جبهه حق و یا کفّاری که بزرگ‌ترین صدمه را به  
 مسلمانان زده‌اند، بسته نیست. ﴿أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ﴾
- ۳- عذاب مردم بخاطر ظلم و ستم خودشان است. ﴿يُعَذِّبُهُم ظَالِمُونَ﴾



﴿ ۱۲۹ ﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. او (طبق حکمت خود) هرکس را بخواهد می‌بخشد و هرکس را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بخشنده‌ی مهربان است.

#### نکته‌ها:

□ این آیه تأکیدی بر آیه‌ی قبل است که مجازات یا عفو، تنها به دست خداوند است. زیرا آفرینش و حاکمیت تمام هستی در دست اوست. جالب این‌که در آیه، افراد مورد قهر یا لطف معین نمی‌شوند، تا غرور یا یأس برای کسی پیدا نشود و همه در حالت خوف و رجا باشند. ناگفته پیداست که عفو یا عذاب، براساس حکمت الهی و وابسته به زمینه‌هایی است که انسان در خود و یا جامعه بوجود می‌آورد.

#### پیام‌ها:

- ۱- عفو یا کیفر، تنها به دست کسی است که حاکمیت آسمان‌ها و زمین برای اوست. ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ... يَغْفِرُ... وَيُعَذِّبُ﴾
- ۲- در نظام الهی، اصل بر عفو و مغفرت است. ﴿يَغْفِرُ﴾ بر ﴿يُعَذِّبُ﴾ مقدم شده است.

﴿ ۱۳۰ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و بهره‌ی پول) را با افزودن‌های مکرر نخورید، از خدا پروا کنید تا شاید رستگار شوید.

#### نکته‌ها:

□ این آیه همراه با هشت آیه‌ی بعد که در میان آیات جنگ اُحد قرار گرفته. شاید به این جهت باشد که مسائل اخلاقی و اقتصادی، در یک نظام دفاعی مؤثر است. جامعه‌ای که

افرادش اهل اخلاص و ایثار و سبقت در کارهای خیر، و اطاعت از رهبر باشند، در جنگ هم موفق خواهند بود، ولی جامعه‌ی پول پرست و بخیل و نافرمان و مصرّ بر ارتکاب گناه، به یقین شکست خواهد خورد.

□ آیات تحریم ربا، در چند مرحله و به صورت تدریجی نازل شده است. گام اول، انتقاد از رباخواری یهود: ﴿وَ اخذهم الربا وقد نهوا عنه﴾<sup>(۱)</sup> گام دوم، منع از ربای چندین برابر و در گام سوم، تحریم و به منزله‌ی جنگ با خدا معزّفی شده است.

### پیام‌ها:

۱- ایمان، زیر بنای عمل به دستورات است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا﴾  
 ۲- قبل از تحریم ربا، نمونه‌های زشت و برجسته آن تحریم شد. ﴿اضْعَافًا مُّضَاعَفَةً﴾  
 ۳- رعایت تقوا در مسائل اقتصادی بشدّت لازم است. ﴿لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا... اتَّقُوا اللَّهَ﴾  
 ۴- رستگاری با رباخواری بدست نمی‌آید، بلکه با تقوا حاصل می‌شود. ﴿لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا... وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

۵ - رباخوار، نه در دنیا رستگار است، (به خاطر تشدید اختلافات طبقاتی که منجر به تفرقه و کینه‌ی محرومان و انفجار آنها می‌شود) و نه در آخرت. (به خاطر گرفتاری به قهر خداوند). ﴿لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

### ﴿۱۳۱﴾ وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

و از آتشی که برای کافران آماده شده است، بپرهیزید.

### نکته‌ها:

□ امام صادق فرمود: رباخواری از گناهایی است که موجب می‌شود رباخوار به هنگام مرگ ایمان خود را از دست بدهد و در زمره کافران قرار گیرد.<sup>(۲)</sup>

۱. نساء، ۱۶۱.

۲. تفسیر عیاشی.

**پیام‌ها:**

- ۱- مسلمان رباخوار، همان عذابی را می‌بیند که برای کافر فراهم شده است. ﴿أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾
- ۲- دوزخ، برای کافران فراهم شده و اگر مسلمانانی گرفتار آن شوند، بخاطر تشابه عملی آنان با کفار است. ﴿أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾
- ۳- دوزخ هم اکنون موجود است. ﴿أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ همانگونه که بهشت برای نیکوکاران آماده است. ﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

**﴿۱۳۲﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**

و خدا و رسول را اطاعت کنید، شاید مورد رحمت قرار گیرید.

**نکته‌ها:**

□ دلیل شکست مسلمانان در جنگ احد، نافرمانی از دستور رسول اکرم ﷺ بود. زیرا آن حضرت فرموده بود که منطقه حفاظتی واقع در میان درّه‌های کوه احد را رها نکنند، ولی محافظان بخاطر طمع ورزی و جمع آوری غنائم جنگی بر خلاف دستور، منطقه را رها کردند و دشمن از همان منطقه به مسلمانان ضربه زد.

**پیام‌ها:**

- ۱- دستورات و فرامین حکومتی پیامبر ﷺ، همچون فرمان خدا اطاعتشان واجب است. ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ﴾
- ۲- رباخواری، عصیان و طغیان در برابر خدا و رسول است. ﴿لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا... وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ﴾
- ۳- کسی که بخاطر اطاعت از فرمان خدا و رسول، دست از رباخواری بردارد و به مردم رحم کند، مورد رحمت قرار خواهد گرفت. ﴿أَطِيعُوا... تُرْحَمُونَ﴾

۴- پیروی از خدا و رسول، رمز نجات از دوزخ است. ﴿اتَّقُوا النَّارَ... واطيعوا الله و  
الرسول﴾

۵- نتیجه‌ی پیروی از خدا و رسول، به خود انسان برمی‌گردد، نه به خدا و رسول.  
﴿لعلکم تُرحمون﴾

۶- اطاعت از خدا، بی‌پاداش نیست، بلکه وسیله و بستر دریافت رحمت اوست.  
﴿اطيعوا... لعلکم تُرحمون﴾

### ﴿۱۳۳﴾ وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

برای نیل به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن به قدر  
آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده گردیده، بشتابید.

#### نکته‌ها:

- گروهی از دانشمندان اسلامی، عقیده دارند که بهشت و دوزخ هم اکنون وجود دارند و یکی از دلایل آنان همین آیات «أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» یا «أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» است.
- آمرزش گناه، کار الهی است و مراد از سرعت به سوی مغفرت، سرعت به سوی کاری است که مغفرت را بدنبال داشته باشد.
- در این آیه، کلمه‌ی «عَرْض» به معنای وسعت است.<sup>(۱)</sup>
- حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «سَارِعُوا إِلَىٰ أَدَاءِ الْقَرَائِضِ» برای انجام تکالیف الهی بر یکدیگر سرعت بگیرید.<sup>(۲)</sup>

۱. عرب وقتی می‌خواهد وسعت چیزی را تعریف کند می‌گوید: عرضش فلان اندازه است و از عرض وسعت طول هم مشخص می‌شود.  
۲. تفسیر مجمع‌البیان.

## پیام‌ها:

- ۱- سرعت در کار خیر، ارزش آن را بالا می‌برد. «سارعوا»
- ۲- سرعت در توبه و جلب غفران الهی، لازم است. «سارعوا الى مغفرة»
- ۳- آمرزش گناهان، از شئون ربوبیت است. «مغفرة من ربكم»
- ۴- اول بخشیده شدن، سپس بهشت رفتن. «مغفرة... جنة»
- ۵- لازمه‌ی سرعت به سوی بهشت متقین، قرار گرفتن در زمره‌ی متقین است. «جنة... أعدت للمتقين»

﴿ ۱۳۴ ﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ

الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

(متقین) کسانی هستند که در راحت ورنج انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از (خطای) مردم می‌گذرند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

## نکته‌ها:

- به دنبال محکوم کردن ربا در آیات قبل، آیه از انفاق و عفو و گذشت و تعاون تمجید می‌کند.
- روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه السلام در موقع شستشوی سر و صورت آن حضرت، ظرف آب از دستش افتاد و سر امام علیه السلام را زخمی کرد. او دریافت که امام ناراحت شده است. بلافاصله گفت: «والكاظمين الغيظ»، امام فرمود: من خشم خود را فرو بردم. او دوباره گفت: «والعافين عن الناس»، امام فرمود: تو را عفو کردم. او گفت: «والله يحب المحسنين» امام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی. <sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که خشم خود را فرو برد، مگر آنکه خداوند عزت او را در دنیا و آخرت فزونی بخشد. خداوند فرمود: «و الكاظمين الغيظ... و الله يحب المحسنين» این پاداش فروردن آن خشم است. <sup>(۲)</sup>

۱. تفاسیر مجمع البیان و روح البیان.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۱۰.

## پیام‌ها:

- ۱- تقوا، از انفاق جدا نیست. ﴿أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ...﴾
- ۲- انفاق، سخاوت می‌خواهد نه ثروت. ﴿فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾
- ۳- نه در حال رفاه از محرومان غافل باشیم و نه در تنگدستی بگوییم که ما خود گرفتاریم. ﴿فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾
- ۴- متقین محکوم غرایز نیستند، آنان حاکم و مالک خویشانند. ﴿الكَاطِمِينَ الْغَيْظِ﴾
- ۵- تقوا، از سعه‌ی صدر جدا نیست. ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾
- ۶- متقی، منزوی نیست، بلکه با مال و اخلاق خوب خود، با مردم معاشرت می‌کند. ﴿يَنْفِقُونَ، الْكَاطِمِينَ، الْعَافِينَ﴾
- ۷- در عفو خطاکار، ایمان او شرط نیست. ﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾
- ۸- کسی که می‌خواهد محبوب خدا شود باید از مال بگذرد و خشم و غضب را فرو برد. ﴿وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾
- ۹- انفاق به محرومان و گذشت از خطای مردم، از مصادیق احسان و نیکوکاری است. ﴿يَنْفِقُونَ، الْكَاطِمِينَ، الْعَافِينَ، الْمُحْسِنِينَ﴾

﴿۱۳۵﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ  
فَاسْتَعْفَرُوا لِدُنُوْبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الدُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا  
عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

(افراد با تقوا) کسانی هستند که هرگاه کار زشتی انجام دهند و یا به خویشان ستم کنند، خدا را یاد کرده و برای گناهان خود استغفار می‌کنند. و جز خدا کیست که گناهان را ببخشد؟ و (متقین) چون به زشتی گناه آگاهند بر انجام آنچه کرده‌اند، پافشاری ندارند.

## نکته‌ها:

- بعضی مفسران، مراد از «فاحشة» را زنا و مراد از «ظلم» را سایر گناهان دانسته‌اند و بعضی دیگر مراد از «فاحشة» را گناهان کبیره و «ظلم» را گناهان صغیره دانسته‌اند.
- در روایات می‌خوانیم که بی‌توجهی به گناهان گذشته و ترک توبه از آنها، به منزله‌ی اصرار بر گناه است. «هو ان یذنب الذنب فلا یستغفر الله ولا یحدث نفسه بتوبة فذلك الاصرار»<sup>(۱)</sup>
- امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی این آیه نازل شد، ابلیس همه‌ی یاران خود را جمع کرد و از آنان چاره‌جویی کرد. شیاطین پیشنهاداتی دادند که پذیرفته نشد، و سواس خناس گفت: من چاره‌ی آن را می‌دانم! گفتند: چگونه؟ گفت: به آنها وعده می‌دهم و به آرزوها گرفتارشان می‌کنم تا دچار گناه شوند و وقتی گرفتار شدند، توبه و استغفار را از یاد آنها می‌برم.<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- گاهی از افراد متقی نیز گناه صادر می‌شود. «للمتقین... الذین اذا فعلوا فاحشة»
- ۲- خطرناک‌تر از انجام گناه، غفلت از گناه و بی‌توجهی به زشتی آن است. متقین اگر هم گناه کنند، بلافاصله استغفار می‌کنند. «اذا فعلوا فاحشة... ذکروا الله فاستغفروا»
- ۳- نشانه‌ی تقوا، توبه از گناه است. «اذا فعلوا فاحشة... ذکروا الله فاستغفروا»
- ۴- یاد خدا، رمز توبه است. «ذکروا الله فاستغفروا»
- ۵- تا یاد خدا در دل گناهکار زنده است، می‌تواند در مدار متقین وارد شود. «اذا فعلوا فاحشة... ذکروا الله»
- ۶- گناه، ظلم به خویشتن است. «ظلموا أنفسهم»
- ۷- تنها خداوند است که گناهان را می‌بخشد. «و من یغفر الذنوب الا الله»
- ۸- متقی کسی است که اصرار بر گناه نداشته باشد. زیرا اصرار بر گناه، نشانه‌ی سبک شمردن آن و غفلت از یاد خداست. «ولم یصروا علی ما فعلوا»

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۸۷. ۲. وسائل، ج ۱۱، ص ۶۶.

۹- اصرار آگاهانه بر گناه، سبب محرومیت از مغفرت الهی است. ﴿وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا﴾

﴿۱۳۶﴾ **أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ**

پاداش آنان (متقین) از طرف پروردگارشان، مغفرت و باغ‌هایی است که از زیر درختان آنها نهرها جاری است و برای همشیه در آن (باغ‌ها) هستند و چه نیکوست پاداش اهل عمل.

#### نکته‌ها:

□ آمدن کلمات «الْمُتَّقِينَ»، «الْمُحْسِنِينَ» و «الْعَامِلِينَ» در پایان سه آیه پی در پی، نشانگر آن است که تقوا یک حالت انزوا و عزلت و حالت روحی نیست، بلکه حضور در صحنه، همراه با عمل و احسان است.

#### پیام‌ها:

- ۱- تا انسان از گناه پاک نشود، شایستگی ورود به بهشت را ندارد. ﴿مَغْفِرَةٌ...جَنَّاتٌ﴾
- ۲- عفو و مغفرت خداوند، برای تربیت انسان است. ﴿مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ﴾
- ۳- تنها با آرزو نمی‌توان به الطاف خداوند رسید، بلکه کار و عمل لازم است. ﴿نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾

﴿۱۳۷﴾ **قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ**

به یقین پیش از شما سنت‌هایی بوده (و سپری شده) است. پس در روی زمین گردش کنید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.



## نکته‌ها:

- این آیه، به اهمیت جامعه‌شناسی و شناخت اصول عزّت و ذلّت جوامع اشاره دارد. سنّت‌هایی که در اقوام پیشین وجود داشته، از این قبیل است:
- الف: حقّ‌پذیری که سبب نجات و سعادت آنان شده است.
- ب: تکذیب حقّ که موجب هلاک و نابودی آنها شده است.
- ج: آزمایشات الهی برای آنها وجود داشته است.
- د: امدادهای غیبی برای حق‌طلبان بوده است.
- ه: به ستمگران فرصت و مهلت داده شده است.
- و: مقاومت مردان خدا سبب رسیدن به هدف‌های والا شده است.
- ز: توطئه کفار و خنثی‌سازی آن از جانب خداوند.

## پیام‌ها:

- ۱- قوانین و سنّت‌های ثابتی بر تاریخ بشر حاکم است که شناخت آن، برای بشر مفید است. ﴿قد خلت من قبلکم سنن﴾
  - ۲- تاریخ گذشتگان، چراغ راه زندگی آیندگان است. ﴿فسیروا... فانظروا﴾
  - ۳- جهانگردی هدفدار و بازدید توأم با اندیشه، بهترین کلاس برای تربیت انسان‌هاست. ﴿فسیروا... فانظروا﴾
  - ۴- شما با سایر امت‌ها فرقی ندارید. عوامل عزّت یا سقوط همه یکسان است. ﴿فسیروا... فانظروا﴾
  - ۵- شناخت تاریخ و رفتار و سرنوشت پیشینیان در انتخاب راه مفید است. ﴿فسیروا... فانظروا﴾
  - ۶- حفظ آثار باستانی برای عبرت آیندگان، لازم است. ﴿فسیروا فی الارض﴾
  - ۷- بررسی و تحقیق در تحولات تاریخ، لازم است. ﴿فسیروا... فانظروا﴾
  - ۸- در مطالعه‌ی تاریخ، جلوه‌ها مهم نیست، پایان کار مهم است. ﴿فسیروا... فانظروا﴾
- کیف کان عاقبة المکذبین ﴿

۹- کیفرهای الهی تنها مربوط به قیامت نیست، گاهی در همین دنیا قهر الهی به سراغ گردنکشان می آید. ﴿عاقبة المکذبین﴾

﴿۱۳۸﴾ هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

این (قرآن) برای همه‌ی مردم بیانی روشنگر، ولی برای متقین (وسیله‌ی) هدایت و پندآموزی است.

### نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «هذا» یا اشاره به آیات ۱۳۰ تا ۱۳۷ است و یا اشاره به سنت‌ها و عبرت‌های تاریخ است که در آیه‌ی قبل آمده بود.

### پیام‌ها:

- ۱- قرآن، قابل فهم برای همه‌ی مردم، در هر عصری است. ﴿بیان للناس﴾
- ۲- قرآن، برای همه‌ی مردم، در همه زمان‌ها و مکان‌هاست. ﴿للناس﴾
- ۳- با آنکه قرآن برای عموم مردم است، ولی تنها افراد پرهیزگار و متقی پند پذیر هستند. ﴿موعظة للمتقين﴾
- ۴- روحیه‌ی افراد در استفاده و بهره‌مندی از آیات الهی مؤثر است. ﴿للمتقين﴾

﴿۱۳۹﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین مباشید که شما برترید.

### نکته‌ها:

□ در جنگ اُحد، به خاطر عدم اطاعت از فرماندهی، بر قوای اسلام شکست وارد شد، مسلمانان روحیه خود را از دست دادند، این آیه نازل شد که مبادا با شکست خود را ببازید، بلکه با تقویت ایمان خود را تقویت کنید که در این صورت برتری با شماست.

## پیام‌ها:

- ۱- شکستِ موضعی در یک جنگ، نشانه‌ی شکست نهایی مسلمانان نیست. ﴿و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الاعلون﴾
- ۲- رهبر باید روحیه‌ها را تقویت کند. ﴿و أنتم الاعلون...﴾
- ۳- اگر به ایمان و اطاعت برگردید، در جنگ‌ها به پیروزی خواهید رسید. ﴿و أنتم الاعلون ان کنتم مؤمنین﴾
- ۴- در سایه‌ی ایمان، می‌توان بر همه جهان غالب شد. ﴿أنتم الاعلون ان کنتم مؤمنین﴾
- ۵- پیروزی و شکست ظاهری ملاک نیست، برتری به خاطر عقاید صحیح و تفکر سالم اصل است. ﴿و أنتم الاعلون ان کنتم مؤمنین﴾
- ۶- در جهان بینی مادی، عامل پیروزی سلاح و تجهیزات است، ولی در بینش الهی، عامل پیروزی ایمان است. ﴿ان کنتم مؤمنین﴾

﴿ ۱۴ ﴾ **إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ**

اگر (در جنگ احد) به شما جراحتی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است. و ما روزها(ی شکست و پیروزی) را در میان مردم تقسیم می‌کنیم تا خداوند (با امتحان) کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم کند و از شما گواهانی (بر دیگران) بگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد. (گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند)

## نکته‌ها:

- این آیه ضمن دل‌داری به مسلمانان، واقعیتی را بیان می‌کند و آن این‌که اگر شما به منظور حق و برای هدفی الهی متحمل ضرر جانی شده‌اید، دشمنان شما نیز کشته و مجروح داده‌اند. اگر شما امروز در احد پیروز نشده‌اید، دشمنان شما نیز دیروز در بدر شکست

خورده‌اند، پس در سختی‌ها بردبار باشید.

□ گرچه معمولاً کلمات «شهداء»، «شهید» و «شاهد» در قرآن به معنای «گواه» است، لیکن به دلیل شأن نزول و مسأله جنگ و موضوع زخم و جراحت در جبهه، اگر کسی کلمه‌ی «شهداء» را در این آیه به «کشته شدگان در راه خدا» معنی کند، به خطا نرفته است.

□ مسلمانان باید با توجه به موارد زیر روحیه قوی و مستحکم داشته باشند:

الف: ﴿أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ شما بلند مرتبه‌اید.

ب: ﴿قَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ﴾ دشمنان شما نیز زخمی شده‌اند.

ج: ﴿تِلْكَ الْآيَاتُ نَادَاؤُهَا﴾ این روزهای تلخ سپری می‌شود.

د: ﴿وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ خدا مؤمنان واقعی را از منافقان باز می‌شناساند.

ه: ﴿وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾ خداوند از شما گواهانی را برای آینده تاریخ می‌گیرد.

و: ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ خداوند مخالفان شما را دوست ندارد.

□ امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمودند: «از روزی که خداوند آدم را آفرید، قدرت و حکومت خدایی و شیطانی در تعارض با یکدیگر بوده‌اند، اما دولت کامل الهی با ظهور حضرت قائم علیه السلام تحقق می‌یابد».<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- مسلمانان نباید در صبر و بردباری از کفار کمتر باشند. ﴿قَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلَهُ﴾
- ۲- حوادث تلخ و شیرین، پایدار نیست. ﴿تِلْكَ الْآيَاتُ نَادَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾
- ۳- در جنگ و فراز و نشیب‌های زندگی، اهل ایمان از مدعیان ایمان باز شناخته می‌شوند. ﴿لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾
- ۴- خداوند از خود شما گواهانی گرفت که چگونه نافرمانی از رهبری موجب شکست می‌شود. ﴿وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ﴾
- ۵- پیروزی موقت کفار، نشانه محبت خداوند به آنان نیست. ﴿اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

۱. تفسیر عیاشی.

۶- حوادث و جریان‌های تاریخی، به اراده‌ی خداوند محقق‌پذیر است. ﴿نداوها﴾

### ﴿۱۴۱﴾ وَلِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ

و (فرز و نشیب‌های جنگ برای آن است) تا خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص، و کافران را (به تدریج) محو و نابود گرداند.

#### نکته‌ها:

□ «تَمَحِّصُ» به معنای پاک گرداندن از هرگونه عیب و «مَحَقٌّ» به معنای کم شدن و نابودی تدریجی است.

□ گویا خدا می‌خواست نقاط ضعف مسلمانان را با شکست در جنگ احد به آنان نشان دهد تا به فکر اصلاح و جبران نقایص بیافتند و برای حرکت‌های بعدی آمادگی لازم را داشته باشند. گاهی شکست‌های سازنده و بیدارگر، از پیروزی‌های غافلانه و بدون عمق مطلوب‌تر است.

#### پیام‌ها:

۱- جنگ، میزانی است برای شناسایی افراد پاک از اشخاص پوک. ﴿لِيُمَخِّصَ اللَّهُ﴾  
 ۲- برای اهل ایمان، شکست یا پیروزی سعادت است. زیرا یا شهادت، یا تجربه، یا غلبه بر دشمن را به دست می‌آورد. ﴿لِيُمَخِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾  
 ۳- رشد و شکوفایی ایمان محو و سرنگونی کفر، به مرور زمان و در طول تاریخ به دست می‌آید. ﴿لِيُمَخِّصَ... يَمْحَقُ﴾ («لِيُمَخِّصَ» دلالت بر استمرار و «يَمْحَقُ» معنای تدریج را با خود دارد).

۴- آینده‌ی تاریخ به سوی محو و نابودی کفر است. ﴿يَمْحَقُ الْكَافِرِينَ﴾  
 ۵- شکست امروز مهم نیست، پایان کار اصل است. ﴿وَيَمْحَقُ الْكَافِرِينَ﴾

### ﴿۱۴۲﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا

مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ

آیا گمان دارید که (با اتّاعای ایمان) وارد بهشت شوید، در حالی که هنوز خداوند مجاهدان و صابران شما را معلوم نساخته است؟

### نکته‌ها:

□ این آیه، به جهاد و صبر و مقاومت مؤمنان اشاره می‌کند. زیرا راه سیدن به بهشت صبر و جهاد است. قرآن می‌فرماید: «سلام علیکم بما صبرتم»<sup>(۱)</sup> سلام بر شما بهشتیان، به خاطر صبر و مقاومتی که داشتید. در این تعبیر لطفی است، نمی‌گوید سلام بر شما به خاطر حج و روزه و یا خمس و زکات، زیرا انجام هر عملی نیازمند صبر و پایداری است.

### پیام‌ها:

- ۱- از امیدهای بیجا و آرزوهای باطل دست برداریم. «أم حسبتم»
- ۲- ایمان قلبی کافی نیست، تلاش و عمل نیز لازم است. بهشت را به بها دهند نه بهانه. «أم حسبتم أن تدخلوا الجنة و لما يعلم...»
- ۳- کلید بهشت، صبر و جهاد است. صبر در برابر مصیبت، معصیت و انجام عبادت و حضور در جبهه‌ی جهاد اکبر و جهاد اصغر. «و يعلم الصّابرين»
- ۴- صبر و مقاومت، همراه با جهاد لازم است. زیرا شروع جنگ و ادامه‌ی آن و عوارض و آثار پس از جنگ، همه و همه نیازمند صبر و بردباری است. «جاهدوا منکم و يعلم الصّابرين»

﴿ ۱۴۳ ﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَ  
أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

همانا شما مرگ (و شهادت) را (پس از جنگ بدر) پیش از آنکه با آن روبرو شوید سخت آرزو می‌کردید، پس آن را (در جنگ احد) دیدید، ولی (ناخوشایند به آن) نگاه می‌کردید.

## نکته‌ها:

□ در شأن نزول این آیه آمده است: پس از جنگ بدر که مسلمانان پیروز شدند و عده‌ای نیز به شهادت رسیدند، برخی می‌گفتند: ای کاش! ما نیز در جنگ بدر در راه خدا به شهادت می‌رسیدیم. ولی همانها در سال بعد در جنگ اُحد پا به فرار گذاشتند که در این آیه مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته‌اند.

در زیارت شهدای کربلا می‌گوییم: ای کاش! ما با شما بودیم و به شهادت می‌رسیدیم. آیا هیچ فکر کرده‌ایم که در مقام عمل، چه می‌کنیم؟!  
خوش بود گر مَحک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

## پیام‌ها:

۱- به تخیلات و آرزوهای خود دل نبندیم و به هر شعار و شعاردهنده‌ای اطمینان نکنید. «وَلَقَدْ كُنْتُمْ... فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ...»

۲- در میدان عمل، مردان آزموده می‌شوند. «رَأَيْتُمُوهُ... وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»

﴿ ۱۴۴ ﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

و محمد جز پیامبری نیست که پیش از او نیز پیامبران (دیگری آمده و) در گذشته‌اند. (بنابراین مرگ برای انبیا نیز بوده و هست،) پس آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به (آئین) گذشتگان خود بر می‌گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، پس هرگز هیچ ضرری به خداوند نمی‌زند و خداوند بزودی پاداش شاکران را خواهد داد.

## نکته‌ها:

□ در تفاسیر آمده است: در جنگ اُحد هنگامی که شایعه گردید محمد کشته شد. این شایعه

موجب شادی و روحیه گرفتن کفار شد و جمعی از مسلمانان ضعیف‌الایمان پا به فرار گذاشتند. برخی به فکر گرفتن امان از ابوسفیان فرمانده کفار افتادند. در برابر این گروه، مسلمانانی با صدای بلند فریاد می‌زدند: اگر محمد هم نباشد راه محمد و خدای محمد باقی است، فرار نکنید.<sup>(۱)</sup>

□ امام صادق علیه السلام فرمود: حساب قتل از مرگ جداست، و هر شهیدی در آینده تاریخ برگشته و دوباره خواهد مرد. زیرا قرآن می‌فرماید:<sup>(۲)</sup> ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾<sup>(۳)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- وظیفه پیامبر، رسالت و ابلاغ پیام خداست. ﴿و ما محمد الا رسول﴾
- ۲- مگر با مرگ انبیای قبل، پیروانشان از دین برگشتند؟! ﴿قد خلت من قبله الرسل...﴾
- ۳- جامعه‌ی اسلامی باید چنان تشکّل و انسجامی داشته باشد که حتی مرگ رهبر به آن ضربه‌ای نزند. ﴿أفان مات أو قتل انقلبتم على أعقابکم﴾
- ۴- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز تابع سنت‌های الهی و قوانین طبیعی همچون مرگ و حیات است. ﴿أفان مات أو قتل﴾
- ۵- انتشار شایعه، از حربه‌های دشمن است. ﴿مات أو قتل﴾ (با توجه به شأن نزول)
- ۶- عمر پیامبر محدود است، نه راه او. ﴿أفان مات أو قتل انقلبتم﴾
- ۷- فردپرستی ممنوع. راه خدا که روشن شد، آمد و شد افراد نباید در پیمودن خط الهی ضربه وارد کند. ﴿أفان مات أو قتل﴾
- ۸- ایمان خود را چنان ثابت و استوار سازید که حوادث تاریخ آن را نلرزاند. ﴿أفان مات أو قتل﴾

۱. زمانی به نوشتن این آیه رسیدم که بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی ره به ملکوت اعلی پیوست و در تشییع پیکر ایشان حدود ده میلیون نفر در تهران شرکت کردند. مسلمانان ایران براساس همین آیه بر پیمان خود استوار ماندند و با انتخاب رهبری عادل و فقیه؛ «آیه‌الله خامنه‌ای» با امام و آرمان‌های بلند او تجدید بیعت نمودند.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۳. انبیاء، ۳۵.



- ۹- دست برداشتن از خط انبیا، سقوط و عقب‌گرد است. ﴿انقلبتم علی أعقابکم﴾  
 ۱۰- کفر مردم، ضرری برای خداوند ندارد. ﴿فلن یضر الله﴾  
 ۱۱- مقاومت در راه حق، بهترین نوع شکر عملی است که پاداشش با خداست.  
 ﴿سیجزی الله الشاکرین﴾

﴿۱۴۵﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّجَلًّا وَمَنْ يُرِدْ  
 ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ  
 سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ

هیچکس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، (و این) سرنوشتی است تعیین شده. و هر  
 کس پاداش دنیا را بخواهد از آن به او می‌دهیم، و هرکس پاداش آخرت را بخواهد  
 از آن به او می‌دهیم، و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد.

### پیام‌ها:

- ۱- با فرار از جنگ، نمی‌توان از مرگ فرار کرد. ﴿انقلبتم علی أعقابکم... ما کان لنفس﴾
- ۲- مرگ، به دست ما نیست، ﴿و ما کان لنفس أن تموت الا باذن الله﴾ ولی اراده و تعیین  
 هدف به دست ماست. ﴿ومن یرد...﴾
- ۳- حال که دنیا و آخرت در برابر ماست، مسیر ابدیت و رضای خالق را انتخاب  
 کنیم. ﴿من یرد... نؤته منها﴾
- ۴- هر نوع انگیزه و عملی بازتاب و عکس‌العمل مخصوصی دارد. در هر مسیری  
 گام نهیم به مقصدی خاص خواهیم رسید. ﴿من یرد ثواب الدنيا... و من یرد...﴾

﴿۱۴۶﴾ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند، پس  
برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و  
تن به ذلت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد.

### نکته‌ها:

□ «رِبِّيُّونَ» جمع «رَبِّي» بر وزن «مَلِي» به کسی گفته می‌شود که ارتباط و پیوند او با خدا  
محکم و در دین، دانشمند و مقاوم و با اخلاص باشد.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- تاریخ انبیا همواره همراه با مبارزه بوده است. ﴿وَكَايِّن...﴾
- ۲- با نگاه به زندگی اولیای خدا در طول تاریخ و مقاومت آنان درس بگیریم. ﴿و  
كَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ﴾
- ۳- جنگ و جهادی حَقّ است که زیر نظر رهبر الهی باشد. ﴿قَاتَلَ مَعَهُ﴾ در دعای  
ماه رمضان نیز می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ»
- ۴- تعداد مجاهدان عالم و عارف در تاریخ بسیار است. ﴿كَأَيِّن... رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ﴾
- ۵- گرچه همه‌ی مجاهدان عزیزند، ولی رزمندگان خداپرست و دانشمند حساب  
دیگری دارند. ﴿رِبِّيُّونَ﴾
- ۶- ایمان به خدا، سرچشمه‌ی مقاومت است. ﴿رِبِّيُّونَ... فَمَا وَهَنُوا﴾
- ۷- مشکلات نباید عامل سستی و ضعف شود، بلکه باید عامل حرکت و تلاش  
جدیدی گردد. ﴿فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ﴾
- ۸- حرکت مخلصانه و در مسیر الهی به انسان روحیه می‌دهد و تحمل مشکلات

۱. تفسیر نمونه.

را آسان می‌کند. ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾

- ۹- مشکلات و ناملايمات، مردان خدا را وادار به تسليم نمی‌کند. ﴿وَمَا اسْتَكَانُوا﴾  
 ۱۰- هر چند در بدر پیروز شدید، ولی راه آینده‌ی شما مسلمانان، راه جهاد و مبارزه است، پس باید صبور و مقاوم باشید. (با توجه به آیات قبل و بعد)  
 ۱۱- رزمندگان بصیر، نه از درون روحیه خود را می‌بازند؛ ﴿فَمَا وَهَنُوا﴾ و نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند؛ ﴿وَمَا ضَعُفُوا﴾ و نه در اثر ناملايمات تسليم می‌شوند. ﴿وَمَا اسْتَكَانُوا﴾  
 ۱۲- انجام وظیفه و پایداری بر حق مهم است، پیروز بشویم یا نشویم. آیه می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ و نفرمود: «يَحِبُّ الْفَاتِحِينَ»

﴿۱۴۷﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا

فِي أَمْرِنَا وَتَبِّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و کلام آنها (رزمندگان مخلص و آگاه) جز این نبود که گفتند: «پروردگارا! گناهان و زیاده‌روی در کارمان را ببخشای و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده.»

### پیام‌ها:

- ۱- از عوامل شکست در جنگ، گناه و زیاده‌روی است. رزمندگان مخلص، با این موانع پیروزی را از بین می‌برند. ﴿اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا﴾  
 ۲- شکست خود را به قضا و قدر و یا دیگران نسبت ندهید، به قصورها و تقصیرهای خود نیز توجه داشته باشید. ﴿ذنوبنا و اسرافنا﴾  
 ۳- اول استغفار، بعد استنصار. ابتدا طلب آمرزش کنید، سپس از خداوند پیروزی بخواهید. ﴿اغفر لنا... وانصرنا﴾  
 ۴- به جای تسليم در برابر دشمن، در پیشگاه خداوند اظهار ذلت نمایید. ﴿و ما استکانوا... ربنا اغفر لنا...﴾

- ۵- صحنه‌های جهاد و جنگ، بستری است برای دعا و استغفار. ﴿و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا﴾
- ۶- مردان خدا، نصرت و یاری خدا را برای نابودی کفر می‌خواهند، نه برای کسب افتخار خود. ﴿وانصرنا على القوم الكافرين﴾
- ۷- بر لطف خداوند تکیه کنید، نه بر نفرات خود. ﴿ربیون کثیر... ربنا... انصرنا﴾

﴿۱۴۸﴾ فَآتِيَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

پس خداوند پاداش دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

**نکته‌ها:**

□ ممکن است مراد از پاداش دنیوی رزمندگان، ثابت قدمی و پیروزی و مراد از ثواب آخروی آنان، مغفرت گناهان باشد.

**پیام‌ها:**

- ۱- میان پاداش‌های دنیوی و اخروی تفاوت فراوان است. ﴿و حسن ثواب الاخرة﴾ در بهره‌های دنیوی، تلخی‌هایی نیز وجود دارد، ولی ثواب آخرت، به تمامی نیکی و خیر است.
- ۲- دعا، جهاد، صبر، استغفار، ایمان و توکل به خداوند که در آیات قبل آمده بود، از عوامل محبوبیت نزد خداوند است. ﴿والله يحب المحسنين﴾

﴿ ۱۴۹ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ  
أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کفر ورزیدند اطاعت کنید، شما را به آئین گذشتگان کافرتان بر می‌گردانند، پس به خسارت و زیانکاری بازخواهید گشت.

#### نکته‌ها:

□ در شأن نزول این آیه می‌خوانیم که در جنگ احد، وقتی که مسلمانان شکست خوردند، سردسته‌ی منافقان عبدالله بن ابی فریاد زد: به برادران مشرک ملحق شوید و همان بت‌پرستی را ادامه دهید.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- خطر ارتداد و انحراف در کمین مؤمنان است. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا... يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ﴾
- ۲- در فراز و نشیب‌ها، مراقب تبلیغات و وسوسه‌های دشمن باشید، مبادا کم‌کم به آنان گرایش پیدا کنید. ﴿ان تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا﴾
- ۳- کفر پس از ایمان، ارتجاع و سقوط است. ﴿عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ... خَاسِرِينَ﴾
- ۴- خسارت واقعی، به هدر دادن سرمایه‌های ایمانی، فکری و روحی است، از دست دادن بهشت و گرفتن دوزخ است. ﴿فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾
- ۵- شکست در میدان جنگ خسارت نیست، شکست اعتقادی و ارتداد، خسارتی بس بزرگ است. ﴿فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾

﴿ ۱۵۰ ﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

(از آنها که دوستدار شما نیستند پیروی نکنید، بلکه خداوند مولای شماست و او بهترین یاوران است.

۱. تفسیر مجمع‌البیان و نورالتقلین.

## نکته‌ها:

□ در آیه اول سخن از اطاعت کفار بود، نه مولا و سرپرست گرفتن آنان، اما از این که در آیه دوم می‌گوید: خداوند مولای شماست، پس استفاده می‌شود هر کس کفار را اطاعت کند، در حقیقت را مولا گرفته است.

□ انگیزه‌ی ارتداد و اطاعت از کفار، کسب عزت و قدرت است. قرآن در آیه ۱۵۰ و آیاتی نظیر آن، این خیال واهی را رد می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾<sup>(۱)</sup> و ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- ولایت و اطاعت، در خداوند منحصر است. ﴿بِاللَّهِ مَوْلَاكُمْ﴾
- ۲- ولی گرفتن خداوند، سبب پیروزی شماست. ﴿مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ﴾

﴿۱۵۱﴾ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ

بزودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند، بیم خواهیم افکند، زیرا چیزی را با خدا شریک کرده‌اند که بر (حقانیت) آن (خداوند) دلیلی نازل نکرده است و جایگاه آنان آتش دوزخ است و چه بد است جایگاه ستمگران.

## نکته‌ها:

□ پس از شکست مسلمانان در احد، ابوسفیان و لشکریانش که هنوز از اطراف مدینه خیلی دور نشده بودند، گفتند: مسلمان‌ها نابود شدند و باقیمانده آنان گریختند، خوب است بازگردیم و آنها را ریشه‌کن کنیم. ولی خداوند آنچنان ترس و وحشتی در دل آنان افکند که مانند شکست خوردگان به مکه بازگشتند، چون نگران حمله مسلمانان بودند.<sup>(۳)</sup>

۱. بقره، ۱۶۵.

۲. یونس، ۶۵.

۳. مناقب، ج ۱، ص ۱۲۶.

## پیام‌ها:

- ۱- خداوند، مسلمانان را با القای ترس بر قلب دشمن یاری می‌کند. ﴿سنلق فی قلوب الّذین کفروا الرّعب﴾
- ۲- تکیه به غیر خدا، شرک و عامل ترس است. همان گونه که ایمان و یاد خدا عامل اطمینان می‌باشد. ﴿الرعب بما أشرکوا﴾
- ۳- مشرک، بر ادّعی شرک برهان ندارد. ﴿مالم ینزل به سلطاناً﴾
- ۴- اصول عقاید باید بر اساس منطق و استدلال باشد. ﴿لم ینزل به سلطاناً﴾
- ۵- برهان، نوری الهی است که بر دلها نازل می‌شود و مشرکان این نور را ندارند. ﴿لم ینزل به سلطاناً﴾
- ۶- شرک، نوعی ظلم است. ﴿بئس مثوی الظّالمن﴾

﴿ ۱۵۲ ﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

و قطعاً خداوند وعده‌ی خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می‌کشتید، تا آنکه سست شدید و در کار (جنگ و تقسیم غنائم) به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آنکه خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غنائم) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی)، و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا). پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید)، تا شما را بیازماید، ولی از (خطای) شما درگذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است.

## نکته‌ها:

□ در سال دوم هجری که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، خداوند وعده داد که در جنگ‌های آینده نیز پیروز می‌شوند. در سال بعد که جنگ احد واقع شد، پیامبر ﷺ پنجاه نفر مسلح را برای حفاظت از درّه‌ها و کوهها نصب کرد. چون جنگ شروع شد، در آغاز مسلمانان حمله کرده و نفس دشمن را گرفته و آنها را شکست دادند، اما متأسفانه در بین آن پنجاه نفر که مسئول حفاظت از کوه بودند، اختلاف شد، عده‌ای گفتند: پیروزی ما قطعی است، پس به سراغ جمع غنائم برویم و عده‌ی کمی همچنان سنگرها را حفظ کردند. دشمن شکست خورده، از همان منطقه‌ای که بدون محافظ مانده بود حمله کرد و این بار مسلمانان ضربه‌ی سنگینی خوردند و شهدای بسیاری دادند، تا آنجا که جان پیامبر در معرض خطر قرار گرفت و بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

پس از پایان جنگ، مسلمانان از پیامبر ﷺ انتقاد می‌کردند که مگر خدا به ما وعده‌ی پیروزی نداده بود، پس چرا شکست خوردیم؟ این آیه پاسخ می‌دهد که وعده‌ی خدا راست و درست بود، ولی سستی و نزاع و نافرمانی عامل شکست شما شد.

## پیام‌ها:

- ۱- معنای تحقق وعده‌های خدا، نادیده گرفتن سنت‌های الهی نیست. نصرت خداوند تا زمانی است که شما به وظیفه عمل کنید. ﴿لقد صدقکم الله وعده... اذا فسلتم و تنازعتم﴾
- ۲- از جمله عوامل شکست، سستی، نزاع و عدم اطاعت از فرماندهی است. ﴿فسلتم و تنازعتم... و عصیتم﴾
- ۳- افراد برای هدف‌های متفاوت جنگ می‌کنند. بعضی برای دنیا می‌جنگند و بعضی برای آخرت. ﴿منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخرة﴾
- ۴- پایداری در نبرد، حفظ وحدت و اطاعت، نشانه‌ی آخرت خواهی رزمندگان است. ﴿منکم من یرید الآخرة﴾
- ۵- جزای کسی که بجای شکر نعمت پیروزی، به اختلاف و نافرمانی و سستی



- دامن زند، شکست است. ﴿صرفکم عنهم﴾
- ۶- عامل شکست‌های بیرونی، درونی است. شما در درون سست و نافرمان شدید، لذا در بیرون شکست خوردید. ﴿فشلتم... صرفکم عنهم﴾
- ۷- شکست‌ها، وسیله‌ی آزمایش الهی است. ﴿لیبتلیکم﴾
- ۸- هنگام تخلّف و شکست نیز از لطف خدا مأیوس نشوید. ﴿عفا عنکم﴾
- ۹- ایمان، بستر و زمینه‌ی دریافت فضل خاص خداوند است. ﴿عفا عنکم و الله ذو فضل علی المؤمنین﴾
- ۱۰- مؤمن را به خاطر یک خلاف نباید از صفوف اهل ایمان خارج دانست، بلکه باید از یک سو هشدار داد و از سوی دیگر با تشویق دلگرمش کرد. ﴿عفا عنکم و الله ذو فضل علی المؤمنین﴾

﴿ ۱۵۳ ﴾ اِذْ تَصْعِدُونَ وَلَا تُلُونَ عَلٰی اَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِیْ  
 اُخْرَاكُمْ فَاثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمِّ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا  
 اَصَابَكُمْ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

(به خاطر بیاورید) هنگامی که (در جنگ احد به هنگام فرار، از کوه) بالا می‌رفتید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید، (در حالی که) پیامبر شما را از پشت سرتان فرا می‌خواند (که به جای خود برگردید). پس به سزای آن، خداوند غمی بر غم‌هایتان افزود تا دیگر بر آنچه (از غنائم) از کفتان رفته یا (از آسیب و زخم) بر سرتان آمد، اندوه نخورید و (بدانید که) خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

#### نکته‌ها:

- درباره جمله‌ی ﴿فاثابکم غمّاً بغمّ﴾ تفسیرهای گوناگونی مطرح شد است از جمله:
۱. خداوند به لطف خود، غم پیروزی کفار بر مسلمانان را جایگزین غم از دست دادن غنائم ساخت.

۲. خداوند به سزای غمی که بر دل پیامبر وارد کردید، شما را دچار غم و اندوه فراوان کرد.
۳. خداوند به سزای فرار از جنگ و نافرمانی از پیامبر، غم‌های فراوانی را یکی پس از دیگری بر شما وارد کرد.
- بر اساس روایات، غم اول شکست در جنگ احد و غم دوم، تسلط خالد بن ولید بر مسلمانان بود که موجب افزایش اندوه آنان از شکست در جنگ احد گردید.<sup>(۱)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- نتیجه‌ی سستی، اختلاف و عدم اطاعت از فرماندهی؛ فرار و سراسیمگی در جبهه‌ی نبرد است. ﴿حَقٌّ إِذَا فُشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ... اذْ تَصْعَدُونَ﴾
- ۲- یاد نقاط ضعف، مایه‌ی بهره‌گیری از تجربه‌هاست. ﴿اذْ تَصْعَدُونَ﴾
- ۳- هنگام خطر، انسان جز خودش به فکر دیگری نیست. ﴿لَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ﴾
- ۴- فریاد رهبر، در افراد ترسو و سست ایمان تأثیرگذار نیست. ﴿وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ﴾
- ۵- اظهار علاقه، در روز آسایش مهم نیست؛ همدلی و همراهی در روزهای سختی نشانه‌ی دوستی واقعی است. ﴿وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ...﴾
- ۶- آنجا که همه فرار می‌کنند، رهبر باید در صحنه بماند و فراریان را فراخواند. ﴿وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ...﴾
- ۷- یک لحظه غفلت و کوتاهی در انجام وظیفه، موجب هجوم ناگوارهای پی‌درپی می‌شود. ﴿غَمًّا بَغْمٍ﴾
- ۸- از ناگواری‌های گذشته درس بگیرید و از مصیبت‌ها و ناکامی‌های گذشته، اندوهی به دل را ندهید. ﴿لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ﴾

---

۱. تفاسیر برهان و راهنما.

﴿ ۱۵۴ ﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَّغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

سپس (خداوند) به دنبال آن غم، آرامشی (به گونه‌ی) خوابی سبک بر شما فرود فرستاد که گروهی از شما را فراگرفت (و با آن، خستگی و اضطراب از تن شما بیرون رفت. این آرامش برای کسانی بود که از فرار خود در احد ناراحت و تائب بودند)، ولی گروه دیگر که هم‌تشان (حفظ) جان خودشان بود و به (وعده‌های) خدا همچون دوران جاهلیت گمان ناحق داشتند، (به طعنه) می‌گفتند: آیا چیزی از امر (نصرت الهی) با ماست؟ بگو: براستی که امر (پیروزی) همه‌اش به دست خداست. آنها در دل‌های خود چیزی را مخفی می‌کنند که برای تو آشکار نمی‌کنند، می‌گویند: اگر در تصمیم‌گیری (برای شیوه جنگ)، حقی برای ما بود، ما در اینجا کشته نمی‌شدیم. (به آنان) بگو: اگر در خانه‌هایتان نیز بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، به سوی قتلگاه خود روانه می‌شدند و (حادثه احد) برای آن است که آنچه را در سینه‌های شماست، خدا بیازماید و آنچه را در دل دارید، پاک و خالص گرداند و خداوند به آنچه در سینه‌هاست داناست.

### پیام‌ها:

۱- خداوند به خاطر تخلفات و اختلافاتی که در جنگ احد داشتند، شما را تنبیه

- کرد، ولی به حال خود رها نکرد. ﴿ثم أنزل عليكم...أمنة﴾
- ۲- خداوند در اوج حوادث تلخ، به دل‌های مؤمنان آرامش می‌بخشد. ﴿بعدالغم أمنة﴾
- ۳- خواب، مایه‌ی آرامش و هدیه‌ای الهی است. ﴿أنزل عليكم...نعاسا﴾
- ۴- روحيات، اعتقادات، باورها و تحلیل‌های همه‌ی رزمندگان یکسان نیست.  
﴿طائفة... و طائفة...﴾
- ۵- در بند خود بودن، مایه‌ی بدگمانی به وعده‌های الهی است. ﴿اهمّتهم أنفسهم  
يظنون بالله غير الحق ظنّ الجاهلية﴾
- ۶- حتی در شرایط بحرانی و شکست‌ها نیز به خدا و وعده‌های او سوءظن نبرید.  
﴿وطائفة... يظنون بالله غير الحق﴾
- ۷- سوءظنّ به وعده‌های خدا، ناروا و بی‌اساس و از عقاید جاهلیت است.  
﴿يظنون بالله غير الحق ظنّ الجاهلية﴾
- ۸- خودمحوری و رفاه‌طلبی، انسان را از مدار رضای خداوند خارج می‌کند. ﴿قد  
اهمّتهم أنفسهم يظنون بالله غير الحق﴾
- ۹- این پندار که مسلمانان حتی در صورت سستی و اختلاف و نافرمانی نباید  
شکست بخورند، پنداری جاهلانه است. ﴿ظنّ الجاهلية﴾
- ۱۰- افراد ضعیف‌الایمان، شکست خود را به عدم نصرت الهی نسبت می‌دهند.  
﴿يقولون لو كان لنا من الامر شي ما قتلنا ههنا﴾
- ۱۱- طرح سؤالاتی که موجب تضعیف روحیه‌ی رزمندگان می‌شود، ممنوع است.  
﴿هل لنا من الامر من شيء﴾
- ۱۲- در برابر ایجاد وسوسه‌ها و تردیدها، قاطعیّت لازم است. ﴿قل ان الامر كله لله﴾
- ۱۳- مسلمانان رفاه‌طلب و خودمحور، دائماً از درون نگرانند. ﴿يخفون في انفسهم ما  
لا يبديون لك﴾
- ۱۴- آنهایی که به خود فکر می‌کنند، توقّع قبول نظراتشان را در تصمیم‌گیری‌ها  
دارند. ﴿اهمّتهم أنفسهم...يقولون لو كان لنا من الامر...﴾

- ۱۵- از مقدرات حتمی، امکان فرار نیست. ﴿لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين...﴾
- ۱۶- اعتقاد به مقدرات حتمی پروردگار، به انسان آرامش می دهد. ﴿لبرز الذين كتب عليهم القتال الى مضاجعهم﴾
- ۱۷- حوادث تلخ و شکست در جبهه‌ها، یکی از راههای امتحان و شناسایی روحیه‌ها و درجات ایمان افراد است. ﴿ليبتلى الله ما في صدوركم﴾
- ۱۸- حوادث تلخ و شیرین، صحنه‌ای برای تجلی روح و فکر شماست و گرنه خداوند همه‌ی روحیه‌ها و افکار را از قبل می داند. ﴿و الله علم بذات الصدور﴾

﴿ ۱۵۵ ﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ

الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

همانا کسانی از شما که روز برخورد دو سپاه (در احد، از جنگ) روی برگرداندند (و فرار کردند)، جز این نبود که شیطان به خاطر بعضی از کردار (ناپسند)شان آنها را لغزاید و البته خداوند از آنها گذشت، برآستی که خداوند آمرزنده‌ی بردبار است.

#### نکته‌ها:

- آیه در مورد فرار بعضی از مسلمانان در جنگ احد است. در تفاسیر آمده است؛ در جنگ احد جز سیزده نفر (پنج نفر آنان از مهاجران و هشت نفر از انصار) همه فرار کردند. در مورد این که سیزده نفر، جز علی علیه السلام چه کسانی بودند اختلاف است.
- چگونگی برخورد مسلمانان در جنگ احد آنان را به چهار گروه تقسیم کرد: ۱. شهیدان ۲. صابران ۳. فراریان که مورد عفو قرار گرفتند ۴. منافقان.

#### پیام‌ها:

- ۱- یکی از علل فرار از جنگ، گناه است. ﴿تولّوا... بعض ما کسبوا﴾
- ۲- گناه، میدان را برای وسوسه‌های شیطان باز می کند. ﴿استزلهم... بعض ما کسبوا﴾

- ۳- خطاکار را نباید برای همیشه طرد کرد و در کیفر او شتاب کرد. ﴿عَفَاَ اللّٰهُ عَنْهُمْ﴾  
 ۴- خداوند گنهکاران را می بخشد، پس شما آنان را ملامت نکنید. ﴿عَفَاَ اللّٰهُ عَنْهُمْ﴾

﴿ ۱۵۶ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا  
 لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَّوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا  
 مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُمْ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي  
 وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

ای کسانی که ایمان آوردید! مانند کسانی که کفر ورزیدند نباشید که  
 درباره‌ی برادران خود، که به سفر رفته یا رزمنده بودند، گفتند: اگر نزد ما  
 بودند نمی مردند و کشته نمی شدند. (بلکه با دلگرمی به جبهه بروید) تا  
 خداوند آن (شجاعت و شهادت طلبی شما) را در دلهای کفار (و منافقان)  
 مایه‌ی حسرت (رسیدن به هدفشان) قرار دهد و خداوند (است که) زنده  
 می کند و می میراند و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

#### پیام‌ها:

- ۱- دشمن پس از پایان جنگ، دست به شایعات دلسرد کننده می زند. ﴿لَوْ كَانُوا  
 عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا﴾ اگر مجاهدان نزد ما می ماندند کشته نمی شدند.
- ۲- دشمن در لباس دلسوزی و حسرت، سمپاشی می کند. ﴿لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا﴾
- ۳- کسی که زندگی مادی هدف اوست، مرگ و شهادت را خسارت می داند. ﴿لَوْ  
 كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا﴾
- ۴- منافق، کافر است، چون گویندگان این سخنان منافقان بودند، ولی قرآن از آنها  
 به ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ یاد می کند.
- ۵- مرگ و حیات، از مقدرات الهی است، نه آنکه مربوط به جنگ و سفر باشد.  
 ﴿وَاللَّهُ يَحْيِي وَيُمِيتُ﴾

- ۶- تقویت ایمان به مقدرات الهی، موجب استقامت و حضور در میادین جهاد و برطرف شدن ترس و هراس می شود. ﴿وَاللَّهُ يَحْيِي وَيُمِيتُ﴾  
 ۷- خداوند بصیر و آگاه است، مواظب حالات، افکار و اعمال خود باشیم. ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

﴿۱۵۷﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

و اگر در راه خدا کشته شوید و یا بمیرید (زیان نکرده‌اید، زیرا) آمرزش و رحمت خداوند از آنچه (آنان در طول عمر خود) جمع می‌کنند، بهتر است.

### نکته‌ها:

- خداوند با بیان دو نکته، به شایعات دلسرد کننده‌ی منافقان که در آیه‌ی قبل مطرح شد پاسخ می‌دهد:
- الف: مرگ و حیات به دست اوست. جبهه رفتن، طول عمر را کم نمی‌کند.
- ب: کسی که در راه خدا گام بردارد، بمیرد یا شهید شود، برنده است. زیرا او عمر داده، ولی مغفرت و رحمت گرفته است، پس چیزی را نباخته است.
- کسانی که در راه سفر به جبهه، یا در راه تحصیل علم، یا در سفر به حج و زیارت، تبلیغ و ارشاد و سایر اهداف مقدس از دنیا بروند، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند بود.

### پیام‌ها:

- ۱- در جهان بینی الهی، مرگ و شهادت در راه خدا، از همه‌ی دنیا و جمع کردنی‌های آن بهتر است. ﴿وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ...﴾
- ۲- مهم در راه خدا بودن است، خواه به شهادت بیانجامد یا مرگ. ﴿قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ...﴾
- ۳- اول باید بخشیده شد، سپس رحمت الهی را دریافت کرد. کلمه‌ی «المغفرة» قبل

از کلمه «رحمة» آمده است.

۴- مغفرت و رحمت نتیجه‌ای ابدی دارد، ولی مال و ثروت آثارش موقت است.  
﴿لمغفرة من الله ورحمة خير مما يجمعون﴾

### ﴿۱۵۸﴾ وَلَئِن مَّتُّمَّ أَوْ قُتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تَحْشَرُونَ

و اگر بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خداوند برانگیخته می‌شوید.

#### نکته‌ها:

□ در آیه‌ی ۱۵۸ عبارت «فی سبیل الله» نیامده، تا بگوید: محشور شدن همه‌ی کسانی که بمیرند یا کشته شوند در هر راهی که باشند، به سوی خداست. اکنون که مرگ برای همه حتمی است و حشر همه در محضر خداوند نیز حتمی است، پس چرا بهترین نوع رفتن را با رضایت پذیرا نباشیم؟ اگر مرگ و شهادت، هر دو بازگشت به سوی خداست، پس نگرانی از شهادت چرا؟

امام حسین علیه السلام می‌فرمایند:

فان تكن الابدان للموت انشئت      فقتل امرء في الله بالسيف افضل

اگر بدن‌ها برای مرگ آماده شده‌اند، پس شهادتِ مرد در راه خدا با شمشیر بهترین مرگ است.<sup>(۱)</sup>

### ﴿۱۵۹﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

(ای رسول ما!) پس به خاطر رحمتی از جانب خدا (که شامل حال تو شده)، با مردم مهربان گشته‌ای و اگر خشن و سنگدل بودی، (مردم) از دور تو پراکنده می‌شدند.

۱. بحار، ج ۴۴، ص ۳۷۴.



پس از (تقصیر) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و در امور با آنان مشورت نما، پس هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خداوند توکل کن. براسستی که خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد.

### نکته‌ها:

□ گرچه محتوای آیه یک سری دستورات کلی است، لیکن نزول آیه درباره‌ی جنگ اُحد است. زیرا مسلمانانی که در جنگ احد فرار کرده، شکست خورده بودند، در آتش افسوس و ندامت و پشیمانی می‌سوختند. آنان اطراف پیامبر را گرفته و عذرخواهی می‌کردند، خداوند نیز با این آیه دستور عفو عمومی صادر نمود.

□ کلمه‌ی «شُور» در اصل به معنی مکیدن شیرهی گل‌ها توسط زنبور است. در مشورت کردن نیز انسان بهترین نظریه‌ها را جذب می‌کند. مولوی می‌گوید:

کاین خردها چون مصاییح، انور است بیست مصباح، از یکی روشنتر است.

### پیام‌ها:

- ۱- نرمش با مردم، یک هدیه‌ی الهی است. ﴿فبا رحمة من الله لنت لهم﴾
- ۲- افراد خشن و سختگیر نمی‌توانند مردم‌داری کنند. ﴿لانفضوا من حولك﴾
- ۳- نظام حکومتی اسلام، بر مبنای محبت و ارتباط تنگاتنگ با مردم است. ﴿حولك﴾
- ۴- رهبری و مدیریت صحیح، با عفو و عطوفت همراه است. ﴿فاعف عنهم﴾
- ۵- خطاکارانِ پشیمان و گنهکارانِ شرمنده را بپذیرید و جذب کنید. ﴿فاعف عنهم و استغفرهم و شاورهم﴾
- ۶- ارزش مشورت را با ناکامی‌های موسمی نادیده نگیرید. <sup>(۱)</sup> ﴿وشاورهم﴾
- ۷- پیامبر وظیفه داشت با مردم حتی آنان که در گذشته لغزش داشته‌اند نیز مشورت کند. ﴿وشاورهم﴾

---

۱. هر چند نتیجه‌ی مشورت در جنگ احد، مبنی بر مبارزه در بیرون شهر، به شکست انجامید، ولی این قبیل موارد نباید ما را از اصل مشورت و فواید آن باز دارد.

۸- ظلمی را که به تو کردند، عفو کن؛ ﴿فاعف عنهم﴾ برای گناهی که نسبت به خدا مرتکب شدند، طلب آمرزش کن؛ ﴿واستغفرهم﴾ در مسائل سیاسی اجتماعی، آنان را طرف مشورت خود قرار ده. ﴿وشاورهم﴾

۹- استغفارِ پیامبر درباره‌ی امتش، به دستور خداست. پس مورد قبول نیز هست. ﴿واستغفر لهم﴾

۱۰- مشورت کردن، منافاتی با حاکمیت واحد و قاطعیت ندارد. ﴿وشاورهم... و اذا عزمت﴾

۱۱- در کنار فکر و مشورت، توکل بر خدا فراموش نشود. ﴿فتوکل﴾

۱۲- ابتدا مشورت و سپس توکل، راه چاره‌ی کارهاست، خواه به نتیجه برسیم یا نرسیم. ﴿شاورهم... فتوکل... ان الله يحب المتوكلين﴾

﴿۱۶۰﴾ **اِنْ يَنْصُرْكُمُ اللّٰهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَاِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي**

**يَنْصُرْكُمْ مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ**

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر

شما را خوار کند، پس چه کسی است که بعد از آن بتواند شما را یاری کند؟

(بنابراین) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند.

#### نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل، سفارش به توکل شد و در این آیه، دلیل توکل بر خدا را چنین مطرح می‌کند که عزت و ذلت تنها به دست اوست.

□ در حدیث آمده است که رسول خدا ﷺ از جبرئیل پرسید: توکل بر خدا چیست؟ جبرئیل گفت: این که بدانی مخلوق، سود و زبانی به تو نمی‌رساند و از غیر خدا کاملاً مأیوس شوی. اگر انسان به این درجه رسید، جز برای خدا کار نمی‌کند و از غیر خدا نمی‌هراسد و جز به خدا

امید ندارد و این حقیقت توکل است.<sup>(۱)</sup>

□ امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه میان انسان و گناه، مانعی حائل نشد و انسان گرفتار

معصیت گردید، این خذلان الهی است.»<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

۱- تنها نصرت و امداد الهی است که تحت الشعاع هیچ چیز قرار نمی‌گیرد. «ان

ینصرکم الله فلا غالب لکم»

۲- پیروزی و شکست هر دو با اراده‌ی خداوند است. «ینصرکم... یخذلکم»

۳- ایمان، از توکل بر خدا جدا نیست. «فلیتوکل المؤمنون»

﴿ ۱۶۱ ﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت کند و هر کس خیانت کند، آنچه را که

(در آن) خیانت نموده روز قیامت به همراه آورد، سپس به هر کس پاداش

کامل آنچه کسب کرده، داده شود و آنها ستم نیینند.

### نکته‌ها:

□ شاید این آیه، پاسخی به آنان باشد که به خاطر جمع غنایم، منطقه حفاظتی احد را رها

کردند. آنها به گمان این‌که از سهم غنیمت محروم نشوند، هشدارهای فرمانده خود را که

می‌گفت: سهم شما محفوظ است و از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله دور نخواهد بود، نادیده گرفتند.

این آیه می‌فرماید: پیامبر در سهم شما از غنیمت خیانت نخواهد کرد، پس مطمئن باشید و

به وظیفه‌ی خود عمل کنید.

□ امام باقر علیه السلام فرمودند: «مال دزدی و جنس به سرقت رفته، در برابر چشم خائن در دوزخ

۱. بحار، ج ۷۱، ص ۱۳۸. ۲. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۳.

مجسم شده، به او گفته می‌شود به آتش داخل شو و آن را خارج کن»<sup>(۱)</sup>.

□ غش، تقلب، غصب و خیانت از موارد «غَلِّ» است. شخصی که مسئول جمع‌آوری زکات بود، خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: این مقدار از اموالی که جمع کرده‌ام زکات است و مربوط به شماست و این مقدار نیز هدایای مردم به خود من است. حضرت بالای منبر رفت و فرمود: آیا اگر این شخص در خانه‌اش می‌نشست کسی به او هدیه می‌داد؟! به خدا سوگند او با همین اموال حرام در قیامت محشور خواهد شد.<sup>(۲)</sup>

□ آنجا که مردم حتی به انبیا بدبین می‌شوند، شما چه انتظاری نسبت به خودتان دارید؟! از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «رضایت مردم به دست نمی‌آید و زبانشان قابل کنترل نیست»<sup>(۳)</sup>.

### پیام‌ها:

- ۱- نه تنها پیامبر اسلام، بلکه همه‌ی انبیای الهی امین هستند. ﴿و ما کان لنبی...﴾ نبوت با خیانت سازگار نیست. کسی که می‌خواهد امین تربیت کند باید خود اهل خیانت نباشد. گرچه در بین رهبران غیر الهی، اهل خیانت کم نیست.
- ۲- هیچ‌کس حتی انبیا، از سوءظن مردم به دور نیست. ﴿ما کان لنبی ان یغل﴾ (ضعف ایمان از یکسو و حب دنیا از سوی دیگر، انسان را وادار می‌کند به انبیا سوءظن ببرد.)
- ۳- از حریم انسان‌های پاک و اولیای خدا دفاع کنید. ﴿و ما کان لنبی ان یغل...﴾
- ۴- به نمایش گذاردن مال حرام در قیامت، نوعی مجازات است. و چه سخت است که در برابر انبیا، شهدا و همه‌ی مردم در قیامت، انسان را همراه با مالی که خیانت کرده بیاورند. ﴿یأت بما غل﴾
- ۵- یاد قیامت، بازدارنده از خیانت است. ﴿یأت بما غل﴾
- ۶- خیانت، خیانت است و مقدار آن مهم نیست. ﴿یأت بما غل﴾ (کلمه‌ی «ما» در

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر فرقان.

۳. تفسیر نورالثقلین.

- جمله‌ی «یأت بما غلّ» شامل هر مقدار، گرچه اندک باشد، می‌شود).
- ۷- قیامت صحنه‌ای است که نیکان، حسنات خود را می‌آورند، «جاء بالחסنة»<sup>(۱)</sup> و خائنین خیانت‌های خود را به همراه دارند. «یأت بما غلّ»
- ۸- خداوند عادل است. هم جزا را کامل می‌دهد و هم ذرّه‌ای افراط نمی‌کند. «وهم لا یظلمون»

﴿ ۱۶۲ ﴾ أَفَمَنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ  
جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

آیا کسی که در پی خشنودی خداوند است، مانند کسی است که به خشم و غضب خدا دچار گشته و جایگاه او جهنّم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است.

﴿ ۱۶۳ ﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

آنان نزد خدا (دارای) درجاتی هستند و خداوند به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

**نکته‌ها:**

- در شأن نزول این آیه آمده است: وقتی رسول خدا ﷺ دستور داد به سوی أحد حرکت کنید، منافقان به بهانه‌های مختلف در مدینه ماندند و گروهی از مسلمانان سست‌ایمان نیز از آنها پیروی کرده و در جبهه حاضر نشدند.
- در آیه‌ی ۱۵۵ همین سوره خواندیم: خداوند کسانی را که از جبهه فرار کرده سپس پشیمان شدند می‌بخشد، اما این آیه می‌فرماید: مرفّهان و منافقان بهانه‌گیر را نمی‌بخشد.
- در آیاتی از قرآن این تعبیر آمده است که برای مؤمنان درجاتی است: «هم درجات عند ربهم»<sup>(۲)</sup>، «هم الدرّجات العلی»<sup>(۳)</sup> اما در این آیه می‌فرماید: خود مؤمنان درجات می‌شوند؛ همان‌گونه که انسان‌های پاک همچون علی بن ابیطالب علیه السلام ابتدا طبق میزان

۱. انعام، ۱۶۰.

۲. انفال، ۴.

۳. طه، ۷۵.

حرکت می‌کنند و سپس خود آنان میزان می‌شوند، ابتدا دور محور می‌گردند، سپس خود آنان محور حق می‌شوند.

### پیام‌ها:

- ۱- هدف مجاهدان واقعی، بدست آوردن رضای خداست، نه پیروزی و غنائم و خودنمایی. ﴿أَفَن اتَّبِعَ رِضْوَانُ اللَّهِ...﴾
- ۲- در جامعه اسلامی، نباید مجاهدان و مرفهان یکسان دیده شوند. (با توجه به شأن نزول) ﴿أَفَن اتَّبِعَ رِضْوَانُ اللَّهِ... كَمَن بَاء...﴾
- ۳- روی گردانی از جبهه و جنگ، بازگشت به غضب خداست. ﴿كَمَن بَاءَ بِسَخَطٍ﴾
- ۴- خشنودی یا خشم الهی باید تنها ملاک عمل یک مسلمان باشد. ﴿رِضْوَانُ اللَّهِ... بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ﴾

﴿۱۶۴﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

همانا خداوند بر مؤمنان منت گذاشت که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنها تلاوت کند و ایشان را پاک کرده و رشد دهد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند که پیش از آن، قطعاً آنها در گمراهی آشکار بودند.

### نکته‌ها:

□ «مَنَّ»، به معنای سنگی است که برای وزن کردن اجسام بکار می‌رود و اعطا کردن هر نعمت سنگین و گرانبهایی را منت گویند. اما سنگین و بزرگ جلوه دادن کارهای کوچک، ناپسند است. بنابراین بخشیدن نعمت بزرگ، نیکو ولی بزرگ‌نمایی جلوه دادن نعمت‌های

کوچک، ناپسند است.<sup>(۱)</sup>

□ بعثت انبیا از میان مردم دارای برکاتی است:

الف: مردم سابقه او را می‌شناسند و به او اعتماد می‌کنند.

ب: الگوی مردم در اجرای دستورات و فرامین الهی هستند.

ج: درد آشنا و شریک غم و شادی مردمند.

د: در دسترس مردم هستند.

□ همچنان که حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه استفاده می‌شود، در دوره جاهلیت مردم نه

فرهنگ سالم داشتند و نه از بهداشت بهره‌مند بودند.

برادر ایشان، جعفر طیار نیز در هجرت به حبشه، در برابر نجاشی اوضاع دوره جاهلی را

چنین ترسیم می‌کند: «كُنَّا أَهْلَ الْجَاهِلِيَّةِ نَعْبُدُ الْأَصْنَامَ وَ نَأْكُلُ الْمَيْتَةَ وَ نَأْتِي الْفَوَاحِشَ وَ نَقْطَعُ

الْأَرْحَامَ وَ نُسِيءُ الْجَوَارِ يَأْكُلُ الْقَوِي مَنَا الضَّعِيفَ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا...» ما بت‌پرستانی

بودیم که در آن روزها مردارخوار و اهل فحشا و فساد بودیم، با بستگان قطع رابطه و با

همسایگان بدرفتاری می‌کردیم، قدرتمندان ما حقوق ناتوانان را پایمال می‌کردند تا این‌که

خداوند پیامبرش را مبعوث کرد...<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

۱- بعثت انبیا، از بزرگ‌ترین هدیه‌های آسمانی و نعمت الهی است. ﴿لَقَدْ مِّنَ اللَّهِ﴾

۲- گرچه بعثت برای همه‌ی مردم است، ولی تنها مؤمنان شکرگزار این نعمت

هستند و از نور هدایت بهره می‌گیرند. ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾

۳- انبیا، از میان مردم و مردمی بودند. ﴿مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾

۴- تلاوت آیات قرآن، وسیله‌ی تزکیه و تعلیم است. ﴿تِلْوَا... يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمْ﴾

۵- تزکیه بر تعلیم مقدم است. ﴿يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمْ﴾

۶- تزکیه و تعلیم سرلوحه برنامه‌های انبیاست. ﴿يَزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمْ﴾

۲. کامل التاریخ، ج ۲، ص ۸۰.

۱. تفسیر نمونه.

۷- رشد و خودسازی باید در سایه‌ی مکتب انبیا و آیات الهی باشد. ﴿یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم﴾ (ریاضت‌ها و رهبانیت‌هایی که سرچشمه‌اش آیات الهی و معلّمش انبیا نباشند، خود یک انحراف است).

۸- برای شناخت بهتر نعمت بعثت انبیا، به تاریخ مردمان قبل از آنان باید مراجعه کرد. ﴿ان کانوا من قبل لئی ضلال مبین﴾

۹- در محیط‌های گناه‌آلود و گمراه نیز می‌توان کار کرد. ﴿یزکیهم و یعلّمهم... وان کانوا من قبل لئی ضلال مبین﴾

۱۰- در مکتب انبیا، پرورش روحی و آموزش فکری، در کنار بینش و بصیرت مطرح است. ﴿یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمة﴾

﴿۱۶۵﴾ **أَوْلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا**

**قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**

آیا چون مصیبتی (در جنگ احد) به شما رسید که دو برابرش را (در جنگ بدر) به آنها (دشمن) وارد ساخته بودید، گفتند: این مصیبت از کجاست؟ (و چرا به ما رسید؟) بگو: آن از سوی خودتان است. قطعاً خداوند بر هر کاری تواناست.

#### نکته‌ها:

□ مسلمانان که در احد هفتاد کشته دادند و شکست خوردند، از پیامبر می‌پرسیدند: چرا ما شکست خوردیم؟ خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید که به آنها بگو: شما دو برابر این تعداد را در سال قبل، در جنگ بدر، به دشمن ضربه وارد کردید. شما از آنها هفتاد کشته و هفتاد اسیر گرفتید، به علاوه شکست امسال به خاطر تفرقه و سستی و اطاعت نکردن خودتان از فرماندهی بوده است.

#### پیام‌ها:

۱- هنگام قضاوت، تلخی‌ها و شیرینی‌ها را با هم در نظر بگیرید. تنها شکست



- أحد را نبینید، پیروزی بدر را هم یاد کنید. ﴿قد اصبتم مثلها﴾
- ۲- در جستجوی عوامل شکست، ابتدا به سراغ عوامل درونی و روحی و فکری خود بروید، سپس عوامل دیگر را پیگیری کنید. ﴿قل هو من عند أنفسكم﴾
- ۳- خداوند بر هر چیزی قادر است، ولی ما باید شرایط لازم و لیاقت بهره‌برداری را به دست آوریم. ﴿هو من عند أنفسكم... ان الله على كل شئ قدير﴾
- ۴- گمان نکنید که تنها مسلمان بودن برای پیروزی کافی است، تا در هر شکستی کلمه‌ی «چرا و چطور» را بکار ببرید، بلکه علاوه بر ایمان، رعایت اصول و قوانین نظامی و سنت‌های الهی لازم است. ﴿قلتم انى هذا قل هو من عند أنفسكم﴾

﴿۱۶۶﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَ

لِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ

و آنچه روز مقابله‌ی دو گروه (کفر و ایمان در احد) به شما وارد شد، به اذن خدا بود (تا شما را آزمایش کند) و مؤمنان را مشخص کند.

#### نکته‌ها:

□ خداوند برای هر کاری، علتی را مقرر کرده است و هر یک از پیروزی و کامیابی‌ها و شکست و ناکامی‌ها دلیلی دارند. علت شکست شما در احد این بود که سست شده و ناهماهنگی کردید و برای جمع آوری غنائم حرص ورزیدید که در آیه قبل فرمود: ﴿هو من عند أنفسكم﴾ این آیه می‌فرماید: هر یک از انتخاب‌های شما، میان اتحاد یا تفرقه، جدی بودن یا سست شدن، در مدار اراده‌ی الهی است. اوست که به شما قدرت انتخاب می‌دهد و هر راهی برگزینید، به نتیجه آن می‌رسید. ﴿ما أصابكم... فباذن الله﴾

#### پیام‌ها:

- ۱- شکست‌ها و پیروزی‌ها، به اراده‌ی خداوند محقق می‌شود که همان سنت‌های اوست. ﴿فباذن الله﴾
- ۲- حوادث تلخ و شیرین، میدان آزمایش و شناسایی انسان‌هاست. ﴿ليعلم المؤمنین﴾

﴿۱۶۷﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ  
 اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ  
 أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ  
 أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

و چهره‌ی منافقان معلوم شود، (کسانی که چون) به آنها گفته شد: بیاید  
 شما (هم مثل دیگران) در راه خدا بجنگید و یا (لااقل از حریم خود) دفاع  
 کنید، گفتند: اگر (فنون) جنگی را می‌دانستیم، حتماً از شما پیروی  
 می‌کردیم. آنها در آن روز، به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان. با دهانشان  
 چیزی می‌گویند که در دلشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند،  
 آگاه‌تر است.

### نکته‌ها:

- برای جمله‌ی ﴿لو نعلم قتالا﴾ سه معنا شده است:
- الف: حرکت شما به سوی احد برای جنگ در خارج از شهر، جنگ برابر نیست، بلکه یک  
 نوع خودکشی است و لذا ما این را جنگ نمی‌دانیم و شرکت نمی‌کنیم.
- ب: ما اگر فنون نظامی می‌دانستیم شرکت می‌کردیم.
- ج: ما یقین داریم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا شرکت در جبهه ضرورتی ندارد.

### پیام‌ها:

- ۱- جبهه‌ی جنگ، چهره منافقان را افشا می‌کند. ﴿و ليعلم الذين نافقوا﴾
- ۲- رهبر باید مردم را برای مقابله با دشمن بسیج کند. ﴿تعالوا قاتلوا﴾
- ۳- جهاد، گاهی ابتدایی و برای برداشتن طاغوت‌هاست و گاهی دفاعی و برای  
 حفظ جان و مال مسلمانان است. ﴿قاتلوا في سبيل الله أو ادفعوا﴾
- ۴- انگیزه‌ها و درجات و ارزش آنها متفاوت است. ﴿قاتلوا في سبيل الله أو ادفعوا﴾

- ۵- دفاع از وطن و جان خود و دیگران، یک ارزش است. ﴿أَوْ اذْفَعُوا﴾
- ۶- منافقان، موضع‌گیری‌های خودشان را توجیه می‌کنند. ﴿لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبِعْنَاكُمْ﴾
- ۷- سر باز زدن از جبهه، نشانه‌ی کفر است. ﴿هَمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ﴾
- ۸- ایمان انسان در شرایط و زمان‌های مختلف فرق می‌کند. ﴿هَمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ﴾
- ۹- همه‌ی اصحاب پیامبر ﷺ عادل نبودند. ﴿هَمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ﴾
- ۱۰- خداوند در باره‌ی منافقان، هم تهدید می‌کند و هم افشاگری. ﴿هَمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ... يَقُولُونَ بَأْفَوَاهِمُ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾
- ۱۱- آنچه در احد برای همه کشف شد، گوشه‌ای از نفاق بود، بخش بیشترش را خدا می‌داند. ﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾

﴿۱۶۸﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ

فَادْرَعُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

منافقان کسانی هستند که (بعد از پایان جنگ احد، دست به تبلیغات یأس آور زده و در حالی که خود از جنگ سر باز زده و در خانه‌های خود نشسته‌اند و در حق برادران خود گفتند: اگر از ما پیروی می‌کردند کشته نمی‌شدند. به آنان بگو: اگر راست می‌گویید، مرگ را از خودتان باز دارید.

### پیام‌ها:

- ۱- منافقان به هنگام حرکت مردم به جبهه‌ها، در خانه‌ها می‌نشینند. ﴿وَقَعَدُوا﴾
- ۲- منافقان، روحیه‌ی خانواده‌های شهدا را تضعیف می‌کنند. ﴿لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا﴾
- ۳- منافقان، خود را رهبر فکری دیگران می‌دانند. ﴿لَوْ أَطَاعُونَا﴾
- ۴- در جهان‌بینی منافقان، اصالت با زندگی مادی و رفاه است. ﴿وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا﴾
- ۵- ایمان به مقدر بودن مرگ، سبب شجاعت و پذیرش رفتن به جبهه است و در

- بینش منافقان، شهادت و سعادت اُخروی جایگاه ندارد. ﴿لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَتَلُوا﴾  
 ۶- باید با تبلیغات سوء منافقان برخورد کرد. ﴿قُلْ فَادْرؤْا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ﴾  
 ۷- انسان نمی‌تواند مرگ را از خود دفع کند. ﴿فَادْرؤْا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ﴾  
 ۸- مرگ به دست خداست، جبهه یا خانه در مرگ نقش اصلی را ندارند. ﴿فَادْرؤْا  
 عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ وَ ان كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

﴿۱۶۹﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ

عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

و هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانند؛ بلکه آنها  
 زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

### نکته‌ها:

- ما بر مبنای قرآن که شهیدان را زنده می‌داند، به شهدای راه اسلام و خصوصاً شهدای  
 کربلا سلام کرده، با آنان حرف می‌زنیم و توسل می‌جوییم.
- ابوسفیان در پایان جنگ احد با صدای بلند فریاد می‌زد: این هفتاد کشته‌ی مسلمانان در  
 احد، به عوض هفتاد کشته‌ی ما در جنگ بدر. ولی رسول خدا ﷺ فرمود: کشته‌های ما در  
 بهشت جای دارند، ولی کشتگان شما در دوزخند.<sup>(۱)</sup>

### نکاتی پیرامون شهید و شهادت

۱. در روایات آمده است که شهید، هفت ویژگی اعطایی از جانب خداوند دارد: اولین قطره‌ی  
 خوشش، موجب آمرزش گناهانش می‌گردد. سر در دامن حورالعین می‌نهد. به لباس‌های  
 بهشتی آراسته می‌گردد. معطر به خوش‌بوترین عطرها می‌شود. جایگاه خود را در بهشت  
 مشاهده می‌کند. اجازه‌ی سیر و گردش در تمام بهشت به او داده می‌شود. پرده‌ها کنار رفته و  
 به وجه خدا نظاره می‌کند.<sup>(۲)</sup>

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. وسائل، ج ۱۱، ص ۱۰.

۲. پیامبر ﷺ از شخصی شنید که در دعا می‌گوید: «اسئلك خير ما تسئل» خدایا! بهترین چیزی که از تو درخواست می‌شود به من عطا کن، فرمود: اگر این دعا مستجاب شود، در راه خدا شهید می‌شود. (۱)
۳. در روایت آمده است: بالاتر از هر نیکی، نیکوتری هست، مگر شهادت که هرگاه شخصی شهید شود، بالاتر از آن خیری متصور نیست. (۲)
۴. در روز قیامت، شهید مقام شفاعت دارد. (۳)
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: در قیامت لغزش‌های شهید به خودش نیز نشان داده نمی‌شود. (۴)
۶. شهدای صف اول حمله و خط شکن، مقامشان برتر است. (۵)
۷. مجاهدان از درب مخصوص وارد بهشت می‌شوند (۶) و قبل از همه به بهشت می‌روند (۷) و در آنجا جایگاه مخصوصی دارند. (۸)
۸. تنها شهید است که آرزو می‌کند به دنیا بیاید و دوباره شهید شود. (۹)
۹. بهترین و برترین مرگ‌ها، شهادت است. (۱۰)
۱۰. هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از قطره‌ی خونی که در راه او ریخته شود، نیست. (۱۱)
۱۱. در قیامت، شهید سلاح به دست، با لباس رزم و بوی خوش به صحنه می‌آید و فرشتگان به او درود می‌فرستند. (۱۲)
۱۲. امامان ما شهید شدند، بسیاری از انبیا و رهروان و پیروان آنان نیز شهید شدند. «وکاین من نبی قاتل معه ربیون کثیرا» (۱۳)، «یقتلون النبیین بغیر الحق» (۱۴)
۱۳. حضرت علی علیه السلام با داشتن دهها فضیلت اختصاصی، تنها وقتی که در آستانه‌ی شهادت

---

۱. مستدرک، ج ۲، ص ۲۴۳. ۲. بحار، ج ۷۴، ص ۶۱. ۳. بحار، ج ۲، ص ۱۵.  
 ۴. وسائل، ج ۱۱، ص ۹. ۵. میزان الحکمة. ۶. بحار، ج ۹۷، ص ۸.  
 ۷. بحار، ج ۹۷، ص ۱۱. ۸. تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۲۴۱.  
 ۹. کنز العمال، ج ۴، ص ۲۹۰. ۱۰. بحار، ج ۱۰۰، ص ۸. ۱۱. وسائل، ج ۱۱، ص ۶.  
 ۱۲. بحار، ج ۹۷، ص ۱۳. ۱۳. آل عمران، ۱۴۶. ۱۴. بقره، ۶۱.

قرار گرفت فرمود: «فزت و ربّ الکعبة» او اوّل کسی بود که ایمان آورد، جای پیامبر ﷺ خوابید، برادر پیامبر شد، تنها خانه‌ی او به مسجد پیامبر درب داشت، پدر امامان و همسر زهرا علیها السلام بود. بت شکن بود، ضربت روز خندق او، از عبادت ثقلین افضل شد. اما در هیچ یک از موارد مذکور نفرمود: «فُزت»

۱۴. علی علیه السلام می فرمود: قسم به خدایی که جان فرزند ابوطالب در دست اوست، تحمل هزار ضربه شمشیر در راه خدا، آسان تر از مرگ در رختخواب است. <sup>(۱)</sup>

۱۵. علی علیه السلام در جنگ احد ناراحت بود که چرا به شهادت نرسیده است تا اینکه مژده شهادت در آینده را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دریافت کرد.

۱۶. در عالم حیوانات نیز گوسفند مرده بی ارزش است، گوسفندی که به سوی قبله و با نام خدا ذبح شود، ارزش دارد.

۱۷. همان گونه که کور، مفهوم بینایی را درک نمی کند، در دنیا نیز انسان ها حیات شهدا را درک نمی کنند.

۱۸. وقتی انفاق مال در راه خدا، قابلیت رشد تا هفتصد برابر و بیشتر را دارد، شهادت و ایثار خون و جان، در راه خدا چگونه است؟

### پیام ها:

۱- شهادت، پایان زندگی نیست، آغاز حیات است. بسیاری از زندگان مرده اند، ولی کشتگان راه خدا زنده اند. ﴿بل أحياء﴾

۲- شهادت، باختن و از دست دادن نیست؛ بلکه یافتن و به دست آوردن است. ﴿بل أحياء... یرزقون﴾

۳- کشته شدن، آنگاه ارزشمند است که در راه خدا باشد. ﴿قتلوا فی سبیل الله﴾

۴- تصوّر هلاکت و یا خسارت برای شهید، تفکّر انحرافی است که باید اصلاح شود. ﴿لا تحسبن﴾

﴿۱۷۰﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آنان بخاطر آنچه خداوند از فضلش به آنها داده، شادمانند و به کسانی که به دنبال ایشانند، ولی هنوز به آنها ملحق نشده‌اند، مژده می‌دهند که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت.

### نکته‌ها:

□ در روایات آمده است: مؤمنان واقعی که قرآن و اهل بیت پیامبر ﷺ را با هیچ کتاب و رهبر دیگری عوض نمی‌کنند، مشمول بشارت این آیه هستند. همچنین استفاده می‌شود که زندگی برزخی یک زندگی واقعی و دارای رزق و حیات و شادی و بشارت است. و مراد از آن تنها باقی ماندن نام نیک در تاریخ نیست.

### پیام‌ها:

- ۱- شادی شهدا به الطاف الهی است، نه عملکرد خودشان. ﴿فرحین بما آتاهم الله﴾
- ۲- شهدا الطاف الهی را تفضل الهی می‌دانند، نه پاداش خون خود. ﴿من فضله﴾
- ۳- شهدا از هم‌زمان خود دل نمی‌کنند و آینده خوب را به آنها بشارت می‌دهند. ﴿یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم﴾
- ۴- شهدا زندگی جمعی دارند، به یکدیگر ملحق می‌شوند و در انتظار دیگران هستند. ﴿یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم﴾
- ۵- علاقه به سعادت دیگران و ملحق شدن آنان به کاروان عزت و شرف، یک ارزش است. ﴿و یستبشرون بالذین لم یلحقوا﴾
- ۶- کامیابی شهدا، همیشگی است و هرگز غم از دست دادن نعمتی را ندارند. ﴿لا خوف علیهم و لا هم یحزنون﴾

﴿۱۷۱﴾ یَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

به نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌کند،  
(آیندگان را) مژده می‌دهند.

**پیام‌ها:**

- ۱- در عالم برزخ، بشارت و شادمانی وجود دارد. ﴿یستبشرون﴾
- ۲- شهدا به نعمت و فضلی می‌رسند که برای ما شناخته شده نیست. کلمه ﴿نعمة﴾ و ﴿فضل﴾ نکره آمده است.
- ۳- پاداش عملکرد مؤمنان، تضمین شده است. ﴿لا یضیع أجر المحسنین﴾
- ۴- وعده‌ی تضمین پاداش، انگیزه عمل است. ﴿لا یضیع﴾

﴿۱۷۲﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ  
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

آنان که دعوت خدا و رسول را (برای شرکت دوباره در جهاد علیه کفار)  
پذیرفتند، با آنکه جراحاتی به آنان رسیده بود، برای نیکوکاران و  
پرهیزکاران آنها، پاداش بزرگی است.

**نکته‌ها:**

□ کفار قریش، پس از پیروزی در احد بسوی مکه بازگشتند. در بین راه به این فکر افتادند که چه بهتر است به مدینه بازگردیم و باقیمانده مسلمانان را نیز از بین ببریم، تا کار اسلام یکسره شود. این خبر به پیامبر ﷺ رسید. آن حضرت فرمان بسیج داد و فرمود: شرکت کنندگان در احد حرکت کنند. مسلمانان آماده شدند.  
ابوسفیان وقتی از بسیج عمومی مسلمانان آگاه شد، گمان کرد که لشکر تازه نفسی مهیا شده است تا شیرینی پیروزی احد را بر کام آنان تلخ کند، لذا از حمله‌ی مجدد منصرف شد و به



سرعت به طرف مکه باز گشت.

□ در تاریخ می خوانیم که در جنگ احد حضرت علی علیه السلام بیش از شصت زخم و جراحت برداشت، ولی لحظه‌ای دست از یاری پیامبر برنداشت. در تفسیر کنزالدقائق آمده است که این آیه درباره‌ی حضرت علی علیه السلام و نه نفر دیگر در جنگ نازل شده است.

### پیام‌ها:

- ۱- مؤمنان واقعی، در سخت‌ترین شرایط نیز دست از یاری اسلام برنمی‌دارند. ﴿استجابوا... من بعد ما أصابهم القرع﴾
- ۲- شرکت مجروحان در جبهه، مایه‌ی تشویق و تقویت روحیه افراد سالم است. ﴿استجابوا... من بعد ما أصابهم القرع﴾
- ۳- اطاعت از رسول خدا، همچون اطاعت از خداست. ﴿استجابوا لله و الرسول﴾
- ۴- شرکت مجروحان در جبهه، نشانه‌ی وفاداری و عشق و معرفت کامل آنان به مکتب و رهبر و هدف است. ﴿من بعد ما أصابهم القرع﴾
- ۵- گاهی شرایط جنگ به گونه‌ای است که حتی مجروحان نیز باید حاضر شوند. ﴿استجابوا... من بعد ما أصابهم القرع﴾
- ۶- هرچه عمل دشوارتر باشد، قابل ستایش بیشتری است. ﴿استجابوا... من بعد ما أصابهم القرع﴾
- ۷- حضور در جبهه و مجروح شدن، اگر همراه با تقوا نباشد بی‌ارزش است. ﴿لذین احسنوا منهم واتقوا﴾
- ۸- برخی از اصحاب پیامبر که در جبهه هم شرکت کرده‌اند، از سلامت فکر و تقوا دور شدند. ﴿لذین أحسنوا منهم واتقوا﴾
- ۹- رزمنده‌ای قابل ستایش است که: الف: از جنگ خسته نشود. ﴿استجابوا... من بعد ما أصابهم القرع﴾  
ب: اهل کار نیک باشد. ﴿لذین احسنوا منهم﴾

ج: پرهیزکار و متقی باشد. ﴿واتقوا﴾

﴿۱۷۳﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ  
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

مؤمنان کسانی هستند که (چون) مردم (منافق) به ایشان گفتند: بی شک مردم (کافر مکه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده) اند، پس از آنان بترسید، (آنها به جای ترس) بر ایمانشان بیافزود و گفتند: خداوند ما را کفایت می کند و او چه خوب نگهبان و یاور است.

#### نکته ها:

- عوامل تبلیغاتی دشمن و برخی از مردمان ساده اندیش و ترسو، به رزمندگان و مجاهدان تلقین و نصیحت می کنند که دشمن قوی است و کسی نمی تواند حریف آنان بشود، پس بهتر است درگیر جنگ نشوید. اما مسلمانان واقعی، بدون هیچ ترس و هراسی، با آرامش خاطر و با توکل به خداوند، به آنان پاسخ می گویند.
- امام صادق علیه السلام فرمودند: «تعجب می کنم از کسی که می ترسد و به گفته می خداوند «حسبنا الله و نعم الوکیل» پناه نمی برد». (۱)

#### پیام ها:

- ۱- در برابر تبلیغات و جنگ روانی دشمن نهراسید. ﴿فاخشوهم فزادهم ایمانا﴾
- ۲- در جبهه ها، مواظب افراد نفوذی دشمن باشید. ﴿فاخشوهم﴾
- ۳- قوی ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خداست. ﴿حسبنا الله و نعم الوکیل﴾
- ۴- مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می گیرد، توکل و اتصال خود را با خدا بیشتر می کند. ﴿زادهم ایماناً﴾

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۲.

۵- هم حرکت و تلاش لازم است، هم ایمان و توکل. «استجابوا... حسبنا الله ونعم الوکیل»

﴿ ۱۷۴ ﴾ فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَأَتَّبِعُوا

رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

پس (این مجروحانی که برای بار دوم آماده دفاع شدند؛ بدون رخ دادن عملیاتی) با نعمت و فضل خداوند (به مقرّ خود) بازگشتند، در حالی که هیچ گزندی به آنها نرسید و (همچنان) از رضای پروردگار پیروی کردند و خداوند صاحب فضل بزرگی است.

#### نکته‌ها:

□ پس از آنکه مجروحان جنگ احد، به فرمان رسول خدا ﷺ بار دیگر برای دفاع از اسلام بسیج شده و تا منزلگاه «حمراءالاسد» در تعقیب دشمن رفتند، دشمنان از آمادگی و روحیه‌ی مسلمانان به هراس افتاده، از هجوم مجدد منصرف و بازگشتند. این آیه در تقدیر از رزمندگان مجروح و مخلص جنگ احد است.

#### پیام‌ها:

- ۱- حرکت در مسیر انجام وظیفه، همراه با توکل به خدا، سبب تبدیل مشکلات به آسانی می‌شود. «فانقلبوا بنعمة...»
- ۲- چه بسیار کسانی که در راه خدا، به استقبال خطر رفته و سالم برگشته‌اند. «لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ»
- ۳- برای مردان خدا اصل رضایت الهی است، نه شهادت. «لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ وَأَتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ»
- ۴- فضل بزرگ خدا، نصیب شرکت کننده در جبهه است. «وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ»

﴿۱۷۵﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا  
 إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

این شیطان است که دوستان خویش را (از قدرت کفار) می ترساند، پس  
 اگر ایمان دارید از آنان نترسید و فقط از (مخالفت) من بترسید.

### پیام‌ها:

- ۱- هرگونه شایعه‌ای که مایه‌ی ترس و یأس مسلمانان گردد، شیطانی است. ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾
- ۲- شیوه‌ی ارباب و تهدید، سیاست دائمی قدرت‌های شیطانی است. ﴿يُخَوِّفُ﴾
- ۳- افراد ترسوِ میدان‌های نبرد، یار شیطان و تحت نفوذ شیطانند. ﴿الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾
- ۴- مؤمنان شجاع، از ولایت شیطان دورند. ﴿الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ﴾
- ۵- ترس از خدا، زمینه‌ی فرمان‌پذیری و ترس از غیر خدا، زمینه‌ی فرمان‌گریزی است. ﴿فَلَا تَخَافُوا وَخَافُوا﴾ (با توجه به آیات قبل)
- ۶- مؤمن واقعی از غیر خدا نمی ترسد و می داند که ایمان از شجاعت جدا نیست. ﴿وَخَافُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

﴿۱۷۶﴾ وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ  
 شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزْبًا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و (ای پیامبر!) کسانی که در کفر می‌شتابند، ترا اندوهگین نکنند. آنان  
 هرگز به خداوند ضرری نمی‌زنند. خداوند خواسته است که برای آنها هیچ  
 بهره‌ای در قیامت قرار ندهد و برای آنان عذابی بزرگ است.

### نکته‌ها:

□ گویا شرکت کنندگان در جنگ احد، از همدیگر می‌پرسیدند: حال که ما شکست خوردیم و

کفار پیرومندان به مکه برگشتند، چه خواهد شد؟  
آیه در پاسخ به آنان می‌فرماید: ناراحت نباشید، این مهلت الهی است تا پیمانۀ کفرشان پر شود و دیگر حظی در آخرت نداشته باشند.

### پیام‌ها:

- ۱- آرامش خود را حفظ کنید که تلاش‌های کفار در محو اسلام بی‌اثر است.  
﴿لَا يَحْزَنُكَ... انْهَم لَنْ يَضُرُّوْا اللّٰهَ﴾
- ۲- کفر انسان‌ها، اندک ضرری به ساحت قدس خدا نمی‌زند. ﴿لَنْ يَضُرُّوْا اللّٰهَ شَيْئًا﴾
- ۳- کفر، انسان را از قابلیت توبه و دریافت رحمت الهی محروم می‌کند. ﴿الَّا يَجْعَلْ لَهُمْ حِطًّا فِي الْاٰخِرَةِ﴾
- ۴- مهلت دادن به کفار، سنت الهی است، نه آنکه نشانه‌ی ناآگاهی و یا ناتوانی خداوند باشد. ﴿يُرِيْدُ اللّٰهُ الْاَّا يَجْعَلْ لَهُمْ حِطًّا فِي الْاٰخِرَةِ﴾
- ۵- محرومیت انسان در آخرت، ناشی از عملکرد او در دنیا است. ﴿يَسَارِعُوْنَ فِي الْكُفْرِ... الْاَّا يَجْعَلْ لَهُمْ حِطًّا فِي الْاٰخِرَةِ﴾
- ۶- هم فضل الهی بزرگ است و هم قهر او. (در دو آیه‌ی قبل، نسبت به مجروحانی که به فرمان رسول خدا ﷺ به جبهه رفتند، از فضل عظیم الهی بشارت داد و در این آیه نسبت به کفار سرسخت، عذاب عظیم را یادآور می‌شود). ﴿لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ﴾

﴿ ۱۷۷ ﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ اَشْتَرَوْا الْكُفْرَ بِالْاِيْمَانِ لَنْ يَضُرُّوْا اللّٰهَ شَيْئًا وَّ

لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ

قطعاً کسانی که ایمان را با کفر معامله کردند، هرگز به خداوند ضرری نمی‌رسانند و برای آنان عذاب دردناکی است.

## نکته‌ها:

□ در قرآن مسأله‌ی خرید و فروش و سود و زیان سرمایه عمر، بارها تکرار شده است. قرآن، دنیا را بازار می‌داند و مردم را فروشنده و عقاید و اعمال انسان را در طول عمر، کالای این بازار. در این بازار، فروش اجباری است ولی انتخاب مشتری با انسان است. یعنی ما نمی‌توانیم آنچه را داریم، از قدرت و عمل و عقیده رها بگذاریم، ولی می‌توانیم مسیر عقاید و کردار را سودبخش یا زیان آور قرار دهیم.

در قرآن از عده‌ای ستایش شده که جان خود را با خدا معامله می‌کنند و در عوض بهشت و رضوان می‌گیرند و از عده‌ای انتقاد شده که بخاطر انحراف و انتخاب سوء یا سودی نمی‌برند؛ ﴿فَمَا رَجَعَتِ تِجَارَتُهُمْ﴾<sup>(۱)</sup> و یا دچار خسارت می‌شوند؛ ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ﴾ و در بعضی آیات همچون آیه‌ی فوق، کسانی که ایمان خود را با کفر معامله می‌کنند، تحقیر می‌شوند و در مقابل به مؤمنان دلداری داده می‌شود که ارتداد آن افراد، به خدا و راه خدا هیچ ضرری نمی‌زند.

## پیام‌ها:

- ۱- سرمایه اصلی انسان، ایمان و یا زمینه‌های فطری ایمان است. ﴿اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ﴾
- ۲- در یک انقلاب عقیدتی و فرهنگی، از ریزش‌های جزئی نگران مباشید. ﴿اشْتَرُوا الْكُفْرَ... لَنْ يَضُرَّوْا اللَّهَ﴾

﴿۱۷۸﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا

نُمَلِّى لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و کسانی که کافر شدند، مپندارند مهلتی که به آنان می‌دهیم برایشان خوب است، همانا به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناه (خود) بیفزایند و برای آنان عذابی خوارکننده است.

## نکته‌ها:

□ قرآن، واژه‌ی لایحسین «گمان نکنید» را بارها خطاب به کفار و منافقان و افراد سست ایمان بکار برده است؛ زیرا این افراد از واقع‌بینی و تحلیل درست و روشن ضمیری لازم محرومند. آنها آفرینش را بیهوده، شهادت را نابودی، دنیا را پایدار، عزت را در گرو تکیه به کفار و طول عمر خود را مایه‌ی خیر و برکت می‌پندارند که قرآن بر همه‌ی این پندارها خط بطلان کشیده است.

□ اهل کفر، داشتن امکانات، بدست آوردن پیروزی‌ها و زندگی در رفاه خود را نشان شایستگی خود می‌دانند، در حالی که خداوند آنان را به دلیل آلودگی به کفر و فساد، مهلت می‌دهد تا در تباهی خویش غرق شوند.

در تاریخ می‌خوانیم: هنگامی که به فرمان یزید امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، خاندان آن حضرت را به اسارت به کاخ یزید در شام بردند. یزید در مجلس خود با غرور تمام خطاب به حضرت زینب گفت: «دیدید که خدا با ماست»، حضرت در پاسخ او، این آیه را تلاوت کرد و فرمود: من تو را پست و کوچک و شایسته هرگونه تحقیر می‌دانم. هر آنچه می‌خواهی انجام بده، ولی به خدا سوگند که نور خدا را نمی‌توانی خاموش کنی. آری، برای چنین افراد خوشگذرانی، عذاب خوار کننده آماده شده، تا عزت خیالی و دنیایی آنان، با خواری و ذلت در آخرت همراه باشد.

□ مجرمان دوگونه‌اند: گروهی که قابل اصلاحند و خداوند آنها را با موعظه و حوادث تلخ و شیرین، هشدار داده و بیدار می‌کند، و گروهی که قابل هدایت نیستند، خداوند آنها را به حال خویش رها می‌کند تا تمام قابلیت‌های آنان بروز کند. به همین جهت امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرمود: مرگ برای کفار یک نعمت است، زیرا هر چه بیشتر بمانند زیادت‌ر گناه می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

□ حضرت علی علیه السلام درباره‌ی «أَمَا مَلَى لَهُمْ لِيَزَادُوا إِثْمًا» فرمود: چه بسیارند کسانی که احسان به آنان (از جانب خداوند)، استدراج و به تحلیل بردن آنان است و چه بسیارند کسانی که به

۱. تفسیر نورالثقلین.

خاطر پوشانده شدن گناه و عیوبشان، مغرورند و چه بسیارند افرادی که به خاطر گفته‌های خوب درباره آنان مفتون شده‌اند. خداوند هیچ بنده‌ای را به چیزی همانند «املاء» و مهلت دادن مبتلا نکرده است.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- کفر، مانع شناخت حقیقت است. ﴿لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا...﴾
- ۲- کوتاه یا بلند بودن عمر و زمان رفاه، بدست خداست. ﴿غَمَلِي لَهْم... غَمَلِي لَهْم﴾
- ۳- همه‌ی انسان‌ها دنبال خیر هستند، لکن بعضی در مصداق اشتباه می‌کنند. ﴿لَا يَحْسِبَنَّ... خَيْرَ لَنَا نَفْسَهُمْ﴾
- ۴- مهلت‌های الهی، نشانه‌ی محبوبیت نیست. ﴿لَا يَحْسِبَنَّ... خَيْرَ لَنَا نَفْسَهُمْ﴾
- ۵- نعمت‌ها به شرطی سودمند هستند که در راه رشد و خیر قرار گیرند، نه در راه شرّ و گناه. ﴿إِنَّمَا غَمَلِي لَهْم لِيَزِدُوا إِثْمًا﴾
- ۶- طول عمر مهم نیست، چگونگی بهره از عمر مهم است. ﴿إِنَّمَا غَمَلِي لَهْم﴾  
امام سجاد علیه السلام در دعای «مکارم‌الاخلاق» چنین می‌فرماید: خدایا! اگر عمر من چراگاه شیطان خواهد شد، آن را کوتاه بگردان.
- ۷- زود قضاوت نکنیم، پایان کار و آخرت را نیز به حساب آوریم. ﴿إِنَّمَا غَمَلِي لَهْم خَيْر... وَ لَهْم عَذَابٌ مَّهِينٌ﴾
- ۸- رفاه و حاکمیت ستمگران، نشانه‌ی خشنودی خداوند از آنان نیست. چنانکه دلیلی بر سکوت ما در برابر آنان نیز نمی‌باشد. ﴿غَمَلِي لَهْم... لَهْم عَذَابٌ مَّهِينٌ﴾
- ۹- عذاب‌های آخرت، انواع و مراحل متعددی دارد. ﴿عَذَابٌ مَّهِينٌ﴾ در آیه‌ی قبل نیز فرمود. ﴿عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

۱. تحف العقول، ص ۲۰۳.



﴿ ۱۷۹ ﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ  
 الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ  
 اللَّهَ يَجْتَنِبُ مَن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن  
 تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

خداوند بر آن نیست که (شما) مؤمنان را بر آن حالی که اکنون هستید رها کند، مگر اینکه (با پیش آوردن آزمایش‌های پی در پی،) ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه سازد، ولی از پیامبرانش، هر که را بخواهد (برای آگاهی از غیب) بر می‌گزیند، پس به خدا و پیامبرانش ایمان آورید و (بدانید) اگر ایمان آورده و تقوا پیشه کنید، پس برای شما پاداش بزرگی خواهد بود.

### نکته‌ها:

□ این آیه، آخرین آیه این سوره درباره‌ی جنگ اُحد است که می‌فرماید: جهان یک آزمایشگاه بزرگ است و چنین نیست که هر کس ادعای ایمان کند رها شود و در جامعه به طور عادی زندگی کند، بلکه شکست‌ها و پیروزی‌ها، برای شناسایی نهان انسان‌هاست. بعضی مؤمنان خواستار آگاهی از غیب و نهان انسان‌ها بودند و می‌خواستند از طریق غیب منافقان را بشناسند، نه از طریق آزمایش که این آیه می‌فرماید: راه شناخت، آزمایش است نه غیب و شناسایی خوب و بد، از طریق آزمایش‌های تدریجی صورت می‌گیرد. چون اگر به علم غیب، افراد بد و خوب شناخته شوند، شعله‌ی امید خاموش و پیوندهای اجتماعی گسسته و زندگی دچار هرج و مرج می‌شود.

### پیام‌ها:

۱- خداوند، کفّار را به حال خود رها می‌کند؛ ﴿مَنْ لِيْهِمْ لِيُزِدُوْا اِثْمًا﴾ ولی مؤمنان را رها نمی‌کند. ﴿مَا كَانَ اللّٰهُ لِيُذَرَ الْمُؤْمِنِيْنَ﴾

- ۲- جداسازی پاک از پلید، از سنت‌های الهی است. ﴿حَقِّ يَمِيزُ الْحَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾
- ۳- ایمان و کفر افراد، از امور درونی و غیبی است که باید از طریق آزمایش ظاهر شود، نه علم غیب. ﴿حَقِّ يَمِيزُ الْحَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ﴾
- ۴- زندگی با مردم باید بر اساس ظاهر آنان باشد، آگاهی بر اسرار مردم، زندگی را فلج می‌کند. ﴿وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ﴾
- ۵- علم غیب، مخصوص خداست و فقط به بعضی از پیامبران برگزیده‌اش، آن هم در حدّ اطلاع بر غیب نه تمام ابعاد آن، بهره‌ای داده است. ﴿لِيُطْلِعَكُمْ﴾
- ۶- هر چند زندگی باید به نحو عادی سپری شود، ولی خدا به افرادی علم غیب را عطا می‌کند. ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنِ رَسَلَهُ﴾
- ۷- درجات انبیا یکسان نیست. ﴿يُحِبُّ مَنِ رَسَلَهُ مِنْ يَشَاءُ﴾
- ۸- خداوند علم غیب را به کسانی می‌دهد که از جانب او صاحب رسالتی باشند. ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنِ رَسَلَهُ﴾
- ۹- ایمان قلبی باید همراه با تقوای عملی باشد. ﴿تَوَمَّنُوا وَ تَتَّقُوا﴾
- ۱۰- طیب و پاکی اصالت داشته و پایدار است، ولی خبث عارضی و رفتنی است. ﴿يَمِيزُ الْحَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾ جدا کردن ناپاک از پاک، نشانه عارضی بودن ناپاک است.

﴿۱۸۰﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ

خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ

لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

و کسانی که نسبت به (انفاق) آنچه خداوند از فضلش به آنان داده، بخل می‌ورزند، گمان نکنند که (این بخل) برای آنان بهتر است، بلکه آن برایشان بدتر است. به زودی آنچه را که بخل کرده‌اند در روز قیامت، (به صورت) طوقی بر گردنشان آویخته می‌شود. و میراث آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

## پیام‌ها:

- ۱- واقع بین باشید و از خیال و گمان انحرافی دوری کنید. ﴿لَا يَحْسِبَنَّ﴾
- ۲- مال که از آن تو نیست، پس بخل چرا؟ ﴿اتاهم الله من فضله﴾
- ۳- سرچشمه‌ی بخل، ناآگاهی و تحلیل غلط از خیر و شرّ است. ﴿لَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ... خيرا لهم بل هو شرّ لهم﴾
- ۴- یکی از وظایف انبیا، اصلاح بینش و تفکر انسان‌هاست. ﴿لَا يَحْسِبَنَّ... هو خيرا لهم بل هو شرّ لهم﴾
- ۵- حبّ دنیا، شرور را نزد انسان خیر جلوه می‌دهد. ﴿لَا يَحْسِبَنَّ... هو خیر﴾
- ۶- در قیامت، برخی جمادات نیز محشور می‌شوند. ﴿سَيُطَوَّقُونَ ما بخلوا﴾
- ۷- معاد، جسمانی است. ﴿سَيُطَوَّقُونَ ما بخلوا﴾
- ۸- قیامت، صحنه‌ی ظهور خیر و شرّ واقعی است. ﴿هو شرّ لهم سَيُطَوَّقُونَ ما بخلوا﴾
- ۹- انسان، در تصرف اموال خود آزاد مطلق نیست. ﴿سَيُطَوَّقُونَ ما بخلوا﴾
- ۱۰- قیامت، صحنه‌ی تجسم عمل است. ﴿سَيُطَوَّقُونَ ما بخلوا﴾ در حدیث آمده است: هرکس زکات مال خود را ندهد، در قیامت اموالش به صورت مار و طوقی بر گردنش نهاده می‌شود.<sup>(۱)</sup>
- ۱۱- زمان برپایی قیامت، دور نیست. ﴿سَيُطَوَّقُونَ﴾
- ۱۲- اسیر مال شدن، موجب اسارت در آخرت است. ﴿سَيُطَوَّقُونَ﴾
- ۱۳- آنچه را در دنیا به آن دل بسته‌ایم و بخل ورزیده‌ایم، همان مایه‌ی عذاب ما می‌شود. ﴿سَيُطَوَّقُونَ ما بخلوا﴾
- ۱۴- خداوند هم صاحب میراث ماندگار دنیاست و هم نیازمند انفاق ما نیست. پس دستور انفاق، برای سعادت خود ماست. ﴿و الله میراث السموات والارض﴾
- ۱۵- وارث واقعی همه چیز و همه کس خداست. ما با دست خالی آمده‌ایم و با

۱. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۳، ص ۵۰۲.

دست خالی می‌رویم، پس بخل چرا؟ ﴿وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

﴿۱۸۱﴾ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ

سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ وَنَقُولُ ذُوقُوا

### عَذَابَ الْحَرِيقِ

همانا خداوند سخن کسانی را که گفتند: خدا فقیر است و ما توانگریم، شنید. به زودی این سخن آنان، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و به آنان خواهیم گفت: بچشید عذاب آتش سوزان را.

﴿۱۸۲﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

آن (عذاب) به سبب دست آورد قبلی خودتان است و همانا خداوند نسبت به بندگان، ستمگر نیست.

### نکته‌ها:

- در تفاسیر می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ نامه‌ای به یهود بنی‌قینقاع نوشت و آنان را به ایمان، نماز، زکات و انفاق، دعوت کرد. وقتی این نامه به دست دانشمند یهودیان به نام «فتحاص» که در حال تدریس بود رسید، رو به شاگردان و حاضران کرد و با استهزا گفت: براساس این دعوت‌نامه، خدا فقیر است و ما غنی هستیم. او از ما قرض می‌خواهد و وعده‌ی ربا و اضافه می‌دهد!
- گرچه یهودیان زمان رسول خدا ﷺ چون به رفتار نیاکان خود در قتل انبیا راضی بودند، خداوند نسبت قتل را به آنان نیز می‌دهد. ﴿وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ﴾
- امام باقر علیه السلام فرمودند: کسانی که امام را نسبت به آنچه به او می‌دهند فقیر می‌دانند، نظیر کسانی هستند که می‌گویند: ﴿إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ﴾<sup>(۱)</sup>

۱. تفسیر نورالثقلین؛ بحار، ج ۲۴، ص ۲۷۸.

## پیام‌ها:

- ۱- خدا همه‌ی گفته‌ها را می‌شنود، پس هر حرفی را بر زبان نیاوریم. ﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ﴾
- ۲- جهل و غرور، مرز و نهایت ندارد، تا آنجا که بشر ناتوان نیازمند می‌گردد: خداوند فقیر است و ما غنی هستیم. ﴿إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ﴾
- ۳- احساس دارایی و بی‌نیازی، زمینه‌ی سرپیچی از فرامین الهی و استهزای آنهاست. ﴿نَحْنُ أَغْنِيَاءُ﴾
- ۴- برخی افراد، گمان می‌کنند ریشه‌ی دستورات الهی نیاز اوست. ﴿إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ﴾
- ۵- همه‌ی گفتارها و کردارها ثبت می‌شود. ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمْ﴾
- ۶- ملاک ارزیابی گفتار و کردار، از هرکس که باشد، حق است. کشتن پیامبران چون ناحق است مورد کیفر واقع می‌شود. ﴿قَتْلَهُمُ الْاِنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾
- ۷- انسان در انجام عمل آزاد است، لذا کارها به خود او نسبت داده می‌شود. ﴿قَدَّمْتُ اَيْدِيَكُمْ﴾
- ۸- پاداش و کیفر الهی، بر طبق عدالت و بر اساس اعمال آزادانه و آگاهانه خود انسان است. ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُ اَيْدِيَكُمْ﴾
- ۹- کیفرهای الهی، ظلم خدا بر بشر نیست، بلکه ظلم بشر بر خویشان است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ﴾
- ۱۰- اگر خداوند افراد بخیل و قاتلان انبیا را مجازات نکند، به فقرا و انبیا ظلم کرده است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ﴾

﴿۱۸۳﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا  
بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ  
بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

کسانی که گفتند: همانا خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، مگر آنکه (به صورت معجزه) یک قربانی برای ما بیاورد، که آتش

(صاعقه آسمانی) آن را بخورد! بگو: (این حرف‌ها بهانه است)، بی‌گمان پیامبرانی پیش از من، با دلائلی روشن و (حتی) با همین (پیشنهادی) که گفتید، برای شما آمدند، پس اگر راست می‌گویید چرا آنان را کشتید؟

### نکته‌ها:

□ برخی برای فرار از قبول اسلام، بهانه تراشی نموده و می‌گفتند: خداوند از ما تعهد گرفته تنها به پیامبری ایمان بیاوریم که حیوانی را قربانی کند و صاعقه‌ی آسمانی آن قربانی را در برابر چشم مردم بسوزاند، تا به پیامبری او یقین کنیم. این آیه نازل شد تا به آن بهانه تراشان لجوج بگوید: اگر شما راست می‌گویید، چرا به پیامبران قبل از من که علاوه بر انواع معجزات، آنچه را شما درخواست می‌کنید به شما عرضه کردند، ایمان نیاوردید؟

□ امام صادق علیه السلام پس از تلاوت این آیه فرمود: میان یهودیان بهانه‌جوی زمان پیامبر اسلام و یهودیانی که انبیا را می‌کشتند، پانصد سال فاصله بوده است، اما به خاطر رضایت آنان بر قتل نیاکان، خداوند نسبت قتل را به آنان نیز داده است.<sup>(۱)</sup>

□ در تورات، کتاب اول پادشاهان (باب ۱۸ جمله ۳ و ۴) ماجرای به شهادت رساندن انبیای بنی‌اسرائیل آمده است. همچنین در سفر لاویان، (باب ۹ جمله‌ی دوم) موضوع قربانی قوج آمده است.

### پیام‌ها:

۱- فرار از پذیرش حق را با عناوین مذهبی توجیه نکنید. ﴿انّ الله عهدالینا الّا تؤمن﴾  
 ۲- یهود، موسی را آخرین پیامبر نمی‌دانستند، بلکه می‌گفتند: عهد خدا با ما آن بوده است که پیامبر بعدی، چنین و چنان باشد. ﴿عهد الینا... یأتینا بقربان﴾  
 ۳- انسانی که روحیه‌ی استکباری پیدا کرد، هم به خدا تهمت می‌زند؛ ﴿انّ الله عهد الینا﴾ و هم تسلیم هیچ پیامبری نمی‌شود؛ ﴿الّا تؤمن لرسول﴾ و هم توقع دارد که معجزه‌ها، مطابق تمایلات و خواسته‌های او باشد. ﴿حق یأتینا بقربان﴾

۱. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸؛ کافی، ج ۲، ص ۴۰۹. (به نقل از تفسیر راهنما)

- ۴- قربانی حیوان، تاریخی بس طولانی دارد. ﴿..بقران﴾
- ۵- سوابق هر گروه و ملتی، بهترین گواه بر صدق یا کذب ادعای آنهاست. ﴿جاءکم... بالبیئات و بالذی قلم﴾
- ۶- بهانه تراشی مخالفان، در طول تاریخ شبیه هم است. ﴿و بالذی قلم﴾
- ۷- استدلال و احتجاج پیامبر با یهود، به تعلیم خداوند بود. ﴿قل قد جائکم﴾
- ۸- گاهی برای اثبات یا حقانیت یک امر یا مصلحت مهم تر باید اموالی فدا شود. آری، اگر مالی آتش گرفت ولی چشمی بیدار و یا دلی روشن شد، اسراف نخواهد بود. ﴿قد جائکم رسلی... بالذی قلم...﴾
- ۹- رضایت بر گناه نیاکان، سبب شریک شدن در جرم آنان است. ﴿فلم قتلتموهم﴾

﴿ ۱۸۴ ﴾ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَ

### الزُّبُرِ وَ الْكِتَابِ الْمُنِيرِ

(بنابراین) پس اگر تو را تکذیب کردند (چیز تازه‌ای نیست، زیرا) انبیای قبل از تو نیز که همراه با معجزات و نوشته‌ها و کتاب روشنگر آمده بودند، تکذیب شدند.

### پیام‌ها:

- ۱- آشنایی با تاریخ گذشتگان، روحیه‌ی صبر و مقاومت را در انسان بالا می‌برد. ﴿فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلک﴾
- ۲- تمام انبیا، مخالفانی داشته‌اند. ﴿کذب رسل﴾
- ۳- حرکت انبیا در طول تاریخ، یک حرکت فرهنگی، فکری و اعتقادی بوده است. ﴿بالبیئات والزبر والکتاب﴾
- ۴- معجزات پیامبران متنوع بوده‌اند، ولی اصول همه‌ی ادیان یکی بوده است. کلمه‌ی ﴿البینات﴾ جمع، ولی ﴿الکتاب﴾ مفرد آمده است.

﴿ ۱۸۵ ﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا  
مَتَاعُ الْغُرُورِ

هرکسی چشمنده‌ی مرگ است. و بی گمان روز قیامت پاداش‌های شما به طور کامل پرداخت خواهد شد. پس هرکس از آتش برکنار شد و به بهشت وارد گشت، قطعاً رستگار است و زندگانی دنیا، جز مایه‌ی فریب نیست.

#### نکته‌ها:

- این آیه به پیامبر و دیگر مصلحان که مورد آزار و اذیت و تکذیب کفار قرار می‌گیرند، روحیه‌ی صبر و مقاومت می‌بخشد، زیرا می‌فرماید: همه می‌میرند و لجاجت‌ها موقتی است و پاداش تحمل این مشکلات را خداوند بی‌کم و کاست عطا می‌کند.
- امام صادق علیه السلام درباره‌ی ﴿ کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ﴾ فرمودند: همه‌ی اهل زمین و آسمان می‌میرند و فقط فرشته مرگ (ملک الموت) و فرشتگان حاملان عرش و جبرئیل و میکائیل باقی می‌مانند، سپس ملک الموت مأمور می‌شود که روح آنان را نیز بگیرد و تنها خود باقی می‌ماند و خداوند به او خطاب می‌کند که بمیر، او نیز می‌میرد.<sup>(۱)</sup>

#### پیام‌ها:

- ۱- مرگ در راه است، پس این همه لجاجت و استکبار در برابر حق، برای چه؟  
﴿ کَذَّبُوكَ... كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ﴾
- ۲- مرگ، عدم نیست، یک امر وجودی قابل درک و راه انتقال از دنیا به آخرت است. ﴿ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ﴾
- ۳- گناهان و عوامل سوق دهنده به دوزخ، دارای جاذبه‌هایی است که باید انسان با نیروی ایمان و عمل صالح خود را برهاند. ﴿ زُحِرَ عَنِ النَّارِ ﴾

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۵۶.



۴- جزای کامل در آخرت است، و پاداش‌های دنیوی بی‌ارزش. ﴿توفون أُجورکم یوم القیامة... ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور﴾

﴿ ۱۸۶ ﴾ لَتُبْلَوْنَ فِیْ اَمْوَالِکُمْ وَاَنْفُسِکُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْکِتَابَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَمِنْ الَّذِیْنَ اَشْرَکُوْا اَذٰی کَثِیْرًا وَاِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا فَاِنَّ ذٰلِکَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ

قطعاً شما در اموال و جان‌های خویش آزمایش خواهید شد و از کسانی که پیش از شما کتاب (آسمانی) داده شده‌اند و از کسانی که شرک ورزیده‌اند، آزار بسیاری می‌شنوید و اگر صبوری و پرهیزگاری پیشه کنید، پس قطعاً آن (صبر، نشانه‌ی) عزم استوار شما در کارهاست.

#### نکته‌ها:

- وقتی مسلمانان از مکه به مدینه مهاجرت کردند، مشرکان به اموال آنان یورش برده و به هرکس که دست می‌یافتند، او را مورد آزار قرار می‌دادند. از طرف دیگر، در مدینه هم یهودیان به آنها زخم زبان می‌زدند و حتی برخی با کمال بی‌شرمی برای زنان و دختران مسلمان، غزل سرایی کرده و یا آنها را هجو می‌نمودند.
- سردمداری این جریان با شخصی به نام کعب بن اشرف بود که رسول خدا ﷺ دستور قتل وی را داده بود. این آیه ضمن تسلی دادن به مسلمانان، از آنان می‌خواهد در برابر آزار دشمنان صبر و تقوا پیشه کنند که مایه‌ی استواری آنان در ایمان می‌گردد.
- امام رضا علیه السلام پرداخت زکات را یکی از مصادیق آزمایش در اموال دانستند که در این آیه مطرح گردیده است. (۱)

۱. تفسیر نورالثقلین.

## پیام‌ها:

- ۱- آزمایش، یک سنت حتمی الهی است، خود را آماده کنیم. ﴿تَبْلُونَ﴾ (حرف لام و نون مشدد نشانه‌ی تأکید و جدیت است).
- ۲- یاد مرگ و زودگذری دنیا، مسائل را برای انسان آسان می‌کند. ﴿كُلْ نَفْسٌ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ... تَبْلُونَ فِي أَمْوَالِكُمْ﴾
- ۳- بیشترین ابزار آزمایش، مال و جان انسان است. ﴿أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ﴾
- ۴- علاوه بر پذیرش خطر جان و مال، باید خود را برای شنیدن انواع نیش‌ها و تحقیرها آماده کرد. ﴿وَلْتَسْمَعْنَ...﴾
- ۵- تحقیر و دشنام و هجو و آزار دیدن از دشمن، یکی از وسایل آزمایش اهل ایمان است. ﴿تَبْلُونَ... وَلْتَسْمَعْنَ... اذَى كَثِيرًا﴾
- ۶- برای رسیدن به اهداف مقدس، گاهی باید همه گونه سختی را تحمل کرد. ضربه به مال، جان، حیثیت و آبرو. ﴿أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلْتَسْمَعْنَ... اذَى كَثِيرًا﴾
- ۷- انتظار زخم زبان از مخالفان، سبب آمادگی مسلمانان است. ﴿لْتَسْمَعْنَ...﴾
- ۸- مخالفان اسلام در ضربه زدن به مسلمان‌ها، وحدت در هدف و گاهی وحدت در شیوه دارند. ﴿لْتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ اتُّوا الْكُتَابَ... وَمِنَ الَّذِينَ اشْرَكُوا﴾
- ۹- دشمن به کم قانع نیست. ﴿اذَى كَثِيرًا﴾
- ۱۰- صبر و تقوا در کنار هم رمز موفقیت است. استقامت بدون تقوا، در افراد لجوج نیز پیدا می‌شود. ﴿تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا﴾
- ۱۱- صبر و تقوا، ملازم یکدیگرند. کلمه‌ی ﴿ذَلِكَ﴾ مفرد است، در حالی که به صبر و تقوا که دو چیزند، اشاره دارد.

﴿ ۱۸۷ ﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ  
لَتَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا  
فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

و (به یاد آور) زمانی که خدا از کسانی که به آنان کتاب (آسمانی) داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید آن را برای مردم بیان کنید و کتمانش نکنید، پس آنها آن (عهد) را پشت سرشان انداختند و به بهای کمی مبادله کردند، پس چه بد معامله‌ای کردند.

### نکته‌ها:

□ امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمودند: خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که آنچه درباره‌ی حضرت محمد صلی الله علیه و آله در تورات و انجیل آمده است برای مردم بگویند و کتمان نکنند.<sup>(۱)</sup>

□ اگر امروز میلیون‌ها اهل کتاب (مسیحی، یهودی و زرتشتی) در دنیا هست، همه به سبب سکوت نابجای دانشمندان آنهاست. به گفته‌ی تفسیر اطیب البیان، بیش از شصت مورد بشارت اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کتاب عهدین آمده است، ولی دانشمندان اهل کتاب همه را رها کرده‌اند.

### پیام‌ها:

- ۱- خداوند برای هدایت مردم، از علما و دانشمندان پیمان مخصوص گرفته است. ﴿أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ﴾
- ۲- بیان حقایق باید به گونه‌ای باشد که چیزی برای مردم نامشخص و پنهان نماند. ﴿لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَتَكْتُمُونَهُ﴾
- ۳- وظیفه‌ی دانشمندان، تبیین کتاب آسمانی برای مردم است. ﴿لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ﴾
- ۴- انگیزه‌ی سکوت دانشمندان اهل کتاب از بیان حق، رسیدن به مال و مقام و یا حفظ آن است. ﴿وَ اشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا﴾

۱. بحار، ج ۹، ص ۱۹۲؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۸. (به نقل از تفسیر راهنما)

۵- علم به تنهایی برای سعادت و نجات کافی نیست، بی‌اعتنایی به مال و مقام نیز لازم است. ﴿اوتوا الكتاب... اشترُوا به ثمناً قليلاً﴾

۶- هر چیزی که در برابر کتمان آیات الهی گرفته شود، اندک است. ﴿اشترُوا به ثمناً قليلاً﴾

۷- عمل به دین و تعهدات الهی ارزش بسیار والایی دارد. اگر به هر مقام و ثروتی برسیم، ولی دین خود را از دست بدهیم، باخته‌ایم. ﴿ثمناً قليلاً بئس ما يشترون﴾

﴿۱۸۸﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا

لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّاهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گمان مبر کسانی که به آنچه کرده‌اند، شادمانی می‌کنند و دوست دارند برای آنچه نکرده‌اند ستایش شوند، میندار که آنها از عذاب الهی رسته‌اند، (زیرا) برای آنها عذابی دردناک است.

### نکته‌ها:

□ مردم سه دسته‌اند:

۱. گروهی که کار می‌کنند و انتظار پاداش یا تشکر از مردم ندارند. ﴿لأنريد منكم جزاء و لاشكورا﴾<sup>(۱)</sup>

۲. گروهی که کار می‌کنند تا مردم بدانند و ستایش کنند. ﴿رئاء الناس﴾<sup>(۲)</sup>

۳. گروهی که کار نکرده، انتظار ستایش از مردم دارند. ﴿يحمدوا بما لم يفعلوا...﴾

□ از مواردی که غیبت جایز است، کسی است که ادعای مقام یا تخصص یا مسئولیتی را می‌کند که صلاحیت آن را ندارد. ﴿يحبون ان يحمدوا بما لم يفعلوا﴾

□ برای این‌که تمایل نابجای ستایش بدون عمل از بین برود، در اسلام هرگونه تملق و چاپلوسی منع شده است.

## پیام‌ها:

- ۱- رذایل اخلاقی، همچون عجب و غرور و انتظار تملق از مردم، هلاکت قطعی را به دنبال دارد. ﴿یفرحون... یحبون... فلا تحسبنهم بمفازة﴾
- ۲- قرآن، هرگونه تحلیل و تفسیر نابجا را نسبت به هر کس و هر موردی محکوم می‌کند. ﴿لا تحسبن... فلا تحسبنهم﴾ آیاتی که با کلماتِ ﴿لا تحسبن﴾، ﴿لا یحسبن﴾، ﴿أفحسبتم﴾ آغاز شده، بیانگر همین معناست.
- ۳- خداوند نه تنها برای رفتار، بلکه برای خواسته‌های خیر و شرّ انسان نیز حساب باز می‌کند. ﴿یحبون ان یحمدوا... لهم عذاب الیم﴾ در آیه ۱۹ سوره نور نیز نسبت به کسانی که دوست دارند فحشا در جامعه رواج یابد وعده‌ی عذاب می‌دهد. ﴿یحبون ان تشیع الفاحشة... لهم عذاب الیم﴾
- ۴- آنچه خطرش بیشتر است، توقع حمد است، نه توقع شکر و مدح. زیرا در حمد، نوعی ستایش آمیخته با پرستش نهفته است. ﴿یحبون ان یحمدوا﴾
- ۵- گنهکار ممکن است پشیمان شده، توبه کند و نجات یابد، ولی افراد مغرور، حتی در صدد توبه بر نمی‌آیند، لذا امیدی به نجات آنان نیست. ﴿ولا تحسبنهم بمفازة من العذاب﴾
- ۶- کسانی که در دنیا گرفتار اوهام خودپرستی و اسیر زندان «منیت» هستند، در قیامت نیز اسیر و گرفتار عذاب الهی‌اند. ﴿ولهم عذاب الیم﴾

﴿۱۸۹﴾ **وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**

و حکومت آسمان‌ها و زمین برای خداست و خداوند بر هر کاری تواناست.

## نکته‌ها:

- حکومت خداوند نسبت به جهان، حقیقی است نه اعتباری، چون وجود و بقای هر چیز تنها بدست اوست. برای ایجاد می‌فرماید: ﴿کن فیکون﴾<sup>(۱)</sup> و برای محو می‌فرماید: ﴿ان یشأ

۱. بقره، ۱۱۷.

یذهبکم و یأت بخلقٍ جدید ﴿۱﴾

حکومت خداوند دائمی و همیشگی است، ولی حکومت‌های غیرالهی موقتی و چند صباحی بیش نیست. ﴿تلك الايام نداولها بين الناس﴾<sup>(۲)</sup> آری، این نوع حکومت حقیقی و دائمی تنها در انحصار خداوند است. ﴿ولله ملك السموات والارض﴾

### پیام‌ها:

- ۱- در قرآن هر جا سخن از حاکمیت الهی است، آسمان‌ها قبل از زمین مطرح شده، شاید نشانگر وسعت و عظمت آسمان‌هاست. ﴿ملك السموات والارض﴾
- ۲- بسیاری افراد می‌گویند که حکومت در دست آنهاست، ولی نمی‌توانند به خواسته‌های خود جامه‌ی تحقق ببوشانند، ولی خداوند هم حکومت دارد و هم بر هر کاری قادر است. ﴿ملك السموات... علی کل شیءٍ قدير﴾

﴿۱۹۰﴾ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ**

### لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، نشانه‌هایی (از علم، رحمت، قدرت، مالکیت، حاکمیت و تدبیر خداوند) برای خردمندان است.

### نکته‌ها:

□ از عایشه پرسیدند: بهترین خاطره‌ای که از رسول خدا ﷺ به یاد داری چیست؟ گفت: تمام کارهای پیامبر شگفت‌انگیز بود، اما مهم‌تر از همه برای من، این بود که رسول خدا شبی در منزل من استراحت می‌کرد، هنوز آرام نگرفته بود که از جا برخاست، وضو گرفت و به نماز ایستاد و به قدری گریه کرد که جلو لباسش تر شد، بعد به سجده رفت و به اندازه‌ای گریه کرد که زمین تر شد.

صبح که بلال آمد سبب این همه گریه را پرسید، فرمود: دیشب آیاتی از قرآن بر من نازل

۱. فاطر، ۱۶.

۲. آل عمران، ۱۴۰.

شده است. آنگاه آیات ۱۹۰ تا ۱۹۴ سوره آل عمران را قرائت کرد و فرمود: وای بر کسی که این آیات را بخواند و فکر نکند.<sup>(۱)</sup>

□ حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره قبل از نماز شب این آیات را می خواند. و در احادیث سفارش شده است که ما نیز این آیات را بخوانیم.<sup>(۲)</sup>

□ از «نوف بگالی» صحابه‌ی خاص حضرت علی علیه السلام نقل شده است که شبی خدمت حضرت علی علیه السلام بودم. امام از بستر بلند شد و این آیات را خواند. سپس از من پرسید: خوابی یا بیدار؟ عرض کردم بیدارم. فرمود: خوشا به حال کسانی که آلودگی‌های زمین را پذیرا نگشتند و در آسمان‌ها سیر می‌کنند.<sup>(۳)</sup>

□ کلمه «اللباب» جمع «لُبٌّ» به معنای عقل خالص و دور از وهم و خیال است.

### پیام‌ها:

- ۱- آفرینش جهان، هدفدار است. ﴿ان فی خلق السموات... لآیات لا ولی الالباب﴾
- ۲- هستی‌شناسی، مقدمه‌ی خداشناسی است. ﴿خلق السموات... لآیات﴾  
برگ درختان سبز، در نظر هوشیار  
هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار
- ۳- اختلاف ساعات شب و روز در طول سال، در نظر خردمندان تصادفی نیست.  
﴿و اختلاف الیل و النهار لآیات﴾
- ۴- قرآن، مردم را به تفکر در آفرینش ترغیب می‌کند. ﴿خلق... لآیات لا ولی الالباب﴾
- ۵- هر که خردمندتر است باید نشانه‌های بیشتری را دریابد. ﴿لآیات لا ولی الالباب﴾
- ۶- آفرینش، پر از راز و رمز، و ظرافت و دقت است که تنها خردمندان به درک آن راه دارند. ﴿لآیات لا ولی الالباب﴾

۱. تفاسیر کبیر فخررازی، قرطبی و مراغی.

۲. تفسیر کبیر فخررازی و مجمع‌البیان.

۳. تفسیر نمونه.

﴿۱۹۱﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ  
يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا  
بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

(خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یاد  
خدا می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند (و از عمق  
جان می‌گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی هدف نیافریده‌ای، تو  
(از کار عبث) پاک و منزّه‌ی، پس ما را از عذاب آتش نگاهدار.

### نکته‌ها:

□ به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام، افراد سالم، نماز را ایستاده و افراد مریض، نشسته و افراد عاجز و  
ناتوان، به پهلو خوابیده، به جا آورند.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- نشانه‌ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. ﴿اولوا الالباب الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم﴾
- ۲- اهل ذکر باید اهل تعقل و تفکر باشند. ﴿الذین یذکرون... و یتفکرون﴾
- ۳- ایمان بر اساس فکر و اندیشه ارزشمند است. ﴿یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا﴾
- ۴- ایمان و اعتراف با تمام وجود ارزش دارد. نباید به اعتراف زبانی اکتفا کرد. ﴿یتفکرون... ربنا ما خلقت...﴾
- ۵- ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می‌گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند. ﴿یذکرون... یتفکرون﴾
- ۶- آنچه سبب رشد و قرب الهی است، ذکر و فکر مستمر است نه مقطعی و

۱. تفاسیر برهان و راهنما.



- موسمی. ﴿یذکرون﴾ و ﴿یتفکرون﴾ فعل مضارع اند که نشان استمرار است.
- ۷- شناختِ حسی طبیعت کافی نیست، تعقل و تفکر لازم است. ﴿یتفکرون فی خلق السموات والارض﴾
- ۸- کسی که در آفرینش آسمانها و زمین فکر کند، بی می برد که خالق هستی، پروردگار ما نیز هست. ﴿یتفکرون... ربنا﴾
- ۹- آفرینش بیهوده نیست، گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم. ﴿ماخلقت هذا باطلا﴾
- ۱۰- اول تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان و آنگاه دعا و مناجات. ﴿یتفکرون... ربنا... فقنا﴾
- ۱۱- اگر هستی بیهوده و باطل نیست، ما هم نباید بیهوده و باطل زندگی کنیم. ﴿ماخلقت هذا باطلا... فقنا عذاب النار﴾
- ۱۲- هستی هدفدار است، پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ نزدیک می شویم. ﴿فقنا عذاب النار﴾
- ۱۳- قبل از دعا، خدا را ستایش کنیم. ﴿سبحانک فقنا...﴾
- ۱۴- ثمره‌ی عقل و خرد، ترس از قیامت است. ﴿اولوا الالباب... فقنا عذاب النار﴾

﴿ ۱۹۲ ﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ

مِنْ أَنْصَارٍ

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمال بدش) به دوزخ افکنی، پس بی شک او را خوار و رسوا ساخته‌ای و برای ستمگران هیچ یآوری نیست.

**نکته‌ها:**

- از امام باقر علیه السلام درباره‌ی ﴿و ما للظالمین من أنصار﴾ سؤال کردند، حضرت فرمودند: یعنی آنها امامانی ندارند تا آنان را به نام بخوانند، (و از آنان شفاعت کنند).<sup>(۱)</sup>

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱.

## پیام‌ها:

- ۱- آتش قیامت سخت است، اما نزد خردمندان که خواهان کرامت انسان هستند خواری و رسوایی قیامت، دردناک‌تر از آن است. ﴿من تدخل النار فقد أجزته﴾
- ۲- ستمگران، از شفاعتِ دیگران محروم هستند. ﴿ما للظالمين من أنصار﴾

﴿۱۹۳﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ  
فَأَمَّا رَبَّنَا فَأَعْفُزُ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا  
مَعَ الْأَبْرَارِ

پروردگارا! همانا ما دعوت منادی ایمان را شنیدیم که (می‌گفت): به پروردگارتان ایمان بیاورید، پس ایمان آوردیم. پروردگارا! پس گناهان ما را بیامرزد و زشتی‌های ما را بپوشاند و ما را با نیکان بمیراند.

## نکته‌ها:

- شاید مراد از «ذنوب» گناهان کبیره باشد و مراد از «سیئات» گناهان صغیره، چنانکه در آیه‌ی شریفه ﴿ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم...﴾<sup>(۱)</sup> «سیئات» در برابر «کبائر» آمده است و ممکن است مراد از «سیئات» آثار گناه باشد.
- در برابر خردمندانی که دعوت به ایمان را اجابت کرده، می‌گویند: «سَمِعْنَا»، افرادی هستند که نسبت به این دعوت بی‌اعتنایی می‌کنند و در قیامت با حسرت تمام می‌گویند: ﴿لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾<sup>(۲)</sup>

## پیام‌ها:

- ۱- خردمندان، آماده‌ی پذیرش حق هستند و در کنار پاسخگویی به ندای فطرت، به ندای انبیا، علما و شهدا پاسخ می‌دهند. ﴿اتنا سمعنا منادياً ينادي للإيمان...﴾
- ۲- استغفار و اعتراف، نشانه‌ی عقل است. ﴿ولوالالباب... ربنا فاغفر لنا﴾

۱. نساء، ۳۱.

۲. ملک، ۱۰.

- ۳- از آداب دعا که زمینه‌ی عفو الهی را فراهم می‌کند، توجّه به ربوبیت الهی است. ﴿رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا﴾
- ۴- ایمان، زمینه‌ی دریافت مغفرت الهی است. ﴿اٰمَنَّا، فَاعْفِرْ لَنَا﴾
- ۵- دیگران را در دعای خود شریک کنیم. ﴿فَاعْفِرْ لَنَا﴾
- ۶- پرده‌پوشی و عفو، از شئون ربوبیت و از شیوه‌های تربیت است. ﴿رَبَّنَا... كَفَّرَعْنَا﴾
- ۷- مردن و مرگ انسان با اراده الهی است. ﴿تَوَقَّأْنَا﴾
- ۸- خردمندانِ دوراندیش، مرگ با نیکان را آرزو می‌کنند. ﴿تَوَقَّأْنَا مَعَ الْاَبْرَارِ﴾
- ۹- نیکان و ابرار مقامی دارند که خردمندان آرزوی آن را می‌کنند. ﴿اُولُو الْاَلْبَابِ... تَوَقَّأْنَا مَعَ الْاَبْرَارِ﴾

﴿۱۹۴﴾ رَبَّنَا وَ اٰتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رُسُلِكَ وَلَا تُحْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

(خردمندان می‌گویند): پروردگارا! آنچه را به واسطه‌ی پیامبران به ما وعده داده‌ای، به ما مرحمت فرما و ما را در روز قیامت خوار مساز که البته تو خلاف وعده انجام نمی‌دهی.

#### نکته‌ها:

- در این چند آیه، خداوند متعال مسیر رشد خردمندان و اولواالالباب را این گونه ترسیم می‌کند: به یاد خدا بودن، فکر، رسیدن به حکمت، تسلیم انبیا شدن، استغفار، خوب مردن، در انتظار الطاف الهی و سرانجام نجات از رسوایی و خواری قیامت.
- در آیات قبل ایمان خردمندان به خداوند و قیامت مطرح بود و در این آیه ایمان به نبوت نیز مطرح شده است. ﴿مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رُسُلِكَ﴾
- تکرار «رَبَّنَا» در سخنان اولواالالباب، نشان شیفتگی آنان به ربوبیت الهی است.
- اولواالالباب، هم عزت دنیا را می‌خواهند و هم عزت آخرت را. جمله‌ی ﴿اٰتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رُسُلِكَ﴾ مربوط به دنیاست که خداوند وعده‌ی نصرت به اهل حق داده است: ﴿اٰتِنَا

لنصر رسلنا ﴿۱﴾ وجملهی «و لا تخزنا» مربوط به عزّت در آخرت است.

### پیام‌ها:

- ۱- وفای به وعده، از شئون ربوبیت الهی است. ﴿ربنا آتنا ما وعدتنا﴾
- ۲- گرچه خداوند به وعده‌های خود وفا می‌کند، لکن ما نیز باید دعا کنیم. ﴿آتنا ما وعدتنا﴾
- ۳- خردمندان به همه‌ی انبیا و همه وعده‌های الهی ایمان دارند. ﴿ما وعدتنا علی رسلك﴾
- ۴- نهایت آرزوی خردمندان، رسیدن به الطاف الهی و نجات از دوزخ و رسوایی قیامت است. ﴿آتنا ما وعدتنا، و لا تخزنا یوم القیامة﴾
- ۵- بیم و امید باید در کنار هم باشد. ﴿آتنا ما وعدتنا... و لا تخزنا﴾

﴿۱۹۵﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ  
أَوْ أُنْتَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ  
دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ  
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ  
عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ

پس پروردگارشان دعای آنان را مستجاب کرد (و فرمود:) که من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، خواه مرد یا زن، (گرچه) همه از یکدیگرید، تباه نمی‌کنم (و بی‌پاداش نمی‌گذارم). پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌هایشان رانده شده و در راه من آزار و اذیت دیده، جنگیده و کشته شدند، قطعاً من لغرض‌هایشان را می‌پوشانم و در باغ‌هایی که نهرها از زیرشان جاری است، واردشان می‌کنم. (این) پاداشی است از طرف خدا و پاداش نیکو تنها نزد خداست.

## پیام‌ها:

- ۱- دعای قلبی، استجاب قطعی دارد. دعایی که همراه با یاد دائمی خدا؛ «یذکرون» فکر؛ «یتفکرون» و ستایش خدا باشد، «سبحانک» قطعاً مستجاب می‌شود. «فاستجاب لهم ربهم»
- ۲- دعای اهل فکر و ذکر، به سرعت مستجاب می‌شود. «فاستجاب»
- ۳- استجاب دعا، جلوه‌ای از ربوبیت الهی است. «فاستجاب لهم ربهم»
- ۴- در جهان بینی الهی، هیچ عملی بدون پاداش نیست. «لاأضیع عمل عامل»
- ۵- دعائی مستجاب می‌شود که همراه با عمل و تلاش دعا کننده باشد، گرچه خود دعا نیز نوعی عمل است. «فاستجاب لهم... لاأضیع عمل عامل»
- ۶- عمل و عامل هر دو مورد توجهند. حُسن فعلی و حُسن فاعلی هر دو مد نظر هستند. «لاأضیع عمل عامل»
- ۷- تنها به عمل مؤمنان پاداش داده می‌شود، چراکه اعمال کفار بی ارزش و حبط و نابود می‌گردد. «عمل عامل منکم»
- ۸- در بینش الهی، مرد و زن در رسیدن به مقام والای انسانی برابر هستند. «من ذکر او انثی»
- ۹- جنس مرد برتر از زن نیست. «من ذکر او انثی بعضکم من بعض»
- ۱۰- در جامعه اسلامی، همه‌ی مسلمانان از یک پیکرند. «بعضکم من بعض»
- ۱۱- تا گناهان و عیوب محو نشود، کسی وارد بهشت نمی‌شود. «لاکفرن... لا دخلنهم»
- ۱۲- هجرت، جهاد، تبعید و تحمّل آزار در راه خدا؛ زمینه‌های عفو خداوند هستند. «هاجروا، اخرجوا من ديارهم و... لا کفرن عنهم...»
- ۱۳- علاقه به وطن، یک حقّ پذیرفته شده‌ی قرآنی است و گرفتن این حق، ظلم است. «اخرجوا من ديارهم»
- ۱۴- در پیمودن راه خدا؛ هجرت، تبعید، شکنجه و جهاد و شهادت لازم است.

﴿فی سبیلی﴾

۱۵- به خاطر بعضی لغزشها، افراد را طرد نکنیم. در این آیه، خردمندانی که حتی از اولیای خدا و اهل بهشتند، سابقه‌ای از لغزش دارند، ولی خداوند آنها را می‌پوشاند. ﴿لَا كُفْرًا﴾

۱۶- عنایت و توجه مخصوص خداوند، برای خردمندان مؤمن است. ﴿لَا أُضِيعُ... لَا كُفْرًا... لَا دُخْلًا...﴾ همه‌ی این فعلها به صیغه متکلم وحده آمده است. به علاوه کلمه‌ی ﴿رَبِّهِمْ﴾ نشانه‌ی عنایت خاص خداوند به خردمندان است.

۱۷- در تحقق وعده‌های خداوند، ذره‌ای شک و تردید وجود ندارد. تمام وعده‌ها با تأکید بیان شده است. ﴿أَنِّي... لَا كُفْرًا... لَا دُخْلًا﴾

۱۸- هر پاداشی ممکن است با تغییر مکان و زمان ارزش خود را از دست بدهد، اما پاداش‌های الهی مطابق فطرت و خلقت انسان است و هرگز از ارزش آن کاسته نمی‌شود. ﴿جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ...﴾

۱۹- نهرهای بهشت، هم از پای درختان آن جاری است؛ ﴿جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا﴾ و هم از زیر جایگاه مسکونی بهشتیان. ﴿مِنْ تَحْتِهِمْ﴾

۲۰- مغفرت و بهشت، ثوابی عمومی است، ولی آن ثوابی که در شأن لطف خدا و مؤمنان است، ثواب دیگری است که فقط نزد خداست و ما از آن خبر نداریم. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ﴾

۲۱- پاداش‌های الهی برای مردم به طور کامل قابل وصف نیست، همین اندازه بدانیم که از هر پاداشی بهتر است. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ﴾

۲۲- پاداش‌های الهی، همراه با انواع کرامت‌هاست. ﴿وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ﴾

﴿۱۹۶﴾ لَا يَعْزُبُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ

رفت و آمد کفار در شهرها تو را فریب ندهد.

## ﴿ ۱۹۷ ﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

(بهره‌ی آنها از این رفت و آمدها) متاع ناچیزی است، سپس جایگاه ابدی آنان جهنم است که بد جایگاهی است.

## نکته‌ها:

□ مشرکان مکه و یهودیان مدینه به خاطر مسافرت‌های تجارتي، سر وسامان داشتند، ولی مسلمانان به خاطر هجرت به مدینه و از دست دادن مال و دارایی و زندگی خود در مکه و همچنین محاصره‌ی اقتصادی، در فشار و تنگنا بودند. این آیه مایه‌ی تسلی آنهاست.

□ در روایتی از حضرت علی عليه السلام آمده است: «ماخیر بخیر بعدها الثار»<sup>(۱)</sup> خیر و خوشی‌هایی که به دنبال آن آتش باشد، ارزشی ندارند. لذت‌های کوتاه مدت و عذاب ابدی برای کافران، ولی سختی‌های موقت و آرامش و آسایش ابدی از آن مؤمنان است.

## پیام‌ها:

- ۱- انبیا نیز نیاز به هشدار دارند، تا در معرض تأثیر پذیری قرار نگیرند. ﴿لَا يَغْرَتُكَ﴾
- ۲- اعزام هیأت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، تشکیل جلسات و مصاحبه‌ها از سوی دشمن، شما را فریب ندهد. ﴿لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾
- ۳- کامیابی‌های مادی هر اندازه باشد، محدود و ناچیز است. ﴿متاع قليل﴾
- ۴- کامیابی‌های کافران، نشانه‌ی حقانیت و محبوبیت آنان نیست. ﴿مأواهم جهنم﴾

## ﴿ ۱۹۸ ﴾ لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

## خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ

لکن برای کسانی که نسبت به پروردگارشان پروا داشته باشند، باغ‌هایی است که نهرها از زیر درختانش جاری است. آنان برای همیشه در آنجا هستند و این پذیرایی (اولیه) از جانب خداوند است و آنچه نزد خداست، برای نیکان بهتر است.

۱. بحار، ج ۸، ص ۱۹۹.

## نکته‌ها:

□ «نُزِّلَ» نخستین چیزی است که با آن از مهمان پذیرایی می‌کنند. گویا خداوند با این تعبیر می‌فرماید: در برابر رفت و آمدهای تجاری کفار، شما از مدار تقوا و ایمان خارج نشوید، زیرا باغ‌های بهشت، مقدمه‌ی پذیرایی از شما خواهد بود.

## پیام‌ها:

- ۱- نعمت‌های دنیوی نسبت به نعمت‌های اخروی بی‌ارزش است. «متاع قليل... ما عندالله خیر»
- ۲- تلاش و رفت و آمد برای کسب دنیا، با حفظ تقوا و توجه به منافع اخروی مانعی ندارد. «لَا يَغْرَتُكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ... لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا»
- ۳- توجه به نعمت‌های بهشت جاودان، سبب گرایش به تقوا و فریفته نشدن به بهره‌های قلیل دنیا است. «اتَّقُوا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ»
- ۴- مقام ابرار بالاتر از متقین است. «اتَّقُوا، لَهُمْ جَنَّاتٌ، وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ»

﴿۱۹۹﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا  
أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

و همانا بعضی از اهل کتاب، کسانی هستند که به خداوند و آنچه به شما نازل شده و آنچه به خودشان نازل شده، خاشعانه ایمان می‌آورند. آیات الهی را به بهای اندک معامله نمی‌کنند. آنها هستند که برایشان نزد پروردگارشان پاداش است. همانا خداوند سریع الحساب است.

## نکته‌ها:

□ برخی مفسران معتقدند: این آیه درباره افرادی از اهل کتاب نازل شده است که به اسلام گرویدند. آنها عبارت بودند از چهل نفر از اهل نجران، سی و دو نفر از حبشه و هشت نفر از



روم (۱).

اما بعضی از مفسران گفته‌اند: آیه درباره‌ی نجاشی، پادشاه حبشه است که در سال نهم هجری در ماه رجب وفات یافت. وقتی رسول خدا ﷺ مطلع شد، به مردم فرمود: یکی از برادران شما در خارج از حجاز وفات یافته، حاضر شوید تا به پاس خدمات او بر وی نماز بخوانیم. پرسیدند: او کیست؟ فرمود: نجاشی. آنگاه مسلمانان به همراه رسول خدا ﷺ به قبرستان بقیع رفته بر او نماز گزارند. (۲)

## پیام‌ها:

- ۱- باید انصاف را مراعات کرد و از خوبان اهل کتاب ستایش نمود. ﴿وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ...﴾
- ۲- هر مکتبی، ریزش و رویش دارد. اگر گروهی ایمان نمی‌آورند و حقایق را کتمان می‌کنند، در عوض گروهی با خشوع ایمان می‌آورند. ﴿أَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ﴾
- ۳- ایمانی ارزش دارد که خاشعانه، ﴿خاشعین﴾ و جامع. ﴿مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ﴾ و پایدار باشد و با مادیات تغییر نیابد. ﴿لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾
- ۴- هر بهائی در برابر دین فروشی پرداخت شود، کم و ناچیز است. ﴿وَلَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾

۱. تفسیر مجمع‌البیان و کبیر فخررازی.

۲. تفسیر درالمنثور.

﴿۲۰۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ  
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و (در برابر دشمنان نیز) پایدار باشید (و دیگران را به صبر دعوت کنید) و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید.

### نکته‌ها:

- این آیه، در چند مرحله به صبر در برابر انواع حوادث و مصائب توصیه می‌کند:
- در برابر ناگواری‌های شخصی و هوسها صبر کنید. ﴿اصبروا﴾
- در برابر فشارهای کفار، مقاومت بیشتر کنید. ﴿صابروا﴾
- در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحث علمی و حفظ مرز دلهای، از هجوم وسوسه‌ها بکوشید. ﴿رابطوا﴾
- کلمه‌ی «رابطوا» از ریشه‌ی «رباط» به معنای بستن چیزی در مکانی است. به کاروانسرا نیز به این دلیل رُباط می‌گویند که کاروان‌ها در آنجا اتراق کرده و مال‌التجاره و اسب و شترها را در آنجا نگه می‌دارند. همچنین به قلبی که محکم و بسته به لطف خدا باشد، رُباط گفته می‌شود. کلمات «ارتباط»، «مربوط» و «رباط» ریشه‌ی واحدی دارند.
- در روایات، «رابطوا» به معنای انتظار اقامه‌ی نماز آمده است.<sup>(۱)</sup> گویا مسلمانان دل و جان خود را با پیوندی که در نماز ایجاد می‌کنند، محکم می‌سازند.
- امام صادق علیه السلام فرمود:
- «اصبروا علی الفرائض» در برابر واجبات صبر کنید.
- «صابروا علی المصائب» در برابر مشکلات صبر کنید.
- «ورابطوا علی الائمه»<sup>(۲)</sup> از پیشوایان خود دفاع کنید.
- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اصبروا علی الصَّلوات الخمس وصابروا علی قتال عدوکم بالسیف

۱. تفسیر مجمع‌البیان. ۲. کافی، ج ۲، ص ۸۱.

ورابطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون» بر نمازهای شبانه روزی پایداری کنید و در جهاد با دشمن، فعال و در راه خدا با یکدیگر هماهنگ باشید تا رستگار شوید.<sup>(۱)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- در سایه‌ی ایمان، به کمالات می‌رسید. ﴿یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا...﴾
- ۲- تا در مشکلات فردی صابر نباشید، نمی‌توانید در برابر دشمنان دین مقاومت کنید. ابتدا ﴿اصبروا﴾ سپس ﴿صابروا﴾
- ۳- از دیگران عقب نمانید، اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کنند، شما نیز در راه خدا با جان و مال پایداری کنید. ﴿صابروا﴾
- ۴- مسلمانان باید مشکلات یکدیگر را تحمل کنند و یکدیگر را به صبر سفارش کنند. ﴿صابروا﴾
- ۵- اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم و خدا و پیامبران. ﴿رابطوا﴾
- ۶- صبر و مصابره و مرابطه باید جهت‌دار باشد و در مسیر تقوا و رضای الهی قرار گیرد، وگرنه کفار هم این امور را دارند. ﴿صابروا و رابطوا و اتقوا الله﴾
- ۷- اسلام دین جامعی است، صبر و تقوا در کنار توجه به مرزها بیان شده است. ﴿اصبروا... رابطوا﴾
- ۸- تقوا، مرتبه‌ای بالاتر از ایمان است. ﴿آمنوا... و اتقوا﴾
- ۹- صبر، زمینه‌ی رسیدن به سعادت و پیروزی است. ﴿لعلکم تفلحون﴾

«والحمد لله رب العالمین»

۱. در المنثور، ج ۲، ص ۴۱۸.